

## فهرست مطالب

- دهه پنجم انقلاب اسلامی و تصویر آینده جبهه مقاومت ..... ۷
- نوسلفی‌گری و امنیت انسانی کشورهای اسلامی در عصر بیداری اسلامی ..... ۲۹
- تبیین آموزه‌های دینی در مکتب شهید سپهد حاج قاسم سلیمانی (بر مبنای تحلیل محتوای وصیت‌نامه سردار) ..... ۴۷
- بازتاب پایداری و بیداری اسلامی در لایه‌های کُردی (مطالعه موردی لایه‌های بیداری هزار و ملاًآواره) ..... ۷۷
- کارکرد عنصر «مکان» در تبلور اندیشه‌های پایداری و بیداری اسلامی (مورد پژوهی: قصیده «لِلْأَقْصَى أَنْزِفُ شَغْفِي» اثر خِضْرِ مُحَمَّدِ أَبُو جُحْجُوح) ..... ۹۷
- پیامدهای نفوذ منطقه‌ای رژیم صهیونیستی بر محور نفوذ و محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران ..... ۱۲۱
- جهاد تبیین از منظر آیت الله خامنه‌ای و مبانی فقهی آن ..... ۱۴۳



## دهه پنجم انقلاب اسلامی و تصویر آینده جبهه مقاومت

- استادیار علوم سیاسی، گروه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، دانشکده علوم اجتماعی و فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران **سعید محمدی\*** <sup>ID</sup>
- استادیار علوم سیاسی، گروه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، دانشکده علوم اجتماعی و فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران **مجید نجات پور** <sup>ID</sup>
- استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران **مجتبی نوروزی** <sup>ID</sup>

### چکیده

مقاله حاضر به دنبال این پرسش اساسی است که نسبت «مفهوم مقاومت اسلامی» با توجه به تحولات معاصر منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، با دهه پنجم انقلاب اسلامی چگونه است؟ به تعبیری آیا تحولات در دو سطح به صورت هم‌افزا و همگرا است و یا اینکه تحولات در قالب دیگری قابل تحلیل و ارزیابی است؟ (مسئله) تحقیق حاضر از نوع مطالعات کیفی و روش پژوهش، روش آینده پژوهی-سناریوپردازی است. گردآوری اطلاعات در این مقاله با بهره‌گیری از منابع اسنادی، کتابخانه‌ای اعم از کتب، مقالات و داده‌های اینترنتی انجام شده است. (روش) با توجه به نتایج به دست آمده از یافته‌های تحقیق می‌توان نسبت ایده مقاومت اسلامی با تحولات دهه پنجم انقلاب اسلامی را بدین گونه صورت‌بندی نمود: نخست، گذار از رویکرد تأثیر خطی انقلاب اسلامی بر ایده مقاومت و نمایان شدن ارتباط متقابل و غیرخطی دو گفتمان بیکدیگر، دوم، ایجاد پایداری نسبی در روابط به جای فراز و فرودهای ناپایدار پیشین، سوم، گذار از روابط ساده پیشین و ورود به نوعی از پیچیدگی در سطح و عمق ارتباطات دو گفتمان و چهارم، همسو نمودن دیپلماسی رسمی و غیررسمی جهت نیل به اهداف مشخص در هر دو گفتمان. (یافته‌ها)

کلیدواژه‌ها: مقاومت، هسته‌های مقاومت، هویت اسلامی، محور مقاومت، انقلاب اسلامی

دریافت: ۱۴۰۲-۰۳-۱۰

\* نویسنده مسئول sa.mohammadi@ut.ac.ir

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۶-۲۷

صفحات مقاله: ۲۸-۰۷

## بیان مسئله

با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی و اسناد بالادستی افق توسعه کشور تا سال ۱۴۰۴ ه.ش ایران باید به رتبه اول منطقه در تمامی ابعاد برسد که صدور انقلاب و گسترش حوزه نفوذ، ایدئولوژیک و متحدان راهبردی ج.ا.ایران مؤلفه اساسی و بنیادی این اسناد است، که این همان هژمون منطقه‌ای در نو واقع‌گرایی است که در قالب محور مقاومت شرق ایران می‌خواهد این هدف را محقق سازد؛ ولی این امر برخلاف وضع موجود و هژمون حاکم است و بدین منظور طیف رقیب در مقابل این هدف به سختی مقاومت می‌کند و رویکرد تروریسم تکفیری در مناطق ح-وزنه نفوذ ایدئولوژیک و سیاسی ایران ابزار کنونی جبهه مقابل برای ایجاد مانع در تحقق هلال شیعی در منطقه و تقویت محور مقاومت و شرق است (جمشیدی، صدیق و بسطامی، ۱۴۰۰: ۹-۸).

سرنوشت اسلام در جهان امروز با انقلاب اسلامی پیوند خورده است و هرگونه سهل‌انگاری و کوتاهی در حفظ و تداوم انقلاب، می‌تواند موجبات چالش‌های تازه در دنیای اسلام باشد. چنان‌که امام خمینی می‌فرماید: «امروز سرنوشت اسلام و سرنوشت مسلمین در ایران و سرنوشت کشور ما به دست ملت است و اگر مسامحه کنند در این امر... مسئولیت متوجه خود آن‌هاست... اگر شما مسامحه کنید، آن‌هایی که می‌خواهند شما را به بند بکشند، آن‌هایی که با اسلام مخالفند... آن‌ها پیش خواهند برد و اگر چنانچه خدای نخواست آن‌ها پیش ببرند... تمام مسئولیتش به عهده شماست... مراجع مسئولند... علما مسئولند... همه مسئولند (صحیفه امام، ج ۱۲: ۷-۶). بر این اساس و با بهره‌گیری از رویکرد مطرح شده، در تقابل راهبردی بین اسلام و غرب، تبیین جایگاه انقلاب اسلامی در بسیج عمومی مستضعفان عالم (به عنوان قربانیان اصلی سیاست‌های استعماری)، در گذشته، عصر حاضر و آینده، بسیار حائز اهمیت خواهد بود. شکل‌گیری جبهه مقاومت فعلی، حاصل چند صد سال مبارزه تئوریک و عملی جهان اسلام با معارضه جویان است. البته اصطلاح جبهه مقاومت به وسیله روزنامه "الزحف الاخدار" لیبی در پاسخ به ادعای رئیس جمهور آمریکا مبنی بر قرار دادن چندین کشور در محور شرارت استفاده شد. در مقاله‌ای با عنوان "محور شرارت یا محور مقاومت"، تنها مخرج مشترک کشورهای به اصطلاح محور شرارت، مقاومت آنها در برابر هژمونی آمریکا بیان شده است. نویسندگان این نوشتار تفسیرهای مختلف در مورد نسبت انقلاب اسلامی با جبهه مقاومت اسلامی را در سه دسته گوناگون تقسیم‌بندی می‌کنند:

اول، انقلاب اسلامی در شکل‌گیری و گسترش جبهه مقاومت اسلامی تأثیر مستقیمی داشته و جنبشهای مختلفی متأثر از گفتمان انقلاب اسلامی شکل گرفته است. دوم، جبهه مقاومت اسلامی بالاخص رویکردهای کلاسیک در نضج و ایجاد گفتمان اسلام سیاسی و به تبع آن انقلاب اسلامی تأثیر گذاشته است. سوم، ایده اصلی در این رابطه این است که انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت به صورت متقابل بر یکدیگر تأثیر گذاشته‌اند و هر کدام به یک نسبت از دیگری متأثر گشته است (دسته‌بندی سه‌گانه بر اساس تحلیل نویسندگان است).<sup>۱</sup> بر این اساس، نسبت گفتمان انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت در دوره‌های مختلف به صورتهای گوناگون بوده است. لذا با بهره‌گیری از روش سناریونویسی در پی پاسخ به این سؤال اصلی هستیم که آیا آینده جبهه مقاومت در گروه تحولات مربوط به دهه پنجم انقلاب اسلامی است و یا اینکه مسیر دیگری را طی خواهد نمود؟

## ۲. پیشینه و ادبیات پژوهش

غالب پژوهشهای انجام گرفته در این حوزه، به مقطع زمانی گذشته می‌پردازد و رویکرد آینده‌پژوهی در این تحقیقات کم‌رنگ است. با غور در مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، تحقیقات ذیل از جمله مهم‌ترین پژوهشهای انجام شده در رابطه با موضوع مقاله است که در این قسمت به آنها اشاره می‌شود.

محمدصادق کوشکی و سیدمهدی نبوی در مقاله آینده جبهه مقاومت در برابر رژیم صیہونیستی،<sup>۲</sup> نشان می‌دهند که برآیند تحول در محور مقاومت پس از سال ۲۰۱۲ میلادی به دلیل پیوستگی سوریه به محور مقاومت، تحول حزب الله لبنان از یک نیروی چریکی محدود به ارتش قدرتمند، اضافه شدن روسیه به عنوان همکار به محور مقاومت، تحول رویکرد ایران از حمایت نیروهای نیابتی به رویارویی مستقیم با اسرائیل، ارتقاء صورتبندی جدید محور مقاومت با حضور انصارالله یمن، مقاومت اسلامی عراق و هسته‌های مقاومت در افغانستان و پاکستان، روند افزایشی داشته است.

۱. دسته‌بندی سه‌گانه بر اساس تحلیل نویسندگان است.

۲. محمدصادق کوشکی و سیدمهدی نبوی، آینده جبهه مقاومت در برابر رژیم صیہونیستی، اندیشه

تقریب تابستان ۱۳۹۹، شماره ۳۹ (۲۴ صفحه - از ۱۲۳ تا ۱۴۶)

اصغر صالح اصفهانی در الگوی جبهه مقاومت از دیدگاه امام خامنه‌ای<sup>۱</sup> اشاره دارد که منظومه فکری مقام معظم رهبری، جبهه مقاومت در (ابعاد و مؤلفه‌ها، ارکان رهبران، دولت‌ها، ملت‌ها، وحدت و...)، مبانی و جهت سازها (آرمان، اندیشه، مکتب، اصول و...)، عوامل پیش برنده (توان و آمادگی دفاعی، استحکام ساخت درونی و...) موانع و چالشها (نفوذ، نفاق، نابسامانی داخلی، استبداد، استکبار و...)، اهداف مقاومت (دولت‌سازی، رهبرسازی و...) دستیابی به استقلال و عزت دولتها و ملت‌های جبهه مقاومت، اعتمادسازی، بازدارندگی و کاهش حضور نظامی استکبار در کشتورها محور مقاومت و سرانجام پیروزی مقاومت را تسهیل می‌نماید.

سیدمحمد و سیدعلی سادانی نژاد در مقاله بازتاب حضور جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا<sup>۲</sup> به بررسی این مؤلفه می‌پردازند که حرکت در جهت شکل‌گیری نظم نوین منطقه‌ای با محوریت جبهه مقاومت، برجسته شدن آمریکاستیزی و خدشه وارد شدن به اعتبار و قدرت آمریکا در منطقه، زنده نگهداشتن آرمان آزادسازی فلسطین و تقویت صهیونیسم ستیزی، شکست افراطی‌گری و تکفیریسیم در عراق و سوریه و تقویت جایگاه این کشورها در جبهه مقاومت، شکل‌گیری گروه‌های جدید مقاومت شامل گروه‌های زینیون، فاطمیون، حشد الشعبی و دفاع الوطنی و شکل‌گیری و تقویت جبهه مقاومت در یمن از مهمترین بازتاب‌های حضور جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا است.

### ۳. تعریف مفاهیم

مهم‌ترین مفاهیم مورد بحث در مقاله پیش‌رو به قرار ذیل است:

#### ۳.۱. مقاومت اسلامی

مقاومت، به معنای ایستادگی، تسلیم خواسته طرف مقابل نشدن و تلاش در جهت تحقق‌بخشی به اراده خویشتن، مفهوم وسیعی است که در همیشه تاریخ بشر و در همه عرصه‌ها و حتی در دو جبهه حق و باطل وجود داشته و دارد. مقاومت حق در برابر باطل و یا باطل در مقابل حق. آنجا که این مقاومت، بر اساس آموزه‌های اسلام شکل می‌گیرد، مقاومت اسلامی نام خواهد داشت. مقاومت اسلامی نیز در اصطلاح، دو مفهوم عام و خاص را در بر دارد: در مفهوم عام، شامل

۱. اصغر صالح اصفهانی، قدیر نظامی‌پور، حسن کاظمی قمی، ایرج فرجی، الگوی جبهه مقاومت از

دیدگاه امام خامنه‌ای، دوره ۱۸، شماره ۸۲- شماره پیاپی، ۱۳۹۹، صفحه ۸۱-۹۸

۲. سیدمحمد و سیدعلی سادانی نژاد، بازتاب حضور جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا، فصلنامه

علمی تخصصی دانش نامه علوم سیاسی، سال دوم؛ شماره دوم، بهار ۱۴۰۰

هر نوع مقاومتی که بر اساس آموزه‌ها و احکام دین توسط یک مسلمان و یا گروهی از مسلمانان در مقابله با تهاجم دشمنان اسلام و مسلمانان در هر مکان و هر زمان شکل می‌گیرد. اما در مفهوم خاص که شامل عبارت «محور مقاومت اسلامی» می‌باشد، عبارتست از مقاومت کشورها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد، بر اساس اسلام در برابر تهاجم نظام سلطه و متحدان آن که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و همسو با این انقلاب، در سطح منطقه و با محوریت مسئله فلسطین و مقاومت در برابر تجاوزات اسرائیل تبلور یافت. در سالهای بعد نیز مقاومت در برابر تجاوزات آمریکا و متحدان آن نیز بر آن افزوده شد. در اینجا منظور ما از محور مقاومت، همان «محور مقاومت اسلامی» در اصطلاح خاص می‌باشد<sup>۱</sup> (قراسوی، ۱۳۹۶: ۲). محور مقاومت به عنوان یک مقوله رهایی‌بخش در قالب پارادایم برخورد با نظام سلطه و مبتنی بر قدرت روایت انقلاب اسلامی از اسلام ناب محمدی و نظام بین الملل است (نصراصفهانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۳۲). محور مقاومت اسلامی را می‌توان به عنوان یکی از حوزه‌های اثرپذیر گفتمان انقلاب اسلامی دانست که توانسته در معادلات و مناسبات منطقه جنوب غرب آسیا نقش آفرینی کند.

### ۳.۲. استعمار

استعمار از لحاظ لغوی به معنای مهاجرت گروهی از افراد کشورهای متمدن به سرزمین‌های خالی از سکنه یا کم‌رشد به منظور عمران یا متمدن کردن آن سرزمین است. لکن واقعیت پدیده<sup>۲</sup> استعمار با معنای لغوی آن متفاوت است و در عمل به معنای تسلط جوامع و کشورهای قدرتمند بر جوامع و سرزمین‌های دیگر به منظور استثمار و بهره‌کشی از آن‌ها در آمد (رهنما، ۱۳۵۰: ۱۵) بنابراین

<sup>۱</sup> باید توجه داشت که القاعده، تکفیری‌ها و داعش را نمی‌توان جزو محور مقاومت اسلامی قرار داد زیرا: اولاً این دو اگرچه با بسترهای اندیشه‌ای و اعتقادی (انحرافی) دین شکل گرفته‌اند اما نقش سرویسه‌های اطلاعاتی و امنیتی غرب و صهیونیسم در شکل‌گیری و تقویت آنها و نیز نفوذ در این دو جریان، کاملاً آشکار است. ثانیاً تلاش و مبارزه آنها را نمی‌توان دفاعی و از نوع مقاومت دانست؛ بلکه آنها برای نیل به اهداف خود در جهان اسلام، به شکل تهاجمی عمل می‌کنند. ثالثاً این تهاجم در درجه اول و اساساً در داخل جهان اسلام و علیه مسلمانان می‌باشد و نه علیه نظام سلطه، آمریکا و اسرائیل. القاعده در جنگ علیه شوروی سابق در افغانستان کاملاً مورد حمایت نظام سلطه و غرب بود. داعش توسط غربیها بنیاد نهاده شد، حمایت گردید و می‌گردد. اسرائیل آشکارا از تروریست‌های تکفیری حمایت می‌کند، مجروحین آنها را درمان می‌نماید و حتی این مسئله را پنهان نمی‌کند. رابعاً مسئله فلسطین برای آنها عملاً یا مطرح نیست و یا در اولویت نمی‌باشد؛ بلکه آن را یکی از مسائل بیشمار اسلامی می‌دانند که بعد از تشکیل حکومت باید به آن نیز توجه داشت. محور مقاومت اسلامی، طرف اصلی و خصم نظام سلطه و اسرائیل می‌باشد؛ در حالی که القاعده و داعش و دیگر گروه‌های همانند آنها، ابزار نظام سلطه و در خدمت آن هستند (قراسوی، ۱۳۹۶: ۲).

استعمار از لحاظ سیاسی به معنای حاکمیت گروهی از قدرت‌های خارجی بر مردم یا بر سرزمین دیگر است. مارکسیست‌ها به جای کلمهٔ «استعمار» از کلمهٔ «مشابهی تحت عنوان «امپریالیسم» استفاده می‌کنند. امپریالیسم در حقیقت به حکومتی اطلاق می‌شود که در آن یک حاکم نیرومند بر بسیاری از سرزمین‌های دور و نزدیک حکومت داشت، (همانند امپراطوری‌ها) ولی بعدها به هرگونه حاکمیت مستقیم و غیرمستقیم کشورهای قدرتمند و کشورهای دیگر عنوان امپریالیسم داده شد (ولفگانگ، ۱۳۷۶: ۱۲-۷).

### ۳.۳. نفوذ

نفوذ که لغتی عربی و اسم مصدر از واژه «نفذ» است، در لغت نامهٔ دهخدا در معانی جاری شدن فرمان و نامه، اثر کردن، فرورفتگی و درگذشتگی و دخول کردن در چیزی و وارد شدن آمده است. نفوذ کردن در این لغت‌نامه، به معنای توانایی قبولاندن کاری را به کسی داشتن یا وارد شدن در جمعی یا گروهی برای آگاهی از مقاصد آنان یا تحمیل نظر خود به آنان ذکر شده است (دهخدا، ۱۳۸۵ ج: ۲، ۳۰۲۰). معنای این واژه در فرهنگ سیاسی، از حیث ماهوی، شکلی از قدرت است، اما متمایز از اجبار، کنترل، مداخله و زور است. در واقع، نفوذ رابطهٔ بازیگرانی است که در آن یک بازیگر، دیگر بازیگران را به اموری و می‌دارد که خواستهٔ خود آنان نیست. پول، غذا، اطلاعات، مقام، دوستی و تهدید و ... از عواملی است که فرد به کمک آنها در رفتار دیگران نفوذ می‌کند (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۲۷۳) و از نظر عملیاتی، نفوذ به معنای فرستادن گروه‌های کوچک یا افراد از طریق شکافها و رخنه‌های خطوط و مواضع، به اردوی دشمن؛ یا رخنه یک نیروی سیاسی در حوزهٔ اقتدار دشمن یا رقیب است (همان: ۲۷۲). مفهوم نفوذ در تعبیر رهبر معظم انقلاب، بیشتر مترادف «اثرگذاری» است؛ اثرگذاری به این معنا که در نهایت کشور هدف، مطابق میل نفوذکننده و در راستای سیاستهای خصمانه و دشمنانش حرکت کند. ایشان با تفسیر آیهٔ «... اشداء علی الکفار رحماء بینهم» (فتح: ۲۹)، «اشدء» را تمثیل نفوذناپذیری و سختی مقابل دشمن و نفوذپذیری را در مقابل آن به مثابه خاکریز نرم توصیف می‌کنند (حسینی‌خامنه‌ای، سخنرانی: ۱۹ دی ۱۳۹۳).

### ۴. چارچوب نظری و روش تحقیق

در مقاله پیش‌رو درصدد هستیم تا با استفاده از روش آینده‌پژوهی، وضعیت پیش‌روی جبهه مقاومت و نسبت آن با دهه پنجم انقلاب اسلامی را تبیین نماییم. آینده‌پژوهی اساساً شامل مجموعه تلاشهایی است که با جستجوی منابع، الگوها و عوامل تغییر و ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و

برنامه‌ریزی برای آنها می‌پردازد. آینده‌پژوهی بازتاب چگونگی زایش واقعیت فردا از دل تغییر یا ثبات امروز است. موضوعات آینده‌پژوهی دربرگیرنده گونه‌های ممکن، محتمل، و دلخواه برای دگرگونی از حال به آینده هستند. آینده اساساً دارای عدم قطعیت است. با این همه آثار و رگه‌هایی از اطلاعات و واقعیت‌ها که ریشه در گذشته و اکنون دارند، می‌توانند رهنمون ما به آینده باشند (ناصرآبادی، ۱۳۷۹: ۱۷). آینده‌پژوهی، مطالعاتی فرارشته‌ای است که می‌تواند تمام علوم را تحت تأثیر قرار دهد. از نظر آینده‌پژوهان، گرچه آینده قابل پیش‌بینی قطعی نیست، ولی غیرقابل پیش‌بینی هم نمی‌باشد (غفرانی، ۱۳۷۹: ۲۵۰). اندیشیدن در رابطه با آینده، غالباً پیرامون این موضوع هست که وظیفه خود را در حال حاضر بدانیم. تفکر راجع به آینده، نقش شناخت موقعیت را ایفا می‌کند، یعنی به ما یاری می‌دهد تا موقعیت خود را در زمان حال تشخیص داده و بدانیم الان در کجا قرار داریم (مارین، ۱۹۹۷: ۳۷). آینده‌سازی را باید با توجه به موقعیت و زمان حال آغاز نمود، همچنین آینده‌پژوهان برای انجام وظایف خود، درصدد شناخت عوامل تغییر و دگرگونی هستند. آینده‌پژوهی تفکرات فلسفی و روشهای علمی و مدل‌های مختلف بررسی و مطالعه آینده را مطرح و با استفاده از آنها، آینده‌های بدیل و احتمالی را ترسیم می‌نماید. لذا آینده‌پژوهی، ابزاری برای مهندسی هوشمندانه آینده است. آینده‌پژوهی یک حوزه تحقیقاتی چندرشته‌ای است که به توصیف و توضیح و ارائهٔ دید وسیع به پدیده‌های اجتماعی و فرایندهای تغییر و توسعه حوزه‌های مختلف بشر می‌پردازد.

جیمز دی‌تور می‌گوید که اگر پیش‌بینی را فقط مقوله‌ای فنی، علمی یا تخصصی قلمداد کنیم، تلقی کاملی نخواهد بود، پیش‌بینی باید به یک طرحی سیاسی، اخلاقی و هنری و مبتنی بر مشارکت گسترده جمع تبدیل شود و تمامی راههایی که سهمی در آینده دارند در تعیین و تشخیص آن مشارکت داشته باشند (دی‌تور، ۱۳۷۸: ۱۰۲). به اعتقاد برخی محققان، مهم‌ترین هدف از آینده‌شناسی را می‌توان به این صورت خلاصه کرد: درک کنیم که با تداوم روندهای امروز، در آینده چه روی خواهد داد و تصمیم بگیریم که آیا چنین آینده‌ای برای ما مطلوب است یا نه؟ اگر نیست، بکوشیم آن را تغییر دهیم. به عبارت دیگر آینده‌شناسی در پی متحمل ساختن آینده‌های مرجح یا مطلوب و توجه به آینده‌های ممکن است که علی‌رغم تردید در وقوع‌شان، تحقق برخی از آنها اثر بزرگی بر زندگی مردم می‌گذارد (سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۹۲). از مهم‌ترین هدفهایی که مطالعات آینده‌پژوهی بر آن استوار است عبارت‌اند از: مطالعه آینده‌های ممکن، آینده‌های محتمل، تصورات گذشته از آینده، دلایل و پیامدهایشان. بنیادهای دانش به بررسی اینکه بر چه اساسی

می‌توان درباره آینده اطلاعات و دانش کسب کرد، بنیادهای اخلاقی تفکر آینده‌نگرانه، بررسی نقش و اهمیت ارزشها در تفکر آینده‌شناسانه، ارائه مبنایی برای تفسیر گذشته و حال یا جهت دادن به حال، ادغام دانش و ارزش برای طراحی کنش اجتماعی، افزایش مشارکت دموکراتیک در تصور و طراحی آینده. در واقع آینده‌پژوهان می‌کوشند تا با تصور و ترسیم آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب و ارائهٔ اطلاعات و آگاهی‌های نسبتاً دقیق بستری را فراروی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، و مدیران جامعه فراهم نمایند تا آنها بتوانند در تصمیم‌گیریها و برنامه‌ریزی‌شان با نگاه به آینده و پیش‌بینی روندهای آتی عمل نموده و از فرصتها، امکانات و منابع موجود تا حد امکان استفاده کرده و با اطمینان بیشتری گام بردارند (بانک و مولرت، ۱۹۸۷). آینده‌پژوهی ادراک و غلبه بر نیروهای دراز مدت تغییر را هدف قرار می‌دهد، زیرا که این نیروها بر اشخاص و بشریت تأثیر می‌گذارند (ناصرآبادی، ۱۳۷۹: ۴۲). به صورت خلاصه می‌توان روش تحقیق، روش گردآوری اطلاعات و روش تجزیه و تحلیل در پژوهش مذکور را براساس قالب ذیل بیان نمود: روش تحقیق مقاله بر اساس آینده‌پژوهی و رویکرد سناریوپردازی است. روش گردآوری اطلاعات، براساس رویکرد اسنادی و کتابخانه‌ای است و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، توصیفی-تحلیلی است.

#### ۴.۱. سناریوپردازی

یکی از رویکردهای مهم و پرکاربرد در آینده‌پژوهی روش سناریوپردازی است. سناریوها تصاویری از آینده‌های محتمل هستند. این تصاویر درونا به هم وابسته هستند. سناریوها، از اطلاعات مربوط به احتمالات و روندهای متنوع، تصاویری باورپذیر و سازگار از آینده ایجاد می‌کند. هدف از بکارگیری سناریوها، ایجاد فضایی از ممکنات است که در آن کارایی سیاستهای اتخاذ شده در برابر چالش‌های آینده در بوته آزمایش قرار می‌گیرند. سناریوها همچنین کمک می‌کنند که هم چالش‌ها و هم فرصتهای بالقوه ولی غیرمنتظره شناسایی شوند. سناریوها با کشف سیستماتیک چالش‌ها و فرصتهای پیش‌رو، در خدمت تدوین استراتژیها قرار می‌گیرند. سناریوها تنها حدسیات در مورد آینده نیستند. سناریوپردازی کمک می‌کند که بیندیشیم که چگونه در شرایط محیطی متفاوت آینده، پیروزمندانه به هدایت امور پردازیم (محمودی، ۱۳۸۶). تدوین مجموعه‌ای از چندین سناریوی متمایز و مفیدکردن عدم قطعیت لایتناهی به یک حدودمرز، برنامه‌ریزی سیستماتیک برای انجام اقدامات لازم در یک مجموعه را فراهم می‌آورد (پولاک، ۱۳۷۹: ۴۵). سناریو، توصیفی از رویدادهای ممکن و چندگانه است که امکان وقوع آنها در آینده وجود دارد

و با استفاده از آنها می‌توان درباره آینده و آنچه باید انجام دهد به طور جدی اندیشید (عباسی، محمودی، ۱۳۸۶).

## ۲، ۱، ۴. مراحل تدوین و طراحی سناریوها

هم‌اکنون، استفاده از روش سناریونویسی در برنامه‌ریزی کشورهای نظیر ایالات متحده، انگلستان، فرانسه، آلمان، هلند و کشورهای اسکاندیناوی، کاملاً مرسوم است. استفاده از این روش در سطوح بالای تصمیم‌گیری در کشورهای در حال توسعه نیز کاملاً مشهود است و فقط در کشورهایی که نگرش سنتی دارند و ضرورت آینده‌نگری هنوز در آنها تبیین نشده، از بهره‌گیری از این روش پرهیز می‌شود. این وضعیت در برخی کشورهای پیشرفته نیز به چشم می‌خورد. برای مثال، در ایتالیا که به صورت سنتی میل به برنامه‌ریزی برای بلندمدت ضعیف است و فضای فرهنگی آن با آینده‌نگری میانه خوبی ندارد این روش چندان به کار گرفته نمی‌شود. پایه‌های نگارش یک سناریو، معمولاً بر آمارهای حاصل از علم احتمالات، ماتریس‌های حرکت بازیگران عقلایی در تئوری بازیها و فرمول‌های شبیه‌سازی شده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، بنا می‌شود. برای مثال، هنگامی که استراتژیست‌ها تلاش می‌کنند تا بنیانهای نیروی مسلح یک کشور از وضعیت سنتی و ناکارآمد، به سوی ایجاد یک ارتش حرفه‌ای و مدرن حرکت کنند، در ابتدا به مطالعه مقایسه‌ای وضعیت ارتشهای ملی در دول متخاصم، کشورهای همجوار و کشورهایی که از نظر توسعه‌یافتگی اقتصادی و موقعیت ژئوپلیتیکی در وضعیتی مشابه کشور مورد نظر قرار دارند، نیازمند هستند. آنان بر این اساس در مرحله اول الگوی بازیگر خردمند در تئوری بازیها به بررسی سیاست‌های نظامی کشورهای مذکور می‌پردازند. در مرحله دوم، اطلاعات مربوط به وضعیت توان انسانی و تسلیحاتی کشور مورد نظر، به وسیله گردآوری آمار و ارقام مربوطه و تشکیل جداول مختلف، فراهم می‌گردد. سپس در مرحله بعد، اطلاعات جمع‌آوری شده در مراحل اول و دوم، از طریق ترسیم نمودارهای مربوطه، به نمایش درمی‌آیند و با بهره‌گیری از فرمول‌های مختلف ریاضی، امکان تجزیه و تحلیل داده‌ها میسر می‌شود. بالاخره، در مرحله آخر، بر اساس بنیانهای فکری ایجاد شده در مراحل قبلی، سناریوهای مرتبط در زمینه تداوم وضعیت کنونی، تغییر وضعیت حاضر، شیوه‌های مختلف تغییر وضعیت حاضر و دستاوردها و پیامدهای احتمالی هر یک از آنها تدوین می‌گردند. پس از تعیین محتمل‌ترین و قابل‌اجراترین گزینه‌ها، در مرحله بعدی می‌باید به بررسی بازخورد اتخاذ هر یک

از تصمیمات مذکور با توجه به عوامل داخلی و شرایط خارجی پرداخت و گزاره‌های مختلف را بر اساس مدل‌های توصیفی ارائه کرد (Godet, Michel, 1987)

### ۴,۱,۳. اصول سناریوپردازی

الف) به هنگام سناریوسازی، باید دقت کرد که تصورات جای متدولوژی را نگیرند و تعصبات به برنامه‌ریزی‌ها وارد نشوند. ب) باید توجه داشت که آینده، امری در مقابل ما نیست که حیات مستقل خود را داشته باشد و ما بتوانیم نظرات و تئوریهای خود را از طریق واریسی آن ارائه دهیم؛ بلکه آینده، متغیر وابسته به حال و گذشته است که در امتداد حیات ما قرار دارد و از آن مستقل نیست. ج) همچنین، به آینده نباید به عنوان یک پایان ساده بر یک خط زمانی تاریخی نگریست، آینده، تنها بخشی از مجموعه خطوط لاینهایی است. د) بر اساس این که برای کوتاه‌مدت، میان‌مدت یا بلندمدت برنامه‌ریزی می‌کنیم، نوع سناریو تفاوت خواهد داشت. ه) برای آن که امکان استفاده از سناریوها وجود داشته باشد، باید منظور سازندگان آن، مستقیم و به وضوح بیان گردد. خ) سناریوها باید در دوره‌های زمانی مشخص روزآمد شوند. یک سناریوی خوب باید بر پایه تجزیه و تحلیل دقیق بنا گردیده و بین عوامل تشکیل دهنده داخلی آن هماهنگی وجود داشته باشد. ن) باید تلاش کرد که پیوندی نامرئی در میان سناریوهای مختلف مربوط به یک موضوع وجود داشته باشد و از کنارهم قرار دادن آنها، دایره‌ای کامل که نشان‌دهنده اوضاع آتی است، پدید آید (زالی، ۱۳۹۰: ۱۷).

### ۴,۱,۴. الگوهای سناریوسازی

تاکنون تقسیم‌بندی‌های مختلفی از سناریوها ارائه شده است. اما از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به دو الگوی زیر که بر عنصر زمان تأکید دارند، اشاره کرد: الف) سناریوهایی که قبل از وقوع یک وضعیت ساخته می‌شوند. ب) سناریوهایی که بعد از وقوع یک وضعیت و بر پایه رخداد‌های جدید ساخته می‌شوند.

متناسب با توضیحات مذکور الگوی سناریوپردازی در این پژوهش بر اساس رویکرد نخست (قبل از وقوع یک وضعیت) است که در قسمت‌های بعد به اضلاع مختلف آن اشاره خواهد شد (علیزاده، ۱۳۹۱: ۱۴). برای تبیین آینده جبهه مقاومت و چشم‌انداز دهه پنجم انقلاب اسلامی، سناریوهای مختلفی به صورت بالقوه قابل طرح است که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد. قبل از ورود به مبحث اصلی، گریزی تاریخی به برخی از کشورهای مهم دنیای اسلام خواهیم داشت. از جمله دلایل تمرکز و توجه بر روی کشورهای مصر، عراق و ایران از آن روست که تحولات

سیاسی-اجتماعی این کشورها سرمنشأ بسیاری از وقایعی است که در گذشته، حال و آیندهٔ جبهه مقاومت نقشی اساسی دارند. جنبش‌های مقاومت در آنها به لحاظ فکری-سیاسی گسترش داشته و شاهد سیر تحول و تطور این جنبشها در مقاطع مختلف تاریخی بوده‌ایم.

## ۱. مصر

مصر از اواسط سده نوزدهم میلادی تحت نفوذ انگلستان و فرانسه قرار گرفت و طی سال‌های آغازین قرن بیستم، حضور انگلستان در مصر بسیار پررنگ‌تر از فرانسه بود. مصر تا سال ۱۹۱۴ م که جنگ جهانی اول آغاز شد. رسماً جزو قلمرو امپراتوری عثمانی به شمار می‌رفت ولی عملاً تحت نفوذ انگلستان بود. در جریان جنگ جهانی اول، دولت عثمانی با دولت‌های مخالف انگلستان یعنی آلمان و اتریش متحد شد. انگلیس نیز به منظور مقابله با این عمل، مصر را که تا آن زمان متعلق به دولت عثمانی بود، تصرف کرد و در هجدهم دسامبر ۱۹۱۴ م آن را به طور رسمی تحت استعمار خود درآورد. در عرصه مبارزه و جنبش مبارزه و ستیزجویی با استعمار انگلیس و فرانسه در کشورهای عربی، حسن‌البناء (۱۹۴۹ - ۱۹۰۶) متأثر از اندیشمندانی همچون رشیدرضا و سیدجمال‌الدین اسدآبادی اولین هسته‌های مقاومت علیه استعمار راراه‌اندازی کرد. وی در بسیج و سازماندهی مردم مسلمان مصر علیه استعمار انگلیس و فرانسه نقش جدی ایفا نمود، که در نهایت با وجود تلاش‌های فراوان به واسطه خیانت افراد نفوذی و وابستگی حاکمان بومی، نتوانست به نتیجه دلخواه دست یابد (سیاوشی و بیاتلو، ۱۳۹۷: ۱۱۲-۷۶).

## ۲. عراق

انگلستان با آغاز جنگ جهانی اول از خلیج فارس به عراق که جزو امپراتوری عثمانی بود، حمله کرد. مردم و قبائل مختلف عراقی با وجود نارضایتی از حکومت عثمانی برای دفع تجاوز انگلیسی‌ها به نیروهای ترک پیوستند. سید محسن حکیم که بعدها مرجع بزرگ شیعه شد، علیه انگلیسی‌ها به جنگ رفت (ویلی، ۱۳۷۳: ۳۱). برخی علمای شیعه از جمله آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی در سامرا به وجوب جنگ با انگلیسی‌ها فتوا دادند (دادفر و نعمتی، ۱۳۹۲: ۸۲). محققان، نقش علماء و روحانیان را در انقلاب ۱۹۲۰ عراق بسیار مهم و حیاتی ارزیابی کرده‌اند (صادقی‌تهرانی، ۱۳۹۰: ۳۸). روحانیانی همچون سیدابوالقاسم کاشانی، شیخ محمود جواد الجزایری و سید محمدعلی هبه‌الدین شهرستانی نقش پررنگی در این انقلاب داشتند. رهبران و روسای عشایر نیز تأثیر عمده‌ای در قیام داشتند (نفیسی، ۱۳۶۴: ۱۳۶). با وجود مقاومت قابل تمجید نیروهای مقاومت، انگلیسی‌ها به لحاظ سلاح بسیار پیشرفته‌تر از عراقی‌ها بودند و حجم سلاح‌های سنگین

آن‌ها بسیار بیشتر بود. انگلستان از نیروی هوایی خود نیز در این جنگ بسیار استفاده کرد که بسیار تأثیرگذار بود (ویلی، ۱۳۷۳: ۳۵). همچنین نیروهای کمکی انگلستان از ایران و هند به عراق اعزام شدند و مجموع این‌ها موجب برتری نظامی و شکست طرف عراقی شد.

### ۳- ایران

روند تحولات تاریخی در دوران معاصر ایران به ویژه در سدهٔ اخیر، آکنده از نقاط عطفی است که فرهنگ مقاومت را در درون خود پرورانده است. هرچند این سنت تاریخی همواره خود را به عنوان سدی محکم در مقابل تهاجم دشمنان خارجی در فرهنگ مردمان این سرزمین نهادینه کرده است. فهم تحولات مستتر در وقایع تاریخی همچون جنگ‌های ایران و روس، نهضت تنباکو، نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی ما را به درک بهتر هویت مقاومت در لایه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رهنمون خواهد کرد. با توجه به صبغه هویت مقاومت در تاریخ ایران، تلاش شده است تا برشهایی از تاریخ ایران معاصر که از جهات محتوایی با مفهوم مقاومت همخوانی بیشتری دارد انتخاب گردد که در این قسمت به صورت خلاصه به آنها اشاره خواهد شد.

#### ۳.۱. جنگ‌های ایران و روس

دولت استعماری روسیه اواخر حکومت صفوی در فکر الحاق منطقه قفقاز به قلمرو سرزمینی خود بود و بر اساس معاهده گلستان، به بخشی از خواسته خود رسید. تلاش این دولت برای رساندن مرزهای خود به رود ارس و کوشش جناحی از دربار ایران - که حول عباس میرزا جمع شده بودند - برای بازپس‌گیری مناطق از دست رفته و به ثمر نرسیدن مذاکرات، زمینه‌ساز آغاز دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه شد. جناح عباس میرزا برای منفعل کردن گروه مخالف نبرد، درصدد برآمد از طریق روحانیان به اقدامات خود صبغه دینی ببخشد. روحانیان نیز که دفاع از کیان اسلام و سلطان شیعه در برابر «کفار» را وظیفه دینی خود می‌دانستند، پای در میدان نهادند که حاصل آن، اعلام جهاد در قالب اندیشه مقاومت علیه استعمار و شرکت فعال در جبهه‌های نبرد بود (آقازاده، ۱۳۹۳: ۱۵۲). روحانیان و علمای طراز اول این دوره، اگرچه حکومت قاجار را مشروع نمی‌دانستند، ولی چون شاهد از دست رفتن سرزمین‌های اسلامی بودند، و از سویی در خود نیز شرایط لازم برای تشکیل حکومت و لشکرکشی در برابر روس‌ها را نمی‌دیدند، به درخواست فتحعلی‌شاه و عباس میرزا پاسخ مثبت دادند و رسایل و فتاوایی برای مقابله با روس‌ها نوشتند و به دست قاجارها دادند (زرگری نژاد، ۱۳۷۹: ۳۷۸-۳۸۰). روحانیان در این رسایل، فتحعلی‌شاه را از جانب خود به عنوان فرمانده سپاه اسلام برای مقابله با روس‌ها معرفی کردند و به وی برای اخذ مال از مردم به منظور

مقابله با روس‌ها اختیار دادند.<sup>۱</sup> در این میان میرزا ابراهیم خان کلاتر، صدراعظم فتحعلی‌شاه می‌شود. این صدراعظم در حوزه سیاست خارجی تصمیم‌گیرنده اصلی است و در مواقع حساس همچون مقاومت شیعیان میسور در هند در برابر استعمار انگلستان، اجازه حمایت جامعه و حاکمیت ایران از این جریان را نمی‌دهد. در جریان جنگ‌های ایران و روس نیز انگلستان بواسطه نیاز به روسیه برای مقابله با ناپلئون، تلاش کرد بین ایران و روسیه آتش‌بس اعلام شود. این امر بواسطه آنکه بخشی از سرزمین ایران در اشغال قوای روس قرار داشت به ضرر ایران تمام می‌شد. علما، گروه‌ها و افرادی نظیر عباس میرزا با اعتقاد به این اصل که کشوری که اشغال شده، صلح را نمی‌پذیرد، در برابر توطئه انگلستان مقاومت کردند، با این وجود، همین جریان نفوذی در دربار قاجار بساط را به گونه‌ای فراهم کرد که دیگر فتحعلی‌شاه از جبهه، پشتیبانی نمی‌کرد. فشارهای مرحله به مرحله توسط نفوذی‌ها، باعث شد میز مذاکره بر عرصه نبرد ترجیح یابد. همین جریان نفوذی به فتحعلی‌شاه تضمین دادند که در جریان مذاکرات، قفقاز را به ایران برخواهند گرداند. ولی در پایان مذاکرات، قفقاز از آن روس شد! (حقانی، ۱۳۹۵: ۱۳۴).

### ۳،۲. نهضت تنباکو

در سده ۱۳ ق/م، ایران صحنه رقابت‌های سیاسی و اقتصادی میان دو استعمار روسیه تزاری و بریتانیا بود. هر یک از دو دولت نیرومند می‌کوشیدند با گرفتن امتیازها و انحصارهای گوناگون، نفوذ خود را در ایران گسترش دهند. از جمله این امتیازات، انحصار بازرگانی توتون و تنباکو بود که به عرصه‌ای برای ابراز نارضایتی عمومی از دستگاه حکومت، و مخالفت اصولی علمای دینی با نفوذ بیگانگان تبدیل شد. نهضت تنباکو، عنوان جنبش سراسری مردم ایران به واگذاری انحصار این کالاها به یک شرکت انگلیسی و در واقع گام اساسی دیگری در تبلور اندیشه مقاومت علیه استعمار در ایران بود. این قرارداد توسط ناصرالدین شاه قاجار امضا شده بود. سرانجام این امتیاز با همراهی مراجع برجسته‌ای همچون شیخ محمدتقی معروف به آقانجفی و آیت‌الله سید علی‌اکبر فال‌اسیری و حاج میرزا جواد آقا تبریزی و نیز همراهی سیدجمال‌الدین اسدآبادی و با فتوای تاریخی میرزای شیرازی فسخ شد (نجفی و حقانی، ۱۳۹۱: ۲۶۸-۱۹۷).

### ۳،۳. انقلاب مشروطه

<sup>۱</sup> این اقدام روحانیان را نباید مشروعیت بخشی به حکومت قاجارها تلقی کرد، بلکه به معنای صحه‌گذاری بر «نقش عالمان» به منزله سرچشمه مشروعیت قاجارها «بر طبق نیابت عامه» بود که علمای اصولی تأکید ویژه‌ای بر آن داشتند (الگار، ۱۳۶۹: ۴۹).

دخالت‌های استعماری مستشاران انگلیس و روس در عرصه اجتماعی کشور، همچون تنبیه تاجر خوشنام و متدین قند در بازار، توهین موسیونوز بلژیکی به اعتقادات دینی مردم و هتک حرمت جنازه یک فرد مسلمان در قبرستان نزدیک بازار تهران، مقدمات اعتراضات مردمی و نارضایتی علمای ایران را فراهم آورد که در نهایت منجر به تحقق نهضت مشروطیت شد. از همان ابتدا و با ورود عناصر نفوذی همچون سیدحسن تقی‌زاده در میان انقلابیون، که بخشی از معترضین را به تحصن در سفارت انگلیس تشویق نمود بسترهای ورود جدی جریان استعمار به این انقلاب فراهم شد. در ادامه نیز این خط نفوذ با طرح لزوم استفاده تمام و کمال از قوانین کشورهای غربی تلاش خود را برای انحراف در مسیر انقلاب فراهم نمود. شیخ فضل‌الله نوری مرجع تراز اول تهران در این دوره با اطلاع از خط نفوذ استعمار با این طرح مخالفت نمود و متأسفانه بواسطه ضعف بصیرت برخی از تأثیرگذاران و ترس برخی دیگر از احتمال بازگشت به استبداد قاجاریه، زمینه اعدام شیخ فراهم آمد و همچنان که شیخ هشدار داده بود در نهایت نهضت دچار انحراف شد و به اهدافش دست نیافت (سیاوشی و موسوی‌نیا، ۱۳۹۷: ۷۸-۶۹). آنچه در بحث تاریخچه مقاومت در این برهه تاریخ مورد نظر است شکل‌گیری لایه جدیدی از اندیشه ضداستعماری در جامعه ایران است. اندیشه ضداستعماری که بعدها ریشه بسیاری از تحولات تاریخی-سیاسی مانند جنبش ملی‌شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی را شکل داد.

## ۹. سناریوهای محتمل برای آینده جبهه مقاومت

همانطور که در بالا اشاره گردید، چارچوب نظری پژوهش بر اساس رویکرد آینده‌پژوهی و رویه سناریوپردازی است. به تعبیری در سناریو احتمالات گوناگونی برای وضعیت پدیده مورد بحث می‌توان لحاظ نمود. با توجه به منطقی‌گفته شده در قسمت روش پژوهش، می‌توان سناریوهای ذیل را برای آینده جبهه مقاومت و نسبت آن با گفتمان انقلاب اسلامی در دهه پنجم انقلاب اسلامی متصور شد. سناریوها محتمل را می‌توان به دو دسته سناریوهای مثبت و منفی تقسیم‌بندی کرد. ابتدا به سناریوهای مثبت اشاره می‌کنیم.

### الف: سناریوهای مثبت (خوش‌بینانه)<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> منظور از سناریوهای مثبت، سناریوهای خوش‌بینانه و سناریوهای منفی هم بدبینانه‌ترین سناریوهای محتمل هستند که امکان وقوع آنها در آینده بیشتر به نظر می‌رسد.

۱. **سناریوی اول (پایداری وضعیت کنونی):** نخستین سناریوی ممکن این است که شرایط فعلی حاکم بر جبهه مقاومت و ارتباط آن با انقلاب اسلامی ادامه پیدا کند. در واقع در این مفروض اصل بر این است که تحولات مختلف داخلی و بین‌المللی به گونه‌ای رقم بخورد که جبهه مقاومت اثرپذیری کمی نسبت به آنها داشته باشد و مسیر پی‌ریزی شده کنونی به همین منوال ادامه یابد.

۲. **سناریوی دوم (بی‌نیازی نسبی جبهه مقاومت):** منظور از سناریوی نامبرده این است که محور مقاومت به حدی از ظرفیت و توانایی برسد که وابستگی مستقیم به محیط بیرونی نداشته باشد. به تعبیری سازوکارهای لازم جهت حل مسائل مختلف مادی و غیرمادی در درون جبهه مقاومت وجود داشته باشد.

۳. **سناریوی سوم: خدمات متقابل محور مقاومت و انقلاب اسلامی در دهه پنجم:** با توجه به ظرفیت‌های گوناگون دو جبهه، می‌توان ارتباط محور مقاومت را از حالت یک سویه به صورت متقابل تغییر داد. در واقع هر دو گفتمان می‌توانند نقاط ضعف دیگری را پوشش دهند و در عین حال از نقاط قوت همدیگر بهره ببرند.

۴. **سناریوی چهارم: گسترش مرزهای سیاسی و جغرافیایی جبهه مقاومت:** آنچه از جهت سیاسی و ژئوپلتیک در رابطه با وضعیت فعلی جبهه مقاومت وجود دارد، مجموعه کشورها و جنبش‌های سیاسی-مردمی در منطقه غرب آسیا است. البته معدود دولتهایی نیز خارج از جغرافیای نامبرده وجود دارد که چندان وضعیت مشخصی ندارد. سناریوی محتمل برای آینده محور مقاومت این است که مرزهای سیاسی و ژئوپلتیک آن به صورت مشخص به مناطقی غیر از غرب آسیا گسترش یابد که لاجرم منجر به افزایش عمق راهبردی جبهه مقاومت خواهد شد.

۵. **سناریوی پنجم: حضور رسمی جنبشهای فعال محور مقاومت در سیاست کشورهای عضو:** بسیاری از جنبشها و گروه‌های سیاسی عضو محور مقاومت، در سپهر رسمی سیاست و در ساختار قانون اساسی کشورهای متبوع جایگاه مناسبی ندارند. در واقع شخصیت حقوقی بعضی از جنبش‌های مذکور همچنان نامعین است. در وضعیت فعلی جنبشهای مختلف محور مقاومت از جمله حزب الله لبنان، حشدالشعبی عراق و جنبش انصارالله یمن در صدد ایجاد ساختارهای لازم جهت حضور دائمی در سیاست هستند.

در کنار سناریوهای مثبت، چندین سناریوی منفی هم برای آینده جبهه مقاومت محتمل است که مهم‌ترین آن‌ها به قرار ذیل است:

## ب: سناریوهای منفی (بدبینانه)

### ۱. سناریوی اول: ساختار نظام بین الملل: چارچوب کلی نظام بین المللی به صورتی

است که موانع زیادی در مسیر گروهها و جنبش های غیررسمی بالاخص گروه های مقاومت اسلامی برای حضور فعال و پایدار در سیاست وجود دارد. سناریوی محتمل این است که روند تحولات و قواعد نظام منطقه ای و جهانی در دهه پیش رو به سمتی باشد که میزان نفوذ و اثرپذیری گروه های مقاومت اسلامی کاهش یابد و کشورهای مختلف ترجیح دهند با ترتیبات مستقر فعلی تعامل نمایند.

### ۲. سناریوی دوم: بی ثباتی سیاسی در کشورهای اسلامی: سرعت تغییرات سیاسی

در کشورهای اسلامی در سالهای گذشته زیاد بوده است، این احتمال وجود دارد که در دهه پیش رو نیز بی ثباتی کماکان ادامه داشته باشد. در صورت ادامه این وضعیت گروه های مختلف سیاسی اعم از رسمی و غیررسمی در کشورهای اسلامی از جهات اعتماد عمومی متضرر خواهند شد. طبیعتاً گروه های مقاومت اسلامی نیز به عنوان یکی از جریان های فعال از عدم ثبات آسیب خواهند دید و حتی ممکن است مردم آنها را در کنار گروه های رسمی سیاسی، مسئول بی ثباتی حاکم بر کشور بدانند.

### ۳. سناریوی سوم: انشقاق احتمالی میان گروه های مختلف مقاومت: وضعیت

سیاسی و اجتماعی کشورهای مختلف اسلامی آشفته است. بسیاری از گروه های فعال سیاسی با یکدیگر در منازعه سیاسی دائم قرار دارند. به صورت مداوم شاهد تشکیل گروه های جدید، انحلال گروه های سیاسی پیشین، تغییر در اهداف، آرمان ها و مرام نامه گروه های مذکور و همچنین بازاندیشی و تجدیدنظر فکری اعضا و فعالان سیاسی مختلف هستیم. گروه ها و جنبش های ذیل مقاومت اسلامی نیز این قاعده مستثناء نیست و دائماً تغییرات فکری و عملی متفاوتی از آنها شاهد هستیم. نمونه آن جریانات اسلامی در کشور عراق است. نوسانات سیاسی و اجتماعی مذکور در دهه پیش رو نیز کماکان محتمل است. این مسئله می تواند چالش هایی در رابطه با اتحاد درونی گروه های مقاومت اسلامی ایجاد نماید.

### ۴. سناریوی چهارم: ایجاد فاصله احتمالی میان مردم و گروه های مقاومت:

یکی از سناریوهای محتمل، شکاف میان مردم و گروه های مقاومت اسلامی در کشورهای متبوع است. ممکن است عوامل مختلفی موجب شکل گیری سناریوی مذکور شود. مواردی همچون، دخالت قدرتهای خارجی، منازعات روزافزون داخلی و نفوذ گروه های افراطی می تواند به مرور

تأثیرات منفی در رابطه با نگرش مردم نسبت به گروه‌های مقاومت داشته باشد؛ زیرا عملکرد عوامل فوق به گونه‌ای است که شرایط را به سوی مسیر ناخواسته‌ای هدایت خواهد کرد.

### ۵. سناریوی پنجم: عدم برخورداری از برنامه و چارچوب عملی مطلوب: یکی

از مهم‌ترین سناریوهای محتمل در رابطه با آینده گروه‌های مقاومت، بلا تکلیفی در شیوه‌های فکر و اجرا در عرصه داخلی و بین‌المللی است. سیاست و شیوه‌های کشورداری به صورت مداوم دچار پیچیدگی‌های مختلفی در حوزه‌های گوناگون می‌شود و احزاب و گروه‌های سیاسی برای تصاحب قدرت باید به ابزارهای فکری و عملی مختلفی مجهز باشند. این احتمال وجود دارد که بعضی از گروه‌های محور مقاومت با توجه به درگیری‌های متنوع، نسبت به مجهز شدن به ابزارهای جدید غافل بمانند و طبعاً این غافلگیری موجب ایجاد فاصله گروه‌های فوق با تحولات جدید خواهد شد.

### ۱۰. جبهه مقاومت در دهه پنجم انقلاب اسلامی

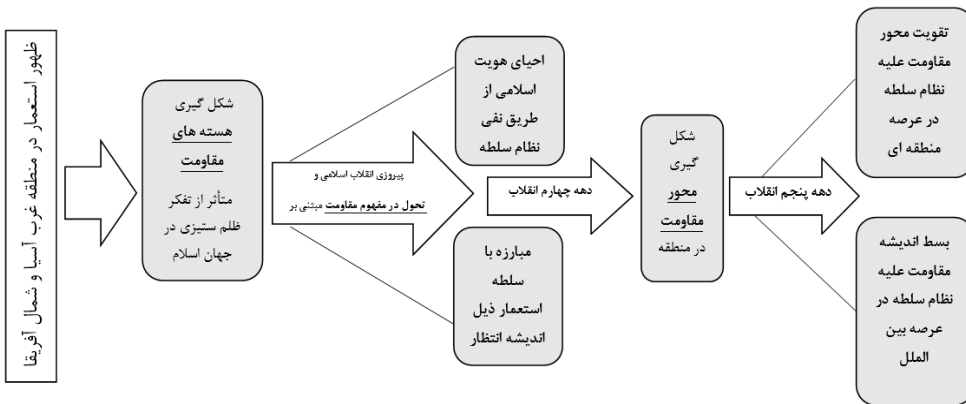
طبق موارد مطروح در قسمت‌های قبلی این مقاله، باید گفت که انقلاب اسلامی با تکیه بر عدالت‌طلبی اسلامی و مبتنی بر آرمان‌های امام خمینی تماماً بر مبارزه با نظام سلطه تأکید دارد، رهبر معظم انقلاب نیز بر همین اصول تکیه می‌نماید. اصولی که از شاخصه‌های آن دعوت از مستضعفین و مسلمانان جهان برای مبارزه با نظام جهانی سلطه است، یعنی امام خمینی نظام حاکم بر جهان را نظام ظلم و سلطه می‌داند و مکرر برای برهم‌زدن این نظام ظالم بین‌الملل بر تشکیل هسته‌های مقاومت حزب‌الله و مستضعفین تأکید می‌نماید. یکی دیگر از شاخصه‌های تفکر امام خمینی، آرمانگرایی انقلابی بدون ذره‌ای چشم‌پوشی و مسامحه و یک شاخصه دیگر عدالتخواهی است، درحالی که این چیزها با سرمایه‌داری شبه‌مدرن به هیچ وجه سازگار نبوده و تعارض آشکار دارد. چرا که وقتی سرمایه‌داری شبه‌مدرن بازسازی می‌شود یک لایه متمول و مرفه بی‌درد ایجاد و گسترش می‌یابد که فرهنگ آن، فرهنگ سکولار مدرن است، جهان‌بینی‌اش علوم انسانی غربی است و لذا این لایه با انقلاب اسلامی و مستضعف‌گرایی و عدالت و حتی دیانت بیگانه است. این لایه، آموزش عالی مخصوص به خود را شکل داده و نیروی انسانی مورد نیاز خود را تربیت می‌کند (سیاوشی و موسوی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۱۸). «امام طرف‌دار جدی حمایت از محرومان و مستضعفان بود؛ امام نابرابری اقتصادی را با شدت و حدت رد می‌کرد؛ اشرافی‌گری را با تلخی رد می‌کرد؛ به معنای واقعی کلمه امام طرف‌دار عدالت اجتماعی بود؛ طرف‌داری از مستضعفان شاید یکی از پر تکرارترین مطالبی است که امام بزرگوار ما در بیاناتشان گفتند؛ این یکی از خطوط روشن امام است... امام صریحاً در جبهه مخالف قلدوران بین‌المللی و مستکبران قرار داشت، هیچ ملاحظه‌ای نمی‌کرد. این است که

امام در مقابلهٔ میان قلدران و مستکبران و قدرتهای زورگوی عالم با مظلومان، در جبههٔ مظلومان بود؛ صریح و بدون ملاحظه و بی تقيه این را بیان می کرد. طرف دار جدی مظلومان جهان بود. امام با مستکبرین سر آشتی نداشت. واژهٔ «شیطان بزرگ» برای آمریکا، یک ابداع عجیبی از سوی امام بود. امتداد معرفتی و عملی این تعبیر شیطان بزرگ خیلی زیاد است. وقتی شما یک کسی را، یک دستگاهی را شیطان دانستید، معلوم است که باید رفتار شما در مقابل او چگونه باشد، باید احساسات شما نسبت به او چگونه باشد؛ امام تا روز آخر، نسبت به آمریکا همین احساس را داشت» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴). بر این اساس باید گفت انقلاب اسلامی با تکیه بر توانمندی‌ها و ویژگی‌های شخصی امام و با پشتوانه مردمی، بهره‌مندی از اندیشه مذهبی و ایدئولوژی اسلامی، ایدئولوژی‌های غرب و شرق و همچنین سیطره فرهنگی غرب را به چالش کشید.<sup>۱</sup> پروانه آبراهامیان بر این اعتقاد است که یکی از نکات قابل توجه در خصوص انقلاب اسلامی ایران، توانایی بالای گفتمان اسلام‌گرایی در خلق یک ذهنیت جدید بود. یعنی پرورش یک مسلمان به عنوان یک عنصر سیاسی ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی (محمدی، ۱۳۹۳: ۱۰۴). پس یکی از دلایل ظهور مقاومت‌گرایی در قالب‌های فکری و رفتاری اسلام‌گرایان را باید بازتعریف اسلام در قالب مطرح شده توسط انقلاب اسلامی ایران و مبتنی بر دو شاخصه «احیا هویت اسلامی از طریق نفی نظام سلطه» و «فرهنگ تمدن‌ساز انتظار» دانست. از آن جا که اسلام مانند هر قالب دینی دیگر، مجموعه‌ای از باورهای فردی و جمعی می‌باشد که نظام اعتقادی جوامع را شکل می‌دهد، لذا، ایدئولوژی‌زده شدن قالب‌های دینی، به عنوان ساختار مناسب و مؤثر جهت تأمین اهداف تفکر مقاومت به کار می‌رود. به این ترتیب بازنمایی قالب‌ها منجر به دگرگونی در رفتار استراتژیک و در نهایت شکل‌گیری مقاومت در برابر غرب شده است. این امر نشان می‌دهد مقاومت‌گرایی در عصر حاضر از طریق حداکثرسازی قالب‌ها و نمادهای هویتی متحقق گردیده است (متقی، ۱۳۹۱: ۲۲۶).

باید دقت داشت که در واقع نهضت مقاومت بیش از آنکه امری تقلیل‌گرا تلقی گردد و بر جلوه‌هایی از تعارض ساختاریابی شود، به منزله زیرساخت فکری مبتنی بر همکاری و هماهنگی در رفتار سیاسی و استراتژیک محسوب می‌شود. نگرانی از هویت‌یابی اسلامی منتج به آن شد که سایروس ونس، وزیر خارجه اسبق آمریکا مخالف خود را با انجام مأموریت نظامی برای نجات جاسوسان لانه جاسوسی در ایران اعلام کند. او از شبیح یک جنگ میان اسلام و غرب می‌هراسید

۱. اساساً بحث از انقلاب اسلامی و اسلام سیاسی جدای از امام (ره) ناقص خواهد بود.

و معتقد بود: «امام خمینی و پیروانش که عاشق شهادت هستند واقعاً ممکن است از اقدام نظامی آمریکا در ایران به عنوان راهی برای اتحاد جهان اسلام علیه غرب استقبال کنند» (simon and shuster: 1983: pp 408-410) و البته این اتفاق افتاد و با وجود شکست راهبرد نظامی آمریکا در ایران، هجده‌های نظام استعمار در گذر تاریخ منجر به آن شد که تفکر انقلاب اسلامی متأثر از دو شاخصه مذکور یعنی «احیا هویت اسلامی از طریق نفی نظام سلطه» و «فرهنگ تمدن ساز انتظار»، مستضعفین جهان را برای تشکیل «محور مقاومت» فراخواند. بر این اساس، در مرحله اول در دهه سوم انقلاب اسلامی، تشکیل محور مقاومت در منطقه غرب آسیا به وقوع پیوست و با توجه به سطره حداکثری تفکری انقلاب اسلامی، در دهه پنجم، امتداد محور مقاومت در عرصه فرامنطقه‌ای امکان تحقق خواهد داشت.



## نتیجه‌گیری

مقاومت اسلامی را باید انعکاس ایجاد اعتماد به نفس در گروه‌های اجتماعی اسلام دانست. در دوران گذشته مجموعه‌های اسلام‌گرا از ادبیاتی استفاده می‌کردند که ناشی از قالب‌های ادراکی و گفتمانی غربی بود. این روند از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، به گونه مشهودی تغییر یافت.<sup>۱</sup> باید توجه داشت که هدف اصلی کشورهای استعمارگر غربی آن بود که زمینه را برای در حاشیه قراردادن تفکر اسلامی فراهم نمایند تا از این طریق، قابلیت‌های جهان

<sup>۱</sup> برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک به رویارویی غرب معاصر با جهان اسلام، نوشته ابراهیم متقی، ۱۳۹۱، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

اسلام را در چارچوب ساخت‌های غرب‌گرا مضمحل سازند. در حالی که تفکر مقاومت جدید در کشورهای اسلامی متأثر از آرمان تمدن‌ساز انقلاب اسلامی جلوه‌هایی از تحرک سیاسی را به عرصه آورد. به عبارت دیگر تفکر مقاومت، مبنای یک تغییر وضع موجود و بازسازی هویت را فراهم ساخت. در واقع پدیده مقاومت بوسیله انقلاب اسلامی از خصلت نظامی به سوی حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و هویتی منتقل شده است. براین اساس جبهه مقاومت در دهه آینده باید خود را برای نبرد با دشمنان سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آماده نماید.<sup>۱</sup> این امر بیانگر آن است که از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد از یک سو فرهنگ جوامع اسلامی در قالب فرهنگ مقاومت واقع گردیده و از سوی دیگر جلوه‌های ادراکی و شناختی نظام بین‌الملل در قالب مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت و همچنین فرهنگ مقاومت فراهم شده است.

انقلاب اسلامی با نفی تفکر استعماری نظام سلطه، لزوم اتکای امت اسلامی بر تفکر توحیدی و انسان‌ساز اسلام را نوید داد. در واقع با وقوع انقلاب اسلامی دو اتفاق به وقوع پیوسته است. ابتدا بازیابی و احیا هویت و سپس حرکت به سمت آینده مطلوب. در این آینده مطلوب، ابتدای بر فرهنگ انتظار مشهود است و تحقق آرمان انسانی در ذیل ولایت انسان کامل، شاخصه‌ای اساسی است. لذا باید گفت بیداری و همبستگی مستضعفان جهان و ملت‌های مسلمان و قیام در برابر حاکمان داخلی و استکبار جهانی از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران است. تفکر انقلاب اسلامی در افغانستان، لبنان، عراق، مصر، بحرین، ترکیه و یمن در نتیجه این تأثیرات بوده است و نگرانی که هم اکنون دنیای غرب از روند بیداری اسلامی و خیزش انقلابی در میان ملت‌های مسلمان دارد نشانه تأثیرات انقلاب اسلامی در عرصه جهانی است. و در دهه پنجم انقلاب اسلامی، همین خط فکر، بواسطه آنکه آرمان انقلاب اسلامی یک آرمان الهی و انسان‌ساز و در واقع جهانی است، در عرصه فرمانطقه‌ای در تقابل جدی با تمدن غرب مدرن قرار خواهد گرفت، به نحوی که با تقویت جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا، بسترهای امتداد این محور در عرصه جهانی ذیل دو شاخصه<sup>۲</sup> «احیا هویت انسانی از طریق نفی نظام سلطه» و «انتظار ظهور منجی (انسان کامل)» فراهم خواهد شد.

۱. سیدقطب معتقد بود وجه تمایز مؤمنین از مسلمانان در میزان مقاومت آنان است. مؤمنین کسانی هستند که در راه تحقق اراده خداوند مقاومت می‌کنند و از این طریق آرمان‌های ایدئولوژیک را در فضای اجتماعی قرار می‌دهند. بسام طیبی، مقاومت‌گرایی را مبتنی بر دو مقوله فرهنگ و شناخت می‌داند (متقی، ۱۳۹۱: ۲۲۵).

## فهرست منابع

۱. آقازاده، جعفر (۱۳۹۳). تحلیلی بر نقش روحانیون شیعه در دوره دوم جنگ های ایران و روس، فصلنامه شیعه شناسی، (۱۲)، (۴۷)، صص ۱۶۸-۱۴۳.
۲. بی‌نا، (۱۹۹۳ م). شورش هندوستان، مترجم: اوانس ماسییان، تهران: انتشارات نیلوفر.
۳. جمشیدی، محسن، صدیقی، میرابراهیم، بسطامی، محمود (۱۴۰۰). استراتژی دو قدرت بزرگ منطقه‌ای (جمهوری اسلامی و عربستان سعودی) در حوزه سیاستگذاری خارجی و تروریسم در منطقه تحت نفوذ خود، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، (۱۰)، (۱)، صص ۸-۹.
۴. حسینیان، روح‌الله (۱۳۸۴). بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران (۱۳۴۰-۱۳۲۰)، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. داد ۰ فر، سجاد، نعمتی، نورالدین (۱۳۹۲). مراجع ایرانی و قیام ۱۹۲۰ شیعیان عراق، پژوهشنامه تاریخ اسلام، (۹)، صص ۱۱۵-۱۰۰.
۶. دارابی، علی (۱۳۹۶). آینده پژوهی انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰). فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات فردا.
۸. دهنوی، محمود (۱۳۶۱). مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانی‌ها و پیام‌های آیت‌الله کاشانی، تهران: انتشارات چاپخش.
۹. زالی، نادر (۱۳۹۴). آینده نگاری راهبردی و سیاستگذاری منطقه‌ای با رویکرد سناریونویسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، (۵)، (۱۴)، صص ۴-۳۵.
۱۰. رگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۷۹). عباس میرزا نخستین معمار بنای نظام جدید در ایران معاصر، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، (۲)، (۱۸۴)، صص ۷۸-۶۰.
۱۱. سیاوشی مهدی، بیاتلو، حسین (۱۳۹۷). استیلای تمدنی جهان غرب بر مصر و ایران؛ از ورود ناپلئون به منطقه خاورمیانه تا پایان جنگ جهانی اول، تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۱۲. سیاوشی، مهدی، موسوی‌نیا، سیدمهدی (۱۳۹۷). جهاد کبیر؛ صورتبندی مفهومی عدم تبعیت از دشمن در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۱۳. صادقی‌تهرانی، محمد (۱۳۹۰). تاریخ انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق، تهران: انتشارات رسولان.
۱۴. طاهرزاده، اصغر (۱۳۹۳). تمدن زایی شیعه، اصفهان: انتشارات لب‌المیزان.

۱۵. عزیز و همکاران (۱۳۹۱). سناریونگاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها، تهران: انتشارات اندیشگاه آتی نگار.
۱۶. عمید، حسن (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۷. قراسوی، محمدمهدی (۱۳۹۶). محور مقاومت اسلامی؛ ابعاد و مؤلفه‌ها، پایگاه تحلیلی الوقت، قابل دسترسی در: <http://alwaght.net/fa>.
۱۸. الگار، حامد (۱۳۶۹). نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس.
۱۹. ماله، آلبر (۱۳۲۴). تاریخ قرن نوزدهم و معاصر، ترجمه نصرالله فلسفی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۰. متقی، ابراهیم (۱۳۹۱). رویارویی غرب معاصر با جهان اسلام، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۱. محمدی، منوچهر (۱۳۹۳). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۲. نجفی، موسی، حقانی، موسی (۱۳۹۱). تاریخ تحولات سیاسی ایران، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۲۳. نصراصفهانی، محسن، کرانی، زهرا، علییاری، حسین (۱۴۰۲). بررسی تأثیر شکل‌گیری و گسترش قدرت محور مقاومت اسلامی بر افول هژمونی آمریکا در منطقه غرب آسیا، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، (۱۲)، (۱)، صص ۱۲۹-۱۴۸.
۲۴. نفیسی، عبدالله، فهد (۱۳۶۴). نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، ترجمه، کاظم چایچیان، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۵. ولفگانگ، ج. مومسن (۱۳۷۶). نظریه‌های امپریالیسم، ترجمه، احمد ساعی، تهران: انتشارات قومس.
۲۶. ویلی، جويس. ان (۱۳۷۳). نهضت اسلامی شیعیان عراق، تهران: انتشارات اطلاعات.
27. Rberts, Cyrus (1983). Hard choice: critical years in American foreign policy, New York: Simon and Schuster, 40-51: [https://librarysearch.northumbria.ac.uk/primo-explore/fulldisplay/44UON\\_ALMA2123293300003181/northumbria](https://librarysearch.northumbria.ac.uk/primo-explore/fulldisplay/44UON_ALMA2123293300003181/northumbria).

## نوسلفی‌گری و امنیت انسانی کشورهای اسلامی در عصر بیداری اسلامی

استاد یار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه  
آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران

استاد یار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه  
آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران

عبدالمجید سیفی\* ID

محمود علیپور گرجی ID

### چکیده

موج بیداری اسلامی که از ابتدای دهه ۲۰۱۰ بخش گسترده‌ای از جهان اسلام را دربرگرفت، سبب شد تا الگوهای جدید حکمرانی در کشورهای اسلامی توسط جریان‌های مختلف ارائه شود. متصلب‌ترین الگوی حکمرانی توسط جریان نوسلفی ارائه شده که پیامد رشد این دیدگاه بسط خشونت‌گرایی در کشورهای اسلامی بوده است. این خشونت‌گرایی آثار متفاوتی بر ابعاد مختلف امنیت در کشورهای اسلامی در عصر بیداری اسلامی داشته است که می‌توان آن را در قالب مفهوم امنیت انسانی مورد بررسی قرار داد. در این چارچوب، پرسش اصلی این پژوهش مطرح می‌شود که گسترش نوسلفی‌گری در دوران بیداری اسلامی چه تاثیری بر امنیت انسانی در کشورهای اسلامی داشته است؟ (مسئله) پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است (روش). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با گسترش فعالیت جریان‌های نوسلفی در کشورهای اسلامی پس از خیزش‌های بیداری اسلامی وجوه مختلف امنیت انسانی در این کشورها در زمینه‌های اقتصادی، سلامت، امنیت فردی، امنیت سیاسی و امنیت زیست‌محیطی تضعیف شده است. از این رو رشد نوسلفی‌گری را می‌توان عنصر مهمی در تقابل با بیداری اسلامی و در قالب «پادبیداری اسلامی» مفهوم بندی کرد (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: بیداری اسلامی، نوسلفی‌گری، امنیت انسانی، جهان اسلام، خشونت

دریافت: ۲۰-۱۰-۱۴۰۲

پذیرش: ۰۹-۰۷-۱۴۰۲

\* نویسنده مسئول seifi2002@gmail.com

صفحات مقاله: ۴۶-۲۹

## مقدمه

با آغاز خیزش‌های مردمی در غرب آسیا و شمال آفریقا از ابتدای دهه ۲۰۱۰، کشورهای اسلامی وارد عصر جدیدی از دوران حیات خود شدند. این خیزش‌های احیاگرانه که از آن می‌توان به‌عنوان بازخیز مجدد جریان بیداری اسلامی یاد نمود، در سطوح مختلف جوامع اسلامی تأثیرات شگرفی به جا گذاشته است. بخشی از آثار بیداری اسلامی ماهیت سیاسی داشته و عمدتاً شامل تغییرات در الگوهای حکمرانی در کشورهای اسلامی و بازتنظیم روابط حکمرانان با مردم بوده است. از این منظر، الگوهای مختلف حکمرانی از سوی الگوهای فکری مختلف مطرح شده و با توجه به اکراه بخش قابل توجهی از جمعیت از حکمرانان در این کشورها، این ساخت‌های فکری تلاش داشته‌اند تا بدیل‌هایی برای گونه ساخت‌های سیاسی اقتدارگرای حاکم در کشورهای اسلامی ارائه شود.

یکی از جریان‌هایی که تلاش داشته در فضای شکل گرفته در عصر بیداری اسلامی الگویی برای حکمرانی ارائه دهد و در برخی از مناطق این الگو را با ترور و سرکوب در قالب ایجاد حکومت به حالت بالفعل درآورد، رویکرد نوسلفی است. گرچه، جریان‌های سلفی طی چند سده گذشته، دیدگاه‌های خود در حوزه ایجاد حکومت و قواعد حاکم بر آن را مفصل‌بندی نموده‌اند؛ با این وجود، نحله‌های جدید آن رویکرد بسیار رادیکال‌تری در این حوزه ارائه نموده‌اند. آن‌ها با تنگ کردن دایره توحید، گسترش دایره کفر، کنار زدن عقل‌گرایی و ... الگویی برای حکمرانی در عصر بیداری اسلامی مطرح نمودند که با خروج فرقه‌ها و مذاهب مختلف از دایره اسلام، خشونت‌گرایی در این جوامع را تشدید کرد.

این بسط خشونت‌گرایی در جوامع دستخوش دگرگونی در جهان اسلام در عصر بیداری اسلامی سبب شد تا وجوه مختلف امنیت که در قالب مفهوم امنیت انسانی قرار می‌گیرند در این جوامع تحت تأثیر قرار گیرند. از این معبر پرسش اصلی پژوهش مطرح می‌شود که گسترش نوسلفی‌گری در دوران بیداری اسلامی چه تأثیری بر امنیت انسانی در کشورهای اسلامی داشته است؟ فرضیه‌ای که پژوهش حاضر به آن می‌پردازد این است که با گسترش فعالیت جریان‌های نوسلفی در کشورهای اسلامی پس از خیزش‌های بیداری اسلامی وجوه مختلف امنیت انسانی در این کشورها در زمینه‌های اقتصادی، سلامت، امنیت فردی، امنیت سیاسی و امنیت زیست‌محیطی تضعیف شده است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و مطالب به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

## ۱. چارچوب مفهومی: امنیت انسانی

اصطلاح امنیت انسانی اولین بار در سال ۱۹۹۴ از سوی محبوب الحق، دیپلمات پاکستانی در گزارش توسعه انسانی برنامه عمران سازمان ملل متحد با تأکید بر رهایی از نیاز و ترس به عنوان راه حل رفع ناامنی در جهان مطرح شد؛ و پس از آن در سیاست خارجی برخی دولت‌ها مورد توجه قرار گرفت. برای نمونه، در سال ۱۹۹۹ وزیران خارجه کشورهای گروه هشت اعلام کردند، مصمم هستند با علل اساسی تهدیدهای چند جانبه نسبت به امنیت انسانی به مبارزه برخیزند (Gaspar, 2005: 225). در این راستا ایده امنیت انسانی از یک سو برای رفع مشکلات و تنگناهای مربوط به محور بودن دولت در مفهوم امنیت مطرح گردید، چرا که دولت گرچه سنگ بنای امنیت انسانی است اما یکی از بزرگ‌ترین منابع ناامنی نیز محسوب می‌شود. از سوی دیگر امنیت انسانی یکی از مهمترین مبانی امنیت حقوقی، امنیت قضایی و تضمین حریم خصوصی نیز به شمار می‌رود. این درحالی است که در بیشتر قوانین اساسی کشورها به این مفهوم اشاره نشده است. بنابراین، تبیین مفهوم «امنیت انسانی» و شاخص‌های آن می‌تواند گام مؤثری در راستای تقویت حمایت از حقوق شهروندی به شمار رود.

در ابتدا تفسیری که از «امنیت انسانی» وجود داشت، تفسیری مضیق بود. دیدگاه مضیق به امنیت انسانی بر تهدیدهای ناشی از خشونت به ویژه خشونت سیاسی سازمان یافته تأکید دارد. بر اساس این دیدگاه تهدید سیاسی مردم از سوی دولت یا هر بازیگر سازمان یافته سیاسی دیگر، کانون مناسبی برای مفهوم امنیت انسانی است. این دیدگاه امنیت انسانی را این گونه تعریف می‌کند: «حفاظت افراد و اجتماعات از جنگ و دیگر اشکال خشونت». این تعریف از امنیت انسانی به صورت «آزادی از ترس» تهدید یا به کارگیری خشونت سیاسی، ساده و خلاصه شده است. دیدگاه مضیق به امنیت انسانی در «شبکه امنیت انسانی» در سازمان ملل و گزارش‌های امنیت انسانی سالانه قابل مشاهده است (Peoples and Williams, 2009: 129).

با این وجود تفسیر موسع از مفهوم امنیت انسانی در سالیان اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. تفسیر موسع از امنیت انسانی بر همه اشکال آسیب‌پذیری‌های انسانی توجه و تأکید دارد. از این‌رو هر گونه تهدید از هر منبعی را در برمی‌گیرد؛ بر خلاف دیدگاه مضیق که خشونت سازمان یافته سیاسی را مورد شناسایی قرار می‌دهد. بر اساس این دیدگاه امنیت انسانی تنها «آزادی از ترس

و هراس» نیست بلکه همچنین بر سایر اشکال خشونت و سایر تهدیدات از جمله بلایای طبیعی، بیماری‌ها، تخریب محیط زیست، گرسنگی، بیکاری و نابسامانی و رکود اقتصادی توجه می‌کند. این دیدگاه توسط برخی از اسناد سازمان ملل از جمله اسناد سازمان ملل درباره امنیت انسانی بعد از ۱۹۹۴، گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، برنامه توسعه سازمان ملل، شورای اروپا و گروه بارسلون و کمیسیون امنیت انسانی مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که برخی با دیدگاهی تقلیل‌گرایانه بر تهدیدهایی چون بیماری‌ها و بلایای طبیعی تأکید دارند اما برخی با رهیافت و دیدگاهی موسع همه تهدیدها و آسیب‌های متوجه کرامت انسانی از جمله تهدیدهایی چون گرسنگی، بیماری‌ها، بلایای طبیعی، نابسامانی اقتصادی و سرکوب سیاسی را مورد توجه قرار می‌دهند (Chattu, 2019: 280).

بنابر دیدگاه موسع چارچوب امنیت انسانی نوع متشکری از امنیت است که شامل مؤلفه‌های پنجگانه زیر می‌گردد.

**۱-۱. امنیت اقتصادی:** امنیت اقتصادی به رضایت فرد از درآمد ثابت خواه به واسطه اشتغال یا از طریق شبکه‌های ایمنی اجتماعی مربوط می‌شود. امنیت اقتصادی میزان بهبود زندگی مردم از طریق کالا و خدمات را نشان می‌دهد و سطح دسترسی مردم به این کالاها و خدمات یک مؤلفه مهم در تأمین امنیت اقتصادی است. امنیت اقتصادی توانایی فرد و خانواده وی در تأمین نیازهای اصلی است. از این منظر، امنیت اقتصادی به شکل قابل توجهی با مفهوم اشتغال ارتباط نزدیک دارد. با اشتغال فرد ولی دارای میزان حداقلی از درآمد است این مسئله می‌تواند تا حدی سبب رهایی فرد از هراس در حوزه اقتصادی شود. بخشی از امنیت اقتصادی نیز مبتنی بر این است که در صورت عدم وجود شغل، فرد از طریق یک منبع عمومی نظیر بیمه یا دولت تأمین مالی شود (Vivekananda, 2019: 45-49).

**۲-۱. امنیت غذایی:** امنیت غذایی به دسترسی افراد به خوراک کافی و سالم به طور مستقیم یا به واسطه منابع، اشتغال یا درآمد می‌رسد. این امنیت مرتبط با در دسترس بودن غذا در سطوح ملی و بین‌المللی است. از این منظر، امنیت غذایی زمانی حاصل می‌شود که عرضه منابع کافی غذایی در هر زمانی وجود داشته باشد و بتوان هر نوع نوسان در میزان و قیمت مواد غذایی را کنترل کرد تا بتوان دسترسی به غذا به شکل پایدار را فراهم ساخت. در برخی اسناد این دسترسی به غذا در ادبیات امنیت انسانی با عنوان «حق بر غذا» مورد تأکید قرار گرفته است (Bailey, 2020: 44).

۳-۱. **امنیت سلامتی:** این امنیت به آزادی افراد از انواع بیماری‌ها و دسترسی آنان به مراقبت‌های سلامتی اشاره دارد. این امنیت، به آزادی انسان‌ها از انواع بیماری‌ها و دسترسی آنها به مراقبت‌های بهداشتی اشاره دارد. دسترسی به آب و غذای سالم، اطلاع از اصول بهداشتی، محیط کاری مناسب، مسکن مناسب، سیستم فاضلاب مناسب و برابری جنسیتی مواردی است که در قالب امنیت سلامت قرار می‌گیرد.

۴-۱. **امنیت زیست‌محیطی:** این امنیت به یکپارچگی زمین، هوا و آب و تداوم حیات انسانی در کره زمین تاکید دارد. از این منظر، آسیب به محیط‌زیست بر کلیه ابعاد زیستی و سلامت انسان تأثیر منفی دارد تهدید وجودی را متوجه انسان‌ها می‌نماید. امنیت زیست‌محیطی، به تلاش‌ها در تمام سطوح برای حفظ جنبه‌های زیست‌محیطی که بر زندگی انسان تأثیر می‌گذارد اشاره دارد. امنیت زیست‌محیطی در پی تقویت این انگاره است که سلامت بشر با رخدادهای زیست‌محیطی به شدت همپیوندی داشته و آسیب زیست‌محیطی بر زندگی بشری تأثیر منفی جدی دارد ( Hayes et. al, 2018: 22).

۵-۱. **امنیت سیاسی:** امنیت سیاسی به مقابله با خشونت علیه حقوق انسانی مربوط می‌شود. امنیت انسانی عمدتاً به نقش حکومت در حفاظت از شهروندان خود در مقابل تهدیدات خارجی اشاره دارد. همچنین بخشی از امنیت سیاسی به ایجاد شرایط لازم برای مشارکت آزادانه در تعیین سرنوشت خود نیز اشاره دارد که افراد باید فارغ از باورهای سیاسی و مذهبی خود بتوانند در این فرآیند مشارکت نمایند (Bailey, 2020: 44).

با توجه به دیدگاه موسع و مؤلفه‌های پنجگانه امنیت انسانی، پژوهش حاضر به دنبال آن است که جایگاه نوسلفی‌ها در جهان اسلام را در عصر بیداری اسلامی مورد مذاقه قرار دهد.

## ۲. نوسلفی‌ها در عصر بیداری اسلامی

جهان اسلام در طول ۱۴ قرن که از حیات آن می‌گذرد، با چالش‌های درونی و بیرونی فراوانی روبرو شده است. این چالش‌ها باعث شده موضوع احیای اسلام همواره جایگاه مهمی در اندیشه متفکران اسلام داشته باشد. با تشدید و تعمیق تهاجم استعمار به گستره تمدنی جهان اسلام در قرن نوزدهم، بیداری اسلامی وارد مرحله نوینی شد که با گذشته تفاوت بنیادین داشته است. یکی از چالش‌های درونی جهان اسلام که با موضوع بیداری اسلامی پیوند خورده است، «سلفی‌گری» است (مرادپور، ۱۳۹۹: ۸۷-۹۱). اگرچه سلفی‌گری ریشه‌ای طولانی در تاریخ اسلام

دارد اما با پیوند این جریان با عوامل خارجی در قرن نوزدهم، جغرافیای فکری و سیاسی نظام‌های اسلامی به شدت قبض و بسط شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دوگانه بیداری اسلامی و سلفی‌گری وارد عصر جدیدی شد و در قالب «جنبش‌های اسلامی» به مؤلفه‌ای تأثیرگذار در تحولات جهان اسلام و به تبع عرصه بین‌المللی تبدیل شده است.

جنبش‌های اسلامی در قالب جریان‌ها و نحله‌های متفاوتی تجلی یافته است که یکی از گونه‌های آن سلفی‌گری است. البته سلفی‌گری نیز از نظری فکری و گستره فعالیت جریان بسیار متنوعی را شامل می‌شود. حوزه کنش سیاسی جریان سلفی که شکل نوین در قالب رویکردهای نوسلفی رشد یافته پس از وقوع موج سوم بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۱ محدود به یک منطقه خاص جغرافیایی نبوده و قلمرو فعالیت این جریان دیگر به کشورهای اسلامی محدود نیست. رشد نوسلفی‌گری در این دوره تنها در خاورمیانه و شمال آفریقا محدود نشد و مناطق مختلف را در بر گرفت (پورحسن و سیفی، ۱۳۹۴: ۱۱).

جریان نوسلفی‌گری، تأثیرات بسیار زیادی در حوزه اندیشه و کنش سیاسی در جهان اسلام داشته است؛ اگرچه امروزه تهدیدی علیه امنیت بین‌المللی است اما برای جامعه اسلامی تهدیدی بیشتر و درون مذهبی محسوب می‌شود و جنبش اصیل بیداری اسلامی را با چالش‌های فکری و اندیشه‌ای مواجه می‌کند که تأثیرات و پیامدهای آن در آینده جهان اسلام بسیار زیاد خواهد بود. از این رو رشد نوسلفی‌گری را می‌توان عنصر مهمی در تقابل با بیداری اسلامی تلقی نمود و می‌توان آن را در قالب «پادبیداری اسلامی» مفهوم بندی کرد (Bayat, 2013: 245). این پادبیداری اسلامی که در قالب خیزش نوسلفی‌گری عیان گردید آثار مهمی بر روی جنبش بیداری اسلامی داشته است. این جریان به نوعی تلاش داشته تا از فضای دوران بیداری اسلامی برای گسترش الگوی مبتنی بر نگاه متصلب خود از اسلام بهره گیرد.

گسترش جریان نوسلفی در عصر بیداری اسلامی آثار قابل توجهی بر تمام ابعاد زندگی در کشورهای اسلامی داشته است. مهم‌ترین اثر گسترش نوسلفی‌گری در عصر بیداری اسلامی تضعیف وجوه مختلف امنیت در این کشورها بوده است که می‌توان آثار این گسترش را در قالب تأثیرات آن بر امنیت انسانی مورد بررسی قرار داد.

### ۳. گسترش نوسلفی و امنیت انسانی در عصر بیداری اسلامی

با رشد فعالیت گروه‌های نوسلفی در کشورهای مختلف اسلامی از آغاز موج جدید بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۰، شاهد تغییرات جدی در متغیرهای امنیت انسانی در این کشورها هستیم. گرچه تغییر در شاخص‌های امنیت انسانی در این کشورها صرفاً به خاطر رشد فعالیت گروه‌های نوسلفی نبوده، با این وجود تغییرات (و عمدتاً تغییرات منفی شاخص‌های امنیت انسانی) در کشورهایی که گروه‌های نوسلفی در آن‌ها فعالیت داشته‌اند، قابل توجه و بسیار بیشتر از تغییرات در کشورهای اسلامی بوده که شاهد فعالیت گسترده این گروه‌ها نبوده‌اند. این مسأله را در مؤلفه‌های امنیت انسانی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۳-۱. امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی به رضایت فرد از درآمد ثابت خواه به واسطه اشتغال یا از طریق شبکه‌های ایمن اجتماعی مربوط می‌شود و در مقابل تهدیدات امنیت اقتصادی، به نبود شغل مولد، بی‌ثباتی شغلی و نبود شبکه‌های ایمنی با تأمین مالی بخش عمومی مربوط می‌گردد. گسترش نوسلفی‌گری و درگیری‌هایی که در کشورهای اسلامی بر اثر رشد این گروه‌ها ایجاد شده، امنیت اقتصادی این کشورها را به شکل جدی به خطر انداخته است. گزارش آژانس امداد و کار سازمان ملل متحد برای آوارگان نشان می‌دهد که اقتصاد سوریه به میزان ۸۴/۴ میلیارد دلار در طی دو سال اول از شروع درگیری‌ها در این کشور متضرر شد؛ و ۳۰ سال طول خواهد کشید تا اقتصاد به سطحی که در سال ۲۰۱۰ در آن جای داشت برسد. این گزارش بر پایه جدیدترین اطلاعات در دسترس درباره خسارت اقتصاد سوریه برآورد کرده است که این رقم فقط در خلال ۲ سال اول جنگ داخلی سوریه به اقتصاد این کشور وارد شده است و حدود ۲/۳ میلیون کارمند، یعنی نیمی از نیروهای کار، بیکار شده‌اند و بیش از نیمی از ساکنان این کشور در فقر بسر می‌برند (Walid, 2021: 8). جنگ داخلی در سوریه فجایع و ویرانی‌هایی را به بار آورده است که حداقل ۳۰ سال طول خواهد کشید تا اقتصاد این کشور به وضعیت عادی برگردد. صنعت نفت که یکی از بخش‌های اصلی درآمدی دولت سوریه بود نیز تقریباً از دست این دولت خارج شده است. درگیری‌ها در سوریه سبب شد که ۹۰ درصد منابع نفتی و گازی در این کشور از دسترس دولت سوریه خارج شود و اداره این منابع به دست داعش و گروه‌های کردی سوریه افتاد. تولید نفت توسط دولت سوریه که پیش از شروع

ناآرامی‌ها ۳۴۰ هزار بشکه در روز بود که این رقم پس از رشد جریان‌های تکفیری در سوریه به ۱۰ هزار بشکه در روز سقوط کرد (Tokmajyan, 2021: 5).

در عراق نیز وضعیت امنیت اقتصادی پس از ورود داعش به این کشور به شکل جدی به خطر افتاد. نیویورک تایمز در گزارش خود اشاره دارد که وضعیت اقتصادی کردها در شمال بسیار بدتر از حکومت مرکزی در بغداد بود، به گونه‌ای که کارمندان دولت و نیروهای مبارز پیشمرگ که در حال جنگ با داعش بودند چندین ماه حقوق‌های خود را دریافت نکردند. این مساله سبب شد تا اعتصاب‌ها سراسر کردستان را فرا بگیرد و حتی کار به خشونت کشیده شود. این در حالی بود که جنگ با داعش هزینه‌های سنگینی را بر دوش دولت‌های بغداد و کردستان گذاشت. کاهش قیمت نفت که سبب شد قیمت‌ها به پایین‌ترین حد در هر بشکه ظرف ۱۲ سال قبل خود برسد، مزید بر علت شد و بر مشکلات اقتصادی کشور به شدت افزود. عراق به شدت متکی به درآمدهای نفتی است به گونه‌ای که ۹۰ درصد بودجه کشور وابسته به نفت است. نزدیک به ۸ میلیون نفر در عراق با تکیه بر حقوق یا درآمدهای دولتی زندگی می‌کنند و با کسری بودجه دولت و نبود درآمدهای کافی وضعیت معیشتی این افراد به شدت آسیب دید. (Clausen, 2021: 3). این بحران اقتصادی ریشه اصلی آشوب‌ها و ناآرامی‌هایی بوده که طی ۴ سال اخیر با آن درگیر بوده است و نمونه اخیر آن در سال ۲۰۲۲ به وقوع پیوست.

در لیبی نیز با گسترش حضور گروه‌های نوسلفی و به‌ویژه داعش، اقتصاد این کشور در آستانه فروپاشی کامل قرار گرفت که این انشقاق تاکنون ادامه داشته است. میزان تولید نفت به‌عنوان منبع اصلی درآمد این کشور تحت تأثیر خشونت گسترده و حملات همه‌جانبه گروه‌های تروریستی به شدت کاهش یافته است. این در حالی است که طرح‌های سرمایه‌گذاری در این کشور متوقف شده و خدمات دولتی رو به کاهش گذاشته است همچنان که شهرهای بزرگ لیبی روزانه شاهد ساعت‌ها قطع برق هستند. لیبی علاوه بر این مشکلات، باید به پرداخت بدهی‌های خارجی خود از جمله بدهی‌های مربوط به اجرای پروژه‌های زیرساختی بپردازد که با شرکت‌های داخلی و خارجی بر سر آنها توافق کرده است. این تعهد مالی بیش از یکصد میلیارد دینار (حدود ۷۳ میلیارد دلار) است و حتی در صورت توقف پروژه‌ها به علت خشونت‌ها در لیبی باید پرداخت شود (Tokmajyan, 2021: 5).

### ۲-۳. امنیت سلامت:

امنیت سلامتی به فقدان بیماری‌ها و دسترسی افراد به مراقبت‌های سلامتی اشاره دارد و در این راستا در اختیار داشتن امکانات و زیرساخت‌های بهداشتی ضروری است. بخشی از امنیت سلامت نیز به امنیت تغذیه بازمی‌گردد. امنیت غذایی بدین معناست که همه مردم در همه زمان‌ها دسترسی فیزیکی و اقتصادی به منابع غذایی داشته باشند.

حضور مستقیم و درگیری‌های گروه‌های نوسلفی باعث شد تا دسترسی مستقیم و راحت مردم به امکانات بهداشتی و درمانی در بسیاری از کشورهای اسلامی با مشکل جدی مواجه گردد. همچنین در درگیری‌هایی که این گروه‌ها عمدتاً با دولت‌های مستقر ایجاد نمودند بسیاری از زیرساخت‌های اساسی بهداشتی نظیر دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بیمارستان‌ها را از بین برده و یا دچار خسارت اساسی بر اساس گزارش سازمان ملل متحد در مورد سوریه، در پی درگیری‌های نوسلفی در این کشور از سال ۲۰۱۱ تا کنون میلیاردها دلار به زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی این کشور خسارت وارد شده است و بیش از ۶۰ درصد بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های این کشور به شکل کلی از بین رفته‌اند؛ و میزان ابتلا به انواع بیماری‌ها در این کشور به شکل قابل توجهی افزایش یافته است. براساس این گزارش به دلیل از بین رفتن سیستم‌های انتقال آب، بسیاری از مناطق به آب سالم دسترسی نداشته‌اند که این باعث ایجاد انواع مختلف بیماری‌ها به ویژه بیماری‌های گوارشی و عفونی شده است. همچنین با از بین رفتن زیرساخت‌های پیشگیری و درمان میزان شیوع بسیاری از بیماری‌ها افزایش یافته است. اصلی‌ترین بیماری‌هایی که در شیوع آنها افزایش وجود دارد بیماری هپاتیت A است که احتمال خطرات بالایی دارد. در سال ۲۰۱۴ در سوریه، ۳۱ هزار و ۴۶۰ مورد هپاتیت A در سوریه ثبت شد که این وضعیت را به حالت هشدار رساند. در این گزارش علت اصلی برای این شیوع، از بین رفتن امکانات بهداشتی در نظر گرفته شده است (Walid, 2021: 11).

در لیبی ناامنی ناشی از حضور نوسلفی‌ها خدمات بهداشتی را به شدت تحت الشعاع قرار داده است. براساس اعلام وزیر بهداشت لیبی، کودکانی که در کشور متولد می‌شوند، هیچ واکسنی دریافت نمی‌کنند، حتی مادران به خاطر نبود امکانات پزشکی و ناامنی ناگزیر در منزل خود وضع حمل می‌کنند. بنابراین گزارش، ۷۰ درصد بیمارستان‌ها از بیم و هراس ناامنی در لیبی تعطیل شده‌اند و یا قادر به ارائه خدمات مناسب نیستند. سازمان جهانی بهداشت در پایان سال ۲۰۱۵ میلادی اعلام کرد از مجموع شش میلیون نفر جمعیت لیبی، تقریباً نیمی از آن‌ها به علت جنگ‌های داخلی پس از سرنگونی معمر قذافی دیکتاتور سابق لیبی به کمک‌های انسان دوستانه نیاز دارند (UN, 2022: 9).

همچنین مهاجرت گسترده ناشی از حملات گروه‌های نوسلنی باعث به خطر افتادن جدی امنیت سلامتی مهاجران به مناطق مختلف به ویژه ترکیه و سوریه شده است. عمده این مهاجرت‌ها به اروپا بوده است که سیاست تبعیض آمیز و امنیتی را علیه مسلمانان به دنبال داشته است (محمدنیا و علیپور گرجی، ۱۴۰۰: ۱۵۴-۱۵۵). درگیری‌های ناشی از حضور نوسلنی‌ها در سوریه تا کنون منجر به مهاجرت ۵ میلیون سوری به خارج از کشور شده است و ده میلیون سوری نیز در داخل این کشور آواره شده‌اند؛ این در حالی است که جمعیت سوریه پیش از شروع ناآرامی ۲۳ میلیون نفر بود. این افراد در کشورهای مقصد با مشکلات جدی بهداشتی و جانی مواجه می‌شوند. مرگ هزاران نفر از مردمانی که در راه مهاجرت به کشورهای دیگر (از هراس گروه‌های نوسلنی) جان خود را از دست می‌دهند در قالب همین بعد از امنیت انسانی قابل ارزیابی است (Clausen 2021: 7).

### ۳-۳. امنیت فردی:

امنیت فردی به فقدان جرم و خشونت به ویژه خشونت علیه زنان و کودکان که آسیب‌پذیرند معطوف است. حضور گروه‌های نوسلنی امنیت زنان و کودکان در جوامع اسلامی را به مخاطره انداخته و سبب محرومیت آنها از بسیاری از حقوق خود شده است. در افغانستان، سیاست جنسیتی طالبان سبب محرومیت زنان از بسیاری از حقوق اجتماعی خود شده است. سیاست طالبان در قبال زنان متأثر از گفتمان نوسلنی‌گری است که با حضور زنان در اجتماع مخالفت ورزیده و آن را عامل تباهی و فساد می‌داند. گفتمان طالبانیسم بر مبنای آموزه‌های نوسلنی‌گرایانه و سنت قبیله‌ای زندگی زن در کنج خانه و به دور از اجتماع را مورد تأکید قرار می‌داد. این سیاست سبب شده تا بسیاری از زنان که به درآمد حاصل از کار نیازمند بودند از تأمین مالی خود محروم شود و به قشر متکدیان و نیازمندان در افغانستان اضافه شوند.

در مناطق تحت تسلط داعش در عراق و سوریه، وضعیت زنان ساکن بسیار رقت‌بار بود. براساس گزارش نماینده سازمان ملل متحد در خصوص وضعیت زنان در مخاصمات سوریه و عراق، سلامت و حیات زنان و دختران در این کشورها در معرض خطر و تهدیدات جدی قرار داشت. نکته حائز اهمیت آن است که نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد ارتکاب خشونت جنسی در وضعیت مخاصمات مسلحانه چندی پیش سفری به کشورهای سوریه و عراق داشته و از نزدیک شاهد وضعیت زنان و دختران در این کشورها بود (Clausen 2021: 6).

در گزارش نماینده ویژه دبیرکل در مورد مقابله با خشونت جنسی در وضعیت مخاصمات مسلحانه نوسلفی، برخی از اشکال خشونت جنسی علیه زنان از جمله ازدواج اجباری و نقض حقوق بشر زنان تحت عناوینی مانند جهاد نکاح و مواردی از این دست مورد اشاره قرار گرفته است. براساس این گزارش، ارتکاب اشکال مختلف خشونت جنسی علیه زنان و دختران توسط نیروهای داعش در کشورهای بی نظیر سوریه و عراق، امری انکارناپذیر و به عنوان یکی از معضلات معاصر جدی زنان در این کشورها قلمداد می‌شود؛ اما نکته حائز اهمیت در این میان آن است که می‌بایست میان ارتکاب خشونت جنسی نظیر ارتکاب تجاوز به عنف و شکنجه و اعمال خشونت علیه زنان و دختران دربند و اسیر داعش و نیز ارتکاب اشکال مختلف خشونت علیه زنان و دختران تحت عناوینی نظیر جهاد نکاح و مواردی از این قبیل، تفکیک گذارد؛ و این تفکیک از آن جهت می‌تواند حائز اهمیت باشد که در مورد اخیر، خود زنان و دختران داعشی نیز نقش مؤثر و فعالی در دامن زدن و ارتکاب یافتن خشونت‌های این‌چنینی داشتند (Chattu, 2019: 281).

گروه‌های نوسلفی در غرب آفریقا و به ویژه بوکوحرام نیز رفتاری مشابه با داعش داشته‌اند. بوکوحرام بیش از ۲۵۰ دانش آموز دبیرستان را در ۱۴ آوریل ۲۰۱۴ از یک روستای دورافتاده در شمال شرقی نیجریه ربود؛ و تهدید نمود که آنها را به عنوان برده خواهد فروخت. رهبر این گروه پس از ربودن دختران دانش آموز از مدرسه شبانه‌روزی، در یک پیام ویدئویی ظاهر شد و با پذیرش مسئولیت آن اعلام کرد که این دختران را به عنوان برده خواهد فروخت و یا به زور به ازدواج مردان در خواهد آورد. وی همچنین در این ویدئو گفت که خودش با دو تن از این دختران، یکی ۹ ساله و دیگری ۱۲ ساله ازدواج خواهد نمود. همچنین براساس برخی گزارش‌ها برخی از این دختران به قیمت حدود ۱۲ دلار در کشورهای همسایه فروخته شدند (Brechenmacher, 2019: 49).

بخشی از این امنیت فردی نیز به دارا بودن حق سوادآموزی و کسب علم و دانش بازمی‌گردد. عقل‌گریزی به عنوان یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های نوسلفی‌گری باعث شده تا دید بدبینانه‌ای نسبت به علوم عقلی و تجربی در میان آنها شکل گیرد که مهم‌ترین اصل معرفت‌شناسی سلفی‌گرایی و نوسلفی‌ها است. براساس این اصل معرفت‌شناسی، مراجعه مستقیم به نصوص دینی و سنت با معیار فهم سلف، مهم‌ترین راهکار سلفی‌ها برای دستیابی به حقیقت دینی است. به نظر آنها، کاربرد عقل در فهم و استنباط احکام الهی، موضوعیت ندارد و نقل در حیات انسانی کفایت می‌کند. در نزد سلفی‌ها، نقل‌گرایی آنچنان دارای اهمیت است که میزان تدین و خلوص ایمان افراد با معیار

نقل‌گرایی سنجیده می‌شود. به زعم آنها، عقل در شئون دینی فاقد صلاحیت است. به عقیده سلفی‌های جدید، عقل در معرض خطا و در معرض اشتباه بسیار قرار دارد (سیدنزاد، ۱۳۹۴: ۱۳۹). براساس این مبنا، شاهد نوعی مخالفت جدی گروه‌های نوسلفی با علم‌آموزی و سوادآموزی هستیم. بوکوحرام در لغت به معنای «آموزش (غربی) حرام است» می‌باشد (پورحسن و سیفی، ۱۳۹۴: ۱۲). برگزیدن این نام تا حد زیادی بازنمایی تفکر این گروه و بسیاری از گروه‌های سلفی جدید در مخالفت با دانش جدید است. این تفکر قصد دارد با پیوند زدن آموزش با نفوذ تمدن غربی، اساساً علم‌آموزی و کسب دانش را به عنوان پدیده‌ای منفی تبدیل نماید. نتیجه این فرآیند خروج (یا حداقل عقب افتادن) جوامع اسلامی از قافله علم جهانی است که آثار مخربی در آینده این جوامع خواهد داشت. پیامد دیگر این مسئله حذف فضای مناسب برای نخبگان فکری در جوامع اسلامی است تا توانایی علم خود را به عرصه حضور رسانند (Tirmizi, 2021: 28).

بعد دیگر عملی این عقل‌ستیزی و علم‌گزیزی، رویکرد منفی این گروه‌ها در مقابل آثار باستانی و تاریخی است. در سوریه، داعش با تصرف شهر تاریخی پالمیرا که دارای سابقه تاریخی بیش از ۲۰۰۰ سال و جزء میراث جهانی بود را نابود ساخت. در ابتدا مجسمه مشهور شیر آتن که در ورودی باستانی پالمیرا (تدمر) قرار داشت توسط داعش تخریب شد. همچنین این گروه نوسلفی دو معبد باستانی «بعل شمین» و «بل» در شهر باستانی پالمیرا را ویران کرد. علاوه بر این داعش با بلدوزر، پتک و حتی مواد منفجره به جان اماکن باستانی شهر موصل افتاد. یکی از این اماکن، شهر تاریخی نمرود بود که داعش بطور کامل آنرا از بین برد (Walid, 2021: 5).

### ۳-۴. امنیت سیاسی:

یکی از مهم‌ترین وجوه امنیت و توسعه انسانی آن است که مردم در جامعه‌ای زندگی کنند که به حقوق انسانی ایشان احترام گذارده شود و حق انتخاب و مشارکت سیاسی آن‌ها در تعیین سیاست‌های عمومی وابسته به سرنوشت شخصی‌شان به رسمیت شناخته شده و افراد از سرکوب و خشونت در امان باشند. نهایت امنیت سیاسی و فیزیکی نیز به مقابله با خشونت علیه حقوق انسانی مربوط می‌شود که براساس آن انسان‌ها حداقل از بروز خشونت‌های مستقیم دور باشند.

ترور و ارباب از مهمترین شیوه‌های جریان نوسلفی در کشورهای اسلامی به شمار می‌آید. این اقدامات علاوه بر از بین بردن امکانات مادی و زیربنایی این کشورها عملاً تهدید اصلی جانی برای عمده مسلمانان است. از زمان حضور مستقیم و گسترده گروه‌های نوسلفی در عراق، سوریه،

سومالی، لیبی و نیجریه تاکنون جان صدها هزار مسلمان گرفته شده است. بر اساس گزارش مؤسسه اقتصاد و صلح، بیشترین حملات تروریستی در سطح جهانی در پنج کشور افغانستان، عراق، نیجریه، پاکستان و سوریه انجام شده و ۷۸ درصد کل مرگ و میرهای ناشی از تروریسم در این کشورها بوده است. این آمار نشان می‌دهد که کشورهایی که به شکل مستقیم با پدیده حضور گروه‌های نوسلفی مواجه هستند به شکل جدی امنیت سیاسی آنها دچار خدشه شده است (Brechenmacher, 2019: 47).

در بین جوامع اسلامی، درگیری‌های مسلحانه گروه‌های نوسلفی در سوریه وضعیت بدی را در بعد امنیتی ایجاد نمود (نادری و دیگران: ۱۳۹۶: ۱۵). بر اساس اعلام دیدبان حقوق بشر سوریه در جریان پنج سال درگیری خونین در این کشور بیش از ۲۶۰ هزار تن جان خود را از دست دادند. این مرکز اعلام کرد که تعداد قربانیان درگیری‌های سوریه از زمان آغاز این درگیری‌ها در مارس ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ از ۲۶۰ هزار تن عبور کرد. همچنین کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل اعلام کرد که درگیری‌های گروه‌های تکفیری در سوریه تا ۲۰۱۸ موجب آواره شدن بیش از ۱۱ میلیون سوری در داخل و خارج از این کشور شد (Belloni and Costantini, 2019: 511).

همچنین براساس، گزارش روزنامه گاردین بیش از ۱/۹ میلیون نفر یعنی حدود ۱۱ درصد از مردم سوریه نیز از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ در درگیری‌های مختلف زخمی شده‌اند؛ و سن امید به زندگی در سوریه از ۷۰ سال در سال ۲۰۱۱ به ۵۵ سال در سال ۲۰۱۵ رسید که یکی از سریع‌ترین نرخ‌های کاهش در دهه‌های اخیر بود. همچنین نرخ مرگ و میر از ۴/۴ درصد در سال ۲۰۱۰ به رقم حیرت انگیز ۱۰/۹ درصد در سال ۲۰۱۵ رسید که نشان از میزان بالای مرگ و میر در این کشور و شمار بالای کشته شدگان درگیری‌های نوسلفی در سوریه بود. بسیاری از افرادی نیز که موفق به فرار از دست گروه‌های تکفیری و خروج از کشور می‌شدند نیز سرنوشتی دردناک داشتند. بسیاری از این افراد در چنگال قاچاقچیان انسان گرفتار شدند و تعداد زیادی نیز در مسیر جان خود را از دست دادند (Tirmizi, 2021: 44-49).

در گزارش سازمان ملل آمده است که تعداد کودکان غرق شده در دریای مدیترانه رو به افزایش است. صندوق کودکان ملل متحد، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و سازمان بین‌المللی مهاجرت که به طور مشترک این گزارش را تهیه کرده‌اند هشدار دادند از ماه سپتامبر سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ بیش از ۳۴۰ کودک که بیشتر آنان خردسال و نوزاد بودند در دریای مدیترانه جان خود را از دست دادند. همچنین تعداد این کودکان غرق شده ممکن است بیش از آمار فوق باشد

چرا که اجساد برخی از آنان در دریا ناپدید شده است. دریای اژه در منطقه‌ای بین دو کشور ترکیه و یونان، مرگبارترین مسیر ارتباطی در جهان برای مهاجران و پناهجویان به حساب می‌آید. وضعیت جوی نامناسب، کیفیت پایین قایق‌ها، عدم توجه به ظرفیت قایق‌ها و نبود تجهیزات ایمنی کافی، خطر واژگونی قایق را افزایش می‌دهد و این سفر را مخاطره‌آمیز می‌کند. به گزارش سایت اطلاع رسانی کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد، در سال ۲۰۱۶ کودکان ۳۶ درصد از افرادی را شامل می‌شوند که با خانواده‌هایشان مهاجرت می‌کنند و به همین دلیل احتمال غرق شدن آنان حین عبور از دریای اژه به نسبت افزایش می‌یابد. در شش هفته نخست سال ۲۰۱۶ میلادی از ۸۰ هزار نفری که از شرق دریای مدیترانه عبور کردند ۴۱۰ نفر غرق شدند (Tokmajyan, 2021: 4).

در نیجریه نیز حملات گروه نوسلفی بوکوحرام جان تعداد زیادی از مردم نیجریه و به‌ویژه مسلمانان را گرفته است. مؤسسه اقتصاد و صلح در تحقیق خود در سال ۲۰۱۶ از آمار و ارقام مربوط به تلفات اقدامات تروریستی در سال ۲۰۱۴ اشاره کرد. مؤسسه اقتصاد و صلح در تازه‌ترین تحقیق خود اعلام کرد شاخص جهانی تروریسم نشان می‌دهد که طی سال ۲۰۱۴ میلادی بیش از ۳۲۶۵۸ نفر در سراسر جهان توسط تروریست‌ها کشته شدند که این رقم نسبت به سال قبل از آن بیش از ۸۰ درصد رشد داشت.

نکته قابل توجه اینکه، بوکوحرام و داعش دو گروه تروریستی تکفیری مسئول بیش از نیمی از مرگ و میرها در حملات تروریستی در سراسر جهان طی سال ۲۰۱۴ میلادی بودند (Belloni and Costantini, 2019: 511).

بعد دیگر به خطر افتادن امنیت سیاسی توسط گروه‌های نوسلفی در قالب به خطر انداختن مشارکت سیاسی در جوامع اسلامی و استمرار حضور نظام‌های سیاسی استبدادی در این کشورها است. جریان‌های سلفی جدید به دو شکل به استمرار و روی کار آمدن نظام‌های استبدادی در کشورهای اسلامی کمک نموده‌اند. نخست، جریان‌های نوسلفی با توجه به جنبه سلبی و نفی نظم و نظام مستقر، نظریه‌ای منسجم در باب گزینه بدیل حکومتی ندارند و عمده خواست آن‌ها احیای شکل خاصی از خلافت اسلامی است. حکومتی که همه مظاهر توجه به مردم، آزادی، مشارکت و حضور احزاب در آن رد شده است. این امر موجب شده که کشورهای اسلامی از سویی گرفتار نوعی هرج و مرج و بی‌نظمی پایان‌ناپذیر شوند و دورنمایی از نظام سیاسی نیز که برای آنان ترسیم می‌شود همراه با نوعی نظام استبدادی و خشن باشد. آشکار است که حکومتی که بر پایه چنین باورهایی شکل گیرد به حکومتی کل‌گرا و توتالیتر تبدیل می‌شود. آثار نوسلفی‌ها و سازمان‌های

وابسته به آنها و همچنین عمل و رفتارشان، آشکارا نشان می‌دهد که آنها هرگونه آزادی و مشارکتی را رد می‌کنند که عمده دلیل آنها این است که قوانین امروزی کشورهای اسلامی برگرفته از کافران است و از این رو با شیوه‌های حکومتی مردم‌سالار و حزبی مخالفت می‌ورزند. برآیند طبیعی این گونه برداشت‌ها عمدتاً تجویز نظام‌های خودکامه است (سیدباقری و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۶۲).

دوم آنکه در این اوضاع، دولت‌های استبدادی که امروزه در بخش عمده‌ای از کشورهای اسلامی حاکم هستند از فرصت گسترش سلفی‌گری جدید برای تداوم حکومت خود بهره می‌برند. خشونت‌گرایی گروه‌های نوسلفی و ایجاد ناامنی و فرقه‌گرایی گسترده، زمینه را برای تداوم نظام‌های تمامیت‌خواه و استبدادی فراهم آورده است. گسترش ناامنی‌ها باعث شده تا بسیاری از مسلمانان دست به نوعی معامله بزنند و در این جوامع زندگی در محیطی با امنیت حداقلی را با پذیرش حکومت‌های استبدادی معامله نمایند (سیدباقری و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۶۳).

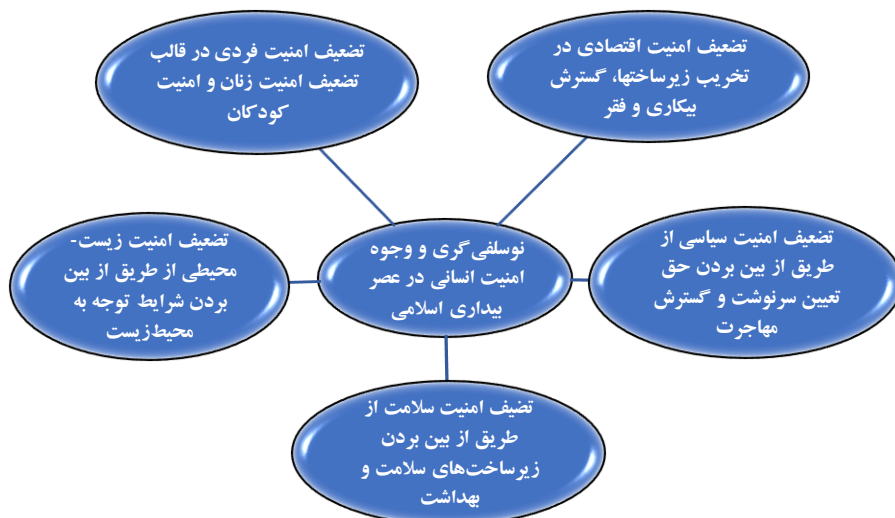
این موضوع یکی از عوامل اصلی کند شدن جریان رو به موج نوین بیداری اسلامی بوده است. گروه‌های نوسلفی با به خشونت کشیدن جریان‌های بیداری اسلامی در کشورهای مختلف کمک‌شایانی به حاکمان اقتدارگرای بسیاری از کشورهای اسلامی نموده‌اند تا مردم این کشورها متقاعد شوند حرکت‌های آزادی‌طلبانه زمینه را برای گسترش جریان‌های خشونت‌گرای سلفی فراهم نموده و این کشورها اسیر چرخه باطل ناامنی و افراط خواهند شد.

### ۳-۵. امنیت زیست‌محیطی:

امنیت زیست‌محیطی به یکپارچگی زمین، هوا و آب و تداوم حیات انسانی در کره زمین تاکید دارد. مسئله زمین و تبدیل شدن زمین‌های جنگلی به زمین‌های کشاورزی یا بیابان، از جمله مشکلات و مسائل پیش‌روست. قطع بی‌رویه درختان باعث تشدید سرعت تبدیل جنگل‌ها به بیابان و پیدایش بیابان‌زایی شده است. مسئله آلودگی هوا نیز از جمله مسائلی است که بیش‌تر کشورهای صنعتی را درگیر نموده است؛ لکن شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه هم از جمله مشکلات محیط‌زیستی است.

حضور نیروهای نوسلفی در کشورهای اسلامی مشکلات زیست‌محیطی را به شکل جدی‌تر بغرنج‌تر ساخته است. حضور این گروه‌ها و جنگ مسلحانه آن‌ها باعث شده تا برنامه‌های زیست‌محیطی در این کشورها تا حد زیادی به بوته فراموشی سپرده شود و از اولویت اصلی و مهم این دولت‌ها خارج گردد. همچنین این گروه‌ها هیچ‌گونه عنایتی به موضوعات زیست‌محیطی نداشته‌اند

که آثار آن به شکل جدی در مناطق همجوار مشخص می‌گردد. برای نمونه پس از تسلط بر قسمت‌هایی از عراق، داعش اقدام به بستن رود فرات کرد که این اقدام سبب بر هم خوردن ساختار کشاورزی در مناطق مختلف عراق شد و این مناطق را به محیطی مستعد برای گسترش ریزگردها مبدل ساخت که آثار جدی زیست‌محیطی آن بر عراق و حتی مناطق جنوبی ایران کاملاً هویدا است.



نمودار ۱: نوسلفی‌گری و وجوه امنیت انسانی در عصر بیداری اسلامی

### نتیجه‌گیری

مطالعات سنتی امنیت بر محور نظامی به‌عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت متمرکز بوده است. این گرایش، تمرکز عمیقی بر نظامی محور شدن مطالعات امنیتی گذاشت؛ لیکن این نگاه از دهه ۱۹۸۰ دچار تغییرات جدی شد. از این زمان دیدگاه‌هایی که نگاه موسع‌تر به مفهوم امنیت انسانی داشتند اهمیت بیشتری داشتند و نگاه متکثر به مفهوم امنیت مورد توجه اندیشمندان حوزه مطالعات امنیتی قرار گرفت که یکی از مهمترین نمونه‌های این نوع برداشت از امنیت در «امنیت انسانی» تجلی یافت. این نگاه متکثرتر به مفهوم امنیت در قالب امنیت انسانی قدرت تبیینی بیشتری در ارزیابی تأثیر حضور گروه‌های نوسلفی در جغرافیای دنیای اسلام می‌تواند داشته باشد.

شواهد بیانگر آن است که رابطه‌ای مستقیم بین تقویت حضور گروه‌های نوسلفی در کشورهای اسلامی با تضعیف سطوح مختلف امنیت انسانی وجود دارد. براین اساس، جوامع اسلامی نظیر سوریه، لیبی، عراق و افغانستان که بیشترین فعالیت گروه‌های نوسلفی در آنها بوده افت بیشتری

در رتبه‌بندی امنیت انسانی داشته‌اند. حضور و فعالیت این گروه‌ها دولت‌های اسلامی را درگیر چرخه ناکام‌سازی و تضعیف سطح امنیت انسانی ساخته است. گسترش فعالیت گروه‌های نوسلفی باعث تبدیل دولت‌های اسلامی به دولت‌های ناکام شده و این مسئله سطوح امنیت انسانی در این کشورها را کاهش می‌دهد و در همین حال و به شکل متقابل تضعیف سطوح امنیت انسانی روند ناکام‌سازی این دولت‌ها را تسریع بخشیده است.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد نوعی همپیوندی بین سطوح مختلف امنیت انسانی در این جوامع وجود دارد که در مراتب چندگانه به تضعیف امنیت انسانی کمک می‌کند. این بدان است که تقویت حضور گروه‌هایی نوسلفی به شکل نظام‌مند تمام وجوه امنیت انسانی در کشورهای اسلامی را تضعیف نموده و تضعیف یک وجه به قوام‌بخشی تضعیف سایر سطوح کمک کرده است. این حضور در ابتدا وجوه امنیت فردی و سیاسی را مخدوش کرده و سپس امنیت اقتصادی و سلامت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تأثیرگذاری بر امنیت سلامت معمولاً با مقداری تأخیر همراه بوده اما معمولاً مخاطرات میانمدت و بلندمدت جدی را برای کشورهای اسلامی ایجاد می‌نماید.

### فهرست منابع

۱. پورحسین، ناصر و عبدالمجید سیفی (۱۳۹۴). گسترش نوسلفیسم و تأثیر آن بر اتحاد جهان اسلام، فصلنامه شیعه‌شناسی، ۱۳ (۵۲)، صص ۷-۳۴
۲. سیدباقری، سیدکاظم؛ حسینی، محمّد؛ ملاشفیعی، بتول (۱۳۹۳). آثار سیاسی و اجتماعی جریان‌های تکفیری بر عقب ماندگی کشورهای اسلامی، مجموعه مقالات اولین کنگره جهانی مبارزه با مخاطرات جریان‌های تکفیری، ج ۶، صص ۳۰۷-۳۲۳.
۳. سیدنژاد، سیدباقر (۱۳۸۹). سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳ (۱)، صص ۹۵-۱۲۲.
۴. محمدنیا، مهدی و محمود علیپور گرجی (۱۴۰۰). خیزش مجدد گفتمان راست افراطی در اروپا و تقابل با مسلمانان در عصر بیداری اسلامی، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۱۰ (۴)، صص ۱۴۱-۱۶۷.
۵. مرادپور دهنوی، امیر حسین (۱۳۹۹). درآمدی بر مراحل بیداری اسلامی در جهان اسلام، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۹ (۱۸)، صص ۸۷-۱۰۶.
۶. نادری، احمد؛ طاقتی، علیرضا؛ منجی، محسن (۱۳۹۶). بررسی گفتمان فرقه‌گرایی داعش در سوریه، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۶ (۱)، صص ۸-۲۳.

7. Bayat, A. (2013). *Post-Islamism: The Changing Faces of Political Islam*. Oxford University Press
8. Belloni, R. and Costantini, I. (2019). From liberal statebuilding to counterinsurgency and stabilization: the international intervention in Iraq. *Ethnopolitics* 18(5): 509–525.
9. Brechenmacher, S. (2019). *Stabilizing Northeast Nigeria after Boko Haram*, Washington: Carnegie Endowment for International Peace.
10. Chattu, A. & Reddy, O. (2019). Global health diplomacy fingerprints on human security. *Int J Ment Health Syst*.10 (21). doi: 10.4103/ijpvm.IJPVM\_11\_19.
11. Clausen, M. (2021). Providing security in Iraq – what do Iraqis think? DIIS Policy Brief.
12. Gasper, D. (2005). Securing Humanity: Situating Human Security as Concept and Discourse, *Journal of Human Development*, 6(22), pp. 221 – 245.
13. Hayes, K., Blashki, G., Wiseman, J. (2018). Climate change and mental health: risks, impacts and priority actions. *Int J Ment Health Syst*, 12 (28), <https://doi.org/10.1186/s13033-018-0210-6>
14. Peoples, C. and Vaughan-Williams, N. (2010). *Critical Security Studies: An Introduction*, London: Routledge.
15. Rob B. (2020). *Managing Famine Risk: Linking Early Warning to Early Action*, London: Chatham House.
16. Tirmizi, A. (2021). *Runaway Women in Post-Taliban Afghanistan*, Stanford: Stanford University Press.
17. Tokmajyan, Armenak (2020). How Southern Syria Has Been transformed Into a Regional Powder Keg, Carnegie Middle East Center, 14 July, <https://carnegie-mec.org/2020/07/14/how-southern-syria-has-been-transformed-into-regional-powder-keg-pub-82202>, accessed 19 April 2021.
18. Walid, N. (2021). *Will the Security Crisis in Southern Syria Spark a New Revolution*, London: Chatham House.
19. Vivekananda, J. Wall, M., Sylvestre, F. and Nagarajan, C. (2019). *Shoring up Stability*, Berlin: Adelphi.

## تبیین آموزه‌های دینی در مکتب شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی (بر مبنای تحلیل محتوای وصیت‌نامه سردار)

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر

فاطمه حاجی اکبری\* ID

بجنورد، بجنورد. ایران

مدرس گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر

معصومه شیردل ID

بجنورد، بجنورد. ایران

### چکیده

با تأسی از فرمایشات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی)، بایستی نسبت به سیره و سلوک سردار سلیمانی، نگاه مکتبی داشت. در این راستا، پژوهش حاضر درصدد ارائه الگویی از تعالیم انسان‌ساز در مکتب درس آموز شهید سلیمانی است. (مسئله) بدین منظور، با استفاده از با استفاده از روش نظام‌مند «تحلیل محتوای مضمونی» به تبیین هدفمند و وصیت‌نامه سردار سلیمانی می‌پردازد. بر اساس میزان فراوانی مضامین اصلی و فراگیر متن وصیت‌نامه و تحلیل محتوای کیفی و کمی (روش)، مهم‌ترین آموزه‌های دینی این مکتب به ترتیب اولویت عبارتند از: شهادت‌طلبی؛ ولایت‌مداری؛ توحید باوری؛ عشق به اهل بیت (علیهم‌السلام)؛ اخلاق‌مداری؛ توجه به اصول دین. سردار سلیمانی، به‌عنوان اسوه بیداری اسلامی در دوران معاصر، در عرصه جهاد تبیین نیز بسیار مجاهدت نمود. او که با اعتقاد به روایت «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا»، شرط شهید شدن را شهید بودن می‌دانست، پیوسته «آرزوی شهادت» داشت و بر لزوم «تعظیم شهیدان» و «تکریم خانواده شهید» تأکید می‌ورزید. ابراز اعتقاد و ارادت سردار نسبت به مقام ولایت و امامین انقلاب بی‌نظیر است. لذا ولایت فقیه را «رنگ خدا»، امتداددهنده ولایت علوی و مهم‌ترین اصل معرفی می‌کند. شهید سلیمانی نگاه توحیدی داشت و تمام کارهایش فقط برای رضای خدا بود. سراسر وجود و کلامش را اقرار به «ما ملت امام حسینیم» و عشق به معصومین (علیهم‌السلام) فرا گرفته بود. از دیگر آموزه‌های متعالی این مکتب، می‌توان به منش اخلاقی و آخرت‌گرایی اشاره نمود. (یافته‌ها)

کلیدواژه‌ها: سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، مکتب، وصیت‌نامه، آموزه‌های دینی، تحلیل محتوا،

شهادت‌طلبی

دریافت: ۱۴۰۲-۰۶-۱۰

\* نویسنده مسئول f.hajiakbari@kub.a.c.ir

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۷-۱۱

صفحات مقاله: ۴۷-۷۵

## مقدمه و بیان مسئله

مکتب اسلام شاگردانی برجسته و اثرگذار دارد که همواره در پی هدایت جامعه اسلامی بوده‌اند. مهم‌ترین دغدغه و تلاش پیوسته آنان در جهت صیانت از آرمان‌های انقلاب و ارزش‌های دینی است. لذا هرگاه احساس کنند در جامعه نسبت به این اصول ارزشمند، قصور یا انحرافی صورت گرفته بلافاصله وارد عمل می‌شوند و با کلام نافذشان باعث رفع این موانع و انحرافات در جامعه اسلامی می‌شوند. از سوی دیگر، وصیت‌نامه‌های این بزرگان نیز از جمله اسنادی است که پس از درگذشت ایشان، برای تاکید روی آرمان‌ها و جلوگیری از کج‌روی مردم و بیان توصیه‌هایی در زمینه‌های مختلف از جمله مسائل دینی مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد.

از میان چهره‌های شاخص نظام جمهوری اسلامی ایران، سردار شهید سلیمانی، جزو برجسته‌ترین قهرمانان بین‌المللی محسوب می‌شود که نشان‌های فتح و ذوالفقار را از دستان مقام معظم رهبری دریافت کرده است. (موسوی، ۱۳۹۸، ص ۷۶؛ 2018 Soufan. Gen.؛ 2020) که ایشان علاوه بر حضور مؤثر در میادین نظامی، در میدان نبرد فکری و قدرت نرم نیز حضور فعالی داشتند. یکی از بهترین منابع مستند برای دستیابی به باورها، آرمان‌ها و اندیشه‌های وی، متن وصیت‌نامه ایشان می‌باشد.

لازم به ذکر است از آنجا که در این نوشتار، مجال نقل کامل متن وصیت‌نامه سردار فراهم نبود، به فراخور بحث، بخش‌هایی از این محتوا متناسب با مباحث مربوطه آمده که به صورت برجسته در متن پژوهش حاضر مشخص شده است و از کتاب «میثاق‌نامه مکتب حاج قاسم» گزارش می‌شود.<sup>۱</sup>

بی‌تردید، به دلیل جایگاه والای سردار دل‌هاست که پس از عروج ملکوتی ایشان، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در پیام تسلیت چنین فرمودند: «او نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی (ره) بود». همچنین ضمن بیانات خطبه‌های نماز جمعه مورخ ۹۸/۱۰/۲۷، در توصیفی بی‌نظیر می‌فرمایند: «سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم بنگرید». (بایگ‌های حفظ و نشر آثار آیت‌العظمی خامنه‌ای) این سخنان گهربار مهم‌ترین دلیل بر ضرورت الگوگیری از منش دینی مکتب

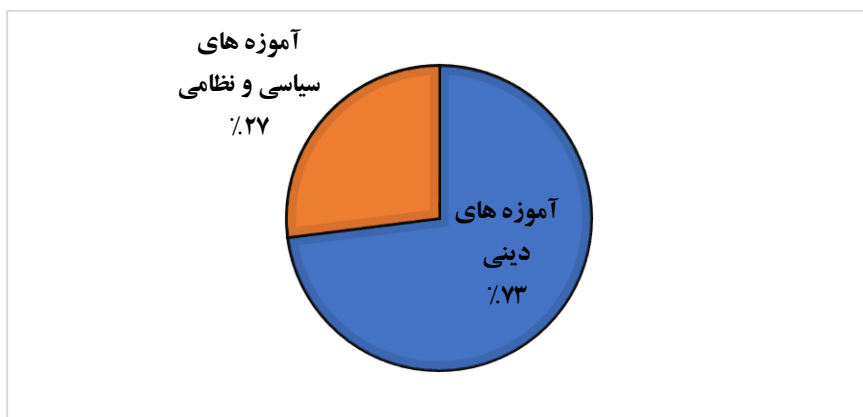
<sup>۱</sup> برای مطالعه محتوای کامل وصیت‌نامه شهید سلیمانی و مشاهده متن دست‌نویس آن،: (رک).

مؤسسه مکتب حاج قاسم، ۱۳۹۸، ص ۴-۶۶)

سردار سلیمانی است. رابطه صمیمانه و قابل اعتماد سردار و رهبر معظم انقلاب نیز نشان از جایگاه والای وی دارد. (Tabatabai, A. M. 2020)

۱.۱. اهمیت تبیین آموزه‌های دینی در مکتب شهید سلیمانی

شهید سلیمانی با وجود اینکه یک شخصیت برجسته نظامی و سردار عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران بود، اما در وصیت‌نامه پرمحتوایش، فارغ از آن جایگاه نظامی، چنان قلم زده است که گویا کلمات و مضامین آن از زبان عالمی روحانی و عارفی وارسته بیان می‌شود. با مطالعه عمیق و تحلیل علمی و دقیق متن وصیت‌نامه سردار ملاحظه می‌شود که برخلاف تصور اولیه، حجم قابل توجهی از مضامین موجود در این محتوا، ناظر به آموزه‌های دینی است. نموداری که بیانگر میزان فراوانی مقوله‌های مستخرج از وصیت‌نامه سردار سلیمانی است به شکل ذیل ترسیم می‌گردد.



**تصویر ۱: نمودار فراوانی مقوله‌های مستخرج از وصیت‌نامه سردار سلیمانی**

لازم به ذکر است که نمودار فوق از جمله مهم‌ترین دستاوردهای پژوهش حاضر می‌باشد که فرایند رسیدن به آن، در ادامه این نوشتار در مبحث «روش اجرای تحلیل محتوا در وصیت‌نامه سردار سلیمانی» کامل بیان شده است و مجال برای تکرار مطالب نیست. بنابراین می‌توان گفت در اندیشه سردار سلیمانی، مسائل دینی بسیار حائز اهمیت است. تمرکز ویژه ایشان به اموری نظیر رعایت حدود الهی، موازین شرعی و اخلاق اسلامی نه تنها در زبان، بلکه در عمل ثابت شده است. شواهد و مستندات فراوانی از اولویت دهی سردار نسبت به مسائل اخلاقی و دینی حتی در حساس‌ترین میادین نظامی گزارش شده است که خود به نوعی، مؤید اهمیت موضوع پژوهش حاضر می‌باشد.

## ۱.۲. اهداف و پرسش‌های پژوهش

در بیانات مقام معظم رهبری، شخصیت‌های محدود و ویژه‌ای اسطوره‌نمیده شده‌اند که بررسی آنها نشان می‌دهد، وجه مشترک تمام آن اسطوره‌ها، بعد معنوی آنهاست. (برزویی، ۱۴۰۱، ص ۱۶۰)

نکته شایان ذکر این که تاکنون هیچ پژوهش مدونی پیرامون «تبیین آموزه‌های دینی مکتب شهید سلیمانی»، آن هم با رویکرد علمی «تحلیل محتوا» صورت نگرفته است. حال آن که گفتار و رفتار این الگوی وارسته مختص قشر خاصی از جامعه نیست، بلکه مخاطبان و رهروان ایشان، شامل عموم افراد جامعه اسلامی فارغ از هر پست و مقامی می‌شود. اما ترسیم الگوی دینی و معرفتی از مکتب شهید سلیمانی تا به حال مغفول مانده است. بنابراین مساله اصلی پژوهش حاضر این است که «الگوی فراگیر آموزه‌های دینی در مکتب درس آموز شهید سلیمانی چیست؟»

در جهت پاسخ به این سؤال کلیدی، نوشتار حاضر در صدد استخراج تعالیم انسان ساز مکتب شهید سلیمانی، با محوریت تحلیل مضامین دینی است. بدین منظور با استفاده از شیوه‌ای نوین و تخصصی و به کارگیری روش علمی و نظام‌مند «تحلیل محتوا»، به بررسی دقیق و تحلیل هدفمند وصیت‌نامه سردار سلیمانی می‌پردازد.

## ۲. پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهد پس از شهادت سردار سلیمانی تاکنون، چندین همایش در رابطه با ایشان برگزار شده و پژوهش‌های متعددی نیز در قالب کتاب، طرح پژوهشی، پایان‌نامه و مقاله انجام شده است. با تبعی گسترده، علاوه بر اغلب آثار تألیفی که در زمینه گزارش خاطرات، زندگینامه و بیان زوایای زندگی شهید بزرگوار به رشته تحریر درآمده، مهم‌ترین منابع مرتبط با نوشتار حاضر که در زمینه «مکتب شهید سلیمانی» یا «تحلیل و وصیت‌نامه سردار» یا نقش الگویی ایشان نگاشته شده، به شرح ذیل مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است:

- ۱- کتاب «شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی»؛ علی شیرازی، [تهران]: خط مقدم، ۱۳۹۹.
- این اثر در صدد تطبیق مکتب شهید سلیمانی با مکتب امام خمینی (ره) است و با استناد به سخنان شهید و هم‌زمان ایشان و همچنین مقام معظم رهبری به تبیین شاخص‌های مشترک میان این دو مکتب پرداخته است.

۲- کتاب «بیاید این گونه باشیم (مبانی و اصول مکتب شهید سلیمانی)»؛ محمدباقر بابایی  
 طلاپه، تهران: دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۹.

فصل پایانی این اثر، به تحلیل و تبیین اصول راهبردی مکتب سلیمانی اختصاص یافته است  
 و به تفکیک، به چهار نوع از اصول اندیشه‌ای؛ ارزشی؛ الگویی و نمادی می‌پردازد.  
 ۳- کتاب «بصیرت در مکتب حاج قاسم»؛ رحیم لیالی و جمال مشمایی، تهران: آفتاب  
 گیتی، ۱۴۰۰.

در این اثر، با تمرکز بر مؤلفه بصیرت در مکتب شهید سلیمانی، بر مبنای محتواهای موجود  
 در این زمینه، در ۴ فصل مجزا، به بررسی بعد اخلاقی-رفتاری، فکری-اعتقادی، سیاسی-اجتماعی  
 و بعد نظامی بصیرت در مکتب سردار می‌پردازد.

۴- طرح پژوهشی «واکاوی مؤلفه‌های مکتب شهید سردار سلیمانی»: رضا فیضی؛ مسعود  
 ندافان؛ محمدباقر باباهادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شوراس اسلامی، اردیبهشت ۱۴۰۰، ص  
 ۳۸۸-۴۰۸.

در این گزارش، با روش تحلیل مضمون، ابتدا بیانات رهبر معظم انقلاب در مورد  
 ویژگی‌های شهید سلیمانی تحلیل شده و سپس با واکاوی وصیت‌نامه و گزاره‌های راهبردی سخنان  
 سردار، مؤلفه‌های سیاسی مکتب ایشان استخراج شده است. (ص ۳۹۰)

۵- پایان‌نامه کارشناسی ارشد «مبانی قرآنی مکتب سردار شهید سلیمانی (با محوریت جهاد  
 و مقاومت)»: علی حاج‌منوچهری، استاد راهنما: عظیم عظیم‌پور، دانشگاه علوم و معارف قرآن  
 کریم، ۱۴۰۰.

در این پژوهش تلاش شده است برخی از مؤلفه‌های شاخص مکتب شهید سلیمانی مانند  
 جهاد مقاومت و سیره اخلاقی سردار با محوریت آموزه‌های قرآنی بررسی و ضرورت احیا و  
 استمرار این گونه افکار متعالی در جامعه تبیین گردد.

۶- مقاله «ابعاد تربیت شناختی، گرایشی و رفتاری در مکتب سردار شهید حاج قاسم  
 سلیمانی با رویکرد جهادی و جهان‌شمول»، محمدرضا زرگران‌خوزانی؛ مهدی شریف‌پور  
 شوشتری، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۷۳-۸۸  
 این پژوهش به صورت مروری انجام شده و به بررسی شاخصه‌های تربیتی مکتب شهید  
 سلیمانی در ابعاد شناختی، گرایشی و رفتاری با رویکرد جهان‌شمول پرداخته است.

۷. مقاله «تحلیل گفتمان وصیت‌نامه شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی»؛ یاسر بهشتی، هادی

البرزی، نشریه مطالعات دینی رسانه، سال دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صص ۲-۱۸.

این مقاله که به روش علمی «تحلیل گفتمان» در پی کشف گفتمان‌های موجود در متن وصیت‌نامه سردار سلیمانی است و گفتمان غالب را اهمیت حفظ جمهوری اسلامی ایران به عنوان تداعی کننده اسلام شناسایی نموده است. اما این اثر خیلی کاری به موضوع «مکتب شهید سلیمانی» ندارد.

۸ مقاله «الگوی تفکر راهبردی مدیران جهادی براساس وصیت‌نامه الهی سیاسی شهید قاسم سلیمانی»؛ حسین جلیلیان، نشریه مدیریت اسلامی، شماره ۱۱۳، زمستان ۱۳۹۹، صص ۹۳-۱۱۱.

این مقاله با روش «تحلیل مضمون» و با تمرکز بر تحلیل وصیت‌نامه سردار، نسبت به ارائه الگوی تفکر راهبردی برای مدیران جهادی اقدام نموده است.

با توجه به گزارشاتی که پیرامون روش و نتایج پیشینه‌های موجود ارائه شد، ملاحظه می‌شود اغلب آن‌ها علی‌رغم به کارگیری روش‌های علمی و رهیافت‌های تحلیلی، مخاطبان خاصی دارند و تنها قشر محدودی از جامعه همچون نخبگان سیاسی، مدیران جهادی و فرماندهان نظامی را به عنوان گروه هدف تلقی نموده‌اند. حتی سایر آثاری هم که ادعا کرده‌اند یا نگاه مکتبی و الگویی انجام شده، با گرایش‌های خاصی نظیر مطالعات راهبردی، دفاعی و مدیریتی صورت گرفته و هیچ اشاره‌ای به تعالیم انسان‌ساز مکتب شهید سلیمانی برای عموم مردم نشده است. لذا پژوهش حاضر با تأسی از فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، درصدد است با تمرکز بر تحلیل محتوای وصیت‌نامه شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی، گامی در جهت ارائه مبانی فکری و معرفتی این مکتب درس آموز برای همه اقشار و احاد مردم بردارد.

### ۳. روش پژوهش

از آنجاکه در این نوشتار لازم بود متن کامل وصیت‌نامه سردار سلیمانی که دارای حجم قابل توجهی قریب به ۲۹۰۰ کلمه بود، مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرد و در نهایت، الگوی جامعی از آموزه‌های دینی مندرج در آن ارائه شود، لذا انجام این کار و تحقق اهداف موردنظر، جز با استفاده از روش بنیادی و کاربردی «تحلیل محتوا» میسر نبود، زیرا «تحلیل محتوا» روشی انعطاف پذیر برای تحلیل داده‌های متنی است (مهرداد و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۳) و از طریق

کدگذاری و معرفی الگوها یا درون‌مایه‌ها به تفسیر ذهنی متن می‌پردازد. (هومن، ۱۳۹۳، ص ۸۴) همچنین هدف آن مانند همه تکنیک‌های پژوهشی، فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل است (کریندورف، ۱۳۸۳، ص ۲۵) به عبارت دیگر، تحلیل محتوا یکی از فنون تحقیق است که برای توصیف عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام به کار می‌رود و هدف آن تفسیر کردن است» (باردن، ۱۳۷۴، ص ۳۵) از آنجا که مهم‌ترین شاخصه تحلیل محتوا، نص‌گرایی یعنی بررسی مستقیم متن از سوی پژوهشگر و عدم دخالت دلایل فرامتنی در فرآیند تحلیل می‌باشد (نیومن، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۷۶، ۱۷۹)، بر قواعد اصولی مانند اعتبار، پایایی و نظام‌مندی استوار است. (هومن، ۱۳۹۳، ص ۸۰) همین امر باعث استقبال فراوان محققان علوم اسلامی از این روش، برای تحلیل نصوص دینی شده است.

از میان انواع فنون تحلیل محتوا، برای انجام پژوهش حاضر از فن «تحلیل محتوای مضمونی»<sup>۱</sup> استفاده شده است. در این روش، به جای استفاده از مقیاس‌ها و مقوله‌های از پیش تعیین شده، مضامین پیام‌ها سنجیده می‌شود. در واقع، «تحلیل محتوای مضمونی» کدگذاری محتوا یا سبک پیام‌ها است که با هدف ارزیابی ویژگی‌ها یا تجارب افراد، گروه‌ها یا دوره‌های تاریخی صورت می‌گیرد. (نوندورف، ۱۳۹۵، صص ۱۹۲-۱۹۳) در فن «تحلیل محتوای مضمونی»، تحلیل از خود متن آغاز می‌شود و کدگذاری به صورت باز صورت می‌گیرد. در واقع، این روش جنبه اکتشافی دارد؛ یعنی پژوهشگر بدون در نظر داشتن فرضیه‌ای، تحلیل را از خود متن آغاز می‌کند و پس از کدگذاری و سنجش فراوانی مضامین مستخرج از متن، می‌تواند مفاهیم و مقوله‌های پنهان در متن را استنباط کند و سپس به تحلیل کیفی و تفسیر یافته‌های تحقیق پردازد. (رک. شیردل، ۱۳۹۷، ص ۲۲-۲۳)

### ۳.۱. روش اجرای «تحلیل محتوا» در وصیت‌نامه سردار سلیمانی

برای انجام پژوهش حاضر، ابتدا لازم بود متن کامل و وصیت‌نامه سردار سلیمانی از منبعی معتبر انتخاب شود. متن خالص وصیت‌نامه (با حذف عناوین و اضافات)، به عنوان محتوای اصلی و معیار مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. این متن مشتمل بر ۲۸۹۵ کلمه است. فرآیند تحلیل محتوای مورد نظر بدین صورت بود که ابتدا با مطالعه دقیق و منظم و بازخوانی مکرر متن وصیت‌نامه، محتوای آن بر مبنای واحد «مضمون» تقطیع و در جداول اکسل توزیع شد. سپس

<sup>۱</sup>. Thematic Content Analysis (TCA)

ستون‌هایی برای پارامترهای جدول تحلیل محتوا، از قبیل «کلیدواژگان»، «مضمون اصلی»، «مضمون فرعی»، «کدگذاری باز» و «یادداشت نظری» ایجاد شد. با مطالعه هر کدام از جملات وصیت‌نامه، مؤلفه‌های مرتبط با آن در جدول ثبت شد. به ازای هر مضمون اصلی، یک کد شناسه مستقل در قسمت «کدگذاری باز» درج شد. به دلیل حجم گسترده جدول تحلیل محتوا در این اثر، امکان ارائه جدول مشتمل بر متن کامل وصیت‌نامه، در این مجال وجود ندارد. لذا از باب نمونه، بخشی از جدول مزبور که در بردارنده جملاتی از وصیت‌نامه سردار است، مطابق شکل ارائه می‌گردد.

جدول شماره ۱: نمونه‌ای از جدول تحلیل محتوای وصیت‌نامه سردار سلیمانی

محتوا	کلید واژگان	مضمون اصلی	مضمون فرعی	کدگذار ی باز	یادداشت نظری
در مسائل سیاسی آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت فقیه مطرح می‌شود، این‌ها رنگ خدا هستند؛	سیاسی	همگرایی جریان انقلاب با فرهنگ اسلامی	اسلام؛ رنگ خدا	S165	
	اسلام				
	جمهوری		جمهوری اسلامی؛ رنگ خدا		
	اسلامی				
	مقدسات		ولایت فقیه؛ رنگ خدا		
	ولایت فقیه				
رنگ خدا					
رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید.	رنگ خدا	لزوم ولایت‌مداری	لزوم اولویت بخشی به رنگ خدا	S166	اقتباس از آیه قرآن: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً؛ رنگ خدا را [که اسلام است، انتخاب کنید] و چه کسی رنگش نیکوتر از رنگ خداست؟» (بقره: ۱۳۸)
	رنگ				
فرزندانم، دختران و پسرانم، فرزندان شهادا، پدران و مادران باقی‌مانده از شهدا، ای چراغ‌های فروزان کشور ما،	فرزندان	تعظیم و تکریم خانواده شهدا	محبت سردار به فرزندان شهدا	S167	
	فرزندان شهدا				
	دختران		محبت سردار به والدین شهدا		
	پسران		محبت سردار به		
	پدران		بازماندگان شهدا		
	مادران		خانواده شهدا؛ روشنایی بخش جامعه اسلامی		
	شهادت				
کشور					

## ۴. مفاهیم و تعاریف پژوهش

**آموزه‌های دینی:** دین اسلام، مکتبی جامع و واقع‌گراست. در اسلام به همه جوانب نیازهای انسانی، اعم از دنیایی یا اخروی، جسمی یا روحی، عقلی یا عاطفی، فردی یا اجتماعی، توجه شده است. بنابراین مجموعه تعلیمات اسلامی را می‌توان مشتعل بر سه بخش اصلی اصول عقاید؛ اخلاقیات و احکام دانست. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۶۳)

**مکتب:** شهید سلیمانی به عنوان شاگرد مکتب اسلام و امام خمینی توانست جامع ارزش‌های اخلاق فردی و اجتماعی باشد و الگوی موفقی از جمع بین معنویت دینی و جامعه‌گرایی را ارائه دهد. (اصغری، ۱۴۰۱، ۱۶۱) واژه «مکتب» از جمله مفاهیمی است که کاربردهای وسیعی در ادبیات علمی و دینی دارد. از نظر لغوی، «مکتب» در اصل واژه‌های عربی است که به عنوان مصدر (به معنای کتابت و نوشتن)، اسم زمان (زمان نوشتن) و اغلب به عنوان اسم مکان (مکان نوشتن و محل کلاس درس) در فارسی قدیم نیز به کار رفته است. (نجانان طوسی، ۱۳۹۹، ص ۱-۴)

«مکتب» «یک تئوری کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی آن، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن خطوط اصلی و روش‌ها، باید‌ها و نباید‌ها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص است و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد هست». (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۴۴) مراد از مکتب شهید سلیمانی، به معنای چارچوب فکری و عملی و مجموعه‌ای از دیدگاه‌های انسجام یافته ایشان راجع به نظام هستی است که به آگاهی‌ها، نگرش‌ها، گرایش‌ها، گفتارها و رفتارها در مقام عمل منجر شده است.

**سردار شهید سلیمانی:** شهید حاج قاسم سلیمانی در ۲۰ اسفند ۱۳۳۵ در روستای قنات ملک شهرستان رابر از توابع کرمان زاده شد. از حدود ۱۳ سالگی روستای خود را برای کار در شهر کرمان ترک کرد. در نوجوانی به کار بنایی مشغول بود و در سال‌های ابتدای جوانی، از پیمانکاران سازمان آب کرمان به شمار می‌آمد. در ابتدای جنگ ایران و عراق، گردانی متشکل از نیروهای رزمی کرمان تشکیل داد که کمی بعد به تیپ زرهی و در نهایت به لشکر ۴۱ ثارالله تبدیل شد. شهید سلیمانی در سال ۱۳۷۶، هم‌زمان با اوج‌گیری طالبان در افغانستان، به فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد. وی تا پایان عمر در سال ۱۳۹۸ این سمت را عهده‌دار بود. او به‌عنوان فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران نقش مهمی در تقویت قدرت

نظامی حزب الله لبنان و گروه‌های مسلح فلسطینی، جنگ افغانستان، جنگ اسرائیل و لبنان، تشکیل گروه‌های شبه‌نظامی در عراق پس از سرنگونی صدام حسین، سرکوب اعتراضات مردم سوریه و تغییر روند جنگ داخلی سوریه، همچنین مقابله با داعش در عراق و سوریه داشته است. (لیالی و مشمایی، ۱۴۰۰، ص ۲۲-۲۵)

سردار سلیمانی پس از عمری مجاهدت در بامداد جمعه ۱۳ دی ۱۳۹۸، هنگام خروج از فرودگاه بین‌المللی بغداد به همراه تنی چند از یاران و اعضای حشد الشعبی، مورد حمله پهبادی نیروهای آمریکایی قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. (برسم، ۱۴۰۰، ص ۲۲)

**و وصیت‌نامه:** وصیت‌نامه‌های شهدا بهترین و معتبرترین اسناد موجودی است که بیانگر اندیشه‌ها و دغدغه‌های شهدا بوده و به واسطه تحلیل محتوای آن‌ها می‌توان به دسته‌بندی منطقی اندیشه‌ها و نوع نگرش و دغدغه‌های آن‌ها دست یافت. (جانی‌پور، ۱۳۹۶، ص ۱۲۶) چرا که سخنان هر شخص، چون آینه‌ای است در برابر اندیشه‌های او و نوشته‌های هر فرد، جوهر افکار و اندیشه‌ها و سخنانش را دربردارد. (آریانزاد و جانی‌پور، ۱۳۹۲، ص ۲۵) از همین جهت، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در پاسخ به نامه یکی از یاران خود نوشت: «و کتابک ابلغ ما ینطق عنک»؛ «و نامه تو رساترین چیزی است که از جانب‌ات سخن می‌گوید». (نهج البلاغه، حکمت ۳۰۱، ص ۵۲۸) مطالعه و تأمل در وصیت‌نامه شهدا آنچنان حائز اهمیت است که امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «این وصیت‌نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند را مطالعه کنید. پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید ... از این‌ها قدری تعلیم و تعلم پیدا کنید». (خمینی، ۱۳۸۲، ج ۱۵، ص ۳۶) وصیت‌نامه ولایت‌مدارانه شهید سلیمانی نیز که با مبانی مکتب اسلام و تشیع همخوانیکامل دارد، سندی زنده و اثرگذار است.

## ۵. یافته‌های پژوهش

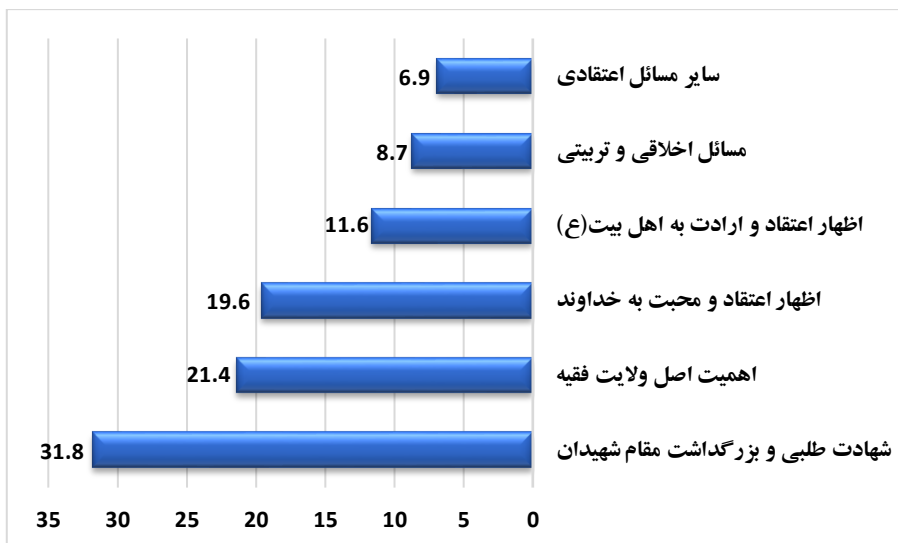
برای شناسایی تعالیم دینی در مکتب شهید سلیمانی و ارائه تحلیل دقیق‌تری از انواع مضامین دینی مورد وجه در وصیت‌نامه سردار، در جدول ذیل فراوانی مضامین فراگیر به تفکیک مضامین اصلی مربوطه ثبت شده است.

## جدول ۲: فراوانی مضامین دینی وصیت نامه سردار سلیمانی

مضامین کلی (فراگیر)	مضامین اصلی	فراوانی مطلق	درصد فراوانی نسبی
شهادت طلبی و بزرگداشت مقام شهیدان	آرزوی شهادت؛ تعظیم و تکریم شهدا؛ توفیق همراهی با شهدا؛ تعظیم و تکریم خانواده شهدا؛ ارتباط صمیمانه سردار با خانواده شهدا؛ لزوم تبعیت از ارزشهای شهدا؛ عفو خواهی سردار از خانواده شهدا؛ اظهار محبت همیشگی سردار به فرزندان شهدا؛ تعظیم و تکریم مجاهدان اسلام؛ ریشه یابی مجاهدت شهیدان؛ تعظیم و تکریم رزمندگان اسلام؛ اظهار جان نثاری برای هموطنان؛ عفو خواهی سردار از همرزمان؛ عفو خواهی سردار از همیاران؛ درخواست لقاء الله؛ توفیق لقاء الله؛ مقبولیت در درگاه الهی؛ بزرگداشت لشکر ثار الله کرمان؛ رشادت‌های لشکر ثارالله کرمان؛ همکاری و محبت رزمندگان نیروی قدس نسبت به سردار؛ شهیدپرور بودن جمهوری اسلامی ایران	55	31.8
اهمیت اصل ولایت فقیه	لزوم اعتقاد به اصل ولایت فقیه؛ تصریح بر اعتقاد مذاهب اسلامی به ولایت فقیه؛ لزوم دفاع از حریم ولایت فقیه؛ اعتقاد به انتصاب شرعی ولی فقیه؛ اظهار ارادت به مقام ولایت؛ مرجعیت جامع امام خامنه‌ای؛ توفیق درک امام خمینی؛ توفیق سربازی امام خمینی؛ توفیق درک امام خامنه‌ای مظلوم؛ ولایت فقیه؛ مساله اصلی اسلام هراسی؛ اهمیت اصل ولایت فقیه در میان اصول انقلاب اسلامی؛ تعظیم و تکریم مقام معظم رهبری؛ لزوم ولایت‌مداری؛ لزوم اعتقاد عملی به اصل ولایت فقیه؛ لزوم التزام عملی به دستورات ولایت فقیه؛ جایگاه ولایت فقیه در میان نیروهای مسلح؛ محوریت ولایت فقیه در میان ارزشهای اسلام و انقلاب؛ تصریح بر مظلومیت ولی فقیه؛ محبت و اعتقاد علماء نسبت به امام خمینی؛ لزوم همیاری علماء با ولایت فقیه برای هدایت جامعه اسلامی؛ لزوم حمایت قاطعانه علماء از ولایت فقیه	37	21.4
اظهار اعتقاد و محبت به خداوند	اقرار به یگانگی خدا؛ اظهار محبت به خدا؛ توصیف خدا؛ اظهار تضرع و نیاز در برابر خداوند؛ امید به عفو و کرم الهی؛ ارزش دعا در محضر خدا؛ تواضع و کرنش در برابر خدا	34	19.6
اظهار اعتقاد و ارادت به اهل بیت (ع)	اقرار به رسالت رسول خدا؛ اقرار به امامت امامان دوازده گانه؛ اقرار به حجت بودن معصومان؛ عدم توفیق مصاحبت با رسول خدا؛ عدم توفیق مصاحبت با ائمه مظلوم؛ توفیق حرکت در مسیر اهل بیت؛ توفیق اشک بر اهل بیت؛ ارزش نعمت اشک بر اهل بیت؛ توفیق تشرف به بیت الله الحرام؛ توفیق تشرف به بین الحرمین؛ لزوم شناخت خصومت‌های دشمنان اهل بیت؛ لزوم حفظ حریم اهل بیت؛ توفیق داشتن والدین متدین و عاشق اهل بیت	20	11.6
مسائل اخلاقی و تربیتی	اظهار محبت به هموعان؛ حس نوع دوستی نسبت به کرمانی‌ها؛ اظهار شرمندگی نسبت به هموعان؛ احساس اعتماد مردم به سردار؛ شکرگزاری متواضعانه؛ شکر برای نحوه آفرینش؛ توجه سردار به ارزشهای انسانی؛ با بصیرت بودن سردار؛ اظهار تواضع سردار در برابر علماء و مراجع؛ عفو خواهی سردار از اطرافیان؛ ذکر خیر همرزمان	15	8.7
سایر مسائل اعتقادی	اقرار به حقانیت قیامت؛ اقرار به حقانیت قرآن؛ اقرار به حقانیت بهشت و جهنم؛ اقرار به حقانیت حساب قیامت؛ اقرار به حقانیت سایر اصول دین؛ طلب رحمت برای والدین؛ درخواست دیدار والدین در آخرت؛ ترس عبور از پل صراط؛ امیدوار به عبور از پل صراط؛ اظهار ترس از عاقبت امور	12	6.9

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود ابعاد مختلف اندیشه اسلامی در مکتب شهید سلیمانی تجلی یافته است. سردار سلیمانی با برخورداری از مؤلفه بصیرت‌اندیشی که در وصیت‌نامه نیز با تعبیری نظیر «سخنی کوتاه از یک سرباز ۴۰ ساله در میدان»؛ «سربازتان از یک برج دیده‌بانی دید» و «من با عقل ناقص خود می‌دیدم» بدان اشاره می‌شود، علاوه بر جهاد در میادین نظامی، در حوزه فرهنگی-اجتماعی نیز به جهاد تبیین می‌پردازد. چنانکه در اندیشه سردار، فرهنگ ایثار و شهادت و همچنین مسأله ولایت فقیه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر آن، برخورداری از ایمان کامل نیز از جمله امور درخور توجه در مکتب حاج قاسم محسوب می‌شود. البته توجه به مسائل اخلاقی، تربیتی و اعتقادی نیز به نوبه خود حائز اهمیت است.

با این اوصاف، نمودار نشانگر میزان فراوانی مضمون‌های مندرج در جدول فوق، به این صورت قابل ترسیم است.



## تصویر ۲: نمودار درصد فراوانی نسبی مضامین دینی در وصیت‌نامه سردار سلیمانی

براساس تحلیل محتوای کمی و کیفی وصیت‌نامه سردار سلیمانی و با توجه به میزان بسامد مضامین دینی در نمودار فوق، می‌توان گفت مهم‌ترین تعالیم فراگیر دینی در مکتب درس‌آموز شهید سلیمانی، به ترتیب اولویت عبارت است از: شهادت‌طلبی و جان‌نثاری؛ ولایت‌مداری؛ مسأله توحید و اخلاص؛ عشق به اهل بیت (علیهم‌السلام) و توجه به مقدسات دینی؛ اخلاق‌مداری و توجه به اصول اعتقادی و حدود شرعی.

## ۵.۱. شهادت طلبی و جان نثاری

شهادت، مرگی از راه کشته شدن است که شهید، آگاهانه و برای هدف مقدس و به تعبیر قرآن، «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» انتخاب می کند. چنین مرگی به تعبیر پیامبر (ص)، شریف ترین و بهترین نوع مردن است: «أَشْرَفَ الْمَوْتِ قِتْلُ الشَّهَادَةِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۴۰۲). حماسی ترین آیات قرآن مربوط به جهاد و شهادت است. در فرهنگ قرآن، شهید همواره زنده است و مرگش، در واقع انتقال از حیات جاری در سطح طبیعت به حیات سراسر نعمت و نشاط است؛ «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ...» (آل عمران: ۱۶۹-۱۷۱) حتی در این آیات به کسانی که شوق شهادت و روحیه شهادت طلبی دارند هم بشارت رهایی از بیم و غم داده شده است؛ «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (آل عمران: ۱۷۰) شاخص بارز مکتب شهید سلیمانی، شهادت طلبی است. او عاشق شهادت بود، و پیروان مکتب سلیمانی نیز با روحیه شهادت طلبی، راه وی را استمرار می بخشند. (شیرازی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۸)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در بیان شهادت طلبی سردار و بزرگداشت مقام ایشان فرمودند: «سردار شهید قاسم سلیمانی نمونه برجسته ای از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی (رحمة الله علیه) بود... جهادش جهاد بزرگی بود. خدای متعال، شهادت او را هم شهادت بزرگی قرار داد» (۹۸/۱۰/۱۳). (مجموعه نویسندگان، ۱۳۹۹، ص ۲۰)

در واقع، شوق شهادت و جان نثاری در بارگاه معبود، در متن وصیت نامه عارفانه و عاشقانه سردار موج می زند و از اصلی ترین محورهای این محتوای غنی محسوب می شود. در این میان، مضمون «آرزوی شهادت» بسیار پرسامد است و با تعابیر لطیفی نظیر «من سالهاست از کاروانی به جا مانده ام»، «مرا در فراق خود بسوزان و بمیران» و «مرا به قافله ای که به سویت آمدند، متصل کن» آمده است. این کلام شهید به نوعی تفسیر این روایت مشهور است: «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا». (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۴، ص ۴۱۱) بارها به خاطر توفیق همراهی با مجاهدان و شهیدان راه حق، برخورد می بالدم؛ «پروردگارا! تو را سپاس که مرا با بهترین بندگان در هم آمیختی و درک بوسه بر گونه های بهشتی آنان و استشمام بوی عطر الهی آنان را - یعنی مجاهدین و شهدای این راه - به من ارزانی داشتی».

در بیانی قاطعانه بر بزرگداشت مقام شهیدان تأکید می‌ورزد؛ «شهدا، محور عزت و کرامت همه ما هستند؛ نه برای امروز، بلکه همیشه اینها به دریای وسعه خداوند سبحان اتصال یافته‌اند». به همین دلیل یاد، نام و منزلت همراهان شهیدش را گرامی می‌دارد؛ «اما تو خود می‌دانی هرگز نتوانستم آنها را از یاد ببرم. پیوسته یاد آنها، نام آنها، نه در ذهنم بلکه در قلبم و در چشمم، با اشک و آه یاد شدند». در نتیجه، پیوسته بر لزوم تعظیم و تکریم شهدا سفارش می‌کند؛ «آنها را در چشم، دل و زبان خود بزرگ ببینید، همان‌گونه که هستند. فرزندانان را با نام آنها و تصاویر آنها آشنا کنید».

او که خود، جان فدای ملت ایران بود؛ «برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پرافتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد» علاوه بر شهادت‌طلبی و بزرگداشت مقام شهیدان، نسبت به فرزندان و خانواده شهدا بسیار ارادت داشت. در فراز یاد وصیت‌نامه نیز، این چنین بر لزوم تعظیم نسبت به خانواده شهدا تذکر می‌دهد: «به فرزندان شهدا که یتیمان همه شما هستند، به چشم ادب و احترام بنگرید. به همسران و پدران و مادران آنان احترام کنید». در پایان هم، نهایت احساس و عواطف خویش نسبت به فرزندان شهدا را این‌گونه اظهار می‌دارد: «دوست دارم جنازه‌ام را فرزندان شهدا بر دوش گیرند. شاید به برکت اصابت دستان پاک آنها بر جسمم، خداوند مرا مورد عنایت قرار دهد».

## ۵.۲. ولایت‌مداری

ولایت از مهم‌ترین و محوری‌ترین مسائل دینی و اعتقادی در اسلام به‌ویژه در مکتب تشیع است. اصل ولایت فقیه از اصول مترقه اسلام است که توسط امام خمینی (ره) احیا شد. شهید سلیمانی در فرازی از وصیت‌نامه پرمحتوایش، ضمن تعریفی ساده و دقیق، «ولایت فقیه» را به عنوان مهم‌ترین اصل از اصول انقلاب اسلامی معرفی می‌نماید و شرط اساسی احراز صلاحیت مسئولان حکومتی را پایبندی به این اصل می‌داند: «اصول عبارت از چند اصل مهم است: اول آنها، اعتقاد عملی به ولایت فقیه است؛ یعنی این که نصیحت او را بشنوید، با جان و دل به توصیه و تذکرات او به عنوان طبیب حقیقی شرعی و علمی، عمل کنید. کسی که در جمهوری اسلامی می‌خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن، اعتقاد حقیقی و عمل به ولایت فقیه داشته باشد». در بخش دیگری از متن، با تأکید بر جایگاه علمی و معنوی رهبر کبیر انقلاب، به تبیین نظریه «ولایت فقیه» از دیدگاه امام

خمینی (ره) می‌پردازد و بر لزوم اعتقاد همگانی به آن و اهمیت دفاع همه جانبه از حریم ولایت فقیه تأکید می‌ورزد: «برادران و خواهران! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل به و منصوب شرعی و فقهی معصوم. خوب می‌دانید منزّه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات‌بخش این امت قرار داد؛ ... بدانید به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید». در نتیجه، جمهوری اسلامی، ارزش‌ها و ولایت فقیه را میراث امام خمینی (ره) می‌داند و معتقد است که باید مورد حمایت جدی قرار گیرند. بنابراین ملاحظه می‌شود از نظر شهید سلیمانی، نه فقط آینده تشیع بلکه آینده اسلام و موارث اسلامی در گرو بقاء محوریت ولایت فقیه است.

براین اساس، در جامعه اسلامی بر همگان واجب است که از ولی فقیه اطاعت کنند و از دستور او سرپیچی نکنند. آیات و روایات متعددی بر این موضوع دلالت دارد. از جمله‌آیه «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله وأطیعوا الرسول وأولی الأمر منکم». (نساء: ۵۹) و توجیع حضرت ولی عصر (عج) «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَيَّ رَوَاهُ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ در رخسادهایی که پیش می‌آید، به راویان سخن ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان». (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ج ۲، ص ۴۸۴) از این جهت، بایستی این شخصیت برجسته را مصداق بارز این فقره از مناجات شعبانیه دانست: «الْمُتَّقِدُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ؛ هر کس بر مقام ولایت پیشی بگیرد از دین خارج گشته است، و هر کس عقب ماند و از ایشان تبعیت ننماید، به هلاکت مبتلا می‌گردد، و تنها کسی که ملازم مقام ولایت و پیوسته تابع نظرات ایشان باشد به جایگاه اهل بیت (ع) ملحق می‌گردد». (طوسی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۴۵) شهید سلیمانی خود را سرباز ولایت می‌دانست و وصیت کرد که بر روی سنگ قبرش هر گونه عنوانی را رها کرده و فقط بنویسند: «سرباز ولایت». (برسم، ۱۳۹۹، ص ۷۶)

اظهار ارادت و احترام شهید سلیمانی نسبت به مقام ولایت و امامین انقلاب بی‌نظیر است. در متن وصیت‌نامه با بیان توصیفات پر معنایی از رهبر کبیر انقلاب و مقام معظم رهبری، به خاطر توفیق درک این اولیای الهی و سربازی در رکاب ایشان، به شکل ویژه‌ای شکر خدا را بر زبان جاری می‌سازد: «خداوندا! تو را سپاس که مرا صلب به صلب، قرن به قرن، از صلبی به صلبی منتقل کردی و در زمانی اجازه ظهور و وجود دادی که امکان درک

یکی از برجسته‌ترین اولیائت را که قرین و قریب معصومین است، عبد صالحت خمینی کبیر را درک کنم و سرباز رکاب او شوم ... خداوندا! تو را شکرگزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه‌ای عزیز - که جانم فدای جان او باد - قرار دادی.»

بهترین تعریف برای ولایت فقیه را می‌تواند اندیشه شهید سلیمانی، آنجا یافت که با اقتباس از آیه «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً؟ رَنكَ خدَا رَا [که اسلام است، انتخاب کنید] و چه کسی رنگش نیکوتر از رنگ خداست؟» (بقره: ۱۳۸)، ولایت فقیه را رنگ خدا و معیار تشخیص حق از باطل معرفی می‌کند؛ «آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت فقیه مطرح می‌شود، این‌ها رنگ خدا هستند؛ رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید» و در جای دیگر، با بیانی تأمل برانگیز، خیمه ولایت را خیمه رسول خدا (ص) عنوان می‌نماید و بر لزوم دفاع جانانه از آن، بسیار تأکید می‌ورزد: «خیمه، خیمه رسول الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است، دور آن بچرخید. والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت الله الحرام و مدینه حرم رسول الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند.»

در فرازهای متعددی از وصیت‌نامه شهید سلیمانی، ولایت‌مداری و البته ولایت‌افزایی ایشان که خود مصداق بارزی از اهتمام سردار نسبت به فریضه جهاد تبیین می‌باشد، مشهود است. گاهی خطاب به برادران و خواهران عزیز ایرانی توصیه می‌کند که از اصول مراقبت کنید و اصول را منحصر در ولایت فقیه می‌بیند و مصداق حاضر آن را مقام معظم رهبری می‌داند و بر جایگاه علمی و معنوی ایشان تأکید می‌ورزد؛ «اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را جان خود بدانید، حرمت او را مقدسات بدانید.»

در فراز دیگری، بعد از تمجید از روحیه جهادی همشهریانش، خطاب به مردم کرمان و چه بسا خطاب به همه مردم ولایت‌مدار ایران و مسلمانان، ولایت فقیه را در امتداد ولایت علوی برمی‌شمارد و چنین اظهار می‌دارد: «دوست دارم کرمان همیشه و تا آخر با ولایت بماند. این ولایت، ولایت علی بن ابی‌طالب است و خیمه او خیمه حسین فاطمه است،

**دور آن بگردید. با همه شما هستیم.** وی حتی خطاب به مراجع عظام تقلید، راه صحیح را حمایت بدون هرگونه ملاحظه، از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی فقیه می‌داند.

### ۵,۳. توحید و اخلاص

توحید بنیادی‌ترین اصل اعتقادی در اسلام و به معنای یکتا و بی‌مانند دانستن خدا و همچنین بی‌شریک بودن او در خلق جهان هستی است. (شیرازی، ۱۳۹۹، ص ۱۷) در مکتب تشیع، توحید دارای اقسام و مراتبی است. (رک. مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۷۱-۹۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۲۸۹-۲۹۶؛ ۳۱۱-۳۶۰) شهید سلیمانی که خود تربیت یافته مکتب اسلام و امام خمینی (ره) است، شروع هر حرکتی را مبتنی بر بینش صحیح می‌داند. به همین دلیل، نامه جهانی خود با اقرار به یگانگی خداوند آغاز نمود. سپس در ابتدای فرازهای نخست وصیت‌نامه، با تعبیری سرشار از شور و شعور نظیر «**عزیز من، حبیب، کریم، محبوب من، معبود من، عشق من و معشوق من، ای قادر عزیز و ای رحمان رزاق، ای خدای عزیز و ای خالق حکیم بی‌همتا**» به توصیف خداوند و رازونیا با پروردگار می‌پردازد. چه بسا این بخش قابل توجه از وصیت‌نامه سردار که اغلب در بردارنده نیایش‌های عاشقانه و عارفانه ایشان با معبود است را می‌توان مناجات‌نامه سردار دل‌ها نامید.

از نتایج خداآوری و اعتقاد به توحید، ظهور صفت متعالی «اخلاص» است. اخلاص یکی از مهم‌ترین فضائل اخلاقی؛ بلکه اصلی‌ترین فضیلت اخلاقی است که انسان سالک الی الله به آن نیاز دارد. (لیالی و مشمایی، ۱۴۰۰، ص ۱۲۹) اخلاص یعنی اینکه انسان کار را برای خدا و به عشق انجام وظیفه انجام دهد. در واقع، نقطه محوری و کانون مفهوم اخلاص، «خدا» است. به عبارتی، اولین و مهم‌ترین ویژگی که در کنار اخلاص تحقق پیدا می‌کند، «اعتماد به خدا» است. این صفت، ریشه اخلاص به شمار می‌آید. کسی که صفت اخلاص را در خود محقق می‌کند باید صفت «ایمان به وعده‌های الهی و اعتماد به خدا» را نیز داشته باشد. (رک. بابایی طلاپه، ۱۳۹۹، ص ۱۶۶-۱۷۰)

تفکر و نگاه خالصانه سردار به وضوح در کلام ایشان جاری است. چنانکه بارها در ضمن فرازهای مناجات‌گونه وصیت‌نامه‌اش، با اظهار محبت به خدا و ابراز تواضع و بندگی در درگاه الهی همراه با نهایت تضرع و اظهار نیاز در برابر خداوند، اقرار می‌نماید که تمام کارهایش فقط برای رضای خدا بوده و تنها به عفو و کرم الهی امیدوار است؛ «**دستم خالی است و کوله‌پشتی سفرم خالی، من بدون برگ و توشه‌ای به امید ضیافت عفو و کرم تو می‌آیم. من**

توشه‌ای برنگرفته‌ام؛ چون فقیر در نزد کریم چه حاجتی است به توشه و برگ؟! سارق، چارقم پر است از امید به تو و فضل و کرم تو... خداوندا! در دستان من چیزی نیست؛ نه برای عرضه و نه قدرت دفاع دارند، اما در دستانت چیزی را ذخیره کرده‌ام که به این ذخیره امید دارم و آن روان بودن پیوسته به سمت تو است. وقتی آنها را به سمت بلند کردم، وقتی آنها را برای تو بر زمین و زانو گذاردم، وقتی سلاح را برای دفاع از دینت به دست گرفتم؛ اینها ثروت دست من است که امید دارم قبول کرده باشی. خداوندا! پاهایم سست است، رمق ندارد... دوستت دارم. بارها تو را دیدم و حس کردم». در نتیجه می‌توان رمز موفقیت افرادی همچون شهید سلیمانی را نگاه توحیدی آنها دانست؛ یعنی به واسطه تقرب ایشان به خداوند متعال، دارای چنین نفوذ کلام و شخصیت اثرگذار شدند.

همین نگاه عارفانه و عاشقانه سردار سلیمانی به معبود است که باعث می‌شود در آخرین دست نوشته‌اش دو ساعت قبل از شهادت، لقاء الهی را با تمام وجود تمنا کند؛ «الهی لا تکنی. خداوندا مرا بپذیر. خداوندا عاشق دیدارتم، همان دیداری که موسی را ناتوان از ایستادن و نفسکشیدن نمود. خداوندا مرا پاکیزه بپذیر! الحمدلله رب العالمین. خداوندا مرا پاکیزه بپذیر!» سپس این دست خط را با دو امضا مرقوم می‌کند. (رک. کریمی، ۱۳۹۹، ص ۸۴)

#### ۵.۴. عشق به اهل بیت (علیهم‌السلام) و توجه به مقدسات دینی

بی‌تردید سردار سلیمانی که تربیت یافته مکتب اسلام است، عشق و ارادتش نسبت به اهل بیت (ع) نیز برگرفته از قرآن و مکتب امام خمینی (ره) و برخاسته از ایمان کامل وی بود. همچون رهبر کبیر انقلاب، عجیب به اولیای الهی عشق می‌ورزید. خداوند در آیه ۲۳ سوره شوری می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ؛ بگو: از شما [در برابر ابلاغ رسالت] هیچ پاداشی جز مودت نزدیکان [یعنی اهل بیت] را نمی‌خواهم». اکثر مفسران شیعه و اهل سنت به اتفاق، تفسیر این آیه را به معنای حب اهل بیت (ع) یعنی حضرت علی (ع)، حضرت زهرا (س) و فرزندانشان دانسته‌اند و اغلب این روایت مشهور نبوی «مَنْ مَاتَ عَلَىٰ حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا... مَنْ مَاتَ مُؤْمِنًا مُسْتَكْمِلًا لِإِيْمَانٍ...» را نیز نقل کرده‌اند. (بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۸۱۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۷، ص ۵۹۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۲۲۰)

شهید سلیمانی با معرفت به حق اهل بیت (ع)، از عمق جان شیفته خاندان عصمت و طهارت (ع) بود. گویا این اظهار ارادت سردار ریشه در تربیت خانوادگی ایشان و سنت عشیره آنان در برپایی یک ماهه روضه امام حسین (ع) و توجه به زیارت و امامزاده‌ها و دادن نذری بود. (رک. سلیمانی، ۱۳۹۹، ص ۳۸-۳۹) سرانجام این عشق به اهل بیت (ع) در سراسر وصیت‌نامه ایشان تبلور یافت. چنانکه بعد از اقرار به رسالت رسول خدا (ص)، امامت امامان دوازده‌گانه (ع) و حجت بودن معصومان، در فراز دیگری، به واسطه توفیق حرکت در مسیر اهل بیت (ع)، کمال شکرگزاری و تواضع را به جامی آورد و نعمت اشک بر مظلومیت اهل بیت (ع) را با ارزش‌ترین نعمتهای الهی می‌شمارد؛ «خداوندا! ای قادر عزیز و ای رحمان رزاق، پیشانی شکر شرم بر آستانت می‌سایم که مرا در مسیر فاطمه اطهر و فرزندانش در مذهب تشیع، عطر حقیقی اسلام، قرار دادی و مرا از اشک بر فرزندان علی بن ابی طالب و فاطمه اطهر بهره‌مند نمودی؛ چه نعمت عظمایی که بالاترین و ارزشمندترین نعمتهایت است؛ نعمتی که در آن نور است، معنویت، بیقراری که در درون خود بالاترین قرارها را دارد، غمی که آرامش و معنویت دارد». همچنین هنگام تضرع در بارگاه معبود، با تعبیر زیبایی از این نعمت گرانبها، به مثابه ذخیره‌ای ارزشمند و گنج معنوی یاد می‌کند: «همراه خود دو چشم بسته آورده‌ام که ثروت آن در کنار همه ناپاکی‌ها، یک ذخیره ارزشمند دارد و آن گوهر اشک بر حسین فاطمه است؛ گوهر اشک بر اهل بیت است».

از سوی دیگر، گفتمان غالبی که به نوعی سردار حاکم است، تأکید بر مسأله «ارتباط متقابل ایران و اسلام» است که با تعبیر مختلف و قالب‌های بیانی متنوع به تبیین آن می‌پردازد. از جمله اینکه «جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع است» یا به بیان شفاف‌تر، «امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی (ص)». با این اوصاف، گویا در اندیشه شهید سلیمانی، انقلاب اسلامی ایران جلوه‌ای از انقلاب و حماسه حسینی و نشأت گرفته از فرهنگ عاشورا است و به نوعی، دفاع از حرم به معنای دفاع از نظام جمهوری اسلامی است، زیرا این امر تضمین‌کننده حفاظت از مقدسات و ارزش‌های اسلامی است. این

جملات و مضامین همگی بیانگر میزان توجه خاص سردار نسبت به مقدسات دینی و نیز اظهار ارادت به ساحت مقدس اهل بیت (ع) است.

### ۵.۵. اخلاق‌مداری

مسأله «اخلاق» از اهمیت ویژه‌ای در آموزه‌های دینی برخوردار است. خداوند در قرآن، پیامبر اکرم (ص) را برخوردار از فضایل عظیم اخلاقی معرفی می‌کند؛ «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (القلم: ۴). از همین رو، رسول خدا (ص) فرمود: «من برای نشر مکارم اخلاقی مبعوث شدم». (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۹۶) در روایات معصومین (ع) مصادیق متعددی برای مکارم اخلاقی بیان شده است. از جمله در ۲ روایت امام صادق (ع)، به ۲۰ مورد از فضائل اخلاقی نظیر یقین، قناعت، صبر، شکر، بردباری، خوش اخلاقی، سخاوت، غیرت، شجاعت و جوانمردی، استقامت در سختی‌ها، راستگویی، امانتداری، صلح، رحمت، اطعام نیازمندان، میهمان‌نوازی، جبران کردن نیکی‌ها، رعایت حقوق همسایه، مراعات حرمت دوستان و حیا اشاره می‌شود. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۶؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۲۲۱)

بی تردید، شهید سلیمانی که شاگرد مکتب اسلام و اهل بیت (ع) است، رفتار و گفتارش مزین به این مکارم اخلاقی است. چنانکه مقام معظم رهبری در دیدار با دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت سردار سلیمانی در این باره می‌فرماید: «او روحیه فداکاری و نوع دوستی داشت؛ یعنی برایش این ملت و آن ملت و مانند اینها مطرح نبود؛ نوع دوست بود، واقعاً حالت فداکاری برای همه داشت. از طرفی اهل معنویت و اخلاص و آخرت‌جویی بود؛ واقعاً معنوی بود، واقعاً اهل معنا و اهل اخلاص بود و اهل تظاهر نبود. خوب این‌ها مجموعه مکارم اخلاق است، این‌ها مکارم باارزشی است. این را مردم دیدند؛ این تبلور پیدا کرد در این آدم.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۹/۲۶)

با مطالعه زندگی‌نامه خودنوشت سردار سلیمانی، می‌توان گفت این شخصیت وارسته با تجربه زندگی در شرایط سخت و کم‌برخوردار، آن‌چنان خودساخته، شجاع، غیور و جوانمرد بارآمده بود که در سنین نوجوانی و جوانی نیز از روحیه فداکاری و نوع‌دوستی برخوردار بود. از باب‌مثال، وقتی نوجوانی نحیف و حدوداً ۱۴ ساله بود، به اصرار زیاد برای پرداخت بدهی پدر بزرگوارش، به کرمان می‌رود و سخت مشغول کارگری می‌شود. (سلیمانی، ۱۳۹۹، ص ۴۲-۵۱) در ایام جوانی به همراه برادر و دوستانش که در کرمان مستأجر بودند، مرتب از هم‌شهریان‌شان و فرزندان یتیم همسایه پذیرایی می‌کردند. (همان، ص ۶۸-۶۹)

شهید سلیمانی نه تنها در زندگی معمولی، بلکه در میادین نظامی نیز اولویت ایشان، رعایت اخلاق اسلامی بود. چنانکه بعد از آزادسازی حلب، به همه مردمی که در شهر بودند، به دید یکسان توجه داشت، اصلاً برایش مهم نبود که برخی از آن افراد طرفدار داعش بودند و با رزمندگان سپاه قدس جنگیده بودند. (شیرازی، ۱۴۰۰، ص ۸۸-۸۹) با این اوصاف، می‌توان سردار سلیمانی را یکی از مصادیق بارز این آیه قرآن دانست: «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ؛ و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربانند». (فتح: ۲۹) زیرا به همان میزان که در برابر دشمنان اسلام و انقلاب با صلابت بود، در مقابل آحاد مردم متواضع و فروتن بود.

جلوه‌های متعددی از این روحیه اخلاقی، در متن وصیت‌نامه سردار به وضوح قابل مشاهده است. ابتدا به واسطه توفیق بهره‌مندی از والدین متدین و عاشق اهل بیت (ع)، خدا را شکر می‌گوید و برای ایشان طلب رحمت می‌کند: «خداوندا، تو را سپاس که مرا از پدر و مادر فقیر، اما متدین و عاشق اهل بیت و پیوسته در راه سیر پاکی بهره‌مند نمودی. از تو عاجزانه می‌خواهم آنها را در بهشتت و با اولیائت قرین کنی». توجه شهید سلیمانی نسبت به ارزش‌های انسانی نیز نکته قابل تأملی است؛ «می‌دانید در زندگی به انسانیت و عاطفه‌ها و فطرت‌ها بیشتر از رنگ‌های سیاسی توجه کردم». بنابراین همواره اقدار مختلف مردم را با تعابیر و الفاظی محترمانه و صمیمانه نظیر «خواهران و برادران مجاهد در این عالم»؛ «برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پرافتخار و سربلند» و «برادران سپاهی عزیز و فداکار و ارثی‌های سپاهی» مورد خطاب قرار می‌دهد. کمال ادب و تواضع سردار را می‌توان در سخنانش خطاب به روحانیون و مراجع عظام تقلید مشاهده نمود: «سخنی کوتاه از یک سرباز ۴۰ ساله در میدان، به علمای عظیم‌الشان و مراجع گران‌قدر که موجب روشنایی جامعه و سبب زدودن تاریکی ... دست مبارکتان را می‌بوسم و عذرخواهی می‌کنم از این بیان ... سربازتان و دست‌بوستان». از طرفی، عفوخواهی سردار از همه از جمله بستگان، دوستان، آشنایان و هم‌زمانش در پایان وصیت‌نامه نیز متأثر از تربیت اسلامی ایشان است.

## ۵.۶. توجه به اصول اعتقادی و حدود شرعی

اعتقادات هر انسان، مسیر و هدف او، شیوه طی کردن مسیر و رسیدن به هدف را مشخص می‌کند. به تعبیری، اهداف و سبک زندگی انسان تا حد زیادی برخاسته از اعتقادات و نگرشهای بنیادین اوست. (تولایی، ۱۳۹۹، ص ۱۴)

اعتقاد به معاد، اصلی است که به‌همراه اقرار به حقانیت برخی دیگر از اصول دین در سرآغاز وصیت‌نامه سردار مورد توجه قرار گرفته است: «شهادت می‌دهم که قیامت حق است، قرآن حق است، بهشت و جهنم حق است، سؤال و جواب حق است، معاد، عدل، امامت، نبوت حق است» ملاحظه می‌شود همه حقایق فوق از اصول مهم اعتقادی اسلام و تشیع است. بی‌تردید، حاصل اعتقاد به اصول دین، رعایت فروع دین و احکام شرعی است. به عقیده مقام معظم رهبری، این منش از خصوصیات بارز سردار سلیمانی بوده است: «او به شدت مراقب حدود شرعی بود ... مراقب بود به کسی تعدی نشود، ظلم نشود. احتیاط‌هایی می‌کرد که معمولاً در عرصه نظامی، خیلی‌ها این احتیاط‌ها را لازم نمی‌دانند؛ او احتیاط می‌کرد». (شیرازی، ۱۴۰۰، ص ۸۷-۸۸)

به این ترتیب، می‌توان گفت که سردار سلیمانی به واسطه همین شاخصه آخرت‌گرایی و نیز میزان توجه و مراقبت از حدود شرعی، باعث می‌شود حساسیت زیادی نسبت به مسأله عاقبت به خیری داشته باشد و حتی در وصیت‌نامه نیز نسبت به عاقبت امورش، ابراز نگرانی نماید: «خدایا وحشت همه وجودم را فرا گرفته است. من قادر به مهار نفس خود نیستم، رسوایم نکن». از طرفی، او همچون یک عالم دینی در مورد یکی از عقاید راسخ مسلمانان درباره روز حساب، یعنی «عبور از پل صراط» سخن می‌گوید و با اقتباس از روایات معصومین (ع) در این باب، از جمله یک روایت نبوی و حدیثی از امام صادق (ع) که توصیف مشابه‌ای از «پل صراط» دارند: «الصِّرَاطُ أَدْقُ مِنَ الشَّعْرِ وَأَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۳۱۲؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۱۷۷)، همراه با حالتی سرشار از خوف و رجاء، به توصیف پل صراط، امکان عبور از آن و بیان احوال و دیدگاهش می‌پردازد: «خداوندا! پاهایم سست است، رمق ندارد. جرأت عبور از پلی که از جهنم عبور می‌کند، ندارد. من در پل عادی هم پاهایم می‌لرزد، وای بر من و صراط تو که از موازین نازک‌تر است و از شمشیر برنده‌تر؛ اما یک امید می‌دهد که ممکن است نلرزم، ممکن است نجات پیدا کنم. من با این پاها در حرمت پا گذارده‌ام دور خانه‌ات چرخیده‌ام و در حرم اولیاءت در بین الحرمین حسین و عباست آنها را برهنه دواندم و این پاها را در سنگرهای طولانی، خمیده جمع کردم و در دفاع از دینت دویدم، جهیدم، خزیدم، گریستم، خندیدم و خنداندم و

گریستم و گریاندم؛ افتادم و بلند شدم. امید دارم آن جهیدن‌ها و خزیدن‌ها و به حرمت آن حریم‌ها، آن‌ها را ببخشی». ملاحظه می‌شود که سردار از طرفی، مانند همه انسان‌های عارف از سر تواضع، بیم عبور از پل صراط و احتمال لغزش بر روی آن دارد. اما از سوی دیگر، به واسطه گام نهادن در مسیر جهاد فی سبیل الله و همچنین اعتقاد راسخش به اصل ولایت، امید به لطف و کرم الهی و توفیق شفاعت اهل بیت (ع) دارد که بتواند انشاء الله به سلامت از پل صراط بگذرد.

لازم به ذکر است که روحیه شهادت‌طلبی و درخواست مکرر ایشان برای لقای الهی نیز به نوعی، از اعتقاد کامل ایشان به اصول دین اسلام، به خصوص آخرت‌باوری و ایمان به معاد نشأت می‌گیرد.

توجه به اصول دین	اخلاق‌مداری	عشق به اهل بیت ع	توحیدباوری	ولایت‌مداری	شهادت‌طلبی
اقرار به حقانیت اصول دین	حس نوع دوستی نسبت به مردم	اقرار به رسالت رسول خدا	اقرار به یگانگی خدا	لزوم اعتقاد به اصل ولایت فقیه	آرزوی شهادت
اقرار به حقانیت قرآن	اظهار محبت به همنوعان	اقرار به حجت بودن معصومان	اظهار محبت به خدا	لزوم التزام عملی به دستورات ولایت فقیه	لزوم بزرگداشت مقام شهدا
اقرار به حقانیت قیامت و روز حساب	توجه به ارزشهای انسانی	توفیق حرکت در مسیر اهل بیت	توصیف خدا	اهمیت اصل ولایت فقیه در میان اصول انقلاب اسلامی	لزوم تعظیم خانواده شهدا
اقرار به حقانیت بهشت و جهنم	اظهار تواضع در برابر علماء	توفیق اشک بر اهل بیت	اظهار تضرع و نیاز در برابر خداوند	اعتقاد علماء نسبت به امام خمینی	لزوم تبعیت از ارزشهای شهدا
ترس عبور از پل صراط	جلب اعتماد مردم	لزوم حفظ حریم اهل بیت	اظهار تضرع و نیاز در برابر خداوند	مرجعیت جامع امام خاتمه ای	لزوم تکریم رزمندگان اسلام
ترس از عاقبت امور	عفو خواهی از اطرافیان	توفیق تشرف به عتبات عالیات	امید به عفو و کرم الهی	لزوم دفاع و حمایت قاطعانه از ولایت فقیه	اظهار جان نثاری برای هموطنان

تصویر ۳: مهم‌ترین آموزه‌های دینی در مکتب سردار شهید سپهدی حاج قاسم

سلیمانی

## ۶. نتیجه گیری

قهرمانان و اسوه‌های اخلاقی در هر سرزمین به عنوان میراثی بزرگ شناخته می‌شوند که می‌توان در جهت بیداری و رشد فرهنگ و تمدن هر کشور از آنها بهره گرفت. شهید سلیمانی جزو اسطوره‌های معنوی جمهوری اسلامی ایران است که با منش و سلوک اخلاقی خویش بر قلب‌های آحاد مردم فرماندهی می‌کند. از این جهت، تبلور آموزه‌های دینی در مکتب شهید سلیمانی قابل بررسی است. با مطالعه و تحلیل محتوای وصیت نامه شهدای شاخص می‌توان زوایای پیدا و پنهان اندیشه‌های آنها را شناخت و آموزه‌های تربیتی ایشان را به ویژه، برای نسل امروز الگو قرار داد. این پژوهش با تحلیل محتوای وصیت‌نامه سردار سلیمانی نخست با هدف ادای دین به این انسان وارسته شکل گرفته و سپس در پی ارائه الگوی تعالیم انسان‌ساز جهت خودسازی افراد سامان یافته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که مهم‌ترین مضامین دینی تجلی یافته در مکتب سردار سلیمانی براساس تحلیل محتوای وصیت‌نامه ایشان، عبارت از: «**شهادت‌طلبی و جان‌نثاری**»، «**ولایت‌مداری**»، «**توحیدباوری و اخلاص**»، «**عشق به اهل بیت (ع) و توجه به مقدسات دینی**»، «**اخلاق‌مداری**» و «**توجه به اصول اعتقادی و حدود شرعی**» است.

سردار سلیمانی که جان فدای امت ایران و اسلام بود، علاوه بر جهاد نظامی، در عرصه جهاد تبیین نیز بسیار مجاهدت نمود. او با الهام از سخنان معصومین (ع) که «**مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا**»، شرط شهید شدن را شهید بودن می‌دانست. در نتیجه، پیوسته «آرزوی شهادت» داشت و نسبت به «بزرگداشت مقام شهیدان» و «تکریم خانواده شهدا» بسیار تأکید می‌ورزید.

شهید سلیمانی در تبیین نظریه «ولایت فقیه» از دیدگاه امام خمینی (ره)، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات‌بخش این امت می‌داند. از نظر شهید سلیمانی، نه فقط آینده تشیع بلکه آینده اسلام و موارث اسلامی در گرو بقاء محوریت ولایت فقیه است. ابراز ارادت و توصیفات سردار نسبت به مقام ولایت و امامین انقلاب بی‌نظیر است. او ولایت فقیه را رنگ خدا و معیار تشخیص حق از باطل معرفی می‌کند. همچنین خیمه ولایت را خیمه رسول خدا (ص) عنوان می‌نماید و بر لزوم دفاع جانانه از آن، بسیار تأکید می‌ورزد و در نهایت، خطاب به مراجع عظام تقلید، راه صحیح را حمایت بدون هرگونه ملاحظه، از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی فقیه می‌داند.

شهید سلیمانی که تربیت یافته مکتب اسلام و امام خمینی (ره) است، شروع هر حرکتی را مبتنی بر بینش صحیح و توحیدباوری می‌دانست. نیایش‌های عاشقانه و عارفانه ایشان با معبود

مثال زدنی است. عشق الهی و ابراز تواضع و بندگی در درگاه پروردگار را با نهایت تضرع و بندگی اظهار می‌نماید. به اعتقاد او، تمام کارهایش فقط برای رضای خدا بوده و تنها به عفو و کرم الهی امیدوار است. شهید سلیمانی با معرفت به حق اهل بیت (ع)، از عمق جان شیفته خاندان عصمت (ع) بود و نعمت اشک بر مظلومیت اهل بیت (ع) را با ارزش‌ترین نعمتهای الهی برمی‌شمارد و باتمام وجود، نسبت به حضرت زهرا (س) و امام حسین (ع) عشق می‌ورزید.

سردار سلیمانی شخصیتی خود ساخته، شجاع، غیور و جوانمرد داشت و منش اخلاقی، روحیهٔ فداکاری و نوع‌دوستی وی زبانزد خاص و عام بود. گویا مجموعه مکارم اخلاقی در وجودش تبلور یافته بود. او که با تربیت اسلامی رشد کرده بود، نه تنها در زندگی عادی، بلکه در میادین نظامی نیز اولویت اولش، رعایت اخلاق اسلامی بود. اعتقاد راسخ سردار به اصول دین اسلام، به‌خصوص آخرت باوری و ایمان به معاد، باعث شده بود که همواره نسبت به رعایت حق الناس و حدود شرعی، حساسیت خاصی داشته و نگران عاقبت امور باشد. بنابراین شایسته و بایسته است که سایر مسئولان، مدیران، کارگزاران و فرماندهان نیز در نظام جمهوری اسلامی ایران و در سطح بین‌المللی نسبت به رعایت مسائل دینی، تربیتی و اخلاقی توجه ویژه‌ای داشته باشند.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق). تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت.
۳. آریانزاد، سعید؛ جانی‌پور، محمد (۱۳۹۲). نغمه‌های سرخ (تحلیل محتوای وصیت‌نامه‌های شهدای دانشگاه امام صادق علیه‌السلام)، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). الأمالی (للسدوق)، تهران: کتابچی.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ ق). کمال الدین و تمام النعمه، تهران: اسلامی.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه، قم: اسلامی.
۷. اصغری، ملیحه (۱۴۰۱). «تبیین الگوی مدیریتی شهید سلیمانی در جبهه مقاومت (یک مطالعه سنتز پژوهی)»، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۱۱(۳)، ۱۷۷-۱۹۹.
۸. بابایی طلائی، محمد باقر (۱۳۹۹). بیابید این گونه باشیم (مبانی و اصول مکتب شهید سلیمانی). تهران: دانشگاه امام حسین (ع).


۹. باردن، لورنس (۱۳۷۴). تحلیل محتوا، ترجمه: محمد یمنی دوزی سرخابی؛ ملیحه آشتیانی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ ق). البرهان فی تفسیر القرآن، قم: بعثت.
۱۱. برزویی، محمدرضا؛ جمالی زواره، زهره (۱۴۰۱). «بازشناسی مؤلفه‌های اسطوره ماندگار مقاومت اسلامی؛ «شهید چمران» و «شهید قاسم سلیمانی» از کلام مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۱۱(۲).
۱۲. برسم، محمد (۱۳۹۹). راز محبوبیت حاج قاسم، قم: چاپکو.
۱۳. بهشتی، یاسر؛ البرزی، هادی (۱۳۹۹). «تحلیل گفتمان وصیت‌نامه شهید سید حاج قاسم سلیمانی»؛ نشریه مطالعات دینی رسانه، سال دوم، بهار و تابستان، ص ۲-۱۸.
۱۴. تولائی، محمدعلی (۱۳۹۸). شرح دلبری (شرحی بر وصیت‌نامه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی)، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۵. جانی‌پور، محمد (۱۳۹۶). «مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بر مبنای تحلیل محتوای وصایای شهدای جنگ تحمیلی»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۳(۹)، ۱۱۹-۱۵۰.
۱۶. جلیلیان، حسین (۱۳۹۹). «الگوی تفکر راهبردی مدیران جهادی بر اساس وصیت‌نامه الهی سیاسی شهید قاسم سلیمانی»، نشریه مدیریت اسلامی، شماره ۱۱۳، ص ۹۳-۱۱۱.
۱۷. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۳). توحید در قرآن، تحقیق: حیدر علی ایوبی، قم: اسراء.
۱۸. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۲). صیغه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۹. زرگران خوزانی، محمدرضا؛ شریف‌پور شوشتری، مهدی (۱۴۰۰). «ابعاد تربیت شناختی، گرایشی و رفتاری در مکتب سردار شهید حاج قاسم سلیمانی با رویکرد جهادی و جهان شمول»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، شماره ۲۲، ص ۷۳-۸۸.
۲۰. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، مصحح: حسین احمد، مصطفی، بیروت: دار الکتب العربی.
۲۱. سلیمانی، قاسم (۱۳۹۹). از چیزی نمی‌ترسیم (زندگینامه خودنوشت قاسم سلیمانی)، تهران: مکتب حاج قاسم.
۲۲. شیرازی، علی (۱۳۹۹). شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، قم: خط مقدم.
۲۳. شیرازی، علی (۱۴۰۰). حاج قاسمی که من می‌شناسم، به کوشش: سعید علامیان، قم: خط مقدم.

۲۴. شیردل، معصومه (۱۳۹۷). «تحلیل محتوای سیره حضرت علی (علیه السلام) در برخورد با اصحاب جمل»، رساله دکتری تخصصی، اساتید راهنما: بی بی سادات رضی بهابادی؛ فتحیه فتاحی زاده، دانشگاه الزهرا (س).
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ ق). مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). الأملی، قم: دار الثقافه.
۲۷. فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ ق). الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
۲۹. فیضی، رضا؛ ندافان، مسعود؛ باباهادی، محمد باقر (۱۴۰۰). «واکاوی مؤلفه‌های مکتب شهید سردار سلیمانی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورا اسلامی، اردیبهشت، ص ۳۸۸-۴۰۸.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۱. کرپیندورف، کلوس (۱۳۸۳). تحلیل محتوا: مبانی روش شناسی، ترجمه: هوشنگ نایی، تهران: نی.
۳۲. کریمی، عبدالمجید (۱۳۹۹). رفیق خوشبخت ما، مشهد: آستان قدس رضوی؛ زائر رضوی.
۳۳. لیالی، رحیم؛ شمایی، جمال (۱۴۰۰). بصیرت در مکتب حاج قاسم، تهران: آفتاب گیتی.
۳۴. مجموعه نویسندگان (۱۳۹۹). خاتم سلیمانی، تهران: انقلاب اسلامی.
۳۵. مصباح یزدی، حسین (۱۳۸۴). آموزش عقاید، تهران: بین الملل؛ سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). انسان در قرآن، قم: صدرا.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). ولاءها و ولایتها، قم: صدرا.
۳۸. مؤسسه مکتب حاج قاسم (۱۳۹۸). میثاق نامه مکتب حاج قاسم، تهران: شهید کاظمی.
۳۹. موسوی، سید محمد (۱۳۹۸). «مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در دفاع از حریم اهل بیت (ع)»، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۸(۱)، ۷۵-۱۰۰.
۴۰. نجاران طوسی، حامد (۱۳۹۹). «مفهوم «مکتب» در منظومه فکری امام خامنه‌ای (دام‌ظله)»، سلسله همایش‌های بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی ۱، ۲۱-۲۱.

۴۱. نیومن، ویلیام لارنس (۱۳۹۰). شیوه های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی، ترجمه: حسن دانایی فرد؛ حسین کاظمی، تهران: کتاب مهربان نشر.
۴۲. نئوندورف، کیمبرلی ای (۱۳۹۵). راهنمای تحلیل محتوا، ترجمه: حامد بخششی؛ وجیهه جلائیان بخشنده، مشهد: جهاد دانشگاهی.
۴۳. هومن، عباس (۱۳۹۳). راهنمای عملی تحلیل محتوا، تهران: مبتکران، پیشروان.
۴۴. پایگاه حفظ و نشر آثار آیت العظمی خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47021>
45. Ali Soufan, (2018) "Qassem Soleimani and Iran's Unique Regional Strategy," CTC Sentinel 11:10
46. Gen. Soleimani's Mission to Continue Unabated, Senior General Says," Tasnim News, January 4,
47. Tabatabai, A. M. (2020). After Soleimani: What's next for Iran's Quds force. CTC Sentinel, 13(1), 28-33.



## بازتاب پایداری و بیداری اسلامی در لایب‌های کُردی (مطالعهٔ موردی لایب‌های بیداری هزار و ملاآواره)

زهرا جمشیدی\*  استادیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

### چکیده

پژوهش حاضر درصدد بررسی لایب‌هایی بیداری کُردی هزار و ملاآواره، دو تن از شاعران مبارز در دوران حکومت پهلوی است (مسأله). این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای (روش) به تحلیل سیاسی لایب‌های بیداری هزار و ملاآواره می‌پردازد. براین پژوهش گویای آن است که در ادبیات کُردی، لایب‌های یکی از ابزارهایی بوده‌است که شاعران آزادی‌خواه به وسیلهٔ آن‌ها روحیهٔ ایستادگی در برابر حکومت پهلوی را به کودکان منتقل می‌کردند. ساختار لایب‌های مورد مطالعه، یکسان و کارکردی مبارزاتی دارند. هر دو شاعر، لایب‌ها را با بیانی عاطفی در قالب نوازش کودک و صبر مادر در برابر گریه‌های طفل آغاز می‌کنند. آنگاه با بیانی نمادین، گریه‌های کودک را مقدمه‌ای برای دردها و گریه‌های بزرگ سالی معرفی و بند قنடاق را به بند و زنجیر حکومت پهلوی تشبیه کرده‌اند. سپس، شاعران از زبان مادر اندوه ناشی از بیداد رژیم پهلوی را با روشی واقع‌گرایان و پس از آن با زبانی حماسی، اصل و نسب و شرافت ایرانیان و قوم کُرد را ذکر و کودک را به مبارزه و پایداری تهییج می‌کنند. درنهایت، شاعران کسب دانش و مبارزهٔ قلمی را یکی از راه‌های ضربه‌زدن به استبداد معرفی می‌کنند و از کودک می‌خواهند همواره در راه کسب دانش پرتلاش باشد. به دلیل کارکرد مبارزه‌ای و بستر مشترک فرهنگی و زبانی، لایب‌های مورد مطالعه، تفاوت آشکاری با یکدیگر ندارند (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: ادبیات مقاومت، ادبیات کُردی، لایب‌های بیداری و پایداری، هزار، ملاآواره.

\* نویسنده مسئول z.jamshidi@hsu.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۲-۰۲-۲۹

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۸-۲۷

صفحات مقاله: ۷۷-۹۶

## ۱. مقدمه

ادبیات شفاهی، دربرگیرندهٔ مفاهیمی ناب و اساسی از زندگی طبقات مختلف جامعه است و شامل انواع قصه‌ها، مثل‌ها، ترانه‌ها و... می‌شود که هر کدام از این موارد، خود حامل بخش عظیمی از ظرایف فرهنگی یک تمدن‌اند. در این میان، ترانه‌ها در ادبیات عامه جایگاهی ویژه دارند. همان‌گونه که محتوای ادبیات رسمی شامل انواعی مانند ادب حماسی، ادب نمایشی، ادب غنایی و... است، ترانه‌های عامیانه نیز مضامین مختلفی را در خود دارند. تصنیف‌های کشت و کار و برداشت محصول، ترانه‌های بازی، عاشقانه‌های عامیانه، مثل‌های منظوم و لالایی‌ها از مضامین اصلی ترانه به حساب می‌آیند.

لالایی از قدیمی‌ترین و معروف‌ترین ترانه‌های عامیانهٔ ایرانی است و قدمتی به درازای تاریخ مادری دارد؛ چراکه لالایی، ترانه‌ای آرامش‌بخش است که مادر برای به خواب رفتن کودک، از آن بهره می‌جوید. محتوای لالایی‌های ایرانی، آشکارکنندهٔ دغدغه‌ها، آمال و آرمان‌های زن ایرانی در طی اعصار مختلف است و توجه به مفاهیم مندرج در آن‌ها، می‌تواند بخش مهمی از فرهنگ توده را در هر دورانی آشکار سازد. این بخش از ترانه‌های عامیانه، زبان و لحنی صمیمی و ساده دارند و علاوه بر محبت مادری و آرزوهای مادر برای کودک، بیانگر مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی است (رک: عمرانی، ۱۳۸۱) و از این روی، شایسته است که در علم مردم‌شناسی نوین مدنظر قرار گیرد.

در میان لالایی‌های ایرانی، لالایی قومیت‌های مختلف دارای تشخیص است. لالایی اقوام مختلف ایرانی، در عین اشتراک در بن‌مایه‌های اصلی لالایی، از نظر شرایط روانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی هر قومی با دیگر اقوام تفاوت‌هایی دارد. لالایی‌های اقوام، بخش قابل توجهی از ترانه‌هایی را تشکیل می‌دهند که با طبیعت و زندگی مردم پیوندی عمیق یافته‌اند و نشان‌دهندهٔ ابعاد مختلف مادی و معنوی فرهنگ هستند (میهن‌دوست، ۱۳۵۵). این سروده‌های ساده و مادرانه، در درون خود حاوی نکات ارزنده‌ای از دغدغه‌های زنان در طول تاریخ است. با نگاهی به درون‌مایهٔ این لالایی‌ها، مضامینی مانند «محبت مادر، نگرانی و هشدار، آرزوها، گلایه‌ها، ترساندن، طبیعت و محیط زندگی، مسائل اجتماعی و اقتصادی، اشتغال، مسائل زنان، ظلم و جور اجتماعی، مذهب و برخی اشارات تاریخی» (عمرانی، ۱۳۸۱) دیده می‌شود.

در ادبیات کلاسیک نیز، لالایی جایگاهی درخور توجه دارد و با عنوان لالایی‌های رسمی از آن‌ها یاد می‌شود. این نوع از لالایی‌ها در نتیجهٔ تلاقی سنت و مدرنیسم و عزیمت لالایی‌های

عامیانه<sup>۱</sup> شفاهی به ادبیات مکتوب به وجود آمده‌اند. با توجه به این که در مدرنیته<sup>۲</sup> ادبی، نقل شفاهی تا حدود بسیاری جایگاه خود را از دست می‌دهد، لالایی‌های رسمی مجال شناخت پدیدآورندگان خود را فراهم می‌کنند (پارسا و حسین پناهی، ۱۴۰۲).

لالایی‌های کُردی، بخش مهمی از فرهنگ عامیانه<sup>۳</sup> مناطق کردنشین را شامل می‌شود. از گذشته‌های دور، در استان‌های کردنشین، به‌ویژه در کردستان، کرمانشاه و ایلام، لالایی یکی از ابزارهای تربیتی خانواده‌ها بوده است (رک: جلیلیان، ۱۳۸۶). در این مناطق، از نخستین روزهای تولد طفل، مادر و بستگان نزدیک طفل از جمله خاله و مادر بزرگ و گاه پدر و پدر بزرگ، بانوایی گیرا پاره‌ای از مضامین تربیتی را برای کودک بازگو می‌کنند. یکی از اصلی‌ترین مضامین لالایی‌های کُردی، ترغیب طفل به وطن دوستی، آزادگی، پابندی به سنت‌های قومی و وطنی، دفاع از حق و مقابله با ظلم است (همان). در بخش مهمی از لالایی‌های کُردی، شاهد دعوت به بیداری و آگاهی طفل از طریق مضامین وطنی و اسلامی هستیم. نگارنده در جستار پیش‌رو بر آن است که لالایی‌های بیداری دو تن از شاعران کرد متخلص به «هزار» و «ملآواره» را بررسی و عناصر بیداری و پایداری آن‌ها را تحلیل کند.

### ۱-۱. پیشینه<sup>۴</sup> تحقیق

درباره<sup>۵</sup> لالایی در فرهنگ قوم کرد و ادبیات پایداری، پژوهش‌های چند انجام شده است. در این بخش به نزدیک‌ترین پژوهش‌های مرتبط با مقاله<sup>۶</sup> حاضر اشاره می‌شود. ریاحی و سعیدی (۱۳۸۵) در مقاله<sup>۷</sup> «لالایی‌های مادران کرد (با تأکید بر مضامین مذهبی)» با بررسی مضامین لالایی‌های کُردی، به صبغه<sup>۸</sup> دینی و مذهبی این لالایی‌ها پرداخته و تأکید کرده‌اند که پابندی به اصول مذهبی، یکی از اصلی‌ترین مضامین لالایی‌های کُردی است. جلیلیان (۱۳۸۶) نیز در پژوهشی با عنوان «شعر کلاسیک کُردی: مروری بر ادبیات کودک و نوجوان در زبان کُردی»، با بررسی بخش‌های مختلف ادبیات کودک و نوجوان در زبان کُردی، اذعان می‌دارد که لالایی که در زبان کُردی لاوه لاوه خوانده می‌شود، یکی از بخش‌های مهم ترانه‌های کودکانه<sup>۹</sup> کُردی است که بیشتر برای آرامش کودک استفاده می‌شود. کتاب *ژانه‌ژین: لالایی مادران کرد* از سلیمی و کهریزی (۱۳۸۷)، یکی دیگر از آثاری است که به لالایی‌هایی کُردی می‌پردازد. در این کتاب لالایی‌های کُردی مناطق کردزبان ایران و جهان جمع‌آوری و سپس به زبان فارسی ترجمه شده و در حد امکان توضیحاتی درباره<sup>۱۰</sup> هر یک از این لالایی‌ها داده شده است. جعفری (۱۳۹۵) نیز در پایان‌نامه<sup>۱۱</sup> بررسی اشتراکات محتوایی لالایی‌ها در گونه‌های زبانی غرب ایران ضمن اشاره

به این که درون‌مایهٔ لالایی‌های ایرانی مناطق مختلف دارای شباهت بسیاری با یکدیگر هستند، بیان می‌دارد که لالایی‌های غرب ایران بیشتر بیان‌گر احساسات و عواطف مادران بوده و بر مضامینی از جمله دعا برای سلامتی و عاقبت‌به‌خیری کودک، ترس از قدرنشاسی او در آینده، دغدغهٔ بی‌توجهی شوهر و نگرانی از آمدن هوو و... استوار است. حبیبی (۱۳۹۶)، در پایان‌نامهٔ خود با عنوان بررسی جامعه‌شناختی ترانه‌های فولکلور کردی (با تأکید بر لالایی‌ها)، به این نتیجه رسیده است که لالایی‌های کردی، مستقل از زمینه‌ها و بسترهای جامعه نبوده و مثل آیین‌های واقعیت‌های اجتماعی را منعکس کرده است. ژاله (۱۳۹۸) در پایان‌نامهٔ بررسی عناصر ادب پایداری در لالایی‌های فارسی، بر این عقیده است که عناصر مذهبی از جمله یادکرد امامان معصوم (ع) در خلق مایه‌های پایداری در لالایی‌های فارسی نقش آفرینی کرده و باعث به‌وجود آمدن درون‌مایه‌های ایستادگی و مقاومت در اندیشهٔ کودکان شده است. خیرمقدم (۱۳۹۹) در پایان‌نامهٔ خود تحت عنوان مطالعهٔ ساختار محتوایی، فرهنگی و اقلیمی در لالایی‌های کردزبان ایران، به بررسی تأثیر عناصر اقلیمی و فرهنگی مناطق کردزبان بر خلق درون‌مایه‌های لالایی پرداخته و نتیجه گرفته است که بخش مهمی از لالایی‌هایی کردی، با توجه به مؤلفه‌های اقلیمی به‌وجود آمده‌اند. مشتاق‌مهر و فیضی (۱۳۹۹)، در مقالهٔ «سیمای جامعهٔ کرد در لالایی‌های کردی»، سیمای جامعه و فرهنگ مردم کردزبان را از لابه‌لای لالایی‌های کردی کتاب ژانه ژین بررسی می‌کنند. یافته‌های این پژوهش گویای آن است که صدای زنان، معتقدات مذهبی، عقاید خرافی، مسائل سیاسی، وضعیت معیشتی و مراودات و ارتباطات، بازی‌ها، داستان‌ها، حکایت‌ها و ویژگی‌های اقلیمی در لالایی‌های کردی بازتاب یافته‌است. دربارهٔ لالایی‌های بیداری می‌توان به این مورد اشاره کرد: پارسا و حسین‌پناهی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای مشترک با عنوان «تحلیل و بررسی لالایی‌های بیداری»، به تحلیل و بررسی لالایی‌های بیداری میرزا علی‌اکبر صابر (۱۲۴۱ - ۱۲۹۰ ش)، ابوالقاسم لاهوتی (۱۲۶۶ - ۱۳۳۵ ش) و سید اشرف‌الدین گیلانی (۱۲۴۹ - ۱۳۱۳ ش) می‌پردازند. نگارندگان اذعان دارند که شناساندن این گونه لالایی‌ها، دلایل سرایش آن‌ها، تحلیل ساختار و محتوای آن‌ها و تفاوت‌های این گونه لالایی‌ها با لالایی‌های مرسوم از اهداف این پژوهش است.

همان گونه که از این پیشینه مشخص است، تاکنون پژوهشی مستقل که به مضامین بیداری اسلامی و پایداری در لالایی‌های هزار و ملاًآواره پرداخته باشد، انجام نشده است.

## ۲-۱. ضرورت تحقیق

ویژگی‌های رفتاری هر انسانی ریشه در کودکی و تربیت‌های نخستین پدر و به‌ویژه مادر دارد. اگر جامعه‌ای درصدد تربیت نسل‌هایی آزاده و وطن‌دوست است باید از ابتدا در حوزهٔ کودک و نوجوان سرمایه‌گذاری کند. این مهم در ادب عامیانهٔ برخی از قومیت‌های ایرانی، به شکلی چشمگیر تداعی پیدا کرده است. قوم کرد در شمار اقوامی است که در ترانه‌های عامیانه از جمله در لالایی‌ها، روحیهٔ ظلم‌ستیزی، دفاع از حق، مقاومت در برابر سختی‌های روزگار، بیداری اسلامی و... را به‌صورت شفاهی، نسل به نسل منتقل می‌کند. لالایی‌های کردی خاستگاهی مناسب برای تربیت نسل‌هایی آزاده، شریف، مذهبی و انقلابی است و از این‌روی شایسته است که در این زمینه، پژوهش‌های بسیاری در حوزهٔ مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی انجام پذیرد.

### ۱-۳. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش کتابخانه‌ای و روش تحلیل داده‌ها به‌صورت کیفی و توصیفی-تحلیلی است. نگارنده درصدد است با بررسی و تحلیل مضامین مقاومت و بیداری در لالایی‌های کردی هزار و ملاًآواره، کارکرد مبارزه‌ای این لالایی‌ها علیه حکومت پهلوی را بکاود. گفتنی است که در این پژوهش از لالایی‌های مکتوب کتاب‌زانه‌ترین استفاده خواهد شد.

### ۱-۴. مبانی نظری تحقیق

#### ۱-۴-۱. فرهنگ عامه

بخش مهمی از فرهنگ هر ملتی، فرهنگ عامهٔ آن ملت است. اصطلاح فرهنگ عامه در ادبیات جهان معادل فولکلور است. فولکلور از دو جزء folk و lore تشکیل شده که روی هم به‌معنای فرهنگ عوام است (رک: محجوب، ۱۳۸۷). آن‌چه که مسلم است این است که فرهنگ عامه شامل عناصر مادی و معنوی هر قومی می‌شود و دربردارندهٔ بخش‌ستری از تمدن هر ملتی است. ذوالفقاری عناصر مادی را به ابزارها، مسکن‌ها، خوراک‌ها، پوشاک‌ها، پیشه‌ها و مشاغل و اقتصاد و معیشت تقسیم می‌کند و عناصر معنوی را شامل آداب‌ورسوم، آیین‌های ملی و مذهبی، هنرهای قومی، سرگرمی‌ها، ادبیات عامه، زبان عامه، آموزش و تربیت و باورها و عقاید می‌داند (رک: ذوالفقاری، ۱۳۹۴). یکی از وجوه بارز و تشخیص فرهنگ عامه، انتقال شفاهی یا سینه‌به‌سینهٔ آن است و این موضوع در ادبیات عامه بیشتر قابل ادراک است. این ادبیات «حاصل اندیشه و تجربهٔ گذشتگان است که در سینه‌ها به زندگی خود ادامه داده و یادگارهای نسل‌های پیشین را به نسل حاضر رسانده است» (عمرانی، ۱۳۸۱).

## ۱-۴-۲. ادبیات پایداری

ادبیات پایداری گونه‌ای از ادبیات است که هم در ادبیات رسمی حضور دارد و هم در ادبیات شفاهی و غیررسمی. این نوع از ادبیات، واکنش روح شاعران و نویسندگان به ظلم و ستم و تباہی و پلشتی است و از این روی روحیه‌ای مبارزه‌ای و مقاومتی را اشاعه می‌دهند. «هدف ادبیات پایداری انتقال فرهنگ مقاومت از نسلی به نسل دیگر و از تاریخی به تاریخ دیگر است» (زندرحیمی و همکاران، ۱۳۹۹). صرفی، دربارهٔ مفهوم پایداری معتقد است که پایداری دربردارندهٔ دو مفهوم سلبی و ایجابی است. در مفهوم سلبی، پایداری نوعی ایستادگی در برابر چیزهایی است که در نظر انسان ناپسند بوده و خواهان خروج آن‌ها از زندگی خود است. در مفهوم ایجابی، پایداری به معنای تأکید و دفاع از چیزهایی است که انسان با معیارهای گوناگون آن‌ها را مفید می‌داند و حذف آن‌ها از زندگی خود را موجب بی‌ارزش شدن زندگی می‌داند (رک: صرفی، ۱۳۹۳).

ادبیات پایداری به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، استعمار خارجی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، مقابله با پابگاه‌های قدرت، غضب سرزمین، تضعیف سرمایه‌های ملی و فردی و... شکل می‌گیرند (رک: سنگری، ۱۳۸۳). برخی از آثار ادبیات پایداری، پیش از رخ نمودن مصائب ملی و قومی و برخی پس از آن به نگارش درمی‌آیند (رک: شگری، ۱۳۶۶). با توجه به مفهوم پایداری، دایرهٔ این ادبیات گسترده و شامل بسیاری از سروده‌ها و نوشته‌های رسمی و غیررسمی می‌شود. یکی از بخش‌های ادبیات پایداری، بیداری اسلامی است. «بی‌شک بیداری اسلامی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین پدیده‌های سیاسی-اجتماعی قرن حاضر است. بیداری اسلامی یک مفهوم ترکیبی است از دو واژهٔ بیداری و اسلامی. بیداری به معنای حیات و زندگی است و همچنین به معنای فعال شدن هوش و آگاهی به کار می‌رود و اسلامی به مفهوم تبعیت و پیروی از آموزه‌های اسلامی است» (طالب‌پور، ۱۴۰۱).

## ۱-۴-۳. لالایی‌های بیداری

لالایی، نوایی دل‌نشین است که با ریتمی آرام و مکرر، نخستین ارتباط میان کودک و ادبیات را برقرار می‌کند. لالایی «در لغت به معنی غلامی، بندگی، خدمتکاری، تربیت بزرگ‌زادگان، قسمی پارچه‌بوی ارزش است و در مبحث ادب آوازی که مادران و دایگان برای خواب کردن طفل شیرخواره می‌خوانند» (داد، ۱۳۸۵). لالایی یکی از بخش‌های مهم و معروف ترانه‌های ایرانی است که قدمتی بسیار طولانی دارد. این قدمت و دیرپایی لالایی، برآمده از مسائل اجتماعی ادوار

مختلف است و در واقع لالایی «نه مسأله‌ای تاریخی، بل معنایی باستان‌شناختی دارد» (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۷۷).

از آن‌جا که لالایی‌ها جزء ترانه‌های عامیانه محسوب می‌شوند، سراینده بسیاری از آن‌ها، به‌ویژه لالایی‌های نخستین مشخص نیست. آنچه که در لالایی‌ها محسوس و قابل توجه است، سادگی، صراحت و صمیمیت موجود در آن‌هاست که این ویژگی در ذات مادرانگی این ترانه‌ها موج می‌زند. در این اشعار عامیانه، با سروده‌هایی مواجهیم که پیوند میان روح مادر و کودک است و به تبع، پاکی و خلوص این دو روح، بر لحن و محتوای این ترانه‌ها نیز تأثیر گذاشته است. مادر در لالایی ضمن نوازش کودک و تشبیه او به زیباترین مظاهر طبیعت و زندگی، از جور دنیا شکایت‌ها و از همراهی زمانه شادی‌ها می‌کند. او همه زیبایی‌ها را به فرزند نسبت می‌دهد و همه خوبی‌ها را برای او می‌خواهد. آهنگ این ترانه‌ها، حرکت ملایم رفت‌وآمد گهواره و حالت اندوه‌بار زنی که در کنار آن، سعی در خواباندن طفل و گشایش بار دل را دارد، تداعی می‌کند (رک: عمرانی، ۱۳۸۱ و صفی‌زاده، ۱۳۷۵).

با این‌که اصولاً کارکرد لالایی در طول تاریخ، برای خواب و آرامش طفل بوده، اما در برخی از برهه‌های تاریخی در ادبیات رسمی و غیررسمی، شاهد لالایی‌هایی هستیم که هدف از سرایش آن، بیداری و هشیاری کودکان و بزرگ‌سالان است. «گزینش و آژگانی متناسب با محتوا و مضمون متن که در ساختار آن‌ها دعوت به بیداری، بصیرت سیاسی و آگاهی بخشی نسبت به وضعیت موجود وجود دارد و همچنین لحن حماسی آن‌ها سبب تمایز این نوع لالایی» (پارسا و حسین‌پناهی، ۱۴۰۲) از سایر لالایی‌ها شده است.

## ۲. بیان مسأله

مردم‌شناسی یکی از علوم است که در سده‌های اخیر، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. این علم، آینه تمام‌نمای جوامع است؛ یعنی می‌تواند علل به وجود آمدن سازمان‌ها و بنیان‌های کهن فرهنگی جامعه بشری را که برخی در جوامع معاصر رایج و برخی دیگر متروک شده‌اند، کشف نماید. مردم‌شناسی، شاخه‌های گوناگون دارد که یکی از اصلی‌ترین شاخه‌های آن، مردم‌شناسی فرهنگی است که بخش عظیمی از آداب و رسوم، علم، هنر، دین، دولت و ادبیات عامیانه و شفاهی را شامل می‌شود (رک: گاربارینو، ۱۳۷۷). بنیان‌های فرهنگی و فکری هر جامعه‌ای که نمود بارز آن در ادب و فرهنگ عامیانه آن منعکس می‌شود، از مباحث مردم‌شناسی

به حساب می‌آید. از این روی، انواع مختلف ادب عامیانه؛ از جمله ترانه و لالایی نیز به دلیل شناساندن فکر و فرهنگ عامیانه یکی مکت، قابل اعتنا و بررسی است.

مضامین لالایی‌ها مختلف و تحت تأثیر شرایط اقلیمی و اجتماعی است. هدف لالایی‌های کُردی، هم‌چون سایر لالایی‌های ایرانی آرامش طفل و مادر است که در ضمن آن، بسیاری از درونیات اجتماعی، سیاسی و عاطفی مادر و قوم نیز بیان می‌شود. لالایی در زبان کُردی لای لای یا لاه لاه از مصدر لاواندن به معنای به آرامش رساندن است (جلیلیان، ۱۳۸۶). شعرهای لاه لاه ده‌هجایی و الگوی قافیه دو و گاهی سه‌مصراع است. زبان و بلاغت لاه لاه‌ها ساده و گاه کودکانه است. در بخش اعظمی از لاه لاه‌های قدیمی کُردی، به امیدهای بربادرفته زیر ظلم مالکان و خان‌ها و درد جور ظالمان و رؤیاهای ازدست‌رفته آزادی از جور نابکاران و ایستادگی و مقاومت در برابر ستمگران و آگاهی زیر سایه مضامین اسلامی اشاره‌های بسیار شده است (رک: حبیبی، ۱۳۹۶ و جعفری، ۱۳۹۵). به عبارتی دیگر، بیشتر لالایی‌های کُردی، لالایی خواب‌آور نیست، بلکه لالایی‌های بیداری هستند و ذیل مبحث ادبیات پایداری قرار می‌گیرند.

لالایی‌های بیداری، هم در ادبیات رسمی و هم در ادبیات عامیانه وجود دارند. در حالت عامیانه و شفاهی، بیشتر بر اساس درد دل مادر یا گوینده لالایی برای کودک نمود پیدا می‌کند و به دلیل ماهیت عامیانه‌اش، سراینده آن مشخص نیست و زبان و بیانی ساده دارد، اما این لالایی‌ها در حالت رسمی و مکتوب، سراینده مشخص دارند، مخاطبان آن تنها کودکان نیست و بزرگسالان را هم شامل می‌شود و با اهداف سیاسی سروده شده‌اند. این نوع از لالایی‌ها، از نظر زبان و بیان، ادبی و بهره‌مند از عناصر بلاغی هستند (پارسا و حسین پناهی، ۱۴۰۲).

سرودن لالایی‌های رسمی بیداری، در دوران مشروطه با هدف آگاهی مردم رواج پیدا کرد. در این دوران میرزا علی‌اکبر صابر (۱۲۴۱-۱۲۹۰ ش)، ابوالقاسم لاهوتی (۱۲۶۶-۱۳۵۵ ش) و سید اشرف‌الدین گیلانی (۱۲۴۹-۱۳۱۳ ش) مهم‌ترین شاعرانی به‌شمار می‌روند که به سرودن لالایی‌های بیداری معروف هستند (پارسا و حسین پناهی، ۱۴۰۲) و به‌عنوان الگویی برای شاعران دیگر قومیت‌های ایران ظاهر شده‌اند. نکته جالب این‌جاست که این موضوع منحصر به زبان فارسی نماند و در زبان کُردی در دوره‌های بعد از جمله در زمان پهلوی اول و پهلوی دوم، نیز شاعرانی نامبردار مثل هژار، بی‌کس، قانع، ملاآواره و جهانی نیز به تبعیت از این لالایی‌ها، لالایی‌های بیداری کُردی سرودند.

قبل از انقلاب اسلامی ایران، یکی از مهم‌ترین ابعاد پایداری و بیداری اسلامی در ایران، به دست زنان انجام می‌شد. تأثیرگذاری زنان در بیداری اسلامی به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بود؛ در حالت مستقیم با شرکت در مبارزات و تشکیل گروه‌ها و جنبش‌هایی مثل جنبش زنان مسلمان ایران، زنان مبارز پیشروی تهران و ... (اخترشهر، ۱۳۹۹) و به صورت غیرمستقیم از طریق تربیت فرزندان با روحیهٔ مقاومت، حفظ بنیان‌های ارزشی و اسلامی در خانواده و ... . لالایی یکی از روش‌هایی بود که مادران برای تربیت فرزندان با بصیرت، آگاه و دارای روحیه‌ای انقلابی از آن بهره می‌گرفتند.

## ۲-۱. لالایی‌های بیداری در اشعار هزار

عبدالرحمن شرفکنندی متخلص به هزار، یعنی بی‌نوا و درویش (۱۳۰۰-۱۳۶۹ ش) یکی از مهم‌ترین شاعران و شخصیت‌های ادبی کردی است. این ادیب برجسته که در حوزهٔ تحقیق و ترجمه نیز نام‌آور بوده در مهاباد در خانواده‌ای متدین دیده به جهان گشود. پدرش مشهور به ملا محمدبور، مردی روحانی و اهل کسب و کار بود، لیکن زندگی ساده و فقیرانه‌ای داشت. هزار در پنج‌سالگی نزد پدرش الفبا و قرائت قرآن را شروع کرد و بعد از آن به مکتب‌خانه و سپس به خانقاه شیخ‌برهان وارد شد و بعد از کسب مقدمات، برای بهرهٔ بیشتر، به نزد چند تن از مدرسان علوم اسلامی در روستاهای اطراف زادگاه خود رهسپار شد.

هزار در هفده‌سالگی پدر خود را از دست داد و به دلیل سرپرستی خانواده و تأمین معاش آن‌ها، دست از تحصیل کشید و مجبور به انجام کارهای سخت و طاقت‌فرسا شد. در این میان و در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۷ م نیروهای نظامی دولت روسیه، شمال ایران که بخشی از کردستان را هم شامل می‌شد، تحت تسلط خود گرفته بود. ظلم و جور این نیروها و نیز مزدوران شاه، مردم این مناطق را به تنگنا کشانده بود و همین امر باعث شکل‌گیری نیروهای مقاومت مردمی شده بود. در این هنگام، هزار در تشکیلاتی به نام کومه‌له ژیان و کردستان به رهبری قاضی محمد که علیه رژیم پهلوی سازماندهی شده بود، شرکت کرد (کردو، ۱۳۹۴).

پس از مدتی، دانش هزار چنان گسترده شد که ترجمه‌ای روان و گویا از کتاب *قانون ابن سینا* انجام داد. این ترجمه چنان استادانه بود که باعث شد، مترجم آن بعد از انقلاب اسلامی ایران، به عضویت فرهنگستان زبان فارسی درآید. علاوه بر ترجمه، در حوزهٔ شعر و تحقیق نیز نامبردار شد. او سال‌های بسیاری از ترس حکومت پهلوی آواره زندگی کرد. اشعار هزار دربردارندهٔ مضامین سیاسی، اجتماعی، حماسی و عاشقانه و دارای زبانی ساده است (قادرزاده و میارغنج، ۱۳۹۶). از آثار

او می‌توان به شرح دیوان اشعار شیخ احمد جزیری، ترجمه دوره کامل قانون ابن سینا در هفت جلد، فرهنگ جامع لغات کردی و ترجمه قرآن کریم به زبان کردی اشاره کرد.

همان گونه که اشاره کردیم اشعار سیاسی هزار باعث شده بود مورد غضب حکومت پهلوی قرار بگیرد و به دلیل عقایدش بهای سنگینی پردازد. بخشی از این اشعار در قالب لالایی‌های بیداری بوده که هنوز هم جزئی از فرهنگ کردی برای تربیت کودکان شجاع و نستوه و مبارز است. در ادامه یکی از لالایی‌های مشهور هزار با ترجمه فارسی از کتاب ژانترین نقل می‌شود.

#### ۱-۲. آغاز آرام و غمیگن لالایی

در ابتدای این لالایی، شاعر به رسم براءت استهلال، چند بیت در وصف فرزند و ناز و نوازش او سروده است. این ابیات به نحوی است که از همان ابتدا مخاطب را آماده ورود به بحثی جدی می‌کند؛ زیرا سخن از غم و اندوهی است که بر جان شاعر فرود آمده است:

روله رووناککی گلینه چاوم	به‌ندی جهرگ و دل هیزی
ریحانه بون خوش	ئاو پریشکینی کولی دله کهم
چوله‌مه نه‌ستوم ره گی	هه‌نگوین و قه‌ندو نوفل و نه‌باتم
خه‌وی خیرت بی بنو دره‌نگه	تا که له‌بابه به‌یان بی‌ده‌نگه
هه لایه‌لایه، روله لای‌لایه	نیمشه و به‌زه‌بیت به من دانایه

ترجمه:

- عزیز دلم نی‌نی چشم‌هایم، بند دل و جان، زور زانوهایم.
- ریحانه خوش‌بو، گل سرخ من، آب پاشیده بر دل سوزانم.
- رنگ زندگی، رگ حیاتم، انگبین و قند و نقل و نباتم.
- خوابت خیر باشد بخواب کوچولو، تا هنگام صدای خروس در صبح.
- لالا لالا فرزندم لالا، امشب غمت را برایم فرستادی.

#### ۲-۱-۲. تصویرسازی بند و زنجیر و امید به آزادی

در ادامه ابیات این لالایی، شاعر از گریه‌ها و بی‌قراری‌های کودک به دلیل بند محکم قنداق سخن می‌گوید و با زبانی شاعرانه، علت قنداق سخت و سنگین او را، میل به مقاوم بار آوردن کودک می‌داند. شاعر با زبانی لالایی به طفل می‌گوید: از همین حالا باید به بند و زنجیر و اسارت خو بگیری، زیرا با ظلم ظالمان، سرنوشتی جز بند و زنجیر اسارت در انتظار تو نیست. او امیدوارانه

و با اندوهی سترگ، از همان طفولیت، کودک را به مقاومت و شجاعت خو می‌دهد؛ زیرا معتقد است در برابر جور حکومت پهلوی باید ایستاد و در راه ایستادگی، بند و زنجیر اولین مرحلهٔ اسارت است:

له داخی لانک ده‌گری ده‌زانم	ژیر به‌و رولهٔ ژیر و جوانم
به‌وبه‌ندو چه‌پسه من	ده‌لهٔ بو چه‌پسه بو ده‌سته
ئه‌و به‌ندوقوفل و قورازه چیه؟	له نیو کورد نه بی ده‌سرازه نیه
ده‌سرازه و لانک بت بی چاتره	کورم من بیرم له تو زیادتره
گوی بگره بلیم له به‌رچی وایه	ههٔ لایه‌لایه، روله لای لایه

ترجمه:

- آرام باش فرزند آرام و زیبایم، از غم گریه‌هایت نالان و پریشانم.  
- می‌گویی خسته‌ام از این حبس، از این دست‌های بسته (منظور قنناق است)، از این لحاف چندلایه، از این در تنگ خسته‌ام.

- در میان کردان کسی بی بند نیست، این بند و قفل و حال بد ما از چیست؟  
- پسرم عقل و حافظهٔ من از تو بیشتر است، تو را محکم می‌بندم تا مفهوم بند و زنجیر را بفهمی.

- لالا لالا فرزندم لالا، آرام بگیر تا برایت قصه‌های تلخ اسارت وطن را بگویم.  
گرچه شاعر، اندوه بی‌پایان خود از ظلم حکومت پهلوی به کردها را تکرار می‌کند، اما به سیاق متون پایداری، پس از بیان غم و اندوه، با بیانی حماسی مبنی بر شجاعت و شرافت نژاد، اندوه خود را مقدس معرفی می‌کند. او ورای تلخ‌کامی اسارت و آوارگی - که خود سالیان بسیار به آن مبتلا بوده است - امیدوار به آزادی است:

نه‌ته‌وی پاکی گه‌لی	راسته تو نه‌وهٔ شیر
به‌شیان له دنیا کوت و	به‌لام چونکه کورد
نه‌ک تا من ماوم له به‌ندا	بویه‌ت ده‌پیچم تا
هر پیم خوش نیه	بو چاره‌ره‌شیت، نه‌ماوه
هزار تی‌بینی دواروژم	ههٔ لایه‌لایه، روله

ترجمه:

- راست است که تو نوه شیر ژیان و از نسل پاک قوم کرد هستی.

- اما چون امروز گرد تنها و بی کس است، سهمش در دنیا بند و محبس است.

- تو را محکم با بند قنناق می بندم تا عادت کنی و بعدها در زمان اسارت ننالی و خیلی

اذیت نشوی.

- به خاطر سرنوشت سیاهت سوئی در چشمانم نمانده، همان بهتر که چشم‌هایم خاموش

باشد تا مرگت را نبینم.

- لالا لالا فرزندم لالا، حتی اگر نسلت را بکشند، ذهن مبارز تو برجاست.

۲-۱-۳. ناز و نوازش توأم با هشدار

شاعر در ادامه لالایی بیداری خود، دوباره به ناز و نوازش کودک گریز می‌زند، ناز و

نوازشی که با اندوه عجین است. وی با بیانی عاطفی، عشق و محبت خود به فرزند را بیان می‌کند،

اما در نهایت به مخاطب می‌قبولاند که با این همه ستم، اگر برای پیروزی تلاشی انجام نشود، این

کودک و کودکان بسیار به دست ظالم حکومت پهلوی تباه می‌شوند:

سه‌دتال و سویرت له

بوت به‌خت ده کهم عومری در یژم

شه‌وو نیوه شه‌و، لیبی ده‌نیم

نه‌مامی بالات به فرمیسکی چاو

له بن سیه‌رت بحه‌سیمه‌وه

سه‌د چاک و پیرت بو ده‌خولیمه‌وه

دهت بری بزّه نایه‌ت به‌حالم

ههر ره‌سیده بوی نه‌ته‌وه زالم

ناخ خاک به‌سه‌ره‌م ره‌نجم

هه لایه‌لایه، روله لای‌لایه

ترجمه:

- تمام دارایی و عمر طولانی‌ام را فدای یک تار مو و یک لحظه تو می‌کنم.

- نهال قامتت را با آب چشمانم، شب و نیمه‌شب و سیده آبیاری می‌کنم.

- سرگردان و آواره کوی پیران و فرزندگان شده‌ام، شاید در کویت و زیر سایه‌ات آرام

بگیرم و لانه بسازم.

- می‌ترسم زمانی که مثل میوه برسی، پایت را در بند ظالم ببینم، می‌ترسم روزی آن دزد

جانمی، زندگانی تو را بگیرد.

- ای لالا لالا فرزندم لالا، آخ خاک بر سرم، با این همه ظلم می‌دانم زحماتم برای تو بر

باد می‌رود.

۲-۱-۴. دعوت به مبارزه و نجات وطن



- فرزندم وطنمان چشم به راه توست، مادرمان (وطن) نیازمند دوی توست.
- بوی اندامت مانند مینای بی‌گرد پاک است (با ایهام خطاب به وطن و کودک)، درحالی که صد درد و رنج بر تن داری.
- همانند کوری درراه وطن چاک‌چاک شده‌ام و تو باید زیر آفتاب برای دفاع از وطن در خون خود بغلتی.
- فرزندم به تو بگویم فایده‌ داشتن سر چیست؟ سر برای دادن در راه آزادی است تا مثل توپی غلطان در راه یاران باشد.
- ای لالا لالا فرزندم لالا، وطنمان برای پیروزی تو دست به دعا برداشته است (لالایی منقول از سلیمی و کهریزی، ۱۳۸۷).

## ۲-۲. لالایی‌های بیداری در اشعار ملّا آواره

یکی دیگر از شاعران کلاسیک کرد که با اشعار حماسی و انقلابی خود در دوران پهلوی، در راه اعتلای وطن تلاش بسیار کرد، ملّا احمد شلماشی (۱۳۱۱-۱۳۴۷ ش) روحانی انقلابی گرد بود. وی که در شهرستان سردشت در مهاباد به دنیا آمد، در برابر ظلم و ستم رژیم پهلوی سر به شورش برداشت و «به همراه هم‌رزمانش سر به جنگل‌ها و کوه‌ها سپرد و پس از سال‌ها مبارزه چریکی در سال ۱۳۴۷ ش توسط رژیم پهلوی دستگیر و تیرباران شد» (سلیمی و کهریزی، ۱۳۸۷). تخلص شعری آواره، یادآور روزهای ایستادگی و مقاومت و آوارگی او و یارانش در دل کوهستان‌ها و دشت‌هاست.

از آن‌جا که ملّا آواره به دفاع از مردم مظلوم منطقه خود در برابر ظلم رژیم پهلوی به پا خاسته بود، در میان مردم محبوبیت بسیار داشت. زبان شعری او ساده و به دور از پیچیدگی‌های ادبی بود و همین امر، به مردمی‌شدن اشعار او یاری بسیار رساند؛ به نحوی که اشعار او جزء محبوب‌ترین شعرهای کردی در نزد مردم کردزبان بود. پس از تیرباران شلماشی، رژیم وقت، جنازه او و یارانش را در میدان‌های شهرهای مهاباد، سردشت، بوکان، بانه، سقز و پیرانشهر آویخت تا برای مردم درس عبرت شود، اما این موضوع نتیجه معکوس داد. «در این زمان لالایی‌های ملّا احمد شلماشی، ورد زبان مادران کرد شده بود و بعد از ایشان نسلی پدید آمد که به نغمه پرجوش و خروش لالایی‌های این مادران بالیده بود و آتش دادخواهی و آزادی‌خواهی در سر داشت» (همان).

این شاعر مبارزه که خود در راه علم و دانش تلاش بسیار کرده بود، بر علم‌آموزی و تعلیم و تعلم و روشنگری، تأکید ویژه می‌ورزید و اعتقاد داشت روحانیون در راه مبارزه با رژیم شاه وظیفه‌ای سنگین دارند، به گونه‌ای که وظیفهٔ آنان تنها آموزش احکام نیست، بلکه مبارزهٔ اصلی، مبارزهٔ قلم و تبیین و روشنگری است. در ادامه، لالایی بیداری معروف این شاعر که در اصل ندای مبارزه بود، از کتاب *ژانرین* نقل می‌شود.

### ۲-۲-۱. آغاز آرام و غمیگن لالایی

ابتدای این لالایی نیز هم چون مورد قبل، با ناز و نوازش کودک آغاز می‌شود. سخن از طفلی است که در حال گریه و بهانه‌گیری و بی‌خوابی است و از این روی برای آرام کردن او باید شیرین‌ترین واژه‌ها را خطاب به او گفت:

خونچهٔ گولزاری باخچهٔ ژیانم	روله کورپه کهم، نارامی گیانم
سه‌روهت و مالِم، نایین و دینم	جگه‌ر گوشه کهم، به‌ره‌می
هاوده‌نگی به‌زمی، روژ و شه‌وانم	هیز و ته‌وژم، بینای چوانم
بنو درنگه به‌ری به‌یانه	روله گیان مه‌گری مه‌گره به‌هانه
کویر بی‌ئه و چاوهٔ به‌تو هه‌لنایه	ههٔ لایه لایه کورپهٔ ساوایه

ترجمه:

- فرزند شیرخواره‌ام، آرام جانم، غنچهٔ گلزار باغ زندگی‌ام.  
 - جگر گوشه‌ام، حاصل عمرم، ثروت و دارایی و دین و آیینم.  
 - قوت زانوهایم، بینایی چشمانم، هم‌راز روز و شب‌هایم.  
 - فرزندم گریه نکن و بهانه‌نگیر، کودکم بخواب نزدیک است که صبح شود.  
 - لالا لالا فرزندم لالا، کور شود چشمی که خوشی تو را نخواهد ببیند.  
 در ادامه، شاعر نوازش کودکی را که به هیچ طریقی آرام نمی‌شود، ادامه می‌دهد. وی با استفاده از بیان بی‌قراری کودک و ناتوانی مادر، فضای بحرانی استبداد را فضاسازی می‌کند:

هرچه‌ند تو ده‌گری جهرگم	من بو تو چونم توش بو من وابه
تو شاگولی جوان من پاسه‌وانم	نازت ده‌کیشم هه‌تا ده‌توانم
دایک‌ئه و کاتهٔ دلی ده‌سره‌وی	که کورپهٔ ساوای بیخه‌م و هرکه‌وی
یان به‌بزهٔ لئو به‌خندهٔ زاری	ئال و گوریان کا گریان و زاری

هه ُ لایه لایه کورپه ُ ساوایه قهزات له گیانم تاقانه ُ دایه

ترجمه:

- هر چقدر تو گریه کنی، جگرم کباب می‌شود، من برای تو این طوری‌ام، پس تو هم برای من این گونه باش.

- تو شاه گل زیبا و من یاسبانت هستم، تا می‌توانم نازت را می‌کشم.

- مادرت وقتی آرام می‌گیرد که فرزندش در آغوشش تا صبح بخوابد.

- گاهی با خنده، زاری می‌کنی و گاهی با گریه، شروع به زاری می‌کنی.

- لالا لالا فرزندم لالا، بلایت به جانم، یکی یک دانه ُ مادر.

۲-۲-۲. ناز و نوازش توأم با هشدار

در ادامه ُ لالایی، شاعر از زبان مادر گُرد، از کودک گلایه می‌کند که تا زمانی که کوچک

است با گریه‌هایش او را بی‌تاب می‌کند و همین که بزرگ می‌شود، باید غم اسارت و آوارگی او را

تحمل کند. شاعر با این مقدمه، ذهن مخاطب را به آینده ُ کودکانی که در جوامع استبدادی متولد

می‌شوند، سوق می‌دهد و با زبان لالایی و اندوه، سرنوشت تلخ این فرزندان را روایت می‌کند:

هه تا ئیستا که مندالی وردی خه لَف و نه مامی بیستانی

شکلی ناسکی نِهت داوه بای بال دهرت نه کردو په روخهت و

بی‌زمان بی‌سهر بی‌هوش و خه مبارم ده‌که ُ به گریه و

به‌لام به هیوای دواروژم ساده ُ نه‌که ُ روله گیان ره‌نجم به

هه ُ لایه لایه کورپه ُ ساوایه دایهت ماندووه بوچ خه‌وت نایه

ترجمه:

- تا الآن که تو کودک کوچکی، خلف نهال بستان گُردی.

- شکل نازکت بی‌پر و بی‌بال است و خط و خال درنیاورده‌ای.

- بی‌زبان، بی‌فکر، بی‌صبر و طاقت، صبرم را با گریه‌هایت می‌بری.

- تو را با این همه درد و رنج می‌پرورم، مبادا روزی رنجم را به باد بدهی.

- لالا لالا فرزندم لالا، مادرت خسته است، چرا نمی‌خوابی!؟

۳-۲-۲. تصویرسازی بند و زنجیر و امید به آزادی

در بند بعدی لالایی، شاعر آرزوی مادری کرد و آزاده را روایت می‌کند که امیدوارانه، آرزو

دارد فرزندی شجاع و مقاوم داشته باشد و در برابر ظلم و ستم، پایدار و نستوه باشد و از بند و زنجیر

و تهدید و شکنجه بیمی نداشته باشد. او آرزومند است که همهٔ کودکان با علم آموزی و شجاعت، توان مقابله با بیداد ستم‌شاهی را بیابند و در راه آزادی وطن، فداکاری کنند:

هیوام زور پینه وه ک باب و کاکت	ببی سه‌بازی نه‌ته‌وه و خاکت
به‌خیوت نه‌که‌م به‌گیان و به‌دل	نه‌کهٔ بترسی و له‌هیچ بکهٔ
زانا و خوینده‌وار چاو و دل‌تیربی	روژی ته‌نگانه پلینگ و شیر
لاویکی گورج و خاوه‌ن هوش و	نه‌ترسی له‌به‌ند له‌کوت و
ههٔ لایه لایه، روله لای لایه	کورپه‌م دواروژ لاوی نازایه

ترجمه:

- آرزویم برای تو این است که مثل پدر و برادرانت، تا عمر داری سربازی برای وطن باشی.  
- تو را با جان و دل بزرگ می‌کنم، مبادا هیچ‌وقت از هیچ‌چیزی بترسی.  
- دانا و اهل مطالعه، چشم و دل سیر باشی، در روزهای تنگی و سختی مثل شیر و پلنگ شجاع باشی.

- زیرک و هوشیار و دانا باشی و هرگز از بند و زنجیر و اسارت نترسی.

- لالا لالا فرزندم لالا، فردا با بانگ آزادی بیایی.

۲-۲-۴. دعوت به مبارزه و نجات وطن

در ادامهٔ لالایی، شاعر با بیانی حماسی، با تهییج کودک، او را از شرافت اجدادی‌شان آگاه می‌کند و از کودک می‌خواهد که همانند پدران خود، در راه آزادی و دفاع از وطن و ناموس، مقاوم و خستگی‌ناپذیر باشد:

کورم تو کوردی، تو بیچو شیری	نه‌ته‌وهٔ کاوهٔ نازا و دلیری
باب و بایرت، خزم و کهس و	زوریان کیشاوه، مه‌ینه‌ت و نازار
بو پاریزگاری، مال و منالیان	قهت نه‌وستاوه، دهس و
توش وه‌ک‌ئه‌وان به، نه‌ترس و	بازی کیوی به، نه‌ک‌که‌وی
ههٔ لایه لایه، روله لای لایه	هیوای دواروژم، له‌دهس تودایه

ترجمه:

- پسرم تو کُردی، تو بچهٔ شیری، از نسل کاوهٔ آزاد و دلیری.

- پدر و جدت، قوم و کس و کار تو و همهٔ خویشاوندانت، محنت و رنج بسیار کشیده‌اند.

- برای پاسداری از مال و ناموس، هرگز دست از کار نکشیدند.
- تو هم مثل آن‌ها نستوه و مقاوم باش، مانند باز در کوهستان باش، نه مثل کبک در قفس.
- لالا لالا، فرزندم لالا، فردای وطن در دست توست (لالایی منقول از سلیمی و کهریزی، ۱۳۸۷).

### ۳. نتیجه

مبارزهٔ قلمی و فرهنگی یکی از انواع ادب مقاومت است که به اشکال مختلف ظهور و بروز می‌یابد. یکی از این اشکال، مظاهر فرهنگ عامه از جمله لالایی است. از آن‌جا که جامعهٔ مخاطب لالایی در غالب اوقات اطفالی است که به ظاهر خطری برای حکومت‌های مستبد یا نیروهای مهاجم ندارند و از طرفی بیشتر به صورت شفاهی نقل می‌شود و سندیت سایر آثار مکتوب را ندارد، چندان مورد اعتنای حکومت‌ها واقع نمی‌شده است. در ادبیات معاصر کردی نوعی از لالایی وجود دارد که کارکرد اصلی آن مبارزه است. در دوران معاصر و در جریان مبارزهٔ مردمی با رژیم پهلوی، شاعران کردزبان نیز با خلق آثار و اشعار تهییج‌کننده و آگاهی‌دهنده در پهلوی‌ستیزی با مردم هم‌گام و هم‌صدا شدند و در مسیر مبارزات ضد استبدادی و بیداری اسلامی روش‌ها و شیوه‌های گوناگونی را به کار بستند که یکی از این شیوه‌ها، سرایش لالایی‌های بیداری بود. همان‌گونه که اشاره کردیم چون لالایی‌ها چندان مورد توجه حکومت نبود و تنها ابزاری برای سرگرمی و آرامش کودکان تصور می‌شد، شاعران کُرد با تیزهوشی و کياست و برای فرار از سانسور و عواقب احتمالی اعتراض و انتقاد، این بخش از ادب عامه را زمینه‌ای برای بیان اندیشه‌های مبارزاتی و مخالفت خود با حکومت پهلوی و بیداری اذهان قرار داده بودند.

نگارنده در پژوهش پیش‌رو، با بررسی لالایی‌های بیداری هزار و ملاًآواره، به تحلیل مؤلفه‌های پایداری و مبارزه‌ای این شاعران علیه حکومت پهلوی پرداخت. براینده تحقیق نشان می‌دهد که ساختار لالایی‌های مورد مطالعه در این مقاله یکسان و دارای کارکرد مبارزه‌ای هستند. هر دو شاعر، لالایی‌های خود را بیانی عاطفی در قالب ناز و نوازش کودک و صبر مادر در برابر گریه‌های طفل آغاز می‌کنند؛ سپس با بیانی نمادین، گریه‌های کودک را مقدمه‌ای برای دردها و گریه‌های بزرگ سالی او معرفی کرده و بند قن‌داق را به بند و زنجیر حکومت پهلوی تشبیه کرده‌اند. پس از این مقدمه، شاعران از زبان مادر غم و اندوه ناشی از بیداد رژیم پهلوی نسبت به مردم ایران و به‌ویژه قوم کرد را با بیانی واقع‌گرا بیان می‌کنند و پس از آن با بیانی حماسی، اصل و نسب و شرافت ایرانیان و قوم کرد را ذکر کرده و کودک را به مبارزه و پایداری حتی به قیمت اسارت و ازدست‌دادن جان،

تهییج می‌کنند. در نهایت، شاعران کسب علم و دانش و مبارزهٔ قلمی را یکی از راه‌های مهم ضربه‌زدن به استبداد معرفی می‌کنند و از کودک می‌خواهند همواره در راه کسب دانش پرتلاش باشد. با توجه به لالایی‌های موردنظر، تفاوت چندانی میان ساختار و درون‌مایهٔ دو لالایی مشاهده نشد.

### فهرست منابع

۱. احمدپناهی سمنانی، محمد (۱۳۷۷). ترانه و ترانه‌سرایی در ایران. تهران: سروش
۲. اخترشهر، علی (۱۳۹۹) جایگاه زنان در انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر بیداری اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی. فصل‌نامهٔ بیداری اسلامی، (۱)۹، ۲۸۰-۲۵۷
۳. پارسا، سیداحمد و شهربانو حسین‌پناهی (۱۴۰۲) تحلیل و بررسی لالایی‌های بیداری. دوماه‌نامهٔ فرهنگ و ادبیات عامه، ۱۱(۴۹)، ۳۶-۱
۴. جعفری، اکبر (۱۳۹۵). بررسی اشتراکات محتوایی لالایی‌ها در گونه‌های زبانی غرب ایران، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. به راهنمایی مالک شعاعی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد دره‌شهر
۵. جلیلیان، عباس (۱۳۸۶) شعر کلاسیک کردی: مروری بر ادبیات کودک و نوجوان در زبان کردی. فصل‌نامهٔ شعر گوهران، ۱۵، ۱۹۹-۱۹۵
۶. حبیبی، فاطمه (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی ترانه‌های فولکلور کردی (با تأکید بر لالایی‌ها). پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. به راهنمایی محمدتقی شیخی. دانشگاه الزهرا (س)
۷. خیرمقدم، گل‌آذین (۱۳۹۹). مطالعهٔ ساختار محتوایی، فرهنگی و اقلیمی در لالایی‌های کردزبان ایران. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. به راهنمایی غلامرضا طوسیان. دانشگاه پیام نور تهران شرق
۸. داد، سیما (۱۳۸۵). فرهنگ اصطلاحات ادبی. چاپ سوم. تهران: مروارید
۹. ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴). زبان و ادبیات عامهٔ ایران. تهران: سمت
۱۰. ریاحی، حسن و میترا سعیدی (۱۳۸۵) لالایی‌های مادران کرد (با تأکید بر مضامین مذهبی). مطالعات هنر اسلامی، ۲(۴)، ۴۲-۳۱
۱۱. زندرجمی، مینا؛ هادی‌پور، هدی و حمیده کمالی‌مقدم (۱۳۹۹) بررسی انتقال مؤلفه‌های پایداری در فرایند ترجمه: مطالعهٔ موردی ترجمهٔ انگلیسی سعید سعیدپور از اشعار قیصر امین‌پور. فصل‌نامهٔ بیداری اسلامی، ۹(۱۸)، ۸۳-۶۵

۱۲. ژاله، شکوفه (۱۳۹۸). بررسی عناصر ادب پایداری در لالایی‌های فارسی. پایان‌نامه کوشناسی ارشد. به راهنمایی نفیسه رئیسی. دانشگاه یزد
۱۳. سلیمی، هاشم و ثریا کهریزی (۱۳۸۷). ژانه‌ژین: لالایی‌های مادران کرد. تهران: آنا.
۱۴. سنگری، محمدرضا (۱۳۸۳). ادبیات پایداری. مجله شعر، ۳۹، ۴۵-۵۳
۱۵. شکر، غالی (۱۳۶۶). ادب مقاومت، گردآوری و ترجمه: محمدحسین روحانی. تهران: نشر نو
۱۶. صرفی، محمدرضا (۱۳۹۳). گستره ادبیات پایداری. مجله ادبیات پایداری، ۶(۱۰)، ۲۰۷-۲۳۸
۱۷. صفی‌زاده، فاروق (۱۳۷۵). پژوهشی درباره ترانه‌های کردی. تهران: ایران جام
۱۸. طالب‌پور، دانا (۱۴۰۱). رهیافت تطبیقی تبلور اندیشه بیداری اسلامی در سروده‌های سمیح صباغ و قیصر امین‌پور. فصل‌نامه مطالعات بیداری اسلامی، ۱۱(۳)، ۲۷-۵۳
۱۹. عمرانی، سید ابراهیم (۱۳۸۱). لالایی‌های ایرانی. تهران: پیوند نو
۲۰. قادرزاده، امید و خالد میارغنج (۱۳۹۶). بازنمایی فرهنگ سیاسی در شعر کردی: تحلیل محتوای اشعار هژار و هیمن. مجله جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۸(۶۵)، ۳۳-۵۲
۲۱. کردو، قانات (۱۳۹۴). تاریخ ادبیات کردی. ترجمه: عباس فرهادی توپکائلو. قم: عمو علوی
۲۲. گاربارینو، مروین (۱۳۷۷). نظریه‌های مردم‌شناسی. ترجمه: عباس محمدی اصل. تهران: آوای نور
۲۳. محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۷). ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران). به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: چشمه
۲۴. مشتاق‌مهر، رحمان و آمینه فیضی (۱۳۹۹). سیمای جامعه کرد در لالایی‌های کردی. فصل‌نامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۱۰(۱)، ۸۹-۱۰۸
۲۵. میهن‌دوست، محسن (۱۳۵۵). کله فریاد (ترانه‌های خراسان). تهران: مرکز مردم‌شناسی ایران

## کارکرد عنصر «مکان» در تبلور اندیشه‌های پایداری و بیداری اسلامی (مورد پژوهی: قصیده «لِلْأَقْصَى أَنْزِفُ شَعْفَى» اثر خِضْرُ مُحَمَّدِ أَبُو جَحْجُوح)

امید جهان بخت لیلی\* ID  
گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

قهرمان فرشته پور ID  
گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

### چکیده

مکان به عنوان سازه‌ای معنمند در القای اندیشه‌های پایداری و بیداری اسلامی مورد توجه شاعران معاصر قرار گرفته است. این پدیده که از دیرباز در آثار ادبی وجود داشته، امروزه در اشعار پایداری نقش چشمگیری ایفا می‌کند. خِضْرُ مُحَمَّدِ أَبُو جَحْجُوح از شاعران پایداری سرا و زادهٔ فلسطین است. وی در سرودن اشعارش، مکان را به عنوان منبع معناآفرینی و ابزار انتقال مفاهیم پایداری قرار داده است (مسئله)؛ جستار حاضر بر آن بوده تا به روش توصیفی-تحلیلی به تبیین کارکردهای عنصر مکان در بازنمود ایده‌های پایداری و بیداری اسلامی در قصیده «لِلْأَقْصَى أَنْزِفُ شَعْفَى» اثر خِضْرُ مُحَمَّدِ أَبُو جَحْجُوح بپردازد (روش)؛ دلیل انتخاب این موضوع پژوهشی از آن رو است که قصیده مزبور، آیین و واقعیت‌های جوامع عربی است و شاعر می‌کوشد تا آن را به عنوان ابزاری برای بیداری مردم در برابر اندیشهٔ استعمار و اشغال به کارگیرد. عنصر «مکان» در شعر وی با صبغه‌های سیاسی، دینی، تاریخی، ملی و طبیعی، القاگر مفاهیمی همچون اقتدار و شکوه گذشته، ضرورت پیدایش وحدت و همدلی، انتقاد از انفعال و بی‌تفاوتی سردمداران حکومتی، تحریک همت جمعی و بیداری اسلامی است. وی می‌کوشد تا با تمرکز و دمیدن احساس و اندیشه به پدیده‌های مکانی، دریچه‌ای به سوی جهان‌بینی پایداری بگشاید؛ لذا برای تحقق این امر در صدد است تا از رهگذر طرحواره‌های تصویری برآمده از تشبیه، استعاره و کنایه و نیز سازوکارهای ادبی همچون توصیف اغراق‌آمیز، برجسته‌سازی مفاهیم و تلمیح به مکان‌ها و حوادث تاریخی، موجبات انتقال اندیشه‌ها و درک دغدغه‌های پایداری را برای مخاطبان فراهم نماید (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: عنصر «مکان»؛ شعر پایداری فلسطین، بیداری اسلامی، خِضْرُ مُحَمَّدِ أَبُو جَحْجُوح

دریافت: ۱۴۰۲-۰۴-۰۲

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۷-۰۳

\* نویسنده مسئول:omidjahanbakht@gmail.com

صفحات مقاله: ۹۷-۱۱۹

## مقدمه

یکی از سازه‌های معنایی در شعر، عنصر مکان است. این عنصر نوعی ظرف و جایگاه محسوب می‌شود که ادیبان با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی، احساسات و اندیشه‌های خود را در بستر آن جاگذاری می‌کنند و سپس با استفاده از سازوکارهای زبانی و ادبی مختلف، اقدام به ارائه راهکارها و ایده‌های خویش به مخاطبان می‌نمایند. پدیده مکان و دلالت‌های معنایی آن از دوران کهن در شعر عربی وجود داشته است؛ به عنوان نمونه شاعران در دوره جاهلی به وصف اطلال و دمن پرداخته و بر خرابه‌های برجمانده از منزلگه معشوق اشک می‌ریختند. «مکان‌ها، همواره منبع مهم هویت فردی و جمعی بوده است و مرکزیتی به وجود می‌آوردند که در آن، پیوندهای عاطفی و روانی در میان مردم برقرار می‌گردید» (شکویی، ۱۳۸۷، ص. ۲۷۶). این عنصر در شعر معاصر عربی و به ویژه گونه ادبیات پایداری در بیدارسازی افکار و برانگیختن احساسات خوانندگان کارکردی برجسته دارد و شاعران با کاربرد انواع مکان به دنبال تبیین اهداف و نگرش‌های خود هستند. از این رو مکان‌ها به عنوان عنصری آمیخته شده در شعر برای بیان مقاصد و اغراض درونی شاعر، نقشی اثرگذار در درون‌مایه ادبیات شاعران پایداری سرا ایفا می‌کنند (شاهرخ، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۳)؛ بدین ترتیب آنان به واسطه این عنصر معناآفرین، ایده‌های پایداری و بیداری اسلامی را با اشاره به مکان‌های هویت‌بخش ارائه می‌دهند تا گزاره‌های خود را به نحو ملموس برای مخاطب روشن سازند و ضمن اثرگذاری بر مخاطب، وی را در راستای دفاع از ارزش‌های ملی و دینی، با خود همراه و همسو گردانند.

خضر محمد ابو جحجوح از شاعران پایداری فلسطین است که در دوران کنونی قریحه‌آزمایی می‌کند. وی در دیوان «لِلأَقْصَى أَنْزَفُ شَغْفِي» از مکان‌ها و نام آنها برای دستیابی به اغراض ادبی خویش بهره گرفته و دلالت‌های سیاسی، تاریخی، اجتماعی، ملی، فرهنگی و روانی آنها را در خدمت آفرینش مفاهیم کارگشای ادبیات پایداری به کار گرفته است. لذا پژوهش حاضر بر آن است تا به روش توصیفی-تحلیلی، کارکرد مکان‌ها را در القای اندیشه‌های پایداری و بیداری اسلامی بررسی نماید و از این رهگذر پاسخ پرسش‌های ذیل را بجوید:

### ۱-۱. سؤال‌های پژوهش

- نقش ابعاد «مکان» در ساخت مفاهیم پایداری در شعر «لِلأَقْصَى أَنْزَفُ شَغْفِي» چیست؟

- دلالت‌های عنصر مکان چگونه موجب شکل‌گیری مضامین پایداری در شعر خضر محمد شده است؟

- شاعر با استفاده از کدام سازوکارهای ادبی در صدد برجسته‌سازی عنصر "مکان" در جهت القای اندیشه‌های پایداری و بیداری اسلامی است؟

### ۲-۱. پیشینه پژوهش

با توجه به جستجوهای انجام شده، تاکنون پژوهشی به واکاوی کارکرد عنصر مکان در شعر «لِلْأَقْصَى أَنْزِفُ شَغْفِي» نپرداخته است. لیکن پیرامون مکان و کارکردهایش مقالاتی به چاپ رسیده است که از جمله آن‌ها مقاله «دراسة دور الأمكنة في الديكور الشعري لمظفر النواب» نوشته محمد مهدی روشن (إضاءات نقدية، ۱۳۹۶) است که نویسنده در آن پس از استخراج انواع مکان در شعر مظفر النواب، کارکردهای روانی، سیاسی، زیبایی‌شناختی و غیره را بررسی کرده است. «مکان و کارکردهای معنایی آن در شعر یحیی سماوی» مقاله‌ای است که توسط مهدی شاهرخ و حمیده فقیه عبداللهی (انجمن ایرانی زبان عربی، ۱۳۹۹) منتشر گردیده و نویسندگان در آن، مهم‌ترین دلالت‌های مکان نظیر عشق‌ورزی به مکان، بیان احساسات نوستالژیک، نفرت و انزجار از مکان و سوگواری برای مکان را مطالعه کرده‌اند.

پژوهش حاضر به دنبال بازنمود اندیشه‌های پایداری خضر محمد با عنایت به مکان‌های به کار رفته در شعر «لِلْأَقْصَى أَنْزِفُ شَغْفِي» است؛ بدین‌سان کارکردهای هر یک از مکان‌ها در القای مفهوم دینی، تاریخی، سیاسی، ملی و اجتماعی بررسی می‌شود تا بدین وسیله نقش عنصر مکان در برجسته‌سازی مضامین پایداری و بیداری اسلامی در شعر ابو جحجوح نمایان گردد.

### ۳-۱. خضر محمد أبو جحجوح و دیوان «لِلْأَقْصَى أَنْزِفُ شَغْفِي»

خضر محمد أبو جحجوح در سال ۱۹۶۷ میلادی در روستای الجورة واقع در شهر عسقلان زاده شد. وی اهل فلسطین بوده و اکنون به عنوان دانشیار دانشگاه در دو رشته ادبیات و نقد ادبی در دانشکده ادبیات دانشگاه اسلامی غزه فعالیت می‌کند. او دارای مدارک دکترای ادبیات و نقد ادبی از دانشگاه الجنان و طرابلس و لبنان است. وی عضو اتحادیه نویسندگان فلسطینی و انجمن ادبا و نیز عضو انجمن بین المللی ادبیات اسلامی است. این شاعر در مدارس دولتی غزه از سال ۱۹۹۴ تا سال ۲۰۱۲ تدریس کرده است و سپس در سال ۲۰۰۶ به عنوان استاد مدعو در دانشگاه

فلسطین و در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ نیز در دانشکده الزيتونیه در نوار غزه به تدریس پرداخته است و در سال ۲۰۱۲ با رتبه استادیار به عضویت هیأت علمی دانشگاه اسلامی پیوسته و مشغول به تدریس است.

از خضر محمد ابو جحجوح پژوهش‌های بسیاری در مجلات عربی و بین‌المللی منتشر شده است. او دروس سبک‌شناسی، بلاغت، نقد ادبی قدیم، روش‌های پژوهش در زبان و ادبیات فلسطین و معاصر عرب، مهارت نویسنده‌گی، هنر اجرا و ارائه، هنر نویسنده‌گی و بیان را در دانشگاه تدریس می‌کند. وی دارای هفت دفتر شعری به نام‌های «صهیل الروح، عرس النار، أعطِ العصفورة، نقوش علی قذیفه فسفوریة، للأقصى أنزف شغفی، هدیل علی شروة الحنین و الأفعی و الحسنون» و دو کتاب در زمینه نقد ادبی به نام‌های «التشکیل الجمالی فی شعر سمیح القاسم» و «البناءات الفنية فی الشعر الفلسطینی المعاصر» و همچنین دارای دو کتاب دانشگاهی به نام‌های «الكتابة الإبداعية وفن الإلقاء» و «محاضرات فی فنون البلاغة العربية» نیز است (السیرة الذاتية، ۲۰۲۰).

مجموعه شعری «لِلأقصى أنزفُ شغفی» یکی از هفت دفتر شعری وی است که در ۸۰ صفحه تنظیم گردیده و شامل یک قصیده با عنوان «لِلأقصى أنزف شغفی» است. شاعر در این دیوان، احساسات متفاوتی از خود نشان می‌دهد که شامل اندوه به وضع مسجد الأقصى و واقعیت جامعه عربی و اسلامی، بیان فلسفه اشغال، اشاره به حوادث و وقایع تاریخی و دینی و نیز پرداختن به برخی از شخصیت‌های تاریخی قدیم و شخصیت‌های معاصر است (دیوان العرب، ۲۰۱۱).

#### ۴-۱. ابعاد مکان و نقش آن در شعر مقاومت

مکان به عنوان عنصری شناخته‌شده در ادبیات از دیرباز مورد توجه نویسندگان بوده است و آن‌ها با توجه به عواطف و احساسات خود نسبت به یک مکان خاص، دست به نگارش مکنونات خود برای مخاطبان زده‌اند. این پدیده ابتدا در نثر ادبی مورد توجه قرار داشته است و در دوره معاصر به علت همگرایی‌های پدید آمده میان شعر و نثر، عنصر مکان در شعر نیز قابلیت بررسی یافته است (مافی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۳۴۷۶). این پدیده به ابعاد سیاسی، تمدنی، تاریخی، اجتماعی و غیره معطوف است و عمدتاً در ادبیات پایداری، نویسندگان با تکیه بر قوه خیال خود اقدام به توصیف مکانی خاص می‌کنند که آن مکان در ذهن و باور آنها جایگاهی ویژه داشته و نسبت به آن مکان احساسات مختلفی نظیر دل‌بستگی، بی‌زاری، دلتنگی و غیره

دارند و با ترسیم ویژگی‌های کلی آن مکان از منظر دیدگاه خود، به دنبال بیان عقاید خود نسبت به آن مکان خاص هستند و به این ترتیب با انتقال احساسات خود به مخاطب می‌کوشند تا باور وی را به آنچه که گفته‌اند، نزدیک ساخته و آنها را با خود هم‌عقیده و در نهایت همراه گردانند. در واقع شاعر بین مکان و شعر خود رابطه برقرار می‌کند و در اثر خود به مکان جان بخشیده و آن را دارای شعور می‌داند؛ بر این اساس «مکان، نقطه شروع و پایان شاعر در متن شعری است و رابطه بین شعر و مکان، یک رابطه چند وجهی و ریشه‌دار است که از طریق آن، شاعر ممکن است نشانه و مهر خاصی را بر روی مکانی قرار دهد و آن را از یک منطقه ویران صرف به یک ویرانه هیجان‌انگیز و از یک سنگ سخت به یک شاهد و حاضری که لحظات شکوه و توانمندی را می‌بیند، تغییر دهد. گاهی برخی از مکان‌ها قریحه و احساساتی کسب می‌کنند که تقریباً پیوسته با آنها همراه می‌گردد، مانند: ماه، دریاچه، جنگل و غیره و کلماتی نظیر «سِقَطُ اللَّوَى» و «حَوْمَل»؛ لذا کلمات علاوه بر این که دارای دلالت‌های جغرافیایی هستند، در بردارنده دلالت‌های شعری نیز می‌باشند» (نقاز، ۲۰۱۹، ص. ۲۳). با این بیان، مکان صرفاً یک منطقه جغرافیایی ساکت و خاموش نیست، بلکه به موازات اینکه نویسنده احساسات خود را در پشت آن در قالب خاطرات تلخ و شیرین ریخته است، دارای حرکت و حیات می‌گردد و با آن می‌توان مثل یک موجود دارای قریحه رفتار و برخورد کرد؛ به بیان دیگر «مکان به هندسه، مقدار و حجم بودن محدود نیست، بلکه علاوه بر آن، سازمانی از روابط انتزاعی است که از چیزهای مادی ملموس استخراج می‌گردد» (روشن، ۱۳۹۶، ص. ۹۷)؛ از این جهت مکان در شعر عنصری است که به واسطه خیال شاعر، معنا و تجلیات جدیدی پیدا می‌کند و آنچه که باعث ورود آن به شعر و ادبیات شده است، رقم خوردن برخی احساسات نویسنده در آن مکان نوعی است که نویسنده برای بازنمود تخیلی آثار خویش، خود آن منطقه مکانی را نیز در تجلی احساسات خویش دخیل می‌داند و به این ترتیب مکان، عنصری دارای حس و شعور می‌گردد.

عنصر مکان در شعر پایداری کارکردهای بسیاری دارد و شاعران، دلبستگی و عواطف‌شان را نسبت به هویت ملی خویش در کالبد مکان‌ها ابراز کرده‌اند و دلیل این امر، مجموعه اتفاقاتی همچون سیطره سایه شوم استبداد، تحمل سختی‌های جنگ و ویرانی‌های ناشی از هجوم و غارت و غیره است که همگی در بستر مکان‌های موجود در میهن رخ می‌دهند و در حافظه شاعران نقش می‌بندد.

## ۲. بحث؛ تحلیل ابعاد مکان در شعر «لِلْأَقْصَى أَنْزِفُ شَغْفِي»

عنصر مکان در دیوان «لِلْأَقْصَى أَنْزِفُ شَغْفِي» افزون بر دلالت جغرافیایی، دارای دلالت‌های معنایی سیاسی، دینی، تاریخی و غیره گشته و نویسنده، مکان‌های موجود در شعر را به شکل هدفمند برای القای اندیشه‌های پایداری، پایداری و میهن‌گرایانه به کار برده است.

### ۱-۲. بعد وطنی؛ بیان دلبستگی‌ها و دغدغه‌مندی برای میهن

خضر محمد، شاعری فلسطینی است و به سهم خود بار سنگین اندوه به حال سرزمین‌های عربی و اسلامی را به دوش می‌کشد. شوق بازگشت به گذشته و بازگرداندن عزت، اقتدار و کرامت دیروز در وجودش ریشه دوانیده و او با نگاهی خوشبینانه به دنبال تغییر واقعیت کنونی است: «لِلْأَقْصَى أَنْزِفُ شَغْفِي / لَمْ أَتَسَاقُطْ كَفَقَاعَاتِ الْأَمَلِ الْمِيْتِ فِي الصَّحْرَاءِ / يَا أَقْصَى! هَذَا الْوَجْعُ النَّارِي يَعْرِشُ فِي الْأَنْحَاءِ عَذَابًا / الْفَارِسُ خَلْفَ جِبَالِ الْخُرُوبِ / يَهِيءُ مَاضِيَهُ لِعَزْوَتِهِ الْكَبْرِي / وَتَهِيءُ لِفَتْحِ الْقُدْسِ كِنَائِسَهَا / وَشَوَارِعَهَا / وَحِجَارَتَهَا» (أبو جحجوح، ۲۰۱۱، ص. ۴).

ترجمه: تراوشات قلبم را برای اقصی روان می‌کنم/ مانند حباب‌های آرزوی مرده در صحرا نباریدم/ ای اقصی! این درد آتشین در همه وجودم عذابی را به عرش می‌کشانند/ سوارکار در پشت کوه‌های درختان خرنوب/ از گذشته‌اش برای نبرد بزرگش الهام می‌گیرد/ و برای آزادی قدس، عبادتگاه‌ها، خیابان‌ها و سنگ‌هایش را آماده می‌کند.

شاعر در این گزاره، شوق و انگیزه والای خود را نسبت به رهایی مسجد الأقصی بیان می‌کند و ابراز می‌دارد که به آینده این مکان و نجاتش امیدوار است. وی امیدوار به فتح قله‌های پیروزی و بازپس‌گیری مسجد الأقصی است و برای دفاع از میهن، خویشتن را از هر نظر برای ورود به میدان نبرد مهیا می‌کند و بر خود لازم می‌داند که در این راه کوتاهی نکند. مکان در نزد وی و دیگر شاعران فلسطینی، «جوهر مسائل زندگی و هسته اصلی مبارزه با دشمن بوده و اگر مکان در معرض خطر از دست رفتن یا فروپاشی قرار گیرد، اهمیت و شایستگی آن بیشتر نمود می‌یابد» (نقاز، ۲۰۱۹، ص. ۸). شاعر در لابه‌لای ابراز امید و انگیزه، به درد عظیم خود به حال مسجد الاقصی اشاره می‌کند و اراده جمعی را برای مبارزه با عاملان این اقدام فرا می‌خواند و از همه نظر شرایط را برای بازپس‌گیری وطن و مقابله با بدخواهان حاضر می‌بیند:

«للأقصى سأغتنى والعاشق يتمطى/ فى السّودان وعمان ولبنان/ ومدغشقر وكوالامبور/ ولندن وإسطنبول/ ويموء إذا اغتصبت عينيه الألوان بجاكرتا/ ويمدّ يديه لمجرى النّيل ويكى كالطفل على جذع النّخل فى الوادى وينادى يا غزّة/ ياااااا غزّة» (أبو جحجوح، ۲۰۱۱، ص. ۱۲).

ترجمه: برای أقصى می خوانم/ و [فریاد] عاشق، امتداد می یابد/ در سودان و عمان/ و لبنان و ماداگاسکار و کوالامپور/ و لندن و استانبول/ و فریاد می زند هنگامی که رنگها چشمانش را در جا کارتای بگیرند/ و دستانش را به سمت جریان رود نیل دراز می کند و به مانند کودک گریه می کند/ بر روی تنه درختان خرما در دره و فریاد می زند ای غزه/ ای غززرززه.

شاعر در این بخش با آوردن نام برخی از شهرهای عربی و اسلامی، افزون بر اشاره به دغدغه مندی مسلمانان جهان نسبت به مصیبت های وارده بر سرزمین فلسطین، کشورهای مسلمان را به مانند خود در مواجهه با این اتفاق، غمگسار و دردمند می بیند و اعتقاد دارد که همه مردم در سرزمین های اسلامی به خاطر شرایط ناامن در مسجد الأقصى که مرکزیت اسلام و قبله اول آنها بوده، اندوهناک هستند. در این ابیات نشانه هایی از فغان و سوگواری نسبت به حال شهرهای عربی و به ویژه غزه نمایان است. هدف شاعر از بیان ما فی نفس خود با لحنی دردمندانه در عبارت «وینادی یا غزّة/ یاااااا غزّة» یک دل سازی مردم جهت مقابله با دشمنی است که برای نابودسازی تمدن اسلامی، پا بر حریم مقدسات نهاده است. شاعر با دردمند نشان دادن خود در پی همذات پنداری مردم با خود و جلب توجه آنان به فغان و درد خود و نیز همراهی در جهت رفع این دردهاست و از نظر شاعر، این امر جز با یک دلی و پایداری جمعی فراهم نخواهد شد. شاعر، غزه را به مثابه انسانی دارای شعور و منطق دانسته و به گونه ای همذات پندارانه، خود را در غم و اندوه با این شهر شریک می سازد: «لا أندلسی بیدی ولا حلب/ لا بغداد ولا یافأ/ لا صنعاء ولا عدن/ لا قرطاج ولا طنجة/ لا فأس ولا بیروت ولا مصر/ ولا السهل والبحر والجبل/ لا الروم ولا العرب/ الصّمتُ شعارُ مدینتنا المسحورة» (أبو جحجوح، ۲۰۱۱، ص. ۱۴).

ترجمه: نه اندلسم در دستانم است و نه حلب/ نه بغداد و یافا/ نه صنعاء و نه عدن/ نه کارتاژه و نه طنجه/ نه فاس و نه بیروت/ و نه مصر/ و نه دشت و دریا و نه کوه/ نه روم و نه عرب/ سکوت، شعار شهر افسون شده ماست.

شاعر در این بخش نیز به سکوت و انفعال برخی از شهرهای عربی اشاره می کند؛ اما این بار با بیانی حسرت بار نسبت به فقدان عزت گذشته، اندوه خود را به نمایش

می‌گذارد. او با اشاره به از دست رفتن شکوه شهرهای عربی و در ادامه با ذکر سکوت سرزمین خویش، نوعی دردمندسازی همراه با آگاه‌سازی را در سر می‌پروراند و با تلنگری بجا، به دنبال تحریک غیرت و تعصب برای بازپس‌گیری اماکن تحت اشغال است. به عقیده شاعر، سکوت ناشی از منفعت‌طلبی برخی از کشورها صدمه‌ای بزرگ بر پیکره جهان اسلام وارد ساخته است. وی دلیل پیدایش این پدیده را نبود همبستگی در بین این سرزمین‌ها می‌داند و با حالتی طعنه‌وار بیان می‌دارد که همدلی گذشته که منجر به کشورگشایی‌ها و حکمرانی‌ها می‌شد، اکنون از جامعه عربی و اسلامی رخت بر بسته است: «وَأَغْنِي/ وطني/ وطنٌ أَكْحَلُ يَقْفُ بِلَا آتِيَةِ دَمَه كَشْرَابِ التُّوتِ/ فوق الجُدْرانِ و بين جنودِ النخلِ/ وطني غزلانٌ بيضاء أمانيتها وَأناملها كُرْضاب العنَّابِ/ وطني القاتل والمقتول/ دمه المسفوح خضاب/ وطني يا وطني ...» (أبو جحجوح، ۲۰۱۱، ص. ۴۳).

ترجمه: و می‌سرایم/ وطنم/ وطنی چون رگ است که خون آن مانند شراب میوه توت بدون جام شراب می‌ایستد/ بالای دیوارها و بین تنه درختان خرما/ وطنم مثل آهوانی است که آرزوهایشان سفید است/ و سرانگشتانش مانند شیره عناب است/ وطنم کشته شده و کشته شده است/ خون ریخته شده‌اش بسان حنا است/ وطنم، ای وطنم. آنچه از گزاره فوق استنباط می‌شود، توصیف اغراق‌گونه شاعر از وطن است؛ سرزمینی که به واسطه تعلق خاطر شاعر، به عشقی بی‌بدیل تبدیل شده و او این حس گرانبها را نثار آن می‌کند تا با توصیفی دقیق از دلبستگی خود به میهن، سعی در ایجاد انسجام و یکپارچگی بین مخاطبان خود کند و آنها را برای دوست داشتن میهن و به دنبال آن، برای دفاع از حیثیت وطن آماده کند، چرا که «میهن‌دوستی همان دلبستگی ملی مثبتی است که جهان امروز به آن نیاز دارد و می‌تواند به توسعه اشکال شهروندی و سیاست‌های باز توزیعی کمک کند و بین اقلیت‌های قومی و فرهنگی ایجاد انسجام کرده و باعث گسترش مشارکت مدنی شود و نیاز جوامع امروز را به شهروندان فعال و متعهد فراهم نماید» (هاشمیان‌فر و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۱۸۱). در این بندها کاریست هنرمندانۀ تشبیه به گونه‌ای است که وطن به پدیده‌های دارای جذبه‌های بصری تعبیر شده است؛ به عنوان مثال تشبیه خون‌های ریخته شده در وطن به عنوان شراب درخت توت، انگشتان وطن به عنوان شیره عناب، ترسیم آرزوهای مردمانش به شکل آهوانی سفید و شباهت رساندن میان خون وطن و حنا، همگی دال بر این امر است که توصیفات شاعر در جهت جلب توجه به سمت زیبایی‌ها است و هدف وی از عرضه این مکان‌ها (اقصی و دیگر شهرهای عربی و اسلامی)، ترسیم سیمای

مقدس آن‌ها برای مخاطبان است تا بدین وسیله، ضمن تلنگری هوشمندانه، مخاطب را به سمت این مسأله سوق دهد که وطنی با چنان شکوه و جاذبه‌ها نباید در معرض دست‌درازی دشمن قرار گیرد و لازم است پرچم سرخ شهادت در مقابل بدخواهان بر روی دیوارها و تنه درختان آن افراشته گردد. «بدون شک زمین و سرزمین، هویت هنری شاعر مقاومت را تشکیل می‌دهد و مفهوم آن بسیار ژرف‌تر از تعریف‌های معهود سیاسی است» (السوافیری، ۱۹۷۳، ص. ۲۱۲). لذا او افزون بر نمایاندن جلوه‌های میهن با حالتی حسرت‌بار، خون‌های ریخته‌شده و آرزوهای مردمانی پاک‌طینت که تحت انواع شکنجه‌ها قرار دارند را می‌ستاید. وی وطن خود را کاشنده و کشته‌شده معرفی می‌کند، زیرا وجود این زیبایی‌های ذاتی در وطن و مردمان نجیب آن باعث شده که چشم طمع هر تنگ‌نظری برای دست‌درازی به ارزش‌های آن خیره گردد.

## ۲-۲. بعد طبیعی؛ اشاره به غمناکی‌ها و بی‌تفاوتی‌ها

بسامد استفاده از پدیده‌های طبیعی مانند کوه، جنگل، باغ، درختان میوه، صحرا و دشت در قصیده «لِلْأَقْصَى أَنْزِفُ شَغْفِي» فراوان است؛ مکان‌هایی که بیشتر آنها در سرزمین شاعر و نیز در دیگر کشورهای عربی واقع است و شاعر با کاربست آن مکان‌ها در صدد تولید مفاهیم پایداری در شعرش است: «ودمی نهرٌ یحفرُ أخذوداً فی البازلت/ وأنا مازلتُ أمارسُ شغفی الشلال/ المتدفق بین الجبال/ الصمت المالح/ ضمیمی یا لیلی/ سحبی توشک أن تمطر غیثاً أحمر/ یروی عطش الصحراء/ یا صحراء امتدی/ فاللوز بأهدابک کاللوز بعینها والورد بخدیها کالورد» (أبو جحجوح، ۲۰۱۱، ص. ۱۸-۲۰).

ترجمه: و خونم مانند رودخانه‌ای است که در سنگ‌های آذرین، شیار حفر می‌کند/ و من همچنان در تاب شوق آبشارگونه هستم/ که در میان کوهساران در جریان است/ سکوت شور/ مرا در آغوش بگیر ای شب من/ ابره‌ایم نزدیک است باران سرخ بیارند/ تا عطش صحرا را فروشانند/ ای صحرا! فراخ شو/ که بادام در مژه‌هایت مانند بادام در دو چشمانش است و گل‌گونه‌هایش مانند گل سرخ است.

با تأمل در پدیده‌های طبیعی به کار رفته در بندهای فوق می‌توان مفاهیم مختلفی را کشف کرد؛ از جمله اینکه این مکان‌ها به عنوان نمادی هستند که شاعر، احساسات ژرف پایداری و ناسیونالیستی خود را از طریق آنها برای مخاطب ابراز می‌نماید تا درک آنها تأثیرگذار افتد؛ به عنوان نمونه کلمه «البازلت» به معنای سنگ‌های آذرین،

می‌تواند کنایه از حاکمان غیر متعهد و نیز مردم بی‌تفاوت سرزمین نسبت به آرمان‌های ملی باشد که در اینجا شاعر، انتقادهای برآمده از خون دل و ناراحتی‌های خود را نثار آنها می‌کند. در کلمات «نهر» و «شَلال» نیز شاعر به گونه‌ی اغراق‌آمیز سعی در بیان این مطلب دارد که وضعیت کنونی وطن، بسیار غمناک است و این حس به قدری با وی همراه است که او بی‌اختیار همچون رودخانه‌ی پرآب اشک می‌ریزد. شاعر با استفاده از کلمه «شَلال» به دنبال ترسیم ریزش اشک بی‌حد و حصر خود است و بیان می‌دارد که شوق دردمندانه وی در وجودش به مانند آبشار در جریان است؛ لذا در پی دردها به تنهایی و سکوت شب پناه برده و از شب انتظار کسب آرامش دارد. او با نمایاندن روحیه غمگسار خود نسبت به اوضاع نابسامان مملکت، به گونه‌ای غیر مستقیم در صدد بیان ضرورت پیدایش یکدلی و همبستگی علیه انفعال عناصر داخلی است. شاعر با کاربست پدیده‌ها و مکان‌های طبیعی نظیر «سنگ‌های آذرین»، «آبشار»، «بیابان»، «کوه‌ها» و «رودخانه» به دنبال بیان این مطلب است که وی با وجود نابسامانی اوضاع سرزمین، دارای شور فراوان به همه مظاهر طبیعی وطن است؛ لذا در نهایت اندوه نیز حس خواستن وطن و شوق وصف‌ناپذیر خود را ابراز می‌نماید: «ضَمِّیْنِی .../ کی أرتاح علی شاطئک المهجور/ کما یرتاحُ سنونو فوق الأشواک بین الزنبق وبقایا الأشلاء» (أبو جحجوح، ۲۰۱۱، ص. ۴۲).

ترجمه: مرا در آغوش بگیر تا در ساحل مهجور مانده‌ات بی‌سایم/ همان طور که پرستویی بر بالای خارها در میان گیاه بابونه و باقیمانده لاشه‌ها می‌آرامد. در این گزاره، واژگانی آورده شده که مرتبط با طبیعت پیرامون شاعر است و به نوعی، بیانگر مفاهیم ذهنی او می‌باشد و از آنجایی که «مکان در پیوستگی و ارتباطش با ذهن و زندگی، رابطه‌ای اندام‌وار دارد و کارکرد هر کدام از اعضایش بی‌تأثر از سایر اعضا و بی‌تأثیر بر آنها نیست» (یعقوبی، ۱۳۹۲، ص. ۵۰)، بنابراین شاعر افکار بیدارسازی ملت را در کالبد پدیده‌هایی ارائه می‌دهد که ظرفیت ایجاد ارتباط عاطفی با ذهن و زندگی مخاطبان را دارند. در اینجا هر یک از واژه‌های مکانی (وطن و ساحل آن) با مساحت جغرافی خود دارای مفاهیمی هستند که اساس و چهارچوب آن‌ها را احساس و شعور انسانی شکل می‌دهد و از این جهت می‌توان گفت که «مکان به عنوان ظرفی حسی است که شاعر، بار عاطفی خود را در آن می‌ریزد و از آنجایی که این ارتباط با مکان، ماهیتی پرتنش و ژرف دارد؛ لذا احساسات در اینجا برجسته‌تر است» (عقاق، ۲۰۰۱، ص. ۲۶۹). لذا شاعر آنگاه که از کلمه «ساحل» استفاده می‌کند، به ویژگی‌های طبیعی وطن و وجود همه نوع پدیده‌های خدادادی اشاره می‌کند

که باعث زیبایی آن گردیده است و از سوی دیگر نیز با استخدام کلماتی نظیر «زنبق» که نوعی گیاه و گل خوشبو است و همچنین کلمه «شوک» به معنای خار، مکان‌هایی را ایجاد کرده تا کمک‌رسان وی در القای معنای «دخالت بیگانگان در امور میهن» باشند. شاعر با کاربست مکان‌های مذکور در صدد بیان این امر است که وطن با وجود خارها [مزاحمت دشمن، جنگ و اشغال‌های پیاپی]، همچنان مأمنی برای اوست و او همواره آرامش خود را در آن می‌جوید. در واقع شاعر با کاربست واژگان «زنبق» و «شوک»، وطن را وجودی مقدس می‌داند که خار (دشمن) در صدد از بین بردن تقدس آن است؛ از این جهت منظور از در آغوش گرفتن خود توسط وطن را پناه بردن از درد وطن به خود وطن دانسته و از نظر شاعر، خود وطن است که خاک پاکش، می‌تواند انسان‌هایی را پروراند که دارای قدرت ایستادگی و پایداری باشند. در این ابیات شاعر به گفتگو با طبیعت دست زده است و اندوه سنگین ناشی از تنهایی خود را به نمایش گذاشته و معتقد است که در نهایت، هیچ سرزمینی همچون مام وطن، وی را در آغوش نخواهد نگرفت.

ابو جحجوح برای بیان ناملایمات حاکم بر وطن از پدیده‌هایی نظیر کوه و دریا نیز بهره می‌گیرد: «لِيسَ لَنَا وَاللّٰهِ سَوٰی الصَّبْرِ/ الْجَبَلُ يَنَادِنَا وَبِالْحَرِّ/ النَّخْلُ يَطَارِدُنَا وَالزَّهْرُ» (أبو جحجوح، ۲۰۱۱، ص. ۴۹).

ترجمه: به خداوند سوگند که چاره‌ای جز شکیبایی نداریم/ کوه و دریا ما را صدا می‌زند/ و درخت خرما و گل در پی ما می‌آید.

در این شاهد، به نظر می‌رسد که هدف شاعر از تمسک به دو پدیده مکانی کوه و دریا، بیان این مطلب است که سرزمین‌های اشغالی از جور و تنگنای ایجاد شده به واسطه هجوم بیگانگان به تنگ آمده و چاره کار را در شکیبایی و ایستادگی می‌بینند. شاعر با سر دادن نهیب بر مردم به دنبال بیدارسازی آنان است تا چیرگی سایه ظلم و تجاوز را به حدی غیر قابل تحمل جلوه دهد که حتی بر پدیده‌های طبیعی نیز اثر گذاشته و آن‌ها با آن حالت جامد و سخت خود تحت تأثیر این فضای پرفشار قرار گرفته و دچار خفقان و درهم شکستگی شده‌اند؛ لذا تحمل دیدن این صحنه‌ها را ندارند و و فریاد دادخواهی برای برون‌رفت از این اوضاع را سر می‌دهند. در واقع شاعر با بیان اغراق‌آمیز مفاهیم به نظر می‌رسد که به دنبال راهی برای ایجاد خیزش گروه‌های وطن‌دوست و نیز به خود آمدن افراد فریب‌خورده است تا همگی با اشتراک در عمل، وطن را نجات دهند.

## ۲-۳. بعد تاریخی؛ ستایش عظمت گذشته، وقایع دور و

### عبرت‌گیری از آنها

تاریخ از مباحث مهم در تحلیل شعر است. ابو جحجوح در شعرش نام مکان‌های بسیاری را ذکر کرده که دلالت بر ویژگی یا حادثه تاریخی در برهه‌ای از زمان دارند. شاعر، بعد تاریخی مکان‌ها را به عنوان ابزاری برای ابراز اندیشه‌های پایداری خود قرار می‌دهد: «سَأَعْنِي لِلْعَاشِقِ وَهُوَ يَغْنِي (عَظِيمَةً يَا مِصْرَ يَا أَرْضَ النَّعْمِ/ يَا مَهْدَ الْحَضَارَةِ يَا عَبْدَ الْكِرْمِ/ نَيْلِكَ دَهْ سَكْرَ جَوْكٍ مَعَطْرٍ/ بَدْرُكَ الْمُنَوَّرَ لَيْلُ الْأُمِّ/ عَظِيمَةً يَا مِصْرَ)» (أبو جحجوح، ۲۰۱۱، ص. ۲۰).

ترجمه: برای عاشقی آواز خواهم خواند که می‌گوید: / [تو] بزرگی، ای مصر! ای سرزمین نعمت‌ها! / ای مهد تمدن! ای بنده کرامت! / رود نیل تو صیقل‌گر شکر و هوای تو، پاک و معطر است / ماه نورانی‌ات، شب ملت‌هاست / [تو] بزرگی، ای مصر!

شاعر مشخصاً به توصیف کشور مصر پرداخته و از ابتدا اقدام به ذکر ویژگی‌های تاریخی این کشور کرده است و این امر گویا از آن جهت است که «بیان حقیقت مطلق به تنهایی برای بیان تجربه و مفاهیم هنرمند کافی نیست و او نمی‌تواند بدون ذکر تاریخ از انفعالات و رؤیاهایش بهره ببرد، لذا دائماً به تاریخ و تمدن پناه می‌برد» (مونسی، ۲۰۰۱، ص. ۸۳). ابو جحجوح با استفاده از تاریخ و تمدن، مفاهیم درونی خود را در قالب مدح و به‌شکلی توصیف‌وار ابراز می‌کند تا برای مخاطب مؤثر باشد. از آنجایی که شاعر در بخش‌های مختلف قصیده از سرزمین‌های مسلمان عرب و غیرعرب صحبت کرده و این اشارات غالباً در قالب مدح یا بیان حادثه‌ای تاریخی و سیاسی بوده است، در نتیجه به نظر می‌رسد که او با توجه اتفاقات سال‌های اخیر در کشور مصر، وضعیت کنونی آن را بر نمی‌تابد و با یادآوری گذشته سراسر تابناک مصر، مردم و مخاطبان مصر را به نوعی تحریک می‌کند و به آن‌ها یادآوری می‌کند آنچه که در زمان فعلی وجود دارد زینده مصر بزرگ نیست. وی در صدد است تا به نوعی همت جمعی را برای خلاصی از این وضعیت برانگیزد؛ بنابراین آوردن نام مصر و تعریف و تمجید از آن، گواه است بر اینکه وی نگاهی ویژه به بعد تاریخی آن داشته است، بویژه با استخدام کلمه «حَضَارَةُ» مقصود خود را مشخصاً بیان می‌کند و از بعد تاریخی به گذشته پر از عزت و عظمت سرزمین‌های عربی‌گریز می‌زند: «وَالْوَهْجُ بَعِينِيهِ وَ قَبْتُهُ يَتَمَدَّدُ كَشَطَايَا بُرْكَانٍ/ لِيُزِيلَ رُكَامَ الْحُزْنِ مِنَ السَّاحَاتِ وَيَطْلُقُ مَجْدَ الصَّهْوَاتِ/ مَنْ يَتَذَكَّرُ بَوْمِي وَالْجِثَّ الْمَتْحَرَّةَ بَعْدَكَ يَا فِيزُوفُ/ يَا كَبْدِي

المنثور علی بَوَابَاتِ الْقُدْسِ شَطَايَا دَمْعٍ وَ دَمَاءٍ!!/ یبکی» (أبو جحجوح، ۲۰۱۱، ص. ۳۵).

ترجمه: درخشش نور در چشمان و گنبدش مانند پاره‌های آتشفشان امتداد می‌یابد/ تا آوار اندوه را از میدان‌ها بزدايد و عظمت قله‌ها را به اوج برساند/ ای وزوو! بعد از تو چه کسی پمپی و جسدهای سوخته را به یاد می‌آورد؟! ای جگر پخس شده من بر دروازه‌های قدس، پاره‌هایی از خون و اشک/ گریه می‌کند.

در این شاهد نیز شاعر با ذکر شهر پمپی و آتشفشان وزوو در کشور ایتالیا به حادثه‌ای تاریخی اشاره می‌کند تا از رهگذر آن واقعه مهم، مقصود خود را عرضه نماید و از آنجایی که «شاعران با بهره‌گیری از داستان‌های تاریخی و اسطوری به مفهوم پایداری توسعه بخشیده و به واسطه آمیختن حس میهن‌دوستی خویش با نمادهای تاریخی، دینی و اسطوره‌ای به نوعی با خلق یک شگرد ادبی به بیان مفاهیم شعر پایداری می‌پردازند» (حاج‌بابایی و مرادی، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۵)، ابو جحجوح نیز در این بخش با مثال آوردن از یک واقعه هولناک تاریخی، غمخواری خود به حال وطن را بیان می‌نماید. همچنین می‌توان گفت شاعر با اشاره به انقلاب تاریخی که آتشفشان وزوو برپا کرد و با فوران خود، شهر پمپی ایتالیا را درنوردید و اهل آن را به آتش کشید، بیان این نکته را نیز در سر می‌پروراند که باید یک انقلاب همه‌جانبه رخ دهد تا مردم به واسطه آن انقلاب و پایداری به معنای واقعی کلمه، سبب از بین رفتن استبداد و ستم موجود گردند و اندوه متراکم ناشی از کشتن انسان‌های بی‌گناه را از دل‌ها بزدايند و مجد و عظمت را بار دیگر بگسترانند: «وهیرو دیا تتناسل فی الرومان/ وتصب الخمر لهیرو دس فی جُمجمه نبی/ یا زکریا/ آه یا وجعی فی زمن القیصر/ هل تذکرنی یا سبارتاکوس؟!/ کنت أروص فی الحبله فتیان القیصر لمبارزة الموت/ یوم اقتلع القیصر رأسی» (أبو جحجوح، ۲۰۱۱، ص. ۳۰).

ترجمه: و هیرو دیا در رم زاد و ولد می‌کند/ و برای هیرو دیس شراب را در جمجمه پیامبر می‌ریزد/ ای زکریای نبی/ آه ای درد من در زمان قیصر/ ای اسپارتاکوس! آیا مرا به یاد می‌آوری؟ در رحم، پسران قیصر را برای مبارزه با مرگ پرورش می‌دادم/ روزی که قیصر، گردنم را از بیخ برید.

در این گزاره نیز شاعر به داستان هیرو دس، یکی از پادشاهان روم اشاره می‌کند و با گریز به فرازی از تاریخ و استفاده از نام مکان روم و حوادث تاریخی آن که ناشی از شهوت و طمع یک پادشاه برای دستیابی به لذت‌های مادی بود، این مفهوم را القا می‌کند که وی وجود طمع را در وجود اشغال‌گران به قدری شدید می‌داند که این

اتفاق به نوعی غریزه در وجود آن‌ها تبدیل گشته است و آن‌ها هیچ تسلطی بر این رفتار خود ندارند. شاعر با آوردن عبارت «كنت أروّض في الحبله فتیان القيصر لمبارزة الموت/ يوم اقتلع القيصر رأسی» به طمع‌ورزی زیاد آنان اشاره می‌کند تا جایی که شخص در چنین حالتی از خود بی‌خود شده و هیچ کس از تیغ آزمندی وی در امان نیست. شاعر با این توصیفات در شعر خود، دشمن کنونی را با چنین ویژگی‌هایی به تصویر می‌کشد و به دنبال بیدار ساختن مردم نسبت به خوی وحشیانه دشمن اشغال‌گر و پاسداری از سرزمین در مقابل چشمان طمع‌ورز آن است.

## ۲-۴. بعد دینی؛ اشاره به حفظ میراث دینی و تقدس اماکن

### مذهبی

در قصیده «للاقصی أنزف شغفی» نمونه‌های فراوانی از اشارات تلمیح‌وار و رمزگونه به برخی مفاهیم قرآنی مانند داستان ذو القرنین، وعده آخرت در سوره اسراء، سپاه حضرت موسی (ع) و دیگر مفاهیم دینی به چشم می‌خورد. هدف شاعر از ذکر نمونه‌هایی از احادیث، آیات و اتفاقات دینی- تاریخی، تألیف قلوب مسلمانان در زیر پرچم دین و ایستادگی بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام و در پرتو ارزش‌های معنوی است: «أمم تسكب زبر الفولاذ/ وتبني سداً بين الصّدفین وتصب القطر بعینی ذی القرنین» (أبو جحجوح، ۲۰۱۱، ص. ۳۹).

ترجمه: امتی که تکه‌های فولاد را می‌ریزند/ و سدی در میان دو صدف می‌سازند/ و مس گداخته را در چشمان ذو القرنین می‌ریزند.

خضر محمد با الهام از آیات ۸۳ تا ۹۷ سوره کهف و قصه ذو القرنین در صدد تصویرسازی یک امر دینی است و با تبیین داستان ذو القرنین بیان می‌دارد که مردم سرزمین‌های اسلامی و عربی با کوتاهی خود در حفظ میراث گران‌بهای دینی به ویژه در سرزمین فلسطین، شرایط را برای ورود بیگانگان به سرزمین خود فراهم کردند. کلمه دلالت‌مند در این گفته شاعر، واژه «سد» است که به عنوان یک مکان، نشانگر یاری رساندن یاران حضرت ذو القرنین در ساخت آن سد است که با همدلی و همبستگی، خود را از شر دشمنان در امان نگه داشتند. در واقع شاعر با مثال آوردن این واقعه دینی، با حالتی کنایه‌وار این مطلب را القا می‌کند که در سرزمین وی این امر به علت نبود اتحاد، حاصل نشد و مردم به جای تلاش برای برافراشتن پرچم و اعتلای نام کشورشان، به واسطه نبود همبستگی با یکدیگر باعث ایجاد درد سرهای بزرگ برای سرزمین خود شده‌اند. هدف شاعر از کاربست این تعبیر کنایی،

بیدارسازی مردم در جهت حفظ و احیای ارزش‌های دینی است، چرا که «احیاگری اسلامی با مبنای دین و به روش دینی تلاش می‌کند تا دوباره دین به عرصه حیات اجتماعی بازگردد و با واخوانی گزاره‌ها و پیراسته‌سازی آن‌ها، آموزه‌های اصیل و انسانی را غبارروبی کند؛ به بیان دیگر، پیام بیداری اسلامی این است که به اسلام ناب بازگردیم تا عزت و بزرگی خود را باز یابیم و آنچه را که در مسیر تعالی فروانگاشته‌ایم، در صدد جبران آن برآییم؛ در واقع، هدف از این بازگشت، ساختن تمدن اسلامی جدید با به کارگیری ارزش‌های خالص اسلامی است» (نادری و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۱۱۶)؛ لذا خضر محمد در شعر خود به نمادهای دینی جهت الهام‌بخشی به هم‌میهنان فلسطینی اشاره می‌کند:

«فَوَرَاءَ رَمَالِ الْعَسْفِ خَيْولُ اللَّهِ / تتفجر بسنابكها زمزم (هذا مغتسل و شراب) /  
فاركض حتى تخضّر الصّحراء وتنبث أجيالاً، خضراء أمانیها) (أبو جحجوح،  
۲۰۱۱، ص. ۳۴).

ترجمه: در پشت شنزار ستم و استبداد، لشکریان خداوند هستند/ که با سم‌هایشان، زمزم شکافته می‌شود (این جای شستشو و نوشیدن را) / پس بتاز تا بیابان سبز شود و نسل‌هایی رشد کند که آرزوهایش سبز است.

شاعر، مکان تاریخی «زمزم» را در گفته‌ی خویش به کار می‌گیرد. این مکان در مسجد الحرام واقع در شهر مدینه است و نام‌های مختلف دیگری نیز دارد که در منابع تاریخی ذکر شده است؛ از جمله: «ركضة الجبرئیل» به معنای قدمگاه حضرت جبرئیل، «حفيرة إسماعیل» به معنای چاه اسماعیل، «حفيرة عبدالمطلب» به معنای چاه عبدالمطلب، «بره» به معنای پر خیر، «مَضْنونَة» به معنای نفیس، «رواء» به معنای آبرو، «شَبعة» به معنای سیرکننده، «شِفَاء سُقْم» به معنای شفای بیماری و دیگر اسامی: برکه، سیده، نافعَة، عونة، بُشری، صافیة، عَصْمَة، سالمَة، میمونة، مبارکَة، کافیة، عافیة، طاهرة، طعام طعم (جعفریان، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۱)؛ گنجینه معارف، (۱۳۹۸).

چشمه آب زمزم به عنوان مکانی مقدس، نماد همه شفاعت‌ها است و آب آن در نظر شاعر باعث سرسبزی و سرزندگی است. هدف ابو جحجوح از اشاره به این مکان تاریخی، بیان آینده خوشایندی است که در پس هر نوع تلخ‌کامی و ناکامی وجود دارد. شاعر در این بخش با استفاده از عبارات‌های «فَوَرَاءَ رَمَالِ الْعَسْفِ خَيْولُ اللَّهِ» و «تتفجر بسنابكها زمزم»، مردم را به ایستادگی فرامی‌خواند و بیان می‌دارد که لشکریان اسلام پس از پشت سر نهادن دشواری‌های مسیر نبرد و مقاومت، آینده بسیار

روشن و به زلالی آب چشمه زمزم را تجربه کردند. بدون شک، این مفاهیم با هدف بیدارسازی نسل کنونی و انتقال روحیه پیکار در بین آنان است تا با این تلنگرها روح دلاوری و ایستادگی را در نهاد آنان برای نیل به آرمان‌های سبز پیروزی تقویت نماید. با این بیان می‌توان دریافت که مقصود شاعر از مقاومت در این بخش، «پافشاری و استمرار بر اصول است که مستلزم نوعی هماوردی و تلاش فعالانه معطوف به تغییر و تبدیل در رفتار طرف مقابل و طرد غیر است. مقاومت در این معنا، نوعی عاملیت برای انسان قائل است و متفاوت از صبر و شکیبایی است که متضمن سکوت و توقف است» (زبیدی، ۱۴۱۴؛ جوهری، ۱۴۱۰؛ به نقل از آل‌نبی، ۱۴۰۰، ص. ۱۳).

با عنایت به گزاره فوق و نیز بندهای پیشین، از نظر شاعر لشکریان اسلام با عدم پذیرش روحیه سکوت و شکست و با پافشاری و ایستادگی در مسیر پاسداری از خاک سرزمین، زمینه را برای پیدایش نسلی آزاده فراهم می‌کنند که پرچم‌های پیروزی را افراشته می‌کند. شاعر به نهدی از جرعه‌نوشیدن از رود شهوت و دنیاخواهی می‌پردازد و می‌توان دریافت که هدف وی از ذکر نام «زمزم»، بیان دستیابی به پیروزی و نوشیدن آب گوارا از چشمه‌های امنیت در سرزمین خود است. شاعر می‌کوشد تا با ارجاع به آینده، روح امید به چشمه‌های پیروزی را در نهاد هم‌میهنان بدمد. او با کاربرد فعل امر «أَرْكُضْ» (بتاز)، آنان را به تکاپو و مقاومت فرامی‌خواند و معتقد است که با پیکار، آرمان‌های سبز پیروزی در بیابان سرخ میهن رخ خواهد نمود و نسلی آزاده، پا به عرصه خواهد گذاشت. بنابراین زمزم در این گزاره به نوعی نماد پاکی و پیروزی مسلمانان نسبت به دشمن بی‌اصل و نسب است.

## ۵-۲. بعد سیاسی؛ فروپاشی، انزوای سیاسی و تحریک همت

### گروهی به ایستادگی

خضر محمد به واسطه نام بردن از برخی اماکن، ضمن بیان ایدئولوژی‌ها و اندیشه‌های سیاسی خود، مفاهیمی نظیر نابسامانی اوضاع، ناامنی و آشوب سیاسی، اشاره به انزوای سیاسی در سرزمین‌های عربی و اسلامی و نیز برانگیختگی همت گروهی به منظور پایداری همه‌جانبه را به دست می‌دهد. او که بر خلاف بیشتر شاعران ادبیات پایداری، سابقه زندان و تعقیب و شکنجه ندارد، از رهگذر دیدگاه‌های دغدغه‌مند خویش، اقدام به توصیف همدردی خود به حال مسجد الأقصى و دیگر شهرهای عربی کرده است. به طور کلی آرای سیاسی شاعر معطوف به نابسامانی

اوضاع داخلی فلسطین و دیگر کشورهای عربی است. لذا به حال و روز خوش گذشته افسوس خورده و بسیار دلسرد است و این مسأله از آن جهت است که شاعران پایداری در دوره‌ای اقدام به سرودن اشعار مقاومت نموده‌اند که «صهیونیست‌ها دولت اسرائیل را به وجود آورده و با تبعید و قتل عام فلسطینیان، موج غم و ناامیدی را در روح و اندیشه شاعران پایداری سراکاشته‌اند» (حاج‌بابایی و مرادی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۲)، لذا شاعر عموماً دیدگاه یک انسان شکست‌خورده را دارد و در اشعارش در این بخش از باخت و از دست‌دادگی به گونه‌های متفاوت سخن به میان می‌آورد. وی در زیر سایه استبداد که بر وطنش چیره است، ضمن بازگو کردن مسائل دردناک، فشرده اهداف خود را ترسیم اوج ستم‌ها و حق‌کشی‌ها در راستای برانگیختن همت گروهی برای مقابله با استبداد ظالمان در سراسر کشورهای اسلامی قرار می‌دهد: «آه یا یمنی/ ما عدت أمیرُ خارطة الشام من الیمن/ و البصرة تتمدد فی کابل و بغداد وزیرستان/ و صنعاء بلوخیستان» (أبو جحجوح، ۲۰۱۱، ص. ۲۷).

ترجمه: آه ای یمن/ دیگر نمی‌توانم نقشه شام را از نقشه یمن تشخیص دهم/ بصره در کابل گسترش می‌یابد/ بغداد وزیرستان شده است/ و صنعاء نیز بلوخیستان است. در این گزاره‌ها هویدا است که نویسنده، مفهوم فروپاشی شهرهای عربی و اسلامی را مدنظر دارد و این حجم از هم‌پاشیدگی‌ها پس از مشاهده برخی نابسامانی‌ها بیشتر در خیال وی نمود دارد تا واقعیت. او با تمام وجود خواهان صلح و برقراری نظم در سراسر سرزمین‌هایی است که خود را بدان‌ها متعلق می‌داند؛ لذا حتی اگر در یکی از سرزمین‌های اسلامی، نابسامانی اوضاع را احساس نماید، این حس غم‌انگیز را غمی فراگیر می‌پندارد که بر پیکره جهان اسلام سایه افکنده است، از این رو شاعر به گونه‌ای عمل می‌کند که گویی در یک سردرگمی بی‌پایان فرورفته و راه برون‌رفت از این نابسامانی را نمی‌یابد. در این باره باید خاطر نشان کرد که «شعر شاعران فلسطین و شاعران عرب در باب فلسطین در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، لحنی حزن‌آلود و رمانتیک و مأیوس است، که همه چیز برایش تقریباً تمام شده‌است و از بهشت گمشده خویش او را بیرون رانده‌اند و تنها از دور و در رؤیاهای شاعرانه‌اش گاهی شبی از این بهشت را می‌بیند و جز زاری و نوحه، کاری از او ساخته نیست» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۰، ص. ۲۵۰). شاعر در بندهای فوق از شدت اندوه در شرایطی قرار دارد که توان شناسایی مرز بین شهرها را ندارد؛ لحن اندوهناکی که در گفته شاعر احساس می‌شود، حاکی از این امر است که وی وضعیت سیاسی مکان‌های نامبرده را مناسب شأن مسلمانان نمی‌بیند؛ لذا اشغال و نفوذی که در شهرهای شام،

بصره، بغداد و صنعا رخ داده است، باعث گردیده تا بیان شاعرانه وی با هدف برجسته‌سازی چالش‌ها و واقعیت‌های نامطلوب سیاسی در این سرزمین‌ها همسو گردد: «مُدُنٌ يَا أَقْصَى/ تَتَحَلَّبُ مِنْ سُجْفِ التَّارِيخِ كَنَدَفِ الثَّلَجِ/ بَارِدَةٌ مِثْلَ يَسْكَنِهَا الْجَوْفُ/ شَجَرٌ حَدَائِقُهَا الْخَوْفُ/ وَرَصِيفٌ شَوَارِعُهَا الْمَوْتُ/ وَهَوَاءٌ شَوَاطِئُهَا عَبْقٌ» (أبو جحجوح، ۲۰۱۱، ص. ۳۷).

ترجمه: ای اقصی! برخی شهرها/ مانند گلوله‌های برف از پرده تاریخ فرو می‌ریزند/ سرد و بی‌جان. پوچی (خودباختگی) در آنها لانه کرده است/ درختان باغ‌هایش ترس است/ پیاده‌رو خیابان‌هایش مرگ است/ و هوای سواحلش عطرآگین است.

مراد شاعر در این بخش، سرزمین‌هایی است که زیر بار جنگ و خونریزی به تاریخ پیوسته و خالی از سکنه گشته و از فرط خلوت بودن به مکانی بکر تبدیل شده‌اند. هدف شاعر از این گزاره‌ها اشاره به پدیده «انفعال و انزوای سیاسی» است که او در وجود خود، بیم آن را دارد که مبادا این اتفاقات ناخوشایند، گریبان‌گیر وطنش گردد؛ لذا به گونه‌ای بر آنچه که احتمال آن می‌رود، اشاره می‌کند تا با این نوع بیان، همت جمعی را به سوی خودیابی برانگیزد و با بیان هشدارگونه سعی می‌کند مردم سرزمین را به هوش و آماده نگه دارد؛ چنان‌که در این راستا «رسالت ادبیات پایداری برانگیختن افراد، بسیج کردن ایشان، ایجاد بصیرت ملی و سوق دادن افکار عمومی جامعه به سمت قیامی است که در خدمت مبارزه و جهاد مقدس باشد» (سیاوشی و واعظی، ۱۳۹۲، ص. ۹۲).

کلمات «أقصى، شاطی، حدیقة و شارع»، پدیده‌های مکانی هستند که جهت ترسیم مفاهیم یاد شده به کار گرفته شده‌اند و در رأس این کلمات، شهر «أقصى» است که به طور خاص مخاطب شاعر است. از این رو هدف شاعر در این مکالمه درونی دو به دو با شهر خود، بیداری هم‌میهنانی است که از نظر وی نسبت به مسائل ملی و میهنی، دچار کم‌توجهی شده‌اند، «الصَّمْتُ نَشِيدُ الْمُدْنِ الْخَرَسَاءِ/ وَالصَّمْتُ شَعَارُ مَدِينَتِنَا الْمَسْحُورَةِ/ وَالصَّمْتُ الْمَسْكُوكُ كَنُوزٌ تَسْتَمَطِّرُ غَيْثَ الْيُورُو وَالِدَوْلَارِ الْمَيْتِ/ مَنْ يَسْمَعُنِي فِي مُدْنِ الصَّمْتِ؟! وَأَنَا ... مَطْرُودٌ فِي بَحْرِ الظُّلْمَاتِ ...» (أبو جحجوح، ۲۰۱۱، ص. ۱۵).

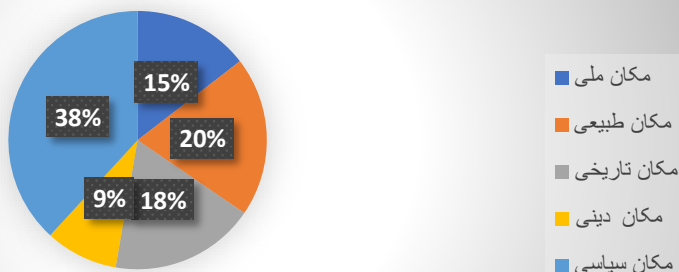
ترجمه: سکوت، سرود شهرهای ناشنوا است/ سکوت، شعار شهر افسون‌شده ماست/ سکوت بی‌سروصدا، گنج‌هایی است که باران یورو و دلار مرده می‌بارد/ چه کسی صدای من را در شهرهای ساکت می‌شنود؟! و من به دریای تاریکی‌ها رانده شده‌ام.

این بخش با نوعی درونمایه اعتراض همراه است و خضرمحمد با ایجاد نوعی تلنگر مبنی بر اینکه اگر وضعیت همانگونه که هست، پیش برود، منجر به شکستی جبران‌ناپذیر در همه بخش‌ها خواهد شد، معترضان بیان می‌دارد که با بی‌تفاوتی و عدم جرأت‌ورزی و نیز به نمایش نگذاشتن مصادیق استقلال ملی و دفاع از کیان و حیثیت وطن، نمی‌توان به پیشرفت رسید و ملتی که تن به ذلت می‌دهد، همواره در سکوت ناشی از سستی و انفعال به سرخواهد برد و بی‌تردید «مردم یک سرزمین با ضعف و ناتوانی، تسلیم و از دست دادن اراده و کرامت انسانی خود مسؤول فرار از مواجهه با دشمن بوده و زمینه‌ساز سلطه آنها خواهد بود» (اسماعیل، ۲۰۰۴، ص. ۱۰۵). شاعر در این گزاره به تبهکاری حاکمان کشورهای عربی در نتیجه دوستی و چشم‌دوختن به قدرت‌های مستکبر اشاره می‌کند و ضمن ابراز گلایه از دریافت کمک‌های مالی از آن قدرت‌ها که منجر به بسته شدن چشم و دهان برخی دولت‌های عربی بر روی واقعیت و عدم حمایت از سرزمین وی است، با آوردن عبارت «باران یورو» و «دلار مرده»، اوج تباهی و بی‌فایده بودن این حمایت‌ها را به تصویر می‌کشد. هویداست که کمک‌های مالی و ثروتمند شدن سرزمین عربی که در ازای سکوت اهالی و طمع نافرجام حاکمان به دست می‌آید، در نظر شاعر مرادف است با از دست رفتن عزت و اقتدار میهن؛ لذا او با هدف آگاه‌سازی اذهان عمومی و نیز انتقاد از برنامه‌های تبهکارانه حاکمان کوتاه‌نظر عربی، انزجار خود را با اشاره به خفقان و خاموشی فراگیر اجتماعی به نمایش می‌گذارد.

### جدول و درصد فراوانی مکان‌ها در قصیده «لِلْأَقْصَى أَنْزِلُ شَعْنِي»

مکان ملی	مکان طبیعی	مکان تاریخی	مکان دینی	مکان سیاسی
غزة، بغداد، فلسطین، مصر، الأندلس، القدس، المسجد الأقصى، النيل.	النهر، الشلال، الجبال، الصحراء، الشاطئ، النخل، البحر، الصخر، البازلت، النيل، السهل.	مصر، بومبی، بُرکان، فیروزوف، القدس، بابل، قبرص، دجلة، الأنبار، رومان، بابل.	زمزم، سدّ ذو القرنین، مسجد الحرام، القدس، مسجد الأقصى.	الزنانة، یمن، المسجد الأقصى، شام، سجن جونتانا، مو، بغداد، قُدس، سودان، عمان، مدغشقر، کوالالامپور، لندن، استنبول، جاکرتا،

بیروت، حلب، یافا، صنعاء، عدن، قرطاج، طنجة.				
--	--	--	--	--



### ۳. نتیجه گیری

خَضر محمد ابوجحجوح، شاعری وطن‌گرا است و در کنار دغدغه‌مندی برای بهبود اوضاع فلسطین، سودای حل چالش‌های دیگر سرزمین‌های عربی و اسلامی را نیز در ذهن دارد. در قصیده «لِلْأَقْصَى أَنْزَفُ شَغْفِي» به طور کلی ویژگی‌های اندیشگانی وی با رویکرد پایداری چشمگیر است و پدیده «مکان» را می‌توان در این شعر، یکی از مؤلفه‌های اساسی برای تبیین آرمان‌های پایداری نویسنده و فراتر از یک عنصر خنثی قلمداد کرد که شاعر با دمیدن احساس، عاطفه و اندیشه به پدیده‌های مکانی معنامند، افق جدیدی به روی شعرش جهت ارائه رهنمودها و بیان مقاصد مورد نظر گشوده است. لذا با واکاوی «مکان» در این قصیده می‌توان به لایه‌هایی از جهان‌بینی و اندیشه‌های پایداری شاعر دست یافت. پدیده‌های مکانی در این قصیده با صبغه سیاسی، دینی، تاریخی، ملی و طبیعی، القاگر مفاهیمی همچون برانگیختن همت جمعی، ایجاد شور و غیرت نسبت به میهن عربی و اسلامی، توصیف علاقه بی‌حد و حصر به وطن، بیان خفقان اجتماعی و نابسامانی‌های ناشی از انفعال سرمداران حکومتی، الهام گرفتن از اقتدار و شکوه گذشته ملت عرب، تشویق مردم

به همبستگی و همدلی، ابراز اندوه و حسرت به حال وطن و انتقاد از نبود یکپارچی در بین مردم می‌باشد. شاعر می‌کوشد تا با دستاویز قرار دادن مکان‌های تاریخی و دینی از قبیل چشمه زمزم، سدّ ذوالقرنین، آتشفشان وزوو و غیره؛ همچنین از رهگذر طرح‌واره‌های تصویری برآمده از شگردهای بیانی نظیر تشبیه، استعاره و کنایه و نیز سازوکارهای ادبی همچون توصیف اغراق‌آمیز، برجسته‌سازی مفاهیم و تلمیح به مکان‌ها و حوادث تاریخی، موجبات انتقال اندیشه‌ها و درک بهتر دغدغه‌های پایداری را برای مخاطبان فراهم نماید. در این قصیده، اشاره به مکان‌های مهم تاریخی و دینی در روزگاران گذشته، نشانه ارج نهادن به ارزش‌های میهنی و ضرورت الهام‌گیری از آنها در مسیر نیل به آرمان‌هان پایداری و بیداری اسلامی است. بدون شک، تمرکز بر عناصر مکانی که یکی از منابع معناآفرینی و مصداق بارز شیوه بیانی خضر محمد در این قصیده است، می‌تواند الگوی شایسته‌ای جهت انتقال راهکارها و ایده‌ها برای صاحب‌نظرانی باشد که به نوعی با هرگونه تهاجم و دست‌درازی از جانب متجاوزان مواجه هستند.

### فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آل‌نبی، سیدمحسن؛ یوسفی‌مقدم، محمدصادق (۱۴۰۰). چالش‌های مقاومت از منظر قرآن کریم. مطالعات بیداری اسلامی، ۱۰ (۴ پیاپی ۲۲)، ۷-۲۶.
۳. أبو جحجوح، خضر محمد (۲۰۱۱). دیوان للأقصی أنزف شغفی. الطبعة الأولى. غزة: مکتبة الیازجی.
۴. إسماعیل، عزالدین (۲۰۰۴). الأعمال الشعریة الكاملة فی دیوان الشابی. بیروت: دار العوده.
۵. جعفریان، رسول (۱۳۹۰). آثار اسلامی مکه و مدینه، چاپ اول، تهران: نشر مشعر.
۶. حاج‌بابایی، محمدرضا؛ مرادی، سجّاد (۱۳۹۶). بررسی مقاومت فلسطین در شعر محمود درویش و حسین اسرافیلی. ادبیات پایداری، ۹ (۱۷)، ۱۰۷-۱۳۱.
۷. دیوان العرب (۱۲ أغسطس ۲۰۱۱). للأقصی أنزف شغفی؛ دیوان جدید للشاعر الفلستینی خضر محمد أبو جحجوح. <https://www.diwanalarab.com>
۸. روشن، محمد مهدی (۱۳۹۶). دراسة دور الأمکنة فی الیدیکور الشعری لمظفر النواب. فصلیة إضاءات نقدیة، ۷ (۲۵)، ۹۳-۱۱۸.

۹. السوافیری، کامل (۱۹۷۳). الاتجاهات الفنية فى الشعر الفلسطینی المعاصر. القاهرة: مكتبة الأنجلو المصرية.
۱۰. سیاوشی، صابره؛ واعظی، گلغام (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی درون‌مایه‌های ادبیات پایداری؛ نمونه موردی: شعر سیدحسن حسینی و محمود درویش. دوفصلنامه ادبیات و عرفان، ۱۳ (۴۱)، ۱-۲۸.
۱۱. السیره الذاتیه (۲۰۲۰). السیره الذاتیه محدثه للعام الجامعی. <http://site.iugaza.edu.ps/kjahjouh/>
۱۲. شاهرخ، مهدی؛ فقیه‌عبداللهی، حمیده (۱۳۹۹). مکان و کارکردهای معنایی آن در اشعار یحیی سماوی. ادب عربی، ۱۲ (۴)، ۱۲۱-۱۴۲.
۱۳. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰). شعر معاصر عرب. چاپ دوم. تهران: انتشارات سخن.
۱۴. شکویی، حسین (۱۳۸۷). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا. تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاناسی.
۱۵. عقاق، قاده (۲۰۰۱). دلالة المدینة فی الخطاب الشعر العربی المعاصر؛ دراسة فی إشکالیة المتلقى الجمالی للمکان. دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
۱۶. گنجینه معارف، (۲۸ خرداد ۱۳۹۸). تاریخچه چاه زمزم و چگونگی پیدایش آب زمزم. <https://hawzah.net/fa/Article/View>
۱۷. مافی، زهرا؛ رجبی، فرهاد و جهان‌بخت‌لیلی، امید (۱۳۹۶). کارکرد عنصر مکان در شعر سوزان علیوان با تکیه بر رویکرد مقاومت. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ادبیات مقاومت (ص ۳۴۱-۳۴۳۱). بجنورد، دی ۱۳۹۶، دانشگاه کوثر.
۱۸. مونسی، حبیب (۲۰۰۲). فلسفه‌المکان فی الشعر العربی «قراءة موضوعاتیة جمالیة». دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
۱۹. نادری، اسماعیل؛ روشن‌چسلی، محمدمهدی و نعمتی، فاروق (۱۴۰۰). تجلی بیداری اسلامی در شعر معاصر لبنان (مطالعه موردی: شعر مصطفی غلابینی). مطالعات بیداری اسلامی، ۱۱ (۴)، ۱۴۵-۱۶۷.
۲۰. نقاز، لیلی؛ نقاز، نبیلة (۲۰۱۹). المکان فی الشعر فدوی طوقان «اللیل والفرسان، نموذجاً»، أطروحة الماجستير: جامعة محمد بوضیاف المسیلة: الجمهوریة الجزائریة الیدمقراطیة الشعبیة.

۲۱. هاشمیانفر، سیدعلی؛ اسماعیلی، رضا؛ هاشمی، سیدضیاء و جلالی، مینا (۱۳۹۱) واکاوی مفهومی دل‌بستگی ملی. مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱ (۳)، ۱۷۹-۲۰۵.
۲۲. یعقوبی، محمد (۱۳۹۲). هستی‌شناسی دال‌های مکانی و سیالیت معنایی آن در شعر و رمان معاصر با تکیه بر آثار عز‌الدین المناصره، أمل دنقل، عبدالرحمن منیف و ابراهیم نصرالله، رساله دکتری: دانشگاه خوارزمی کرج.



## پیامدهای نفوذ منطقه‌ای رژیم صهیونیستی بر محور نفوذ و محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران

- دانش آموخته دکتری تخصصی علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران **ID** \* محسن
- استاد یار و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران **ID** سارا فلاحی
- استاد یار و عضو هیات علمی گروه مدیریت، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران **ID** محمد ایدی

### چکیده

رژیم صهیونیستی با طرح عادی سازی روابط با کشورهای عرب منطقه در قالب پیمان صلح ابراهیم، در صدد فشار بر رقیب و دشمن خود در منطقه خاورمیانه، یعنی ایران است (مسئله)؛ این پژوهش به تحلیل و واکاوی تاثیرات نفوذ خاورمیانه‌ای اسرائیل و تأثیر آن بر محور نفوذ ایران به عنوان مهمترین رقیب استراتژیک این کشور می‌پردازد (هدف)؛ پژوهش حاضر از نوع بنیادی - کاربردی، با روش کیفی - تفسیری و رویکرد توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای تدوین شده است. همچنین برای چهارچوب نظری این پژوهش از نظریه موازنه تهدید استنفان والت استفاده شده است (روش)؛ همسویی راهبردی - امنیتی اسرائیل با آمریکا و ائتلاف غربی - عربی و تعارضات هویتی - ایدئولوژیکی ایران با موجودیت اسرائیل، هر گونه افزایش حضوران در محیط امنیتی - پیرامونی ایران به انحاء مختلف همچون سیاسی، نظامی، امنیتی اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و فنی و تکنولوژیکی به معنای کاهش میزانی از نفوذ و قدرت تأثیرگذاری ایران تلقی شده و طبعاً تهدیدی برای امنیت ملی - منطقه‌ای ایران در منطقه نفوذ به حساب می‌آید (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: امنیت مدیریت راهبردی، محیط پیرامونی، منطقه نفوذ، موازنه تهدید، پیمان صلح

ابراهیم

دریافت: ۱۴۰۲-۰۲-۲۵

\* نویسنده مسئول mohsenmd16@yahoo.com

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۷-۰۸

صفحات مقاله: ۱۴۲-۱۲۱

منطقه خاورمیانه از حدود یک قرن پیش و مخصوصاً پس از جنگ جهانی دوم، کانون عمده جنگ و بحران بوده و در قرن بیست و یکم نیز با جنگ و ترور مترادف شده است. این منطقه به عنوان حلقه اتصال سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا محسوب می شود و از جمله مناطق بسیار مهم و استراتژیک در چرخه قدرت جهانی است که دارای منابع عظیم متفاوتی نیز هست. عمده دولتهای این منطقه در سیاست خارجی نگاه رقابت آمیز و غیردوستانه ای نسبت به همسایگان خود در پیش گرفته اند که این امر منجر به ایجاد دور باطلی از رقابت های منطقه ای و تشدید دشمنی ها شده و متعاقب خود کاهش فضای همکاری جویانه در خاورمیانه را رقم زده است. این منطقه در سالهای اخیر به خصوص از سال ۲۰۱۱ به بعد تبدیل به منطقه ای شده است که متأثر از شرایط داخلی، منطقه ای و بین المللی با وضعیت هرج و مرج گونه ای مواجه است که می توان آن را نمونه ای از وضعیت آنارشیک حاکم بر منطقه دانست. تلاش یک دولت برای افزایش قدرت ممکن است تبعاتی ناخواسته برای امنیت دیگر دولتها داشته باشد. علاوه بر شرایط آنارشیک، در خاورمیانه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و همچنین وجود ذخایر و منابع عمده معدنی و نفتی به مکانی برای منازعه و رقابت بین قدرتهای جهانی و منطقه ای تبدیل شده است که هر کدام از قدرتها چه در سطح منطقه و چه در سطح بین الملل تلاش می کنند محیط و قواعد بازی را به گونه ای سازماندهی کنند که منافع حداکثری خود را تأمین کنند. این مسائل سبب می شود که خاورمیانه همیشه با خلاء قدرت روبرو باشد. رژیم صهیونیستی در قالب پیمان صلح ابراهیم در صدد عادی سازی روابط خود با کشورهای منطقه پیرامونی و محور نفوذ ایران می باشد. هدف از شکل گیری و طرح این پیمان توسط رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن شماره یک ایران در محیط پیرامونی خود مسئله ای است که می خواهیم به بررسی و واکاویان پردازیم. لذا با توجه به مسائل مطرح شده، سؤال این است که، سیاست راهبردی رژیم صهیونیستی بر گسترش روابط با اعراب منطقه و نفوذ در منطقه خاورمیانه چه تأثیری بر محور نفوذ و امنیت ملی - منطقه ای جمهوری اسلامی ایران دارد؟ بنظر می رسد تلاش رژیم صهیونیستی برای عادی سازی روابط با اعراب و گسترش نفوذ خود در منطقه خاورمیانه بر اساس موازنه تهدید، جلوگیری از نفوذ منطقه ای و تقابل و کاهش توان و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در محیط ملی - منطقه ای می باشد. پژوهش فوق باعث شناخت جنبه ها و تأثیرات نفوذ خاورمیانه ای رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه و تأثیر آن بر محور نفوذ جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهمترین

رقیب استراتژیک این کشور می‌شود. در این پژوهش از روش کیفی - تفسیری، با رویکرد توصیفی- تحلیلی استفاده شده است. همچنین روش گردآوری اطلاعات نیز استفاده از منابع موجود و در دسترس (کتب- مقالات موجود و منابع فارسی و لاتین در دسترس) به شیوه کتابخانه‌ای و نت برداری بوده است.

### ۱ - پیشینه تحقیقاتی و مطالعاتی بحث: درارتباط با موضوع مورد نظرنگارنده یعنی،

پیامدهای نفوذ منطقه‌ای رژیم صهیونیستی بر محور نفوذ و محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران به صورت مستقیم منبعی یافت نشد. درادامه مطب چنداثررا که با عنوان موضوع سنخیت بیشتری دارند به صورت اختصار بررسی می‌نماییم.

محقق	عنوان و سال انجام تحقیق	شرح، یافته‌ها و نتایج تحقیق
محسن جمشیدی، شهرام فتاحی، میر ابراهیم صدیق	استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای محور تحت نفوذ در جهان اسلام از منظر رئالیسم تدافعی (واکاوی بحران عراق و سوریه) (۱۴۰۱)	رویکرد سیاست خارجی ایران نسبت به هر دو بحران فوق ذکر با تأکید بر بیداری اسلامی در این دو کشور، کاملاً واقع بینانه، عمل گرایانه، امنیتی و مبتنی بر منافع ملی بوده، تا هم بتواند از نفوذ بحران‌های این دو کشور به ایران جلوگیری کند و هم منافع ملی - سیاسی خود را در منطقه بحران حفظ و گسترش دهد. لذا همه بازیگران اصلی منطقه تلاش نموده تا نظم جدید را براساس منافع ملی خود تقویت و تثبیت نمایند. همان‌طور که پیداست در این مقاله بیشتر به بحرانه‌های خاورمیانه اشاره شده است و برتری مقاله فوق بر این اثر بیشتر تأثیرات نفوذ منطقه‌ای اسرائیل بر محیط پیرامونی ایران است. و به

<p>صورت تخصصی به این موضوع اشاره شده است.</p>		
<p>جمهوری اسلامی در پی حفظ آرمان‌های انقلاب اسلامی و افزایش رقدرت خود در تمامی ابعاد و گسترشی نفوذ ایدئولوژیک خود و همچنین حفظ بقاء (محور مقاومت - شرق و تشیع گرایی) و گسترش قدرت نرم خود با بالا بردن افزایش ضریب تأثیر گذاری خود در برهم زدن معادلات منطقه است. اما عربستان سعودی بعنوان نقطه مقابل این جریان در پی حفظ بقاء سیاسی قدرت سنی - وهابیت و (محور غربی - عربی) و همچنین گسترش آموزه‌های وهابیت و افزایش قدرت نسبی خود در مقابله با حوزه نفوذ ایران است. لذا واکاوی معادلات منطقه تحت نفوذ و آینده آن، با استفاده از رویکردهای دو گانه‌ای که دو قدرت منطقه‌ای (ایران، عربستان) اتخاذ نموده‌اند (یافته‌ها) را شکل می‌دهند. مقاله حاضر بیشتر تطبیقی و در مورد دو قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه یعنی ایران و عربستان می‌باشد، و برتری مقاله فوق با این اثر پژوهش</p>	<p>استراتژی دو قدرت بزرگ منطقه‌ای (جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی) در حوزه سیاست گذاری خارجی و تروریسم در منطقه تحت نفوذ خود (۱۴۰۰)</p>	<p>محسن جمشیدی، میر ابراهیم صدیق، محمود بسطامی</p>

<p>درارتباط با محیط امنیتی ایران و بحرانهای پیش رویان می‌باشد.</p>		
<p>با توجه به اهمیت اتحادیه اروپا به عنوان یک بازیگر مهم بین المللی، از این رو تأثیر لابی اسرائیل بر رفتار سیاست خارجی اتحادیه اروپا در روابطش با ایران به ویژه در برنامه هسته‌ای آن می‌تواند حائز اهمیت باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اسرائیل با استفاده از ابزار استراتژیک تبلیغات منفی علیه ایران در قالب ایران هراسی و برجسته نشان دادن برنامه هسته‌ای ایران به عنوان تهدید یدی مخرب در منطقه و سطح بین الملل توانسته با نفوذ در پارلمان اروپا گروه‌ها و نهادهای لابی در اتحادیه اروپا تشکیل و مقاصد سیاسی و استراتژیکی خود را عملی سازد. در این مقاله هر چند در مورد تأثیرات لابی اسرائیل با اتحادیه اروپا در مورد برنامه‌های هسته‌ای ایران و جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای ایران بحث شده است. اما بطور کامل تمامی جنبه‌های مورد بحث نگارندگان را پوشش نداده و با موضوع این بحث متفاوت است و</p>	<p>تأثیر لابی اسرائیل بر روابط ایران و اتحادیه اروپا با تأکید بر برنامه هسته‌ای ایران (۱۴۰۰)</p>	<p>زهرا الوندی، مهدی زاکریان امیری، سید عبدالعلی قوام، حمید احمدی</p>

<p>دلیل برتری مقاله فوق بر این اثر نیز همین است.</p>		
<p>مجموعه امنیتی خاورمیانه یک مجموعه امنیتی خاص و پیچیده است و در دل آن ائتلاف‌هایی وجود دارند که به دلایل مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی و ایدئولوژیک دچار اختلاف هستند. یافته‌های پژوهشی حاکی از شناسایی سه ائتلاف عمده در مجموعه امنیتی خاورمیانه شامل: ۱- ائتلاف محور مقاومت. ۲- ائتلاف بلوک سنی. ۳- ائتلاف دفاکتو عبری — عربی است. نهایتاً در خصوص محور مقاومت باید گفت که این ائتلاف به دلیل تأثیرگذاری مثبت در هر یک از تحولات اخیر خاورمیانه منافع مدنظر خود را تأمین نموده و در آرایش سیاسی — امنیتی مجموعه تأثیر شگرفی نهاده است. در این مقاله بیشتر به ائتلافها و مناسبات در منطقه خاورمیانه اشاره شده و با موضوعات مورد بحث نگارندگان تشابهاتی دارد، اما در کل موضوع مورد بحث با این مقاله از جنبه‌هایی متفاوت خواهد بود که در ادامه بحث به واکاوی آنها</p>	<p>بررسی مجموعه امنیتی خاورمیانه و شناخت ائتلافها و تهدیدها با تاکید بر نقش ائتلاف محور مقاومت در مناسبات ان مجموعه (۱۴۰۰)</p>	<p>محمد عسکری کرمانی، حسین معین ابادی بیگدلی</p>

<p>پرداخته‌ایم و دلیل برتری مقاله فوق نیز همین موارد است.</p>		
<p>در این مقاله با تکیه بر «آینده پژوهی» و روش سناریو نگاری، تلاش شده محتمل‌ترین سناریو برای طرح معامله قرن بررسی شود. معامله قرن پتانسیلی برای محوریت مذاکرات صلح ندارد اما باید توجه داشت که مهمترین هدف طرح، مشروعیت دادن به وضعیت موجود در سرزمینهای اشغالی است. با این حال، شدت گرفتن اقدامات نامشروع اسرائیل برای ضمیمه سازی سرزمینی، شهرک سازیها، افزایش رایزنی با کشورهای عربی محافظه کار با هدف فشار فزاینده بر فلسطینی ها و حاکمیت زدایی از حکومت خودگردان، محتمل‌ترین سناریو این طرح است. این مقاله به طرح اسرائیل بزرگ و تحلیل و واکاوی آن پرداخته، در صورتی که موضوع مورد بحث نگارندگان متفاوت از موضوع این مقاله می‌باشد. هر چند موضوعات مورد بحث در هر دو مقاله تشابهاتی با هم دارند، اما مقاله فوق به صورت</p>	<p>آینده پژوهی معامله قرن، دو دولت با یک حاکمیت و مشروعیت بخشی به طرح اسرائیل بزرگ (۱۴۰۰)</p>	<p>محسن بیات، ابراهیم طاهری</p>

تخصصی تأثیر نفوذ منطقه‌ای رژیم صهیونیستی بر محیط پیرامونی ایران را تحلیل و واکاوی نموده است.	
--	--

## ۲ - چهارچوب نظری (موازنه تهدید استفان ولت)<sup>۱</sup>: برای تبیین راهبرد امنیتی

کشورها در قالب اتحادها، نظریه موازنه قوا که یکی از اصول مهم نظریه ساختارگرایی کنت والت و همچنین نئورئالیسم به شمار می‌رود، اغلب توسط پژوهشگران روابط بین الملل به عنوان ابزار تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته اصل موازنه قوا از طرف نظریه پردازان روابط بین الملل با انتقادهایی همراه بوده است. به عنوان مثال **استفان والت** به عنوان نظریه پرداز رئالیسم تدافعی با ارائه نظریه موازنه تهدید سعی در اصلاح و افزایش کارایی نظریه موازنه قدرت دارد. استفان والت یکی از شناخته شده ترین اندیشمندان وابسته به رئالیسم تدافعی است که برای بازگشایی گزاره‌های اصلی و محوری نظریه موازنه قوا بسیار کوشیده است. محقق نشدن فرضیه قوا علیه هژمون بالقوه امریکا پس از جنگ سرد استفان والت را در جابجایی نقطه تمرکز واقعگرایی از موازنه قدرت به موازنه تهدید سوق داد، تا اینگونه بتواند گره کور واقعگرایی را بگشاید. والت با نقد اصل موازنه قوا و با طرح نظریه موازنه تهدید بیان کرد آنچه باعث حرکت کشورها به سمت توازن می‌شود، میزان تهدیدی است که ادراک می‌کنند (Yan, 2019: 73).

در واقع این مسئله، سبب پرسش نخستین والت می‌شود که چه موقع دولتها اتحادها را شکل می‌دهند؟ و چه عنصری انتخاب اتحاد شان را تعیین می‌کند؟ آیا دولتها تمایل دارند علیه قدرتهای قوی یا تهدیدکننده با متحدشدن علیه آنها موازنه برقرار کنند؛ یا احتمالاً با متحدشدن با قدرتمندترین یا تهدیدکننده‌ترین دولتها راهبرد دنباله روی را انتخاب کنند. نکته مهم تبیین این مسئله است که طبق نظر والت، کشورها به دنبال ایجاد ائتلاف و اتحاد علیه هر کشوری نیستند؛ بلکه کشوری که قدرت آن باعث به خطر افتادن امنیت دیگر کشورها شود، سبب می‌شود که دیگران نیز برای رویارویی با این تهدید به سوی ایجاد ائتلاف سوق پیدا کنند. والت بر این عقیده است که دولتها با تهدیداتی مواجه هستند که تعادل ایجاد می‌کند و همه قدرتهای خارجی را تهدید می‌کند و آنچه به ضرورت تعادل می‌انجامد، وجود نیت خصمانه و به عبارتی تلاش برای

<sup>۱</sup> Estephan Vallt:

جایگزینی قدرت برتر است. «قدرت بخش مهمی از معادله است، اما تنها عنصری نیست که آن را شکل می‌دهد، زیرا این معادله شامل قدرت و نیت صاحبان قدرت می‌شود. به طور کلی می‌توان اصول و مفاهیم اصلی نظریه موازنه تهدید از نظر والت را اینگونه دسته بندی کرد:

- دولت‌ها در برابر طرفهایی متحد می‌شوند که منشأ بیشترین تهدید به شمار می‌روند.

- تهدید صرفاً به میزان قدرت دولت‌ها بستگی ندارد؛ بلکه ادراکی است که دولت‌ها در روابط خود از تهدید دارند. به نظر والت زمانی که تهدیدی احساس شد کشورها یا می‌کشند در برابر آن توازن ایجاد کنند؛ یا اینکه به کشور تهدیدکننده بپیوندند.

— هر اندازه تهدید خارجی جدی‌تر باشد، به همان اندازه انگیزه اتحاد بیشتر می‌شود. این بدان معناست که به طور کلی شکل‌گیری سطوح اتحاد با میزان ایجاد خطر تهدید مشترک رابطه مستقیم دارد.

— به نظر والت، تهدید از «قدرت کلی»، «مجاورت جغرافیایی»، «قدرت تهاجمی» و نیت تجاوزکارانه تشکیل می‌شود. قدرت کلی همان مجموع منابع کشور است؛ کشوری که منابع بیشتری دارد، نسبت به کشوری که منابع کمتری دارد، می‌تواند تهدید جدی‌تری را موجب شود. مجاورت جغرافیایی از این رو اهمیت دارد که کشور‌های نزدیک اغلب تهدیدکننده‌تر از کشورهای دور هستند. قدرت تهاجمی، توانایی یک دولت برای تهدید حاکمیت یا تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است. سرانجام، کشورهایی که تجاوزپیشینه تصور شوند، احتمال بیشتری دارد موجب ایجاد توازن شوند. نیت تجاوزکارانه یک کشور خاص تمایل به واداشتن کشوری دیگر به واکنش را مشخص می‌سازد (علیشاهی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵۱).

### ۳ - شکل‌گیری موجودیت اسرائیل در منطقه خاورمیانه: در چهاردهم می

سال ۱۹۴۸ همزمان با پایان قیمومت بریتانیا بر فلسطین، دولت اسرائیل با صدور اعلامیه استقلال، اعلام موجودیت کرد. پس از اعلام استقلال، مناقشه بین اعراب و اسرائیل رو به فزونی گذاشت و چندین جنگ بین آنها رخ داد که در همه آن جنگ‌ها پیروزی با اسرائیل بود. اما تنش سیاسی، منازعات و کشمکش‌های نظامی و ملی گرایانه در رقابت بر سر جاه طلبی‌های ارضی که متعاقب فروپاشی امپراتوری عثمانی آغاز و طی قرن بیستم شدت یافت، رفته رفته با گذشت زمان و عمدتاً در اوایل قرن بیست و یکم کمرنگ‌تر شد و از مناقشه اعراب-اسرائیل در مقیاس وسیع منطقه‌ای به مناقشه اسرائیل-فلسطین در سطحی محدودتر بدل گردید. بعلاوه از سال ۱۹۷۰ تلاش‌های موازی برای ایجاد صلح در مناقشه اعراب/فلسطینی‌ها با اسرائیل صورت گرفت تا شرایطی ایجاد

شود که مورد توافق طرفین قرار گیرد (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۴۶). اسرائیل یکی از کشورهای منطقه خاورمیانه، سرزمین کوچک و باریکی است که به دلیل ماهیت تصنعی آن و ظهور این کشور از طریق اشغال سرزمین فلسطین توسط یهودیان و همکاری قدرتهای بزرگ، تنها از لحاظ جغرافیایی در منطقه خاورمیانه قرار گرفته و از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، از بدو تأسیس در انزوا و محاصره دولتهای عرب و مسلمان بوده است. بنابراین، انزوا، آسیب پذیری و خلأ مشروعیت بین المللی و منطقه‌ای، خطرات عمده‌ای بوده‌اند که همواره موجودیت اسرائیل را از ابتدای تأسیس آن تهدید نموده‌اند. بر این اساس، یکی از اولین و مهمترین اهداف اسرائیل در منطقه، تلاش برای خروج از انزوا و کسب متحدانی در خاورمیانه بوده است. در این زمینه، اسرائیل از یکسو از طریق سیاست تهاجمی و توسعه طلبانه درصدد مدیریت منازعات خود با اعراب برآمده و از سوی دیگر از طریق دکترین اتحاد پیرامونی، به دنبال توسعه حضور و نفوذ خود در منطقه بوده است (موسوی زاده و جاودانی مقدم، ۱۳۸۸: ۲۰۳). از سال ۱۹۹۶ که نتانیاهو به عنوان نخست وزیر اسرائیل آغاز به کار کرد، بستر سیاسی داخلی برای پیشبرد طرح اسرائیل بزرگتر فراهم شد. از همان سال تاکنون دولت وی با اقدامات گسترده توانسته است به روند گسترش شهرک‌های یهودینشین سرعت دهد و ضمیمه سازی سرزمینی در کرانه باختری به ویژه در بیت المقدس و بلندهای جولان را محقق کند. با روی کار آمدن دولت ترامپ به عنوان دولتی همفکر و متحد در آمریکا، نتانیاهو بستر سیاسی را برای مشروعیت دادن به اقدامات خود فراهم دید. اقدامات ترامپ در شناسایی حاکمیت اسرائیل بر بلندهای جولان و به رسمیت شناختن بین المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل، چشم انداز روشنی برای پیشبرد اهداف راستگرایان افراطی یهود به ویژه دولت نتانیاهو و احزاب طرفدارش ایجاد کرد. طرح صلح دولت ترامپ را باید در بستر منطقه، چارچوب کلی سیاست دولت وی در قبال منازعه فلسطینی - اسرائیلی و وضعیت کنونی اسرائیل و فلسطین مورد ارزیابی قرار داد. با توجه به این موارد و محتوای طرح صلح و پیامدهای احتمالی آن، می‌توان گفت که مطرح شدن این طرح گامی بلند در جهت تکوین و تثبیت طرح اسرائیل بزرگتر بود. اگر چه دو دولت بنیانگذار این طرح در اسرائیل و ایالات متحده جای خود را به دولت بنت و بایدن دادند اما نباید تصور کرد که طرح معامله قرن و اسرائیل بزرگتر کنار گذاشته شده‌اند (بیات و طاهری، ۱۴۰۰: ۱۴۸).

#### ۴ - نفوذ خاورمیانه‌ای اسرائیل و عادی سازی روابط با کشورهای عرب

منطقه بر اساس نظریه موازنه تهدید والت: ارتباطات و تماس‌های دولت‌های عرب با

اسرائیل در عمل پیشینه طولانی دارد. در حقیقت، توافقات امضاء شده و دیدارهای رسمی اعراب-اسرائیل تقریباً به زمان تشکیل دولت اسرائیل، با قراردادهای متارکه جنگ ۱۹۴۹ باز می‌گردد. برای حدود دو دهه پس از آن، ملاقات‌های رسمی متناوب ولو معمولاً سطح پایین دربارهٔ رخدادهای امنیتی، آب، پناهجویان، و موضوعات دیگر همراه با بسیاری دیدارهای خصوصی سطح بالاتر وجود داشت. از سرگیری تماس‌ها پس از جنگ ۱۹۷۳ به پیمان صلح اسرائیل و مصر در سال ۱۹۷۹ منجر شد. در سپتامبر ۱۹۹۳ یکی از تاریخی‌ترین لحظات در گفتگوها با پیمان‌اسلو به وقوع پیوست، که طی آن دولت اسرائیل و سازمان آزادی بخش فلسطین، بطور متقابل یکدیگر را به رسمیت شناختند. پیمان صلح اسرائیل و اردن به منظور عادی سازی روابط و صلح بین دو کشور در سال ۱۹۹۴ به امضاء رسید. بعدها نیز با وجود برخی وقفه‌ها طی انتفاضهٔ دوم یا سایر بحرانهای روی داده در منطقه، بسیاری از نشست‌های سران، ملاقات‌ها، توافقات، و ارتباطات دیگر سطح بالا میان اعراب/فلسطینی‌ها با اسرائیل رخ داده است (Maleki and Mohammadzadeh Ebrahimi, 2018: 19). به طور کلی می‌توان سه نوع مصالحه در این رابطه را ذکر نمود: نخست پیمان کمپ دیوید که براساس آن مصر حاکمیت کامل خود بر بخشی از صحرای سینا را از دست داد و متحمل زیانهای عمده‌ای شد. دوم صلح اردن با رژیم صهیونیستی که مشهور به توافقنامه **وادی عربیه** است. که بر اساس این قرارداد رژیم صهیونیستی دو منطقه «الباقوره» و «الغمر» را به مدت ۲۵ سال از اردن اجاره کرد. این قرارداد ضررهای اقتصادی و کشاورزی و آبرسانی فراوانی را به اردنی‌ها وارد آورده است به گونه‌ای که در حوزه آبرسانی صهیونیست‌ها متعهد شده بودند سالیانه ۵۵ میلیون متر مکعب آب را به اردن انتقال دهند؛ ولی در عمل تنها ۳۵ میلیون متر مکعب آب به اردن انتقال یافته است. در نهایت بخش سوم مذاکرات اعراب و صهیونیست‌ها به مسئله فلسطین مربوط است که همواره با نزاع و جنگ همراه بوده و در عمل بدون هیچ دستاوردی برای فلسطین، کماکان ادامه دارد. نکته مهم در این میان تبیین این مسئله است که صهیونیست‌ها در عمل نشان دادند که به هیچ‌گونه قراردادی متعهد نیستند و این مسئله را از کمپ دیوید گرفته تا قراردادهای صلحی که با فلسطینیان منعقد کرده‌اند، به خوبی نشان داده‌اند (thrall, 2017: 67).

با توجه به نظر استفان والت، تهدید از «قدرت کلی»، «مجاورت جغرافیایی»، «قدرت تهاجمی» و نیت تجاوزکارانه تشکیل می‌شود. قدرت کلی همان مجموع منابع کشور است؛ کشوری که منابع بیشتری دارد، نسبت به کشوری که منابع کمتری دارد، می‌تواند تهدید جدی‌تری

را موجب شود. مجاورت جغرافیایی از این رو اهمیت دارد که کشورهای نزدیک اغلب تهدیدکننده‌تر از کشورهای دور هستند. قدرت تهاجمی، توانایی یک دولت برای تهدید حاکمیت یا تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است. شیفت پارادایمی در روابط اعراب و اسرائیل که از تنش و تهدید و اعراب به سمت و سوی صلح و نهایتاً برقراری روابط سیاسی سوق پیدا کرده، مرهون سه عامل مهم است: نخست: ائتلاف در برابر شیعیان منطقه، دوم: کاهش فزاینده تمایلات امریکا برای حضور مستقیم در منطقه و تلاش برای ایجاد ائتلاف قدرتمند و متحد غرب در غرب آسیا و سوم، شکنندگی ژئوپولیتیک اعراب و رژیم صهیونیستی در منطقه. واقعیت این است که ماهیت قدرت و ساختار در اسرائیل وجه تثبیت شده‌ای ندارد و همین شکنندگی بسترساز نگرانی‌های فزاینده رژیم صهیونیستی در برابر دشمنان و رقیبان منطقه‌ای خود شده است. به همین دلیل، رژیم صهیونیستی در برابر بخشهای مهمی از ژئوپولیتیک غرب آسیا ادعای ارضی دارد و تمام کشورها را به مثابه نوعی تهدید بالقوه برای خود می‌انگارد (علیشاهی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴۹). چندی پیش وزیر جنگ وقت اسرائیل در مصاحبه با رسانه‌های عربی متذکر شد که اسرائیل تمایل دارد تا اطلاعات خود را در زمینه‌های مختلف از جمله تبادل اطلاعات امنیتی برای مواجهه با رقیبان با کشورهای میانه رو عرب در میان بگذارد (Yalan and Fridman, 2018: 2) امارات را باید نخستین شالوده شکن از کشورهای خلیج فارس در برقراری روابط با رژیم صهیونیستی قلمداد کرد. مسئله‌ای که نیاز به شهادت زیادی از سوی شیخ نشینان امارات داشته است. در این میان حتی عربستان به عنوان زمامدار جهان اهل سنت نیز که در اتحادی راهبردی با امریکا به سر می‌برد، تا حد بسیار زیادی جرأت آشکار کردن روابط با رژیم صهیونیستی را نداشته است و بن سلمان همواره با هماهنگی کامل با سران امریکا و از روشهای گوناگون و پنهانی با سران اسرائیل گفتگو کرده است (علیشاهی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۶۳).

۱ - ۴ - **معامله قرن ترامپ:** هنگامی که اوباما در آمریکا به قدرت رسید، گروه ویژه‌ای را مسئول بررسی این مسئله کرد که آیا راهبرد کلان واشنگتن برای حضور در جهان با منابع محدود مالی و تهدیدهای متغیر و نو ظهوری که امریکا با آنها رو به رو است، سازگاری دارد یا خیر. نتیجه بررسی که بخش اصلی آن توسط وزارت دفاع امریکا انجام شد، در قالب سند راهنمای استراتژیک دفاعی در ۵ ژانویه ۲۰۱۲ منتشر شد. نتیجه این بود که آسیا با محوریت دریای جنوبی چین و سپس خاورمیانه با محوریت خلیج فارس، باید اولویتهای راهبردی امریکا در عصر جدید باشند. امریکا به این باور رسید که اروپا با تهدید امنیتی جدیدی روبه رو نیست

و حتی اگر با چنین تهدیدی مواجه شود، خود اروپا از توانایی لازم برای رویارویی با آن برخوردار است و نیاز چندانی به امریکا ندارد (صالحی و زارع، ۱۳۹۶: ۹۹). با روی کار آمدن دونالد ترامپ سیاست‌های پراگماتیستی امریکا در حمایت همه جانبه از رژیم صهیونیستی با شدت بیشتری ادامه یافت. به همین سبب، ترامپ حتی پیش از ورود به کاخ سفید و در کارزار انتخاباتی بارها وعده دست یابی رژیم صهیونیستی به صلح دائمی را داده بود. پس از موفقیت در انتخابات ریاست جمهوری، ترامپ برای دستیابی به این وعده در گام نخست با سفر به مناطق اشغالی و دیدار با سران رژیم صهیونیستی شرایط لازم را برای ایجاد روابط مستحکم میان اعراب خلیج فارس و رژیم صهیونیستی آماده کرد (Reinstein, 2020: 90). دولت ترامپ با انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس در مه ۲۰۱۸ و قطع صدها میلیون دلار کمک سالانه به فلسطینی‌ها با استناد به امتناع تشکیلات خودگردان از مشارکت در ابتکار صلح ترامپ، بیش از پیش خشم فلسطینی‌ها را برانگیخت. محمود عباس، ایالات متحده را به دلیل «حمایت از تخاصم اسرائیل علیه آنها» شدیداً مورد انتقاد قرار داد. او گفت: «علیرغم هر توطئه یا اقدامی، بیت المقدس پایتخت همیشگی فلسطین باقی خواهد ماند. طرح صلح ترامپ یا آنچه در خبرگزاریهای مختلف به عنوان «معامله قرن» یاد می‌شود، توسط تیمی به سرپرستی جرد کوشنر تدوین گردیده است. این طرح شامل دو بخش اقتصادی و سیاسی است. کاخ سفید در ۲۲ ژوئن، ۲۰۱۹ بخش اقتصادی معامله قرن موسوم به «صلح برای شکوفایی» را منتشر ساخت. بر این اساس قرار است یک صندوق سرمایه گذاری ۵۰ میلیارد دلاری برای ۱۷۹ پروژه زیربنایی و تجاری ایجاد گردد که واشنگتن امیدوار است بخش اعظم مخارج آن را دولتهای ثروتمند حاشیه خلیج فارس و کشورهای اروپایی و آسیایی، همراه با سرمایه گذاران بخش خصوصی، تأمین نمایند (The Times of Israel, 2019: 2).

**۲- ۴- پیمان صلح ابراهیم:** از نظر والت هر اندازه تهدید خارجی جدی تر باشد، به همان اندازه انگیزه اتحاد بیشتر می‌شود. این بدان معناست که به طور کلی شکل گیری سطوح اتحاد با میزان ایجاد خطر تهدید مشترک رابطه مستقیم دارد. عادی سازی روابط کشورهایی مانند امارات، بحرین، عربستان و عمان با رژیم صهیونیستی از سالها و دهه‌های قبل در قالب دیپلماسی پنهان آغاز شده بود. اما این روند طی سالهای اخیر از حالت مخفیانه و محرمانه خارج شده و جنبه آشکار به خود گرفته است. دیدار نتانیاهو از عمان و ملک قابوس در اکتبر ۲۰۱۸ و امضای قرارداد صلح رژیم صهیونیستی با امارات عربی و بحرین در واشنگتن تحت عنوان «صلح ابراهیم» در ۱۳ آگوست ۲۰۲۰ گواهی بر این ادعا می‌باشد. در همین رابطه امارات سومین کشور عربی پس از

مصر و اردن است که اقدام به عادی سازی روابط دیپلماتیک با تلاویز کرده است. هر چند این کشور پیش تر در قالب اقداماتی نظیر پایان دادن به اجرای تحریم های ثانویه اتحادیه عرب در سال ۱۹۹۴ اجازه تأسیس دفتر دیپلماتیک به رژیم صهیونیستی در ابوظبی در سال ۲۰۱۵ برای تسهیل در مشارکت این رژیم در آژانس بین المللی انرژی تجدید پذیر، اجازه حضور کاتر، وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی، برای شرکت در نشست سازمان ملل در مورد تغییر آب و هوا در ابوظبی در ژوئن ۲۰۱۹ گام های پنهانی اولیه را برداشته بود (قادری حاجت و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۳).

به رسمیت شناخته شدن مشروعیت اسرائیل از سوی اعراب را اولین بار مصر در سال ۱۹۷۹ انجام داد. دولت وقت مصر آرمان فلسطین را رها کرد و خود با اسرائیل وارد توافق شد. اردن هم در سال ۱۹۹۴ از این کار تبعیت کرد. درصد بالای اردنی های فلسطینی تباری که والدینشان در زمان تشکیل و گسترش اسرائیل از سرزمینهای فلسطینی گریخته بودند، موجب شده اردن در موقعیت منحصربه فردی قرار گیرد (الوندی و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۸). اکنون نیز پیمان صلح ابراهیم چارچوبی را برای تداوم فرآیند پذیرش هر چه بیشتر اسرائیل از سوی اعراب تعیین کرده است. طولی نکشید که پیمان صلح ابراهیم بحرین را نیز شامل شد. بحرین، به مانند امارات، در کرانه جنوبی خلیج فارس قرار دارد. بحرین، که تا سال ۱۹۶۸ میزبان یکی از پایگاه های نیروی دریایی بریتانیا بود، سالهاست محل استقرار یکی از پایگاه های نیروی دریایی ایالات متحده شده است. حاکمیت اقلیتی اهل سنت بر اکثریتی شیعه موجب پیچیده شدن ساختار حکومتی دولت بحرین شده که عموماً بی ثبات است. داماد ترامپ، جارد کوشنر که خود یهودی است، نقش مهمی در مذاکرات ایفا کرد. وی مدعی شد که حکومت های عربی دیگر نیز در آینده به پیمان ابراهیم خواهند پیوست. دولت سودان هم در ماه اکتبر، با وعده حذف شدن نامش از لیست کشورهای حامی تروریست، به این جامعه تحت تسلط آمریکا پیوست. بیانیه پیمان صلح ابراهیم آشکارا با ادبیات متخصصان روابط عمومی نوشته شده است؛ متخصصانی که در مدارس تکنیک های تبلیغاتی آموزش دیده و به خوبی رشد یافته اند. این پیمان نوعی سند روابط عمومی گلفام است تا جذب نیرو و مسلح سازی جوامع عربی برای یورش نظامی به ایران را به دروغ چیزی دیگر جلوه دهد. بیانیه پیمان ابراهیم با ادعای «تحقق چشم انداز صلح، امنیت و آبادانی برای خاورمیانه و کل دنیا» در پی پنهان کردن برنامه ای آشکار برای جنگ مضاعف در غرب آسیا و اورا سیا ست. این طرح جنگی هیچ ربطی ندارد به «ما در پی رواداری و احترام به تک تک انسانها هستیم تا بتوان این دنیا را به گونه ای ساخت که همگان از یک زندگی کریمانه و پرامید بهره مند شوند، فارغ از اینکه

به چه نژاد، قوم و دینی تعلق دارند». اتفاقاً این پیمان در پی تشدید تمایزات قومی با هدف اختلاف افکنی میان عربها و ایرانی‌هاست. مقدمه<sup>۱</sup> اولین مرحله<sup>۲</sup> صلح ابراهیم در واقع چیزی نبود جز فروش تسلیحات آمریکایی به امارات متحده عربی. آمریکا متعهد شده است ۵۰ جت اف ۳۵ به دولت امارات، به رهبری شاهزاده زاید بن نهیان، بفروشد. همچنین قرار است امارات صاحب تعدادی پهپاد ساخت ژنرال اتمیکس شود. دولت بحرین نیز از این الگو تبعیت کرده و جداگانه اقدام به عقد قرارداد تسلیحاتی با آمریکا نمود. کاملاً محتمل است که هدف بحرین از این کار فراهم آوردن «امنیت» علیه قیامهای مردمی باشد. البته این معاملات موجب ناخشنودی نتانیاهو شد. وی در عوض از آمریکا خواهان پیشرفته‌ترین تسلیحات ممکن شد تا اسرائیل همواره در منطقه «برتری» از نظر فناوری تسلیحاتی را حفظ کند. در نتیجه آمریکا اقدام به فروش اف ۲۲ بمب‌های زاغه کوب و هواپیماهای اسپری وی ۲۲ به اسرائیل نمود (الوندی و دیگران، ۱۴۰۰: ۸۷). بر اساس پیمان ابراهیم، وضعیت فعلی کرانه باختری که به صورت غیرقانونی به تصرف اسرائیل درآمد به همان شکل باقی می‌ماند که این اقدام آشکارا نقض منشور سازمان ملل است. وضعیت فعلی یعنی تداوم گسترش شهرک سازی‌های اسرائیل در سرزمینهای اشغالی که مجمع عمومی سازمان ملل در محکومیت آنان صدها قطعنامه صادر کرده است. وضعیت فعلی مترادف است با حمله به زندگی، محل زیست و سکونت، منابع آب، باغ‌های زیتون و بسیاری از دیگر عرصه‌های حقوق انسانی فلسطینی‌ها (قادری حاجت و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۷).

**۵- پیامدهای نفوذ منطقه‌ای رژیم صهیونیستی بر محور نفوذ و محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران بر اساس موازنه تهدید والت: تحولات بعد از یازده سپتامبر و به خصوص حمله آمریکا به دو کشور همسایه افغانستان و عراق به شکل گیری مؤلفه‌های نوینی در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران انجامید که به صورت همزمان فرصت‌ها و چالشهایی را برای امنیت ملی کشور به همراه داشت (جمشیدی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۱۲). جمهوری اسلامی ایران در پی آرمان‌های انقلاب اسلامی و افزایش قدرت خود در تمامی ابعاد و گسترش حوزه نفوذ ایدئولوژیک خود در قالب (محور مقاومت و تشیع گرایی) در منطقه خاورمیانه است (جمشیدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۹). ایران به عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب عالم از دیرباز مورد توجه کشورها و تمدن‌های دنیا بوده است. این نقش ارتباطی میان قاره‌ای و مجاورت با خلیج فارس و تنگه هرمز که محل ترانزیت محموله‌های نفتی است، بر اهمیت و نقش مؤثر ایران در نظر ناظران خارجی افزوده، به طوری که هرگونه تحول سیاسی در آن موجب**

برانگیخته شدن حساسیت‌های جهانی می‌گردد. کشور ایران (که امروزه شاهد هستیم) تنها بخش کوچکی از سرزمین تاریخی ایران را تشکیل می‌دهد. سرزمین ایران در گذشته شامل پهنه وسیعی از طول و عرض جغرافیایی بوده که طی قرن‌ها به عنوان قلمرو فرهنگ و تمدن کهن ایرانی-اسلامی شناخته شده است. وسعت این سرزمین بسیار پهناورتر از سرزمین کنونی ایران و شامل سرزمین‌های داخل فلات وسیع ایران و یا سرزمین‌های حاشیه فلات بوده است. از مهم‌ترین ویژگی این سرزمین استقرار آن در منطقه‌ای حائل است که بدان نقش برجسته گذرگاهی بخشیده است. گذرگاهی میان قاره‌های بزرگ جهان، میان چند قلمرو بزرگ جغرافیایی و میان چند حوزه دیرینه فرهنگی (ضرغامی و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۶). رفتار سیاست‌خاورمیانه‌ای ایران عدم انطباق با ساختارهایی می‌باشد که توسط قدرت بزرگ خارجی تعریف شده است. با افول نقش این قدرتها پس از جنگ سرد بازیگران منطقه‌ای قدرت قابل ملاحظه‌ای یافتند که عدم انطباق ناشی از رفتار آنها شکل خاصی به سیستم امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه داده است (جمشیدی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۱۳). عامل مهمی که بر واگرایی در خاورمیانه تأثیر گذار است، ارزیابی عقلانی رفتار رقیب و بررسی میزان قدرت هر کدام از کشورهای خاورمیانه در مورد وزن و مقدار تأثیرگذاری نسبت به هم‌تایان خود در منطقه است. رقابت کشورهای منطقه با یکدیگر لزوماً به موارد ایدئولوژیک و ارزشی محدود نمی‌شود بلکه در کنار آن، منافع ملی و امنیت ملی که هر کدام از قدرتهای تأثیرگذار در منطقه به خصوص قدرتهای منطقه برای خود تعریف کرده‌اند باعث گسترش رقابت میان آنها شده است (صالحی و زارع، ۱۳۹۶: ۱۰۹). با توجه به ویژگیهای سیاسی، امنیتی و فرهنگی در بعد منافع ملی، منابع قدرت جمهوری اسلامی در حوزه سیاستگذاری خارجی و سیاستهای منطقه‌ای این کشور همواره از دو عامل مهم تأثیر پذیرفته‌اند: نخست واقعیت ژئوپلتیک و دوم جهت‌گیری ایدئولوژیک (جمشیدی و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۹).

با توجه به نقش مهم اقتصاد در روابط کشورها معیار صادرات و واردات می‌تواند نشان‌دهنده خوبی جهت بررسی رابطه ایران با کشورهای همسایه خود باشد. صادرات ایران به کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه براساس اعلام سازمان توسعه تجارت صادرات ایران به کشورهای این منطقه در پنج ماه نخست سال ۲۰۱۸ رقمی معادل ۵/۲ میلیارد دلار را ثبت کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این عدد نسبت به سال گذشته ۵/۳ میلیارد دلار کاهش داشته است. متولیان تجاری اظهار امیدواری کرده‌اند که با بازگشایی مجدد مرزها و شروع دوباره مبادلات تجاری در سطح بین‌المللی این میزان کاهش صادرات تا حدودی جبران شود و به شرایط

قبل از کرونا بازگردد. با اعلام فرزاد پیلتن، مدیرکل دفتر عربی و آفریقایی سازمان توسعه تجارت ایران کشورهای عربی مقصد صادرات ایران به ترتیب عراق، امارات، عمان، کویت، سوریه، قطر، اردن، لبنان و بحرین بوده‌اند و طی مدت مذکور، صادراتی از ایران به کشورهای عربستان و یمن صورت نگرفته است. همچنین از میان ۲۰ کشور اول هدف صادراتی ایران در سالهای ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، عراق با ۱۸۳۴ میلیون دلار واردات از ایران در رتبه دوم، امارات با ۳۱۰ میلیون دلار واردات از ایران در رتبه پنجم، عمان با ۱۱۰ میلیون دلار واردات از کشورمان در رتبه یازدهم و کشورهای کویت، سوریه و قطر به ترتیب با ۵۸،۵۶ و ۴۵ میلیون دلار واردات از ایران، در رتبه‌های چهاردهم و شانزدهم و نوزدهم مقاصد صادراتی ایران طی مدت مذکور قرار داشته‌اند (قادری حاجت و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۴). با توجه به چنین وضعیتی برای ایران و شرایط موجود منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، عرصه‌های بازیگری معطوف به منافع و امنیت ملی کشورها، به صحنه بازیگری خردمندانه (مبتنی بر هزینه-فایده) و بازیهای مختلف، برد-برد، باخت-باخت و برد-باخت تبدیل می‌شود. بنابراین با توجه به روابط خاص جمهوری اسلامی ایران با برخی از بازیگران فرامنطقه‌ای نظیر اسرائیل که در حال افزایش نفوذ و قدرت خود در میان کشورهای منطقه می‌باشد (کامران دستجری و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۱). نفوذ ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران یک واقعیت انکارناپذیر محسوب می‌شود که جبهه مقابل فقط توانایی مادی را مد نظر قرار داده که این نکته نیز یکی از اشکالات وارده بر تعریف سیاست‌های ایران در قالب نواقح گرای می‌باشد (جمشیدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۸۳). در بحث نفوذ منطقه‌ای و محور نفوذ جمهوری اسلامی نیز بایستس خاطر نشان کرد در حوادث منتهی به بیداری اسلامی و ظهور تکفیری‌های داعش و النصره در عراق و سوریه و حتی افغانستان و ایفای نقش سازنده جمهوری اسلامی ایران در نابودی نسبی این جریان‌اتروریستی - تکفیری، تشکیل ائتلاف میان شیعیان منطقه تو سعه روزافزونی یافت. واقعیت این است که ظهور داعش به مثابه جریان بنیادگرای رادیکال و ایدئولوژیک که با هدف ساقط کردن دولتهای سوریه و عراق تأسیس شد، بیش از آنکه بتواند به اهداف خود دست پیدا کند، بسترساز تشکیل شبه نظامیان ساختارمندی همچون حشدالعشبی در عراق و حزب الله در سوریه شد. بسیاری از مستشاران نظامی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای عراق، سوریه، لبنان و یمن در حال تجهیز نظامی متحدین شیعه خود است، تا جایی که دانش موشکی حزب الله لبنان به یکی از مجهزترین انواع خود در غرب آسیا تبدیل شده است. لذا پس از افول داعش، وحدت راهبردی میان شیعیان به بیشترین میزان خود رسیده و عامل اصلی گسترش مرجعیت گفتمان شیعی و مقاومتی جمهوری

اسلامی ایران در منطقه شده است (علیشاهی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵۶). جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت ژئوپلتیک و ژئواکونومیک به شدت متأثر از شرایط امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای است، هم بر آن تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد. سیاست خارجی ایران محصول کنش متقابل کارگزار ایران و ساختار جامعه بین‌الملل است (جمشیدی و دیگران، ۱۴۰۱: ۷۸).

**نتیجه گیری:** تلاش رژیم صهیونیستی برای عادی‌سازی روابط با اعراب و گسترش نفوذ خود در منطقه خاورمیانه بر اساس موازنه تهدید، جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای و تقابل و کاهش توان و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در محیط ملی - منطقه‌ای می‌باشد. رژیم صهیونیستی در قالب پیمان صلح ابراهیم و دیگر پیمانها با توجه به همسویی اهداف و همگرایی راهبردی - امنیتی خود در منطقه خاورمیانه با دیگر متحدانش، در صدد بر آمده است که محیط پیرامونی و ملی - منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را به عنوان دشمن و رقیب استراتژیک خود به چالش بکشد. بر همین اساس با تنگ کردن محیط و فضا برای ایران و فشار بر مرزهای ملی و منطقه‌ای ایران می‌خواهد که دست ایران را در محور نفوذ و منطقه کوتاه کرده و با تهدید مرزهای ملی و محیط داخلی در اهداف منطقه‌ای ایران خلل وارد نماید. در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به هنجارهای حاکم بر نظام بین‌المللی و تعارضات هویتی - ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران با موجودیت رژیم اسرائیل، هر گونه افزایش حضور اسرائیل در محیط امنیتی - پیرامونی ایران به انحاء مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و فنی و تکنولوژیکی به معنای کاهش میزانی از نفوذ و قدرت تأثیر گذاری ایران تلقی شده و طبیعتاً تهدیدی برای امنیت ملی - منطقه‌ای آن به حساب می‌آید. در زمینه برنامه هسته‌ای ایران از دید اسرائیل به اصطلاح پنهان کاری های ایران در زمینه هسته‌ای، با نگرانی‌هایی همراه بوده است. اسرائیل با توجه به مشخص شدن مشی جمهوری اسلامی ایران در مقابل آن و تعریف اسرائیل به عنوان یکی از دشمنانی که باید از صفحه روزگار محو شود، از دستیابی ایران به فناوری‌های هسته‌ای بیم داشته و دارد. نکته قابل توجه این است که اسرائیل برای جلوگیری و کنترل از محور نفوذ منطقه‌ای ایران و بار دیگر ایران را به عنوان تهدیدی وجودی برای اسرائیل بازنمایی کند با توجه به شعارها و مشی این کشور در مقابل اسرائیل، دست به نابودی آن خواهد زد. لذا رژیم صهیونیستی با امنیتی کردن فضا برای کشورهای منطقه آنها را به سمت اهداف بلند مدت خود سوق داده تعریف غیر واقع از چهره ایران هسته‌ای در آینده‌ای نزدیک می‌خواهد که هم بر ایران

فشار بیشتری از طرف همسایگانش وارد شود و هم با عادی سازی روابط دست خود در منطقه بیش از پیش باز باشد.

### پیشنهادات و راهکارها: اگرچه توافقات صلح ابراهیم و گسترش دامنه آن به دیگر

کشورهای عربی می‌تواند موجب کاهش تنش‌های منطقه‌ای و ارتقاء ضریب امنیتی برای اسرائیل شود اما تاریخ نشان داده که اینگونه توافقات نمی‌تواند به حل نهایی قضیه فلسطین کمک کند. مادام که طرفین اصلی مناقشه، اسرائیل و فلسطین، بر موضع همیشگی خود همه یا هیچ تأکید ورزند. مورد تهدید محیط پیرامونی و عکس‌العمل جمهوری اسلامی بایستی یاد آور شد که مهمترین عاملی که ایران می‌تواند از آن به عنوان سلاح اصلی و برگ برنده خود در منطقه تکیه کند، ژئوپولیتیک شیعه و تأثیرگذاری عمیق بر شیعیان خاورمیانه است. به نظر برخی از تحلیل‌گران، با توجه به جمعیت شیعه که در منطقه از پاکستان گرفته تا لبنان سکونت دارند و تأثیرات ایران بر این گروه‌های جمعیتی که در برخی از کشورها نیز اکثریت را در اختیار دارند، شرایط منطقه امروزه برای دستیابی ایران به یک موقعیت برتر فراهم شده است. همچنین در مورد این عادی سازی روابط کشورهای عربی منطقه در قالب پیمانهای مختلف با رژیم صهیونیستی و با روی کار آمدن دولت سیزدهم در جمهوری اسلامی ایران، منطقه گرای و شیفت شدن به این ستم‌مهمترین تصمیم برای حفظ منابع بین المللی در منطقه نفوذ گرفت. ایران با توجه به باز بودن پرونده بین المللی اش در بحث توافق سال ۲۰۱۵ سعی نمود که ارتباط تیره خود را با همسایگان منطقه‌ای خود بهبود بخشیده و با تأثیرگذاری بر منطقه نفوذ خود، نگذارد که اسرائیل در قالب این پیمانها بر منطقه نفوذ ایران تأثیر بسزایی بگذارد. در ادامه نیز بایستی همین سیاست یعنی توجه به منافع (ملی - منطقه‌ای - بین المللی) دنبال شده و برای فشار رقیب انتی تر مناسب تجویز نمود.

### فهرست منابع

۱. الوندی، زهرا و ذاکریان امیری، مهدی و قوام، سید عبدالعلی و احمدی، حمید (۱۴۰۰). تأثیر لابی اسرائیل بر روابط ایران و اتحادیه اروپا، با تأکید بر برنامه هسته‌ای ایران، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال هفدهم، شماره دوم، تابستان.
۲. بیات، محسن و طاهری، ابراهیم (۱۴۰۰). آینده پژوهی معامله قرن، دو دولت با یک حاکمیت و مشروعیت بخشی به طرح اسرائیل بزرگ، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره سوم، پاییز.

۳. جمشیدی، محسن و فلاحی، سارا و ایدی، محمد (۱۴۰۱). راهبرد کلان ایالات متحده امریکا (جو بایدن ۲۰۲۰ - ۲۰۲۴) و تأثیران بر مدیریت راهبردی (سیاسی - دفاعی) جمهوری اسلامی ایران در محور تحت نفوذ، فصلنامه سیاست پژوهی جهان اسلام، سال نهم، شماره ۳ (۲۶)، پاییز.
۴. جمشیدی، محسن و فتاحی، شهرام و صدیق، میر ابراهیم (۱۴۰۱). استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای محور تحت نفوذ در جهان اسلام از منظر رئالیسم تدافعی (واکاوی بحران عراق و سوریه، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، سال یازدهم، شماره یکم (پیاپی ۲۳)، بهار.
۵. جمشیدی، محسن و صدیق، میر ابراهیم و بسطامی، محمود (۱۴۰۰). استراتژی دو قدرت بزرگ منطقه‌ای (جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی) در حوزه سیاست گذاری خارجی و تروریسم در منطقه تحت نفوذ خود، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، سال دهم، شماره اول (پیاپی ۱۹)، بهار.
۶. عسکری کرمانی، محمد و معین ابادی بیگدلی، حسین (۱۴۰۰). بررسی مجموعه امنیتی خاورمیانه و شناخت ائتلافها و تهدیدها با تاکید بر نقش ائتلاف محور مقاومت در مناسبات ان مجموعه، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال دهم، شماره دوم، پیاپی (۲۰)، تابستان.
۷. علیشاهی، عبدالرضا و فروزان، یونس و سلیمانی سوچلمانی، حمید (۱۳۹۹). تأثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس، نشریه علمی افاق امنیت، سال سیزدهم، شماره چهل و نهم، زمستان.
۸. ضرغامی خسروی، سمیرا و ذاکریان، مهدی و برزگر، کیهان و کاظمی وند، سید علی اصغر (۱۳۹۹). تأثیر پروژه ایران هراسی در راهبرد منطقه‌ای جدید اسرائیل، فصلنامه مطالعات بین المللی، سال شانزدهم، شماره چهار (۶۴)، بهار.
۹. صالحی، مختار و زارع، رحمان (۱۳۹۶). خلاء قدرت و تأثیران بر امنیت منطقه خاورمیانه، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال دهم، شماره چهل، زمستان.
۱۰. ذوالفقاری، مهدی و امامی، اسماء (۱۴۰۱). سیاست خارجی عربستان در قبال ایران در دوره پسا برجام، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال چهارم، شماره دوازدهم، تابستان.

۱۱. کامران دستجردی، حسن و متقی، افشین و رشیدی، مصطفی (۱۳۹۰). حضور اسرائیل در قفقاز و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران - دوره جدید، سال نهم، شماره بیست و هشت، بهار.
۱۲. قادری حاجت، مصطفی و جودی، حسین و حیدریان، سجاد (۱۳۹۹). تبیین ژئوپلیتیکی بازساخت ریملند در چارچوب صلح ابراهیم، فصلنامه آمایش سیاسی فضا، دوره سوم، شماره یک، زمستان.
۱۳. مظاهری، محمد مهدی (۱۳۹۸). نقش و جایگاه ایران در سیستم امنیتی خلیج فارس، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره اول، بهار.
۱۴. ملکی، محمد رضا و محمدزاده ابراهیمی، فرزاد (۱۳۹۹). چشم انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی سازی روابط اسرائیل و جهان عرب، فصلنامه مطالعات بین المللی، سال هفدهم، شماره ۳ (۶۷)، زمستان.
۱۵. موسوی زاده، علیرضا و جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۸۸). جایگاه استراتژیک کردستان عراق در سیاست خارجی اسرائیل و الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دانش نامه حقوق و سیاست، شماره یازدهم، بهار و تابستان.
16. Reinstein, Josh. (2020). *Titus, Trump and the Triumph of Israel: The Power of Faith Based Diplomacy*, Jerusalem: Gefen Publishing House.
17. Thrall, Nathan. (2017). *The Only Language They Understand: Forcing Compromise in Israel and Palestine*, NewYork: Metropolitan Books.
18. *The Times of Israel* (2019). At UN, Abbas Threatens to Nix Agreements with Israel if West Bank land Annexed. September 26, at: <https://www.timesofisrael.com/at-un-abbasthreatens-to-nix-agreements-with-israel-if-west-bank-land-annexed/>.
19. Mohammadzadeh Ebrahimi, F., Maleki, M. R., Emamjomeh Zadeh, S. J. (2018). *Obama's Middle Eastern Strategy in Theory and Practice*, Tabriz: Author/SelfPublisher. (In Persian).
20. Navon, Emmanuel. (2020). *The Star and the Scepter: A Diplomatic History of Israel*, Philadelphia: The Jewish Publication Society.
21. Yan, (2019). *Leadership and the Rise of Great Powers*, New Jersey: Princeton University Press.

22. Yaalon, Moshe and Friedman, leeche (2018). "A Historic Oppourtunity for Normalize", Foreign=Affairs, 23 June, at[https://www.researchgate.net/publication/337812665\\_Israel\\_and\\_the\\_Arab\\_States\\_A\\_Historic\\_Opportunity\\_to\\_Normalize\\_Relations](https://www.researchgate.net/publication/337812665_Israel_and_the_Arab_States_A_Historic_Opportunity_to_Normalize_Relations).

## جهاد تبیین از منظر آیت الله خامنه‌ای و مبانی فقهی آن

دانشیار، گروه الهیات، دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر  
کرمان، کرمان، ایران

سیده فاطمه طباطبائی\* ID

دانشیار، گروه الهیات، دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر  
کرمان، کرمان، ایران

عبدالرضا محمدحسین زاده ID

دانشجوی کارشناسی ارشد گروه الهیات، دانشکده حقوق و الهیات،  
دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

سحر اکبرپور فرسنگی ID

### چکیده

تحریر واقعات و دستاوردهای انقلاب اسلامی یکی از ابزارهای دشمن برای القاء ناکارآمدی و شکست نظام در اهداف است. در این راستا آیت الله خامنه‌ای در جایگاه فقاقت و رهبری به عنوان احیاء کننده مفهوم جهاد تبیین، بر روشنگری واقعات و جهت بی اثر نمودن این ابزار، تأکید ویژه داشته‌اند. بنابراین عنایت به پشتوانه شرعی جهاد تبیین در بسط و اجرای آن ضروری می‌نماید (مسأله)؛ پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد استقرایی و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به تخریب و تبیین ماهیت و مبانی فقهی جهاد تبیین پرداخته است (روش)؛ نتایج حاکی بر آن است که جهاد تبیین از منظر آیت الله خامنه‌ای بر تلاش روشنگرانه در برابر خصم، در راه اعتلاء و برپایی دین اسلام اطلاق می‌شود. به جهت اهمیت ویژه آن در عصر کنونی واجب عینی است که نسبت به افراد و موارد، مختلف خواهد بود. این فریضه، قطعی و فوری و در حد توان به صورت تدافعی و تهاجمی به انجام می‌رسد. مبانی فقهی و جهاد تبیین مبتنی بر آیات، روایات و قواعد فقهی نظیر قاعده وجوب ارشاد جاهل، وجوب حفظ نظام، مصلحت نظام، وجوب تعاون بر نیکویی و دعوت است (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: جهاد، تبیین، آیات، روایات، قواعد فقهی، آیت الله خامنه‌ای

دریافت: ۱۴۰۲-۰۳-۰۵

\* نویسنده مسئول fatabatabaee@uk.ac.ir

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۷-۱۰

صفحات مقاله: ۱۶۸-۱۴۳

دشمنان اسلام در دوره کنونی، جهت تسلط بر جامعه اسلامی به هر روش و ابزاری متمسک می‌شوند. یکی از این روش‌ها، تحریف و ایجاد ابهام در واقعیت‌های تاریخی و فرهنگی جامعه اسلامی است. دشمن با تکیه به قدرت نرم، به تدریج و بدون خودآگاهی مخاطب، دست به تحریف ملاکهای محبتی و برائتی مسلمین زده و با استفاده از همین مکانیزم در صدد مهار بیداری اسلامی در این جوامع می‌باشد، تا در صورت عدم موفقیت در استحاله این حرکت، این جوشش شکل گرفته را به انحراف وا دارد (رحمانی تیرکلایی، ۱۴۰۱: ۷). در مقابل این دسیسه‌ها، انقلاب اسلامی با تکیه بر حکمرانی فرهنگی به ویژه ارزشهایی نظیر آموزه‌های اسلامی، مردم‌سالاری دینی، فرهنگ مقاومت و شهادت، معنویت و ولایت فقیه توانسته به احیای خودباوری دینی و بیداری اسلامی در عرصه منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی پردازد و اقتدار فرهنگی و نرم‌افزاری خود را در عرصه بین‌المللی به منصف ظهور رساند (آرایی، ۱۴۰۱: ۱۲۷). در این راستا آیت الله خامنه‌ای در جایگاه رهبری و ولایت فقیه و همچنین به عنوان احیاء کننده مفهوم جهاد تبیین به وفور آحاد ملت را به روشنگری سفارش نموده‌اند و بر این باورند که امروزه دشمن با ابزار رسانه دائماً با ترویج دروغ و تزئین حرف‌های بی‌منا به منظور کاهش ایمان و اعتماد به نفس عمومی، ملت را به وادی یأس و ناامیدی سوق می‌دهد (حسینی خامنه، ۱۹/۱۲/۱۴۰۰) و از این طریق با از بین بردن یکپارچگی مردم، زمینه تسلط بر آنها را فراهم می‌نماید. از این رو در چنین شرایطی ضروری است با تبیین ماهیت و تخریب مبانی فقهی جهاد تبیین در تنویر اذهان عمومی مساعدت و معاضدت شود. بنابراین تحقیق پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد استقرایی به تحلیل داده‌های این پژوهش که بیانات مقام معظم رهبری است می‌پردازد تا ماهیت جهاد تبیین، فهم شود و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مبانی فقهی جهاد تبیین تخریب و استنباط گردد تا با تکیه بر پشتوانه شرعی آن در بسط و اجرای جهاد تبیین، قدمی مؤثر برداشته شود. این تحقیق در پی پاسخگویی به سؤالات ذیل می‌باشد:

الف\_ ماهیت جهاد تبیین در مبانی اسلامی چیست؟

ب\_ مبانی فقهی جهاد تبیین چیست؟

### پیشینه تحقیق

با تتبع در آثار موجود پیرامون جهاد تبیین می‌توان به تحقیقات ذیل اشاره نمود:

«کریمی، بخشی» (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «مفهوم‌شناسی جهاد کبیر در قرآن کریم و تبیین عرصه‌های آن» با استناد به دیدگاه مفسران، جهاد کبیر را مورد پژوهش قرار داده است. «صلح می‌زایی» (۱۴۰۰) در کتاب «جهاد تبیین در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای» به کلیات بحث از جمله جهاد و جهاد تبیین و الزامات آن پرداخته است. «نجم آبادی» (۱۴۰۱) در مقاله «الزامات و موانع اخلاقی جهاد تبیین در اندیشه مقام معظم رهبری با تکیه بر نقش روحانیت» موانع اخلاقی و الزامات جهاد تبیین را بر شمرده است. «حیائی، حیائی» (۱۴۰۱) در مقاله «گستره جهاد تبیین در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای مفهوم و ابعاد جهاد و دفاع را در اندیشه معظم له تبیین کرده و توسعه مفهومی جهاد را اثبات نموده است. با عنایت به پیشینه نظری تحقیق می‌توان ادعا نمود که تاکنون جهاد تبیین از منظر فقهی مورد پژوهش واقع نشده است و همچنین پیرامون تبیین و تخریح مبانی فقهی جهاد تبیین از منظر آیت الله خامنه‌ای مقاله‌ای یافت نشده است و پژوهش پیش رو از این حیث متمایز و دارای نوآوری است.

#### ۱- چهارچوب مفهومی جهاد تبیین در مبانی اسلامی

روشنگری و بیان حقایق در عصری که دشمن با جنگ نرم و ایجاد ابهام در اذهان و تحریف واقعیت و حقایق به مبارزه برخاسته است، تحت عنوان جهاد تبیین مطرح می‌شود.

##### ۱-۱ ماهیت جهاد تبیین

جهاد در لغت از ریشه جَهَد و جُهد به معنی مشقت و زحمت و همچنین به معنی توان و طاقت است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق: ۱/ ۱۰۱). اصطلاح جهاد در ادبیات اسلامی، بر بذل جان و مال و توان در راه اعلای اسلام و بر پاداشتن شعائر دین اطلاق می‌شود (نجفی جوهری، ۱۳۶۲ ش: ۲۱ / ۳). لفظ مطلق «جَهَاد» به معنای کوشش است که هر نوع تلاش در راه خدا را شامل می‌شود، از قبیل جهاد نظامی و مبارزه با دشمنان اسلام، جهاد فرهنگی و تلاش در راه اعتلای علمی و فرهنگی مسلمانان، جهاد با نفس و مبارزه با هوس‌های سرکش درون، جهاد سازندگی و تلاش در راه پیشرفت‌های فنی و ساختن زندگی بهتر برای مسلمانان و امدادهای مادی به آنان (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ش: ۱۶ / ۱۱۳). آیت الله خامنه‌ای جهاد را تلاشی در برابر یک چالش خصمانه‌ای، که از سوی طرف مقابل صورت می‌گیرد، تعریف می‌نماید (حسینی خامنه، ۱۳۹۳/۴/۱۱). در جایی که دشمن انسان را غافل و فکر او را منحرف می‌سازد، هر کس که در راه روشنگری فکر مردم، تلاش کند و از انحراف جلوگیری نماید از آن رو که در مقابله با دشمن است، این تلاش

فرد جهاد نامیده می‌شود (حسینی خامنه، ۱۳۷۵/۳/۲۰). مهم‌ترین ویژگی جهاد در اصطلاح فقهی تقابل با دشمن است؛ در واقع نهایت جهاد و تلاشی که در مقابله با دشمن در مسیر فی سبیل الله تحقق پذیرد جهاد محسوب می‌شود.

واژه تبیین از ماده بین که گاهی به معنای قطع و جدایی و گاهی نیز به معنای آشکار سازی و اتضاح آمده است (جوهری، ۱۴۰۷ ق: ۲۰۸۳/۵). بنابراین جهاد تبیین به تلاش و بذل روشنگرانه در برابر خصم، در راه اعتلاء و برپایی دین اسلام اطلاق می‌شود.

### ۱-۲ جایگاه جهاد تبیین

آیت الله خامنه‌ای جهاد را به جهاد فکری، جهاد عملی، جهاد تبیینی و تبلیغی، مالی و فنی تقسیم می‌نماید (حسینی خامنه، ۱۳۹۵/۲/۲۹). مستفاد از نامه ۴۷ نهج البلاغه جهاد به اقسام ذیل منقسم می‌شود: *وَاللَّهِ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَالْأَسْتِكْمَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ*. جهاد مالی (بِأَمْوَالِكُمْ)، جهاد جانی، جهاد با جان و بخشش نفس در راه خدا (أَنْفُسِكُمْ) و قسم سوم جهاد تبلیغی، جهاد با لسان و مبارزه فرهنگی است که باید در راه خدا انجام گیرد (الْأَسْتِكْمَ). با توجه به این تقسیم بندی جهاد تبیین از مصادیق جهاد با لسان محسوب می‌شود.

در قرآن کریم نیز با عنایت به هدف از جهاد می‌توان جهاد را به دو قسم کلی منقسم نمود. قرآن کریم گاهی جهاد را دفاع در مقابل حمله دشمنان دانسته است: *وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ*. و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی‌دارد (بقره / ۱۹۰). مستفاد از آیه این است که قتال در اسلام جنبه دفاعی دارد، اسلام با قتال با کفار از حق قانونی انسان‌ها دفاع کرده، حقی که هر فطرت سلیمی آن را برای انسانیت قائل است (علامه طباطبائی، ۱۳۹۰ ق: ۲ / ۶۱). هدف از جهاد اسلامی پیروزی دین خدا، یعنی اجرای دستورات او و جلب خشنودی پروردگار و برقرار کردن عدالت اجتماعی و نیز مبارزه با فتنه‌گری، ستمکاری، گمراهی، شرک و بت پرستی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ش: ۲ / ۱۲۹). گاهی هدف از جهاد را حفظ پایگاه توحیدی می‌داند: *الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِنَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ*، آن مؤمنانی که به ناحق از خانه‌هاشان آواره شده (و جرمی نداشتند) جز آنکه می‌گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست. و اگر خدا (رخصت جنگ ندهد و) دفع شر بعضی از مردم را به بعضی دیگر نکند همانا صومعه‌ها و دیرها و کنش‌ها و مساجدی که در آن (نماز و)

ذکر خدا بسیار می‌شود همه خراب و ویران شود. هر که خدا را یاری کند البته خدا او را یاری خواهد کرد، که خدا را منتهای اقتدار و توانایی است (حج / ۴۰). در این آیه تشریح قتال به منظور حفظ مجتمع دینی از شر دشمنان دین، بوده است. آن دشمنانی که قصد دارند نور خدا را خاموش نمایند. مراد از دفع مردم به دست یکدیگر، اعم از مساله جهاد است (علامه طباطبائی، ۱۳۹۰ ق: ۱۴ / ۳۸۵). با اقامه جهاد تبیین، حفظ پایگاه توحیدی که هدف قرآن از جهاد است، قطعاً محقق می‌شود. شیخ طوسی در تعریف جهاد با نفس می‌فرماید: جهاد با نفس آن است که با عمل به امری، نفس را در معرض آنچه برایش دشوار است، قرار دهد (شیخ طوسی، بی تا: ۲۶۹/۵). لذا جهاد تبیین از این حیث نیز می‌تواند در ذیل جهاد با نفس قرار گیرد؛ زیرا جهاد تبیین، جهد و کوششی روشنگرانه و گاه عمل به امری است در مقابل دشمن جهت حفظ، اعتلاء و گسترش پایگاه اسلام به طوری که نفس را در معرض آن چه برایش دشوار است قرار می‌دهد. با عنایت به آیه ۵۲ فرقان، خداوند در این آیه فرمان می‌دهد که هرگز تابع کافران مباش و با آنها چنان که مخالفت با قرآن و دین حق کنند، سخت جهاد و کارزار کن. مستفاد از این آیه این است که جهاد کبیر علمی یک وظیفه و مسئولیت همگانی است که باید همگان با تمام توان به جهاد تبیین اقدام نموده و حقایق را به گونه‌ای بیان نمایند که دشمن نتواند اختلاف و فتنه‌گری نماید. رهبر انقلاب در این خصوص یکی از انواع جهادها را جهاد فکری دانسته است. ایشان انواع و اقسام عرصه‌های زندگی بشر را از قبیل صحنه‌های سیاسی، فرهنگی، تبلیغاتی، ارتباطی، اجتماعی، فرهنگی را عرصه جهاد می‌داند و جهاد در صحنه‌های مختلف را وظیفه همه (حسینی خامنه، ۱۳۸۶/۵/۲۸) و ارجحیت جهاد خاص را به حسب زمان متغییر دانسته (حسینی خامنه، ۱۳۹۸/۱۰/۲۳) و سخت‌ترین جهاد را مقابله با هجوم افکار و فرهنگهای غلط و انحرافی و درک غلط جمعی از مردم می‌داند (حسینی خامنه، ۱۳۷۲/۲/۱۵).

### ۱-۳ وجوب جهاد تبیین

جهاد در فقه امامیه از واجبات دین اسلام دانسته شده است و در حد کفایت واجب است و اگر بعضی انجام دهند از بقیه ساقط خواهد شد (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ ق: ۲ / ۲) و این کفایت بر حسب نیاز، فراوانی مشرکان، ضعف و قوت آنان است (نجفی جوهری، ۱۳۶۲ ش: ۱۰ / ۲۱). طبق آیه قرآن "وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ" قتاده و دیگر مفسران گویند: یعنی خداوند به هر دو گروه - جهاد کنندگان و تخلف کنندگان - وعده بهشت داده است. بنابراین آیه دلالت دارد بر این که جهاد واجب کفایی است؛ زیرا اگر واجب عینی بود، کسانی که بدون عذر، تخلف کرده‌اند، سزاوار

پاداشی نبودند (شیخ طبرسی، ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵ م: ۳ / ۱۶۷). در روایت آمده است "... وَ كَتَبَ عَلَيَّ الرَّجَالَ جِهَادًا: جهاد بر مردان واجب است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۱ / ۱۸۵) و آن را موجب عزت و بزرگی دین شمرده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۱ / ۲۴۸). کلمه جهاد در روایات مطلق است. با توجه به نامه ۴۷ نهج البلاغه که جهاد به جهاد مالی، جانی و لسانی منقسم شده است، جهاد تبیین از مصادیق جهاد با لسان و منقسم آن محسوب می‌شود. بنابراین جهاد تبیین نیز مانند جهاد جانی واجب خواهد بود. در عصر کنونی جهاد با لسان و تبیین حقایق نیز موجب عزت و سربلندی دین اسلام است و از آن جا که حفظ و عزت اسلام واجب است جهاد تبیین مقدمه این واجب است و از این حیث از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده، لذا واجب عینی دانسته شده است (عظیمی، مجتبی، ۱۴۰۰/۱۱/۲۲). البته آیت الله خامنه‌ای موارد جهاد تبیین را نسبت به افراد و موارد، مختلف دانسته‌اند و بر هر فرد مسلمان و انقلابی تبیین و روشنگری را لازم می‌دانند (استفتاء آیت الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱). ایشان به عنوان ولی فقیه، رهبر جامعه مسلمین و مرجع تقلید، جهاد تبیین را بر افراد بر طبق موقعیت و جایگاه آنان واجب دانسته‌اند و از این حیث در وجوب آن شک و شبهه‌ای نمی‌باشد؛ لذا واجبی است قطعی و همچنین عمل به آن در شرایط تهاجم فرهنگی، فوری و در حد توان و قدرت فرد می‌باشد که به صورت تدافعی و تهاجمی باید به انجام رسد.

#### ۱-۴ الزامات جهاد تبیین

رهبر انقلاب بسیاری از حقایق را نیازمند به تبیین می‌دانند تا بر افکار عمومی تأثیر گذار باشد چرا که یکی از هدفهای بزرگ دشمنان ایجاد ابهام در افکار و اذهان مردم است (حسینی خامنه، ۱۴۰۰/۷/۵). چه بسا که در صورت عدم روایت و تبیین، دشمن به هر روش بخواهد روایت کرده و جای ظالم و مظلوم را عوض خواهد نمود (حسینی خامنه، ۱۴۰۰/۹/۱). با تعمق در قرآن کریم دانسته می‌شود که پیامبران با انواع معجزات بصائر خویش؛ یعنی معجزاتی که موجب بصیرت و یقین قلبی می‌شود به هدایت بشر اقدام نموده‌اند به طوری که هیچ‌گونه شبهه و شکی در آن راه نمی‌یابد (قصص، آیه ۴۳)؛ با این همه کسانی که دشمن اسلام و حقیقت می‌باشند، به سبب طغیان و علو و برتری خواهی حاضر نیستند تا به آن یقین بصیرتی خویش عمل نمایند، لذا آن را عالمانه و عامدانه انکار می‌کنند (نمل/ ۱۴). در عصر کنونی نیز طغیان و برتری خواهی عامل اصلی پشت پا زدن به حقایق می‌باشد. در این راستا تبیین حقایق، نیازمند الزاماتی است که این مهم به بهترین وجه محقق شود.

با تمسک به قرآن، الزامات آن به اختصار در جدول ذیل تبیین می‌شود:

الزامات جهاد تبیین	آیات
علم و آگاهی	وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ، از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن (اسراء/ ۳۶)
عامل بودن به آگاهی ها و دانسته ها	لَمْ تَقُولُونَ مَا لَمْ تَعْلَمُونَ، چرا چیزی می گوید که انجام نمی دهید (صف/ ۲)
عدالت در گفتار	وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا، و هنگامی که سخنی می گوید، عدالت را رعایت نمایید (أنعام/ ۱۵۲)
سخن مستدل و محکم	وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا، و سخن (حقّ و) استوار گوید (أحزاب/ ۷۰)
سخن آسان و قابل فهم	فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا، پس با آنان سخنی نرم بگوی (اسراء/ ۲۸)
سخن بلیغ	وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا، و به آنان سخنی رسا که در دلشان اثر کند بگوی (نساء/ ۶۳)
سخن نیکو	وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، و به بندگانم بگو: سخنی را که نیکوتر است بگویند (اسراء/ ۵۳)
سخن معروف	وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا، با آنان به صورتی شایسته و پسندیده سخن گوید (نساء/ ۵)
سخن کریمانه	وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا، و با ایشان به اکرام و احترام سخن گو (اسراء/ ۲۳)

با عنایت به آیات مذکور باید گفت جهاد تبیین اقناعی در موقع و با ملاحظه مصلحت است. شهید مطهری (ره) می گوید: ایمان قطع نظر از اینکه آیا از حقوق انسانی است یا خیر زور بردار نیست، ایمان یعنی اعتقاد و گرایش و مجذوب شدن و مجذوب شدن دو رکن دارد، یک رکن آن جنبه علمی که فکر و عقل است و رکن دیگر آن جنبه احساساتی است که هیچکدام در قلمرو زور نیست (مرتضی مطهری، بی تا: ۴۸). اقناع اندیشه در مرحله اول و همسو نمودن احساسات و ایمان افراد چنین اقتضایی دارد، با این منطق می توان گفت جهاد تبیینی با برداشت خاصی که برخی از جهاد ابتدایی به معنای تهاجم و تحمیل عقیده و تسلط می شود (مروارید، ۱۴۱۰: ۱۲۱/۹) هماهنگ نیست، مضاف بر اینکه قاعده «فبح اغراء به جهل» که ملازمه دارد با «وجوب ارشاد جاهل به عالم»

شامل همه اموری است که مربوط به مصالح مردم است، چه دینی و چه غیر دینی، چه کلی و چه جزئی. دیگر آنکه؛ مفاد این قاعده مخصوص است به مواردی که در اغراء به جهل مصلحت مهم‌تر و یا در تعلیم مفسده مهم‌تر نباشد و گرنه اغراء به جهل قبیح و حرام نیست، بلکه ممکن است خوب و واجب باشد. سوم اینکه؛ قاعده اصولی «تأخیر بیان از وقت حاجت قبیح است» در حقیقت از مصادیق قاعده «اغراء به جهل قبیح و حرام است» می‌باشد، لذا در جهاد تبیین ملاحظه این امور از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است به گونه‌ای که به اغناء مخاطبان منجر شده و ایمان‌ساز گردد.

جهاد تبیینی، جهادی اقلیتی است بدین معنا که حوزه عقیده و فکر را هدف گرفته است و می‌خواهد ادراکی تصدیقی را در ذهن مخاطب ایجاد کند به این جهت از نظر عقلی امکان ندارد که چنین چیزی را به اجبار و یا از ترس در درون کسی به وجود آورد. این معنا در نقل هم به روشنی مشاهده می‌گردد (یونس / ۹۹، بقره/ ۲۵۶). بنابراین در فرایند جهاد تبیین به فرموده قرآن مؤلفه‌هایی از قبیل علم و آگاهی، عدالت در گفتار و استحکام در سخن، قابل فهم بودن کلام، بلاغت سخن، معروف بودن مطالب، رعایت کرامت گوینده و شنونده و دیگر موارد باید مورد توجه و امعان نظر مجاهد قرار گیرد تا اهداف - رفتاری - جهاد محقق شود.

#### ۱-۵ موضوعات نیازمند تبیین باتکیه بر بیانات رهبری

آیت الله خامنه‌ای به عنوان احیاء کننده جهاد تبیین، این امر مهم را در موضوعات خاصی مورد اهتمام قرار داده‌اند که با استقراء در بیانات ایشان موارد ذیل استخراج شده است:

- تبیین سبک زندگی اسلامی ایرانی: از آن جا که یکی از مهم‌ترین اهداف دشمنان اسلام تغییر سبک زندگی مسلمان‌ها می‌باشد (حسینی خامنه، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴) ایشان این مسئله را محتاج به تبیین در اندیشه و عمل می‌دانند (حسینی خامنه، ۱۳۹۵/۴/۱۲).

- تبیین مبانی انقلاب اسلامی: رهبر انقلاب لازم می‌دانند که جایگاه قرار گرفتن مردم، موانع، دشمن و مبانی انقلاب تبیین شود، تا با افزایش بصیرت به کشور آسیبی نرسد (حسینی خامنه، ۱۳۹۱/۹/۲۱)

- تبیین ارزش‌های اسلام: تعالیم روشن اسلام در موضوعاتی از قبیل حقوق بشر، آزادی و مردم‌سالاری، حقوق زن (حسینی خامنه، ۱۳۸۲/۱۱/۸) که در جامعه حائز اهمیت بسیار است (حسینی خامنه، ۱۳۷۳/۱۱/۳) نیازمند به تبیین می‌دانند.

تبیین دستاوردهای انقلاب: ایشان بر این باورند که دستاوردهای انقلاب دستاوردهای عظیم و شگفت آوری است (حسینی خامنه، ۱۳۹۹/۱۱/۲۹) که باید به گوش مردم برسد (حسینی خامنه، ۱۳۸۴/۱۱/۳۰).

تبیین دشمنی و نفوذ دشمنان ایران: از آن جا که مسئلهٔ نفوذ را بسیار مهم می‌دانند روشنگری را در این زمینه ضروری (حسینی خامنه، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴) و مهم‌ترین شیوهٔ دشمن از قبیل جعل و دروغ‌پردازی را نیازمند شناخت دانسته‌اند (حسینی خامنه، ۱۴۰۱/۹/۵) و راه درمان فتنه را روشنگری می‌دانند (حسینی خامنه، ۱۳۷۸/۵/۸).

-تبیین فریضه نماز: رهبر انقلاب یکی از اقدامات مهم ائمهٔ محترم جماعات را تبیین مسئلهٔ نماز جهت افزایش منزلت و کیفیت آن دانسته‌اند (حسینی خامنه، ۱۳۹۵/۵/۳۱).

-تبیین مقاومت در برابر دشمن: ایشان مقابله و مقاومت در برابر دشمن را نیازمند تبلیغ و ترویج می‌دانند (حسینی خامنه، ۱۳۹۴/۸/۱۲).

-تبیین تهاجم فرهنگی: ایشان بر این باورند که دشمن با ابزار زیاد اما بدون ایمان در این برهه از زمان به سنگر مبارزات فرهنگی با نظام جمهوری اسلامی پناه برده است؛ لذا اگر در مقابل این حمله ایستادگی شود دشمن قطعاً ناکام خواهد شد (حسینی خامنه، ۱۳۷۳/۶/۲۱)

تبیین راه امام: ایشان سعادت کشور را در ادامهٔ راه امام می‌دانند و معتقدند آنچه ملت ایران را در مقابل دشمنان نگه می‌دارد و استقلال و آزادی و هویت را حفظ می‌کند، پیروی از خط امام است (حسینی خامنه، ۱۳۸۴/۳/۱۰).

تبیین عملکرد دولت: در این زمینه بر این عقیده‌اند که در رابطه با ایرادات درست توضیح و تبیین لازم است و در کنار آن کاستی‌ها باید برطرف شود (حسینی خامنه، ۱۳۸۶/۴/۹).

تبیین سیره شهدا: در بیان زندگی‌نامهٔ شهیدان تبیین خصوصیات، سبک زندگی و چگونگی مشی زندگی شهدا را ضروری می‌دانند (حسینی خامنه، ۱۳۹۵/۷/۵).

تبیین مهدویت: مسئلهٔ مهدویت را جزو اصلی‌ترین معارف الهی دانسته و در این زمینه آشنایی، انس و رابطه بیشتر با مقولهٔ مهدویت را برای اسلام و مسلمانان بهتر می‌دانند (حسینی خامنه، ۱۳۹۰/۴/۱۸).

تبیین حجاب: ایشان با تبلیغات و بدون اجبار حجاب برتر را چادر ایرانی دانسته‌اند. راهکار گسترش آن را فکر، تبلیغات و تبیین دینی حجاب در جامعه می‌دانند (حسینی خامنه، ۱۳۷۷/۱۲/۴).



## ۲- مبانی فقهی جهاد تبیین

با تعمق در ماهیت جهاد تبیین از منظر آیت الله خامنه‌ای و تحلیل آن، مبانی فقهی جهاد تبیین، بر قرآن، سنت و قواعد فقهی مبتنی است.

### ۱- قرآن

#### آیه تبیین

قرآن کریم، جهت ارشاد و هدایت انسان نازل شده است. در آیه ۸۹ سوره نحل متصف به صفت تبیان شده است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ». تبیان به معنای بیان است و تبیان برای هر چیزی استعمال می‌شود؛ زیرا کتاب، هدایت عامه است و هر چیزی که مربوط به امر هدایت است مانند معارف حقیقی مربوط به مبدا، معاد، اخلاق فاضله، شرایع الهی، قصص و موعظه‌هایی که مردم در اهداء و راه یافتنشان به آن محتاج هستند را بیان می‌کند (علامه طباطبائی، ۱۳۹۰ ق: ۱۲/ ۳۲۵-۳۲۴). جهاد تبیین نیز مأخوذ از همین کلمه است. چه بسا که در جهاد تبیین با تلاش و بذل نفس با تمسک به هر ابزاری به روشنگری و هدایت عامه در راه اعتلاء اسلام و جامعه اسلامی اقدام می‌شود.

## آیات دال بر وجوب و فضیلت جهاد

ضرورت و وجوب جهاد تبیین، مبتنی و مستخرج از قرآن کریم است که در ذیل به بیان چندی از آیات پرداخته می‌شود:

- در وجوب جهاد در قرآن کریم آیاتی چند به چشم می‌خورد که در این راستا می‌توان به آیه ذیل اشاره نمود: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ** ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا به ترسید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب کنید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید. **جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ** دستور به جهاد می‌دهد که جهاد کنید در راه او با اعدای ظاهر و باطن (شیخ‌زاده، ۱۴۱۹ ق: ۳ / ۵۲۰). جهاد در راه خدای تعالی گاهی به دست و لسان و شمشیر و قول و کتابت می‌باشد (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ ش: ۳ / ۷۶). بنابراین در این آیه مطلق جهاد مراد است (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۵ / ۳۲۸)؛ بنابراین جهاد تبیین را نیز در بر می‌گیرد. در نتیجه جهاد تبیین نیز واجب خواهد بود.

- آیه شریفه دیگر: **كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ... (بقره/۲۱۶)**: جهاد بر شما واجب شده است در حالی که از آن کراهت دارید. این آیه دال بر وجوب جهاد است (قرطبی، ۱۳۶۴ ش: ۳ / ۳۸)؛ زیرا خداوند می‌فرماید: **كُتِبَ عَلَيْكُمُ** و این به معنای واجب است بر شما (جصاص، ۱۴۰۵ ق: ۱ / ۴۰۰). جهاد نیز واجب شده است بر تمام مردم (ابن عربی، ۱۴۰۸ ق: ۱ / ۱۴۶). جهاد با جان یکی از اقسام جهاد و قسم دیگر آن جهاد با مال و زبان است. علی‌رغم حرمت نفس در نزد شارع مقدس اما جهاد با جان و بذل نفس در مقابله با دشمن خداوند جهت اقامه و حفظ شریعت، واجب شده است. بنابراین به طریق اولی جهاد و بذل مال و زبان در جهت حفظ و اقامه دین خدا واجب خواهد بود.

در فضیلت جهاد آیات چندی به چشم می‌خورد (نساء / ۹۵) و از این جمله است: **وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا (عنکبوت / ۶۹)**، آن‌ها که در راه ما جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد. معنای "جَاهَدُوا فِينَا" این است که جهادشان همواره در راه ما است، و این تعبیر کنایه از این است که: جهادشان در اموری است که متعلق به خداوند است، چه جهاد در راه عقیده و چه در راه عمل باشد، (علامه طباطبائی، ۱۳۹۰ ق: ۱۶ / ۱۵۱). جهاد تبیین نیز جهد و کوششی است در راه عقیده صحیح و تبیین حق و حقیقت در راه اعتلای اسلام؛ لذا طبق آیه شریفه مورد توصیه و تأکید خداوند متعال است.

آیات مربوط به وجوب امر به معروف و نهی از منکر

-وَأَتَىٰكُمْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران/۱۰۴) از میان شما باید گروهی باشند که (دیگران را) به خیر دعوت نمایند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند. در این آیه شریفه يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ: بخوانند مردمان را به اسلام و يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ و بفرمایند به نیکی که خدا و رسول بآن امر کرده و يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ و باز دارند مردمان را از فعل ناشایست که حق تعالی و پیغمبر او از آن نهی کرده‌اند (کاشانی، ۱۳/ ۲/ ۲۹۳). این آیه دلالت دارد بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر و اهمیت و جایگاه آن دو از نظر دین، زیرا خداوند رستگاری مسلمانان را به این دو مربوط دانسته است. بیشتر متکلمان این دو را واجب کفایی می‌دانند و بعضی هم واجب عینی شمرده‌اند (شیخ طبرسی، ۱۴۱۵- ۱۹۹۵ م: ۲/ ۳۵۸). طبق آیه شریفه روشنگری و تبیین واقعیت‌های تحریف شده در جامعه اسلامی یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است.

۲-۲- سنت

وجوب جهاد در روایات

جهاد تبیین یکی از انواع جهاد محسوب می‌شود و در روایات به وجوب جهاد تأکید شده است. امام علی علیه السلام فرمودند: **إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الْجِهَادَ وَعَظَّمَهُ وَجَعَلَهُ نَصْرَهُ وَنَاصِرَهُ وَاللَّهُ مَاصِلِحَتِ دُنْيَا وَلَا دِينَ إِلَّا بِهِ؛** در حقیقت خداوند جهاد را واجب گردانید و آن را بزرگداشت و مایه پیروزی و یاور خود قرارش داد. به خدا سوگند کار دنیا و دین جز با جهاد درست نمی‌شود. (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۶ ق: ۱۵/۱۵) و علت وجوب آن نیز در روایات ذکر شده است. امام علی علیه السلام در این زمینه فرموده‌اند: **فَرَضَ اللَّهُ... الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ؛** خداوند... جهاد را برای عزت و سربلندی اسلام واجب فرمود (نهج البلاغه، ۱/ ۵۱۲).

امام صادق علیه السلام در فضیلت جهاد فرموده‌اند: جهاد و مبارزه پس از فرائض و واجبات با فضیلت‌ترین کارهاست و نیز امام علی علیه السلام جهاد و مبارزه، را دری از درهای بهشت دانسته‌اند که خداوند برای دوستان خاص خود گشوده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۴/۵).

همچنین حدیثی از امیر المومنین علیه السلام که امام باقر علیه السلام از ایشان نقل کردند: که خداوند ایمان را بر چهار پایه قرار داده است: صبر، یقین، عدالت، جهاد و در ادامه حدیث برای جهاد چهار شعبه مطرح شده است: امر به معروف، نهی از منکر، راستگویی در هر حال، دشمنی با بدکاران. پس هر که امر به معروف کند، مؤمن را یاری کرده و پشتش را محکم نموده، و هر که نهی از منکر کند، بینی منافق را به خاک مالیده است و از نیرنگش ایمن گشته و هر که همه جا

را ست گوید، وظیفه‌ای که بر او بوده انجام داده و هر که با بدکاران دشمنی کند برای خدا خشم نموده و هر که برای خدا خشم نماید، خدا هم به خاطر او خشم نماید (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲/ ۵۱-۵۰). طبق روایت مذکور، جهاد تبیین، چهار قسم جهاد را پوشش می‌دهد.

و جوب امر به معروف و نهی از منکر

در روایات به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر سفارش شده است. قال النبی (ص): «ان الله عزوجل لیبغض المؤمن الضعیف الذی لادین له، فقیل: و ما المؤمن الضعیف الذی لادین له؟ قال: الذی لا ینهی عن المنکر: پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: همانا خداوند دشمن دارد آن مؤمنی را که ضعیف و بی‌دین است، سؤال شد: مؤمن ضعیف و بی‌دین کیست؟ حضرت فرمود: کسی که نهی از منکر و جلوگیری از کارهای زشت نمی‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۵/ ۵۹) و نیز به تارک این فریضه هشدار داده شده است، الصادقین (علیهما السلام) - و یلّ لِقَوْمٍ لَّا یَدِیْنُونَ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیِ عَنِ الْمُنْكَرِ امام باقر (علیه السلام)، امام صادق (علیه السلام): وای بر کسانی که اعتقاد به امر به معروف و نهی از منکر ندارند (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۶/ ۱۷۶). در کلام امیر المؤمنین علی علیه السلام امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتبی است. که کاملترین آن با دست و زبان و قلب و نازلترین مراتب آن با قلب محقق می‌شود. در این راستا فرموده‌اند که تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا در مقابل امر به معروف و نهی از منکر، جز قطره‌ای در مقابل دریای پهناور به شمار نمی‌رود و از همه این‌ها مهم‌تر و برتر، سخن عدل و حرف حقی است که در برابر پیه‌شوی ظالم و ستمگر گفته می‌شود (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴). بنابراین از آن جا که جهاد تبیین تلاش و بذل روشنگرانه در برابر خصم، در راه اعتلاء و برپایی دین اسلام است، از تمامی اعمال مطلوب و نیکو در نظر شارع مهمتر و برتر خواهد بود.

فضیلت نصح

جهاد تبیین به منزله نصیحت کردن افراد است و از این لحاظ با بررسی اهمیت خیر خواهی و تبیین وجوب آن در احادیث می‌توان فضیلت و وجوب جهاد تبیین را تخریج نمود. امام جعفر صادق (علیه السلام) در این زمینه فرموده‌اند: یَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ النَّصِيحَةُ لَهُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ: بر مؤمن نصیحت و خیرخواهی برادر مؤمن در حضور و غیاب واجب است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲/ ۲۰۸). طبق فرمایش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امام صادق (علیه السلام): إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ: با منزلت ترین مردم نزد خداوند در روز قیامت، کسی است که در راه خیرخواهی برای خلق او بیش از دیگران قدم بر دارد.

(کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲/۲۰۸) و نیز در روایات امام علی علیه السلام در مورد ترک این عمل فرموده‌اند: لا خیر فی قوم کیسوا بناصِحینَ و لا یحبُّونَ النَّاصِحینَ در مردمی که نه خود نصیحت کننده هستند و نه نصیحت کنندگان را دوست دارند خیری نیست (تمیمی امدی، ۱۴۱۰ ق: ۱/۷۹۱). جهاد تبیین و روشنگری در سراسر زندگی پیامبران و معصومین مشهود است در این زمینه حرکت عظیم زینب کبری (سلام الله علیها) و جناب ام کلثوم و حضرت سجّاد (علیه السلام) نمونه بارز آن محسوب می‌شود چرا که توانست حادثهٔ کربلا را ماندگار کند و به معنای واقعی کلمه این تبیین مکمل آن فداکاری بود (حسینی خامنه، ۱۴۰۰/۷/۵). حضرت زهرا سلام الله علیها نیز در شرایط موجود جامعه خود نظیر ماجرای فدک، سقیفه و دیگر حوادث با نصیحت های روشنگرانه خود به تبیین شرایط پرداختند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳ / ۲۵۹) و در این راستا روشنگری نمودند.

### ۳-۲ قواعد فقهی

وجوب و ضرورت جهاد تبیین مبتنی بر قواعد فقهی نیز می‌باشد که در ذیل به اهم آن اشاره می‌شود.

#### قاعدهٔ وجوب ارشاد جاهل

وجوب جهاد تبیین مبتنی بر قاعدهٔ وجوب ارشاد جاهل است. خداوند متعال برای هدایت انسان، ارشاد جاهل، ممانعت از انحرافات و خطاها و رساندن انسان به کمال، رسولان را فرستاد و کتب هدایت را نازل نمود و سپس او صیاء را منصوب کرد و بر امام معصوم (ع) ارشاد جاهل و امر به معروف و نهی از منکر را واجب ساخت (ایروانی، ۲۰۰۷ م: ۲ / ۹). رشد در مقابل ضلال و گمراهی (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ: ۳ / ۱۷۵) و ارشاد به معنای بیان کردن احکام برای شخص جاهل است. بنابر قاعدهٔ ارشاد، بر عالم واجب است جاهل را هدایت و در یادگیری مسائل دینی راهنمایی کند طبق آیه نفر خداوند متعال فرموده است: فلو لا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقّھوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلّهم یحذرون؛ چرا از هر گروهی از آنان طایفه‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی یابند و هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن‌ها را بیم دهند، شاید از مخالفت پرهیز کنند (توبه/۱۲۲). می‌توان از این آیه به این قاعده استناد کرد زیرا این آیه، بر وجوب یادگیری احکام برای ارشاد و انذار افرادی دلالت دارد که عالم نیستند (مصطفوی، ۱۴۲۱ ق: ۱ / ۳۴). در احکام کلی الهی، در اینکه اطلاع جاهل از آنها واجب است، تردیدی نیست و آیه نفر و روایاتی که در تعلیم و فراگیری آن ذکر شده است بر این دلالت دارد (خوئی، ۱۴۰۲ ق: ۱ / ۲۰۱). وجوب ارشاد جاهل در جهل به حکم است از جهت وجوب تبلیغ در

تکالیف تا تکلیف برای شاهد و غایب مستمر باشد. پس عالم، مبلغی است از سوی خداوند تا حجت را بر جاهل تمام کند تا در جاهل قابلیت اطاعت و معصیت ایجاد گردد (شیخ انصاری، ۱۴۱۱ ق: ۱/۴۲). بیشتر فقها ارشاد به موضوع را واجب ندانسته‌اند بلکه برخی از فقیهان در صورت اذیت شدن جاهل بر اثر اعلام یا افتادن در عسر و حرج، حرام دانسته‌اند. البته امور مهمی مانند جان، آبرو، ناموس مؤمنان و نیز اموال قابل اعتنای آنان، به تصریح برخی، از حکم فوق مستثنا است، و ارشاد جاهل در این موارد واجب است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ ه.ق: ۱/۳۵۷). لازم به یادآوری است ترک وظیفه نسبت به مقتضای قاعده ارشاد جاهل به عالم نوعی «اغراء به جهل و به نادانی کشاندن فرد» است (مانده/ ۱۴، احزاب/ ۶۰) که حرمت داشته و حرمتش بدیهی و بی‌نیاز از آوردن دلیل است؛ زیرا وجدان روشن و فطرت پاک و هیچ خردمندی آن را رد نمی‌کند. قرآن کریم (نحل/ ۲۵) می‌فرماید: «هر کسی که دیگری را به جهل و گمراهی اغراء می‌کند یعنی می‌افکند یا می‌کشاند عقوبت شدیدی دارد».

به هر روی اگر ارشاد جاهل بر عالم و نیز سؤال «جاهل از عالم» واجب است روشن می‌باشد که هر کدام از این دو واجب، تا چه رسد به هر دو واجب، دلیل بر این است که «اغراء به جهل یعنی به راه نادانی کشاندن یا بردن» به طریق اولی حرام است. در قرآن در مورد کتمان آیاتی آمده است از جمله: "الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا: کسانی که [از انفاق اموالشان در راه خدا] بخل می‌ورزند، و مردم را به بخل فرمان می‌دهند، و آنچه را خدا از فضل خود به آنان داده پنهان می‌کنند، [کافران] و ما برای کافران عذابی خوارکننده آماده کرده‌ایم" (نساء / ۳۷). منظور از ما آتاهمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ غنی و علم است. و آنچه را که خداوند از فضل و مال و دانش خود به آنها داده در جایی که باید آشکار شود پنهان می‌دارند (فیض کاشانی، ۱/۱۴۱۵: ۴۵۰). این آیه دلالت می‌کند: چیزی را که خداوند برای مردم نازل کرده است (بعد از بیان اسباب هدایت) اگر کسی آن را کتمان کند خداوند و همه لعن‌کنندگان بر او لعنت می‌فرستند، پس کتمان حرام است چون لعن ظهور در حرمت دارد و لازمه حرمت کتمان، وجوب اظهار است. یعنی لازم است که آن را بیان کنند و اگر بیان کردن لازم باشد حتماً قبول کردن آن هم واجب است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵ ش: ۴/۲۹۲).

جهاد تبیین تلاش در جهت اظهار حقایق و اضمحلال باطل البته کوشش در جهت ارشاد جاهل به عالم و جلوگیری از اغراء مخاطبین به جهل است، چنانچه امام صادق (ع) می‌فرماید: «در کتاب علی (ع) خواندم خدا از جاهل‌ها پیمان بر طلب علم نگرفته مگر اینکه پیش از آن از عالم‌ها پیمان

گرفته که به جاهل‌ها علم بیاموزند زیرا علم پیش از جهل است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ص ۴۱ / شهید ثانی، ۱۴۰۰: ۱۸۵). این سخن اولاً دلالت می‌کند -ولو به طور ضمنی- بر اینکه باقی بودن بر جهل حرام است تا چه رسد به «اغراء به جهل» یعنی باقی نگه داشتن بر جهل و برتر از آن ایجاد جهل و ثانیاً دلالت می‌کند بر اینکه «تعلیم و تعلّم» یعنی آموزش دادن و آموزش گرفتن واجب است و این معنا به خوبی بیانگر اهمّیت و وجوب جهاد تبیین از ناحیه آگاهان به امور است. در جهاد تبیین نیز بر حسب جایگاه افراد و موقعیت و مناسبت‌ها، ارشاد و راهنمایی جاهل در حکم الهی و یا موضوعات مهمی مانند جان، آبرو، ناموس و اموال مؤمنان، محقق می‌شود. لذا از آن جا که ارشاد جاهل واجب است جهاد تبیین نیز که منجر به روشنگری و ارشاد جاهل می‌شود واجب خواهد بود.

#### قاعدهٔ حفظ نظام و حرمت اخلاص نظام

حفظ نظام از قواعد عقلی و ضروری است و جلوگیری از ایجاد خلل در نظام زندگی مسلمان و لازم بودن حفظ نظام از ضروریات فقه است. بعضی از فقهاء واجبات را به نظامی و غیر نظامی تقسیم کرده‌اند. واجبات نظامی آن دسته از اموری هستند که وجوب آن‌ها به جهت حفظ نظام بندگان است و واجبات غیر نظامی هر امری که وجوب آن به جهت غرضی است که به اشخاص بر می‌گردد بدون جهت حفظ نظام (املی، تقریر نائینی، ۱۴۱۳ ه.ق: ۱/ ۴۲). امام خمینی، جلوگیری از هرج و مرج و حفظ نظام را یکی از فلسفه‌های تشکیل حکومت می‌داند و ماندگاری احکام الهی اقتضای وجود حکومتی را می‌کند که نگهدار سیادت قانون الهی و عهده دار اجرای آن باشد (خمینی، ۱۴۲۱ ق: ۲/ ۶۱۹). احکامی که راجع به حفظ نظام اسلام و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال امت اسلام است، بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد. در آیه شریفه: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» امر به تهیه و تدارک هر چه بیشتر نیروی مسلح و دفاعی به طور کلی و امر به آماده باش و مراقبت همیشگی در دوره صلح و آرامش شده است (خمینی، ۱۴۲۳ ق: ۱/ ۳۳). امام خمینی دفاع را بر دو قسم دفاع از کیان اسلام و دفاع از شخص منقسم نموده است و دفاع از بیضه اسلام را مشروط به حضور امام یا حتی اجازه امام یا نائب خاص یا عام امام نکرده است (امام خمینی، ۱۴۰۳: ۱/ ۱۱۵). بنابراین "حفظ نظام" واجب و یکی از فرائض اسلامی بسیار مهم است. آماده سازی و فراهم آوردن مقدمات آن نیز واجب است. پرواضح است که مراقبت دشمنان و تجسس درباره برنامه‌های آنان از جمله مقدمات مهم "حفظ نظام مسلمان" به شمار می‌رود (منتظری، ۱۳۶۷ ش: ۴/ ۳۰۵). یکی از آیاتی که بر این قاعده دلالت دارد آیه‌ای است که

از طریق پیروی از صراط مستقیم دعوت به وحدت می‌کند: "وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ: و [شما ای اهل ایمان!] مانند کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد، پراکنده و گروه گروه شدند و [در دین] اختلاف پیدا کردند، و آنان را عذابی بزرگ است" (آل عمران/ ۱۰۵)؛ بعید نیست که جمله "مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ" متعلق باشد فقط به جمله: "و اختلفوا" و در این صورت مراد از اختلاف، تفرق از حیث اعتقاد و مراد از تفرق، اختلاف از نظر بدنها است. و اگر تفرق را جلوتر از اختلاف آورد، برای این بود که تفرقه و جدایی بدنها از هم، مقدمه جدایی عقاید است (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳/ ۳۷۳-۳۷۴).

-روایات مربوط به امامت و حفظ نظام: "رسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: اسْمَعُوا و اطِيعُوا لِمَنْ وَاوَاهُ اللهُ الْأُمْرَ، فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: "از کسی که خداوند او را ولی امر شما کرده است، شنوایی و اطاعت داشته باشید که او رشته کار اسلام است" (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱/ ۱۴). حفظ نظام از اوجب واجبات است حفظ نظام، یعنی حفظ همه ارزشهایی که نظام اسلامی خودش را متعهد به آنها می‌داند؛ مثل عدالت، پیشرفت و معنویت (حسینی خامنه، ۱۳۹۵/۴/۱۲).

البته باید متذکر شد که پس از اثبات اصل قضیه -یعنی قاعده وجوب حفظ نظام- که جنبه اجبابی دارد، عکس آن یعنی حرمت اخلال نظام که جنبه سلبی دارد نیز بالملازمه اثبات می‌شود که منظور از آن اقدام به هر فعل، ترک فعل یا قولی است که در نظام اخلال وارد کرده و ایجاد بی نظمی و هرج و مرج و آشفتگی کند و در نتیجه انسان را از رسیدن به هدف خود یعنی کمال و سعادت بازدارد. از آنجا که حفظ بیضه اسلام از مهمترین واجبات شمرده شده است (نائینی، ۱۴۲۴ ق: ۱/ ۳۹-۴۰) اگر نظام اسلامی تشخیص دهد که عملی شرعاً نهی صریح ندارد، اما می‌توان با توجه به مصالح موجود در جامعه، آن را تحت پوشش یکی از اعمال منهی قرار داد (محقق داماد، ۱۴۰۶ ه ق: ۴/ ۲۴۶). بنابراین از آن جایی که حفظ نظام اسلامی از هر حیث واجب است؛ بنابراین جهاد تبیین که باعث تحقق این امر می‌شود، واجب خواهد بود. در نتیجه افراد جامعه اسلامی موظفند به مقتضای قاعده وجوب حفظ نظام و حرمت اخلال در آن اقدام به جهاد تبیین نمایند تا با تئویر و روشنگری حقایق و تثبیت آن از اخلال در نظام ممانعت به عمل آورده و در جهت حفظ نظام گام موثری بردارند.

قاعدهٔ مصلحت اسلامی

اصلاح به معنای بهبود بخشیدن، مخالف تباه کردن و مصلحت به معنای شایستگی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ: ۲/ ۵۱۷). در اصطلاح منظور از مصلحت دفع ضرر یا جلب منفعت برای دین و دنیا است (قمی، ۱۴۳۰ ق: ۳/ ۲۰۸). این عنوان ثانوی بیشتر در مواردی به کار می‌رود که رعایت آنها به نفع و صلاح جامعه است و رعایت نکردن آنها موجب اختلال و فساد در جامعه نمی‌شود. البته در پاره‌ای موارد «مصلحت نظام» بر اموری نیز اطلاق می‌شود که عدم رعایت آنها موجب اختلاف و فساد جامعه گردد، که در این بخش از مصادیق با عنوان «حفظ نظام» مشترک است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲ ش: ۱/ ۲۸۵). مصلحت نظام بندگان مهم تر است نزد شارع از هر چیزی (خوئی، ۱۴۲۸ هـ: ۲/ ۲۰۴). از اخبار و کلام اصحاب، بلکه ظاهر قرآن (نساء، ۲۹) این معنی استفاده می‌شود که تمام معاملات و غیر معاملات، برای مصالح و منافع دنیوی و اخروی مردم، یعنی آنچه به نظر عرف مصلحت و سود نامیده می‌شود، تشریح شده‌اند (نجفی جواهری، ۱۳۶۲ ش: ۲۲/ ۳۴۴). توجه به این حکم و قاعده عقلی ضرورت رعایت مصلحت جامعه اسلامی، مسلمانان در مقابل تحریف و یا عملکردی که با مصلحت جامعه در تعارض است، مسئولیت دارد (حسینی خامنه، ۱۳۹۹/۳). بنابراین با استناد به وجوب مصلحت نظام، جهاد تبیین که در جهت روشنگری و مطابق مصلحت نظام است نیز واجب می‌شود و در این برهه از زمان بر حسب قاعده مصلحت و وجوب آن عینی است.

وجوب تعاون و همکاری بر کار خیر و حرمت اعانه بر اثم و عدوان

عقل به قبح اعانت بر اثم، که سبب خشم مولی می‌شود، حکم کرده است، همان طور که ارتکاب آن نیز عقلاً قبیح است. همچنین عقل تهیه مقدمات و اسباب فعل حرام و اعانت بر فعل را قبیح و مستحق عقاب دانسته است (بجنوردی، ۱۴۰۱ هـ ق: ۲/ ۲۳۶). در قول خداوند تعالی: وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ كَمَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ (مائده، ۲) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید. تعاون بر بر مأمور به می‌باشد (سبزواری، ۱۴۲۳: ۲/ ۵۲۲) این آیه اساس سنت اسلامی است (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق: ۵/ ۱۶۳). اعانه در جایی صادق است که یا قصد باشد یا اینکه عرفاً عنوان اعانه صدق کند مثل جایی که ظالمی از شخصی چوب می‌خواهد تا دیگری را بزند و او آن را به او می‌دهد (محقق اردبیلی، بی تا: ۱/ ۲۹۷-۲۹۸). آنچه که در آیه مزبور در زمینه تعاون آمده یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را در بر می‌گیرد. طبق این اصل مسلمانان موظفند در کارهای نیک، تعاون کنند اما در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم مطلقاً همکاری ممنوع است

(بجنوردی، ۱۴۰۱ ه ق: ۲/ ۲۳۴). وجه غالب زندگی در نظام اسلامی باید تعاطف و تعاون باشد؛ در آیات کریمه قرآن هم این مسأله مورد اهمیت است (حسینی خامنه، ۱۳۷۷/۱/۲۷). با عنایت به وجوب تعاون بر کار خیر لازم می‌آید جهاد تبیین که مصادیقی از تعاون محسوب می‌شود واجب باشد.

#### قاعده دعوت

دعوت به معنای درخواست مسلمانان از افراد غیر مسلمان برای پذیرش اسلام است که دو دیدگاه در باب قلمرو آن مطرح است؛ یکی آنکه وظیفه مسلمانان شناساندن حقیقت دین به غیر مسلمانان است و دیگر آنکه علاوه بر امر نخست درخواست از آنان برای پذیرش دین اسلام و جذب آنها به هر نحوی که ممکن باشد (شریعتی، ۱۳۹۳: ۳۰۲). دعوت شیوه‌هایی دارد که قاعده مزبور تمامی آنها را شامل می‌شود و بطور کلی به دو نوع زبانی و عملی تقسیم می‌گردد. دعوت زبانی اعم است از دعوت با سخنان حکیمانه و همراه با منطق، موعظه و نصیحت و جدال نیک و دعوت عملی عبارت است از دعوت افراد با رفتار مناسب و شایسته. قاعده دعوت بر مسئله جهاد -قتال- که مهم‌ترین فروع دین اسلام است حاکم می‌باشد و گستره آن اقتضا دارد که جهاد تبیین و دعوت و گفتن نیکو از مصادیق آن محسوب گردیده و راهی مؤثر بر اظهار حقانیت مدعا باشد.

#### نتایج

جهاد تبیین یکی از انواع جهاد محسوب می‌شود. آیت الله خامنه‌ای در جایگاه فقاوت و رهبری در عصر کنونی احیاء کننده مفهوم جهاد تبیین بوده است. از منظر ایشان جهاد تبیین بر تلاش و بذل و شکرانه در برابر خصم، در راه اعتلاء و برپایی دین اسلام اطلاق می‌شود. جهاد تبیین از آن جا که در عصر کنونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است واجب عینی دانسته شده است. البته موارد جهاد تبیین، نسبت به افراد و موارد، مختلف است و بر هر فرد مسلمان و انقلابی تبیین و روشنگری لازم شده است. لازم به ذکر است این فریضه، قطعی و فوری و در حد توان و قدرت فرد لازم می‌شود که به صورت تدافعی و تهاجمی به انجام می‌رسد. الزامات آن عبارت است از علم و آگاهی، عامل بودن به آگاهی‌ها و دانسته‌ها، عدالت در گفتار، سخن مستدل، محکم، آسان و قابل فهم، بلیغ، نیکو، معروف و کریمانه. طبق دیدگاه آیت الله خامنه‌ای تبیین سبک زندگی اسلامی ایرانی، مبانی انقلاب اسلامی، ارزش‌های اسلام، دست آوردهای انقلاب، دشمنی و نفوذ دشمنان ایران، فریضه نماز، تهاجم فرهنگی، سیره شهدا، مهدویت، راه امام راحل، مقاومت در برابر دشمن و حجاب از موضوعاتی به حساب می‌آیند که امروزه نیازمند جهاد تبیین است. وجوب جهاد تبیین

مبتنی بر کتاب، سنت و عقل از جمله قاعده فقهی و جواب ارشاد جاهل، و جواب حفظ نظام و حرمت اخلال به آن، مصلحت نظام، تعاون بر بر و تقوی و دعوت است.

## فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن الأثیر، مجد الدین أبو السعادات المبارک بن محمد (۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹ م). النهایة فی غریب الحدیث والأثر، بیروت: المكتبة العلمیة
۲. ابن عربی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸). احکام القرآن، بیروت: دار الجیل، (چاپ اول).
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت: دار صادر، (چاپ سوم).
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری، (چاپ اول).
۵. آرایبی، وحید، (۱۴۰۱). حکمرانی فرهنگی انقلاب اسلامی ایران الهام بخش بیداری اسلامی، مطالعات بیداری اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴، پیاپی ۲۶، ۱۲۷-۱۴۴
۶. آملی، محمد تقی (۱۴۱۳). مکاسب و البیع، تقریر: نایینی، محمدحسین، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين
۷. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۱). مکاسب، قم: دار الذخائر، (چاپ اول).
۸. ایروانی، باقر (۱۳۸۶). الحلقة الثالثة فی اسلوبها الثانی، تهران: قلم، (چاپ اول).
۹. بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی (۱۴۰۱). قواعد فقهیه، تهران: مؤسسه عروج، (چاپ سوم).
۱۰. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب الإسلامی، (چاپ دوم).
۱۱. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵). احکام القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (چاپ اول).
۱۲. جوهری، أبو نصر! سماعیل بن حماد (۱۴۰۷). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم للملایین، (چاپ چهارم).
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). تفصیل و سائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث

۱۴. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۷۲/۲/۱۵). بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از کارگران

و معلمان

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2666>

۱۵. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۷۳/۶/۲۱). بیانات در آغاز بکار دهمین گردهمایی سراسری ائمه

جمعه

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=17358&nt=2&year=1373&tid=1010>

۱۶. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۷۳/۱۱/۳). دیدار جمعی از هنرمندان و دست‌اندرکاران امور

فرهنگی و هنری

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=29948>

۱۷. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۷۵/۳/۲۰). بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله

(ص)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4790>

۱۸. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۷۷/۱/۲۷). بیانات در دیدار کارگزاران نظام

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2882>

۱۹. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۷۷/۱۲/۴). بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و

سردبیران نشریات دانشجویی

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7571>

۲۰. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۷۸/۵/۸). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2962>

۲۱. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۸۲/۱۱/۸). پیام به کنگره عظیم حج

<https://www.leader.ir/fa/content/pdf/2539>

۲۲. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۸۴/۳/۱۰). بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد

ارتحال امام خمینی (ره)

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=3294&nt=2&year=1384&tid=1422>

۲۳. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۸۴/۱۱/۳۰). بیانات در دیدار جمعی از مخترعان جوان

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=3276&nt=2&year=1384&tid=5085>

۲۴. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۸۶/۴/۹). بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت و مدیران اجرایی کشور

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3389>

۲۵. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۸۶/۵/۲۸). بیانات در دیدار میهمانان شرکت کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت (ع)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3397>

۲۶. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۰/۴/۱۸). بیانات در دیدار اساتید و فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12889>

۲۷. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۱/۹/۲۱). بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21741>

۲۸. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۳/۴/۱۱). بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26859>

۲۹. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۴/۸/۱۲). بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17819>

۳۰. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۴/۱۰/۱۴). بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50689>

۳۱. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۵/۲/۲۹). بیانات رهبری در دیدار قاریان و حافظان برتر شرکت کننده در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33125>

۳۲. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۵/۴/۱۲). بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33694>

۳۳. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۵/۵/۳۱). بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34109>

۳۴. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۵/۷/۵). بیانات در دیدار اعضای ستادهای برگزاری کنگره شهدای استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34514>

۳۵. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۸/۱۰/۲۳). بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهدای روحانی

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50291>

۳۶. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۹/۳/۱۴). سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45814>

۳۷. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۹/۱۱/۲۹). بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47366>

۳۸. حسینی خامنه، سید علی (۱۴۰۰/۷/۵). بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=48746>

۳۹. حسینی خامنه، سید علی (۱۴۰۰/۹/۲۱). بیانات در دیدار پرستاران و خانواده شهدای سلامت

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49192>

۴۰. حسینی خامنه، سید علی (۱۴۰۱/۹/۵). بیانات در دیدار بسیجیان

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51418>

۴۱. حیائی، طاهره، حیائی، محمد حسین (۱۴۰۱). گستره جهاد تبیین در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای، معرفت سیاسی، شماره ۲۷، ۷-۲۰.

۴۲. خمینی، روح‌الله (۱۴۲۱). کتاب البیع، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (چاپ اول).

۴۳. خمینی، روح‌الله، (۱۴۰۳). تحریر الوسیله، تهران: مکتبه اعتماد، (بی‌چاپ).

۴۴. خمینی، روح‌الله (۱۴۲۳). ولایت فقیه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

۴۵. خویی، ابوالقاسم (۱۴۰۲). مصباح الفقاهه، قم: منشورات مکتبه‌الداوری، (چاپ اول).

۴۶. خویی، ابوالقاسم (۱۴۲۸). غایبه‌المأمول، قم: المجمع الفکر الاسلامی، (چاپ اول).

۴۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل (۱۴۰۴). المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر الکتاب، (چاپ دوم).

۴۸. رحمانی تیرکلایی، حسین، (۱۴۰۱). بررسی تأثیرات بینشی و انگیزشی قدرت نرم دشمن بر بیداری اسلامی از نگاه خطبه‌های ۱۶، ۲۲ و ۹۳ نهج‌البلاغه، مطالعات بیداری اسلامی، سال ۱۱،

شماره ۴، پیاپی ۲۶، ۷-۲۹

۴۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، (چاپ اول).
۵۰. سبزواری، محقق، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳). کفایة الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (چاپ اول).
۵۱. شاه‌عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳). تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات، (چاپ اول).
۵۲. شریعتی روح‌الله (۱۳۹۳). قواعد فقه سیاسی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، (بی‌چاپ).
۵۳. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی‌العاملی (۱۴۰۰ ه.ق). منیه المرید، قم: انتشارات صادقی، (بی‌چاپ).
۵۴. شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی (۱۴۱۹). حاشیه محیی‌الدین شیخ‌زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، (چاپ اول).
۵۵. شیخ طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۱۵). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، (چاپ اول).
۵۶. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: احیاء التراث العربی.
۵۷. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: المکتبه المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، (چاپ سوم).
۵۸. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة للشیخ، تهران: دار الکتب العلمیة، (چاپ چهارم).
۵۹. شیخ کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، (چاپ چهارم).
۶۰. شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). الأملی، قم: کنگره شیخ مفید، (چاپ اول).
۶۱. صلح میرزایی، سعید (۱۴۰۰). جهاد تبیین در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، (چاپ اول).
۶۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، (چاپ دوم).
۶۳. عظیمی، مجتبی (۱۴۰۰/۱۱/۲۲). جهاد تبیین.

۶۴. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۵ ش). ایضاح الکفایه، قم: نوح، (چاپ پنجم).
۶۵. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۱۵). تفسیر الصافی، تهران: کتبه ُ صدر
۶۶. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، (چاپ اول).
۶۷. قمی، میرزا أبو القاسم (۱۴۳۰). القوانین المحکمه فی الأصول، قم: احیاء الکتب الاسلامیه، (چاپ اول).
۶۸. کاشانی، فتح الله بن شکرالله (۱۳۳۶ ه.ش). منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ۱۰ جلد، تهران: کتابفروشی اسلامیة، (چاپ اول).
۶۹. کریمی، محمود، بخشی، محمد رضا (۱۳۹۹). مفهوم شناسی جهاد کبیر در قرآن کریم و تبیین عرصه‌های آن، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره شانزدهم، ۱۸۷-۲۰۶
۷۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). بحار الأنوار لدرر اخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، (چاپ دوم).
۷۱. محقق مقدّس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). زبده البیان فی أحكام القرآن، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، (چاپ اول).
۷۲. مروارید علی اصغر (۱۴۱۰ ه.ق). سلسله الینایع الفقهیة، بیروت: دار التراث الاسلامیه، (بی جا).
۷۳. مصباح یزدی، آیت الله محمد تقی (۱۳۹۲). بهترین ها و بدترین ها از دیدگاه نهج البلاغه، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، (چاپ پنجم).
۷۴. مصطفوی، محمد کاظم (۱۴۲۱). القواعد الفقهیة ۱، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، (چاپ چهارم).
۷۵. مطهری مرتضی (بی تا). رساله جهاد، تهران: انتشارات صدرا
۷۶. منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۳۶۷). مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه: محمود صلواتی، قم: مؤسسه کیهان
۷۷. نائینی، میرزا محمد حسین غروی (۱۴۲۴). تنبیه الأمة و تنزیه الملة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
۷۸. نجفی جواهری، شیخ محمد حسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (چاپ هفتم).

۷۹. نجم آبادی، زهرا السادات (۱۴۰۱). مقاله الزامات و موانع اخلاقی جهاد تبیین در اندیشه ُ مقام معظم رهبری با تکیه بر نقش روحانیت، مطالعات اخلاق کاربردی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، ۱۰۳-۱۲۸.

۸۰. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲). فرهنگ فقه، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، (چاپ اول).

۸۱. یزدی، سید مصطفی محقق داماد (۱۴۰۶). قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، (چاپ دوازدهم).